

سلسله مباحث

# امامت و مہدویت

ولایت و امامت خاصہ و عامہ

جلد چہارم

حضرت آیت اللہ العظمیٰ صافی گلپایگانی رحمۃ اللہ علیہ

سرشناسه	: صافی گلپایگانی، لطف‌الله
عنوان و نام پدیدآور	: امامت و مهدویت: ولایت و امامت، خاصه و عامه / لطف‌الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر	: قم دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ج ۴.
فروست	: سلسله مباحث امامت و مهدویت.
شابک	: ۸-۱۹-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸: دوره؛ ۱-۱۸-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸ ج ۴؛ ۱۸۰۰۰۰۰ ریال.
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: کتاب حاضر قبلاً توسط انتشارات حضرت معصومه (س) منتشر شده است.
یادداشت	: چاپ ششم، کتاب‌نامه.
موضوع	: امامت، ولایت، مهدویت.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۵ / ۸۳ / الف ۲ / ص ۲ / BP۲۲۳
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۴ / ۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۳۳۵۳

### دفتر تنظیم و نشر آثار

## حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله

- نام کتاب: امامت و مهدویت / ج ۴
- مؤلف: حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی مدظله‌العالی
- چاپ اول ناشر (ویراست اول)، ششم کتاب: جمادی الاولی ۱۴۴۱ / زمستان ۱۳۹۷
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بهای دوره چهار جلدی: ۱۸۰۰۰۰ تومان
- شابک: ۱-۱۸-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸
- شابک دوره: ۸-۱۹-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸
- سایت الکترونیک: [www.saafi.net](http://www.saafi.net)
- پست الکترونیک: [saafi@saafi.net](mailto:saafi@saafi.net)
- آدرس پستی: قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ۳۷۷۵۵۵۴۳ (۰۲۵)

## فهرست مطالب

اصالت مهدویت .....	۱۹
نور امید .....	۲۳
اصالت مهدویت .....	۲۸
۱. اصالت مهدویت از جهت معقول بودن امکان آن .....	۳۱
۲. اصالت مهدویت از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی .....	۳۴
۳. اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت .....	۳۶
۴. اصالت مهدویت از جهت قبول امم و ابتدای آن بر بشارات پیامبران و ادیان آسمانی .....	۴۲
اسرائیلیات .....	۴۸
شناسایی اسرائیلیات .....	۵۳
روشنفکران عوضی و اسرائیلیات .....	۵۴
۵. اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم .....	۶۰
۶. اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر احادیث معتبر و متواتر .....	۶۷
۷. اصالت مهدویت از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت .....	۷۰

.....	۴	امامت و مهدویت / ج ۴
.....	۷۲	۸. اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات
.....	۷۳	معجزات حضرت صاحب‌الامر ×
.....	۷۵	انواع معجزات حضرت صاحب‌الامر ×
.....	۸۷	۹. اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی
.....	۹۶	۱۰. اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی
.....	۹۹	نقش مهدویت
.....	۱۰۵	کتاب‌نامه
.....	۱۰۹	<b>معرفت حجت خدا شرح دعای «اللهم عرفنی نفسک...»</b>
.....	۱۱۱	اهدا
.....	۱۱۵	مقدمه
.....	۱۲۳	اعتبار سند دعا
.....	۱۲۵	<b>بخش اول: لغات دعا</b>
.....	۱۲۷	لغات دعا
.....	۱۲۷	۱. الله
.....	۱۳۵	۲. عرفان و معرفت
.....	۱۴۴	۳. نفس
.....	۱۵۵	۴. نبی و نبوت

فهرست مطالب.....	۵
۵. رسول.....	۱۵۵
۶. حَجَّت.....	۱۵۸
۷. ضلال و ضلالت.....	۱۶۱
<b>بخش دوم: تفسیر دعا.....</b>	<b>۱۷۳</b>
تفسیر دعا.....	۱۷۵
جمله اوّل.....	۱۷۵
شرح و تفسیر.....	۱۷۵
نتیجه.....	۱۸۴
جمله دوم.....	۱۸۸
جمله سوم.....	۱۹۱
نتیجه.....	۲۰۱
بحث کلی پیرامون دعا.....	۲۰۴
کتابنامه.....	۲۱۵
<b>به سوی دولت کریمه.....</b>	<b>۲۲۵</b>
سخنی با منتظران.....	۲۲۷
امداد غیبی و ویژگی های جامعه موعود.....	۲۳۳
تذکر لازم.....	۲۳۶
۱. قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است.....	۲۳۸

.....	۶	.....	امامت و مهدویت / ج ۴
.....	۲۴۰	.....	۲. حاکم، خلیفه‌الله و امام زمان است
.....	۲۴۳	.....	۳. امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد
.....	۲۵۱	.....	۴. حذف تجمل‌گرایی
.....	۲۵۵	.....	تذکر و رفع اشتباه
.....	۲۵۹	.....	۵. امنیت و صلح عمومی
.....	۲۶۰	.....	۶. شکوفایی وضع اقتصادی
.....	۲۶۱	.....	۷. همه خدا را می‌پرستند
.....	۲۶۹	.....	۸. قسط و عدل جهانی
.....	۲۷۴	.....	به امید آن روز، آن عصر و آن دولت کریمه
.....	۲۷۷	.....	کتاب‌نامه
.....	۲۸۳	.....	<b>پیام‌های مهدوی</b>
.....	۲۸۵	.....	پیام اول
.....	۲۸۹	.....	پیام دوم
.....	۲۸۹	.....	شوق دیدار
.....	۲۸۹	.....	ظاهر و باطن جشن میلاد
.....	۲۹۱	.....	پیام سوم
.....	۲۹۲	.....	بشارت قرآنی
.....	۲۹۲	.....	قوت نورانیت امام عصر X

۷	فهرست مطالب
۲۹۳	حضور پر معنا
۲۹۳	نور حق در برابر ظلمت باطل
۲۹۶	پیام چهارم
۲۹۶	وظایف شیعه در عصر غیبت
۲۹۷	مسئولیت منتظر حقیقی
۲۹۷	منتظر ظهور، آگاه است
۲۹۸	جشن میلاد و تعهد دینی
۲۹۸	حفظ جلوه ملکوتی جشن
۲۹۹	پیام پنجم
۲۹۹	حرکت به سوی حکومت مهدوی
۳۰۰	عوامل سرور و حزن امام عصر *
۳۰۱	پیام ششم
۳۰۱	یاد امام عصر *، نجات از مرگ جاهلی
۳۰۳	پیام هفتم
۳۰۳	رایحه رهایی
۳۰۵	پیام هشتم
۳۰۵	نیمه شعبان، فرصتی برای محاسبه نفس
۳۰۶	سعادت در گرو رضایت امام منتظر

۴	امامت و مهدویت / ج ۴	۸
۳۰۶	نعمت معرفت امام و شکران آن	
۳۰۷	وظایف مؤمنان در عصر غیبت	
۳۰۷	عصر غیبت، خطرات و مخاطرات	
۳۰۸	پاداش استقامت در عصر غیبت	
۳۱۰	توصیه‌ای به جوانان و بانوان	
۳۱۰	وظایف منتظران	
۳۱۲	عمل به تکلیف در عصر غیبت	
۳۱۳	پیام نهم	
۳۱۴	از دین خدا، دفاع کنید	
۳۱۵	نقشه‌های دشمنان دین	
۳۱۵	هراس دشمن از موج اسلام‌خواهی	
۳۱۶	حساسیت و وظیفه در عصر غیبت	
۳۱۸	پیام دهم	
۳۱۸	ویژگی‌های جهان معاصر	
۳۱۸	ویژگی‌های عالم خلقت	
۳۱۹	بحران معنویت در دنیای کنونی	
۳۲۰	آرامش روحی در پرتو دین‌داری	
۳۲۱	بشارت امیدآفرین ادیان الهی	



۹.....	فهرست مطالب.....
۳۲۱.....	مختصات دولت کریمه.....
۳۲۲.....	امید و حرکت، مفهوم انتظار.....
۳۲۳.....	به یاد او.....
۳۲۳.....	ترویج فرهنگ انتظار.....
۳۲۴.....	انتظار، حرکت آفرین است.....
۳۲۵.....	معرفت ولیّ خدا، نیاز همه ما.....
۳۲۷.....	نام‌گذاری دهه مهدویّت.....
۳۲۹.....	پیام یازدهم.....
۳۲۹.....	فضیلت و ثواب انتظار ظهور حضرت مهدی ×.....
۳۳۰.....	ولادت امام عصر × فرصت اسلام‌شناسی و امام‌شناسی.....
۳۳۰.....	ویژگی‌های جامعه منتظر ظهور.....
۳۳۲.....	تحقق جامعه منتظر واقعی با تمسک تامّ به احکام اسلام.....
۳۳۳.....	رضایت ولیّ عصر × در گرو تلاش برای رفع معایب و نواقص.....
۳۳۴.....	پیام دوازدهم.....
۳۳۶.....	پیام سیزدهم.....
۳۳۷.....	سرانجام جهان.....
۳۳۷.....	بشارت به دولت کریمه.....
۳۴۰.....	پیام چهاردهم.....

۱۰	..... امامت و مهدویت / ج ۴
۳۴۱	..... اصالت مهدویت
۳۴۳	..... پیام پانزدهم
۳۴۳	..... اثرات سوء ناامیدی
۳۴۳	..... راز پیروزی
۳۴۴	..... چشم‌انداز نشاط‌آفرین
۳۴۵	..... برکات عینی عقیده به مهدویت
۳۴۷	..... پیام شانزدهم
۳۴۸	..... مسئولیت بی‌تفاوتی
۳۴۸	..... نیمه شعبان، روز امید
۳۴۹	..... ظاهر و باطن برنامه‌های روز میلاد
۳۵۰	..... دل‌نگرانی‌های امام‌زمان ×
۳۵۰	..... پیام نیمه شعبان
۳۵۱	..... حفظ هویت اسلامی
۳۵۱	..... اّمّت پیروز
۳۵۳	..... پیام هفدهم
۳۵۳	..... روزها و رازها
۳۵۴	..... گم‌گشته همه انسان‌ها
۳۵۴	..... بهره‌گیری مناسب از جشن میلاد

۱۱	فهرست مطالب
۳۵۵	فرصتی برای رفع کاستی‌ها
۳۵۵	نیمه شعبان، نمود تعهد دینی
۳۵۷	پیام هجدهم
۳۵۸	از محکم‌ترین اسناد ولایت
۳۵۸	امام سجاد <sup>×</sup> و چشم‌انداز ظهور
۳۵۹	لزوم توجه به دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه
۳۶۱	پیام نوزدهم
۳۶۲	یک رویداد بزرگ
۳۶۲	به سوی آینده‌ای درخشان
۳۶۲	بشارت آسمانی
۳۶۲	دادگستر جهان
۳۶۵	پیام بیستم
۳۶۵	آینده‌شناسی اسلامی
۳۶۶	اخبار غیبی
۳۶۶	اخبار تحقق‌یافته
۳۶۷	اخبار محقق‌الوقوع
۳۶۹	پیام بیست و یکم
۳۶۹	نعمت بزرگ حجت

۱۲	..... امامت و مهدویت / ج ۴
۳۷۰	..... شکر نعمت
۳۷۰	..... مسئولیت ما در برابر حجّت خدا
۳۷۲	..... پیام بیست و دوم
۳۷۳	..... اصول جامعه مهدوی
۳۷۵	..... تناقض در دنیای به اصطلاح متمدن
۳۷۵	..... به سوی مدینه فاضله
۳۷۵	..... راه سعادت
۳۷۶	..... نمونه‌ای از جامعه مهدوی
۳۷۷	..... پیام بیست و سوم
۳۷۸	..... برکات تعظیم مکتب مهدویت
۳۷۸	..... عصر امتحان
۳۷۹	..... مهم‌ترین وظیفه در عصر غیبت
۳۷۹	..... دشمن و سیاست اسلام‌زدایی
۳۸۰	..... تأکید بر استقامت در عصر غیبت
۳۸۱	..... معنای ولایت‌مداری
۳۸۲	..... پیام بیست و چهارم
۳۸۲	..... توجه به صفت علم و قدرت الهی
۳۸۴	..... غفلت از قدرت الهی

۱۳	فهرست مطالب
۳۸۵	نقش زیربنایی توحید
۳۸۵	عقیده به مهدویت
۳۸۷	پیام بیست و پنجم
۳۸۷	حرکت جهان به سوی کمال
۳۸۸	یک دوران استثنایی
۳۸۸	ویژگی‌های عصر موعود
۳۸۹	آزمونی خطیر
۳۹۱	پیام بیست و ششم
۳۹۱	برنامه‌های مهدوی و معرفت‌افزایی
۳۹۲	معرفت حجت، نجات از مرگ جاهلی
۳۹۳	یگانه راه رستگاری
۳۹۵	پیام بیست و هفتم
۳۹۵	انتظار، نور امید و حرکت
۳۹۶	سحر، نزدیک است
۳۹۷	پیام بیست و هشتم
۳۹۸	توصیه به حفظ هویت دینی
۳۹۸	پوچی در دنیای کفر
۴۰۰	پیام بیست و نهم

..... ۱۴	..... امامت و مهدویت / ج ۴
..... ۴۰۰	..... عقیده به مهدویت شخصی
..... ۴۰۳	..... تحقیقات مهدوی، باید‌ها و نبایدها
..... ۴۰۳	..... تبلیغات مهدوی، خوش‌صورت و پرمحتوا
..... ۴۰۴	..... توجّه به رضایت حضرت در برنامه‌ها
..... ۴۰۵	..... پیام سی‌ام
..... ۴۰۵	..... پیرامون فلسفه جشن بزرگ نیمه شعبان
..... ۴۰۶	..... نوید حکومت عدل جهانی توسط پیامبران و امامان <sup>^</sup>
..... ۴۰۷	..... اتفاق نظر مسلمانان در پیروزی حق بر باطل
..... ۴۰۷	..... جشن میلاد و امیدبخشی به بشریت
..... ۴۰۸	..... احیای نیمه شعبان، اعلام وفاداری به اسلام
..... ۴۱۰	..... پیام سی و یکم
..... ۴۱۰	..... ماه بابرکت شعبان فرصت تجدید عهد با اهل‌بیت <sup>^</sup>
..... ۴۱۱	..... عصر غیبت، عصر امتحان و تخلیص
..... ۴۱۲	..... امام عصر <sup>x</sup> ناظر اعمال ما
..... ۴۱۲	..... توصیه‌های مهم به منتظران ظهور جهت حفظ هویت دینی
..... ۴۱۵	..... پیام سی و دوم
..... ۴۱۵	..... تعظیم روز امامت و ولایت حضرت ولی عصر <sup>x</sup>
..... ۴۱۶	..... اشاعه فرهنگ مهدوی مصداق بارز تعظیم شعائر الهی

فهرست مطالب.....	۱۵
پیام سی و سوم.....	۴۱۸
شور و شوق جشن میلاد.....	۴۱۸
دهه مهدویت تجدید عهد با حضرت ولیّ عصر <sup>×</sup> .....	۴۱۹
دعا برای تعجیل در ظهور.....	۴۱۹
پیام سی و چهارم.....	۴۲۱
ویژگی‌ها و اوصاف شخص منتظر.....	۴۲۱
روابط زن و مرد در اسلام.....	۴۲۲
فرهنگ حجاب و کرامت زن.....	۴۲۲
ظهور انتظار واقعی در جامعه با التزام به احکام اسلامی.....	۴۲۴
پیام سی و پنجم.....	۴۲۶
هویّت حقیقی انسان در احساس فقر و نیاز در برابر خالق.....	۴۲۶
دعا و تضرّع به درگاه الهی رمز برتری پیامبران و امامان <sup>^</sup> .....	۴۲۷
فضیلت دعا.....	۴۲۹
جامعیّت کتاب نفیس مکیال‌المکارم.....	۴۲۹
پیام سی و ششم.....	۴۳۱
آینده جهان از نگاه منتظران ظهور.....	۴۳۱
پیام شیعیان در برگزاری مراسم جشن نیمه شعبان.....	۴۳۲
وعده حتمی الهی به تحقّق صلح و عدالت جهانی.....	۴۳۲

..... ۱۶	..... امامت و مهدویت / ج ۴
..... ۴۳۴	..... پیام سی و هفتم
..... ۴۳۵	..... تحقّق عدالت در سایه ظهور حضرت ولیّ عصر * <sup>×</sup>
..... ۴۳۶	..... عصر غیبت، عصر امتحان
..... ۴۳۷	..... برگزاری جشن میلاد
..... ۴۳۷	..... مسائل مهم مورد توجه در ایام میلاد
..... ۴۴۰	..... پیام سی و هشتم
..... ۴۴۰	..... اصالت موضوع مهدویت
..... ۴۴۱	..... مهدویّت هویت اسلام و ایمان
..... ۴۴۲	..... عقیده مهدویّت در شیعه
..... ۴۴۵	..... پیام سی و نهم
..... ۴۴۶	..... امید به آینده از امتیازات ادیان الهی و مکتب اسلام
..... ۴۴۶	..... بشارت ادیان الهی به حکومت واحد الهی
..... ۴۴۷	..... لزوم تبلیغ آموزه‌های مکتب امیدبخش اسلام
..... ۴۴۹	..... پیام چهلم
..... ۴۴۹	..... ماه شعبان فرصت احیای امر اهل بیت <sup>^</sup>
..... ۴۵۰	..... توصیه به دعا کردن در اسلام
..... ۴۵۱	..... آثار و فوائد دعا
..... ۴۵۱	..... دعا برای حضرت صاحب‌الأمر * <sup>×</sup> برنامه‌ای همگانی



۱۷	فهرست مطالب
۴۵۳	پیام چهل و یکم
۴۵۳	مصادیق ایمان به غیب
۴۵۴	فضیلت ایمان به انبیای گذشته و امامان <sup>^</sup>
۴۵۵	ویژگی‌های مؤمن به وجود امام عصر <sup>x</sup> و عصر غیبت
۴۵۶	فرق ایمان به غیب در عصر غیبت با اعصار دیگر
۴۵۷	وظایف مؤمنان در عصر غیبت
۴۵۸	پیام چهل و دوم
۴۵۹	اهمیت موضوع مهدویت
۴۵۹	دهه مهدویت فرصت تدارک کاستی‌ها
۴۵۹	حفظ عزت در گرو احیای امر ولایت
۴۶۲	پیام چهل و سوم
۴۶۲	مشکلات دنیای معاصر
۴۶۳	نقش گرایش به مهدویت در رفع مشکلات
۴۶۳	بشارت‌های مهدوی در قرآن و روایات
۴۶۶	پیام چهل و چهارم
۴۶۶	بزرگداشت آغاز عصر مهدوی
۴۶۷	وجود حجت خدا بزرگ‌ترین نعمت هر عصر
۴۶۷	وظایف شیعیان در عصر غیبت

۱۸	..... امامت و مهدویت / ج ۴
۴۶۹	..... پیام چهل و پنجم
۴۶۹	..... باور به مهدویت عقیده‌ای اسلامی
۴۷۰	..... ویژگی‌های عصر ظهور
۴۷۰	..... سعادت بشر در عمل به اصول و مبانی جامعه مهدوی
۴۷۲	..... پیام چهل و ششم
۴۷۲	..... معرفی شخصیت ولی عصر <sup>×</sup> بر اساس آیات و روایات
۴۷۳	..... نقش مهدیه‌ها در تحقق جامعه مهدوی
۴۷۴	..... لقب «المهدی» در روایات
۴۷۷	..... کتاب‌نامه
۴۸۵	..... آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# اصالت مہدویت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَنَنْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِرُسُلِكَ وَأَنْبِيَائِكَ  
وَأَكْرَمْتَهُمْ بِخُلَفَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، وَنَصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَيَّ وَأَمِينٍ وَخِيكَ  
وَخَاتَمٍ مَنْ بَعَثْتَهُ إِلَى خَلْقِكَ سَيِّدِنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
الطَّاهِرِينَ. لَا سِيَّمَا الْإِمَامَ الْمُنتَظِرَ وَالْوَلِيَّ الثَّانِيَّ عَشَرَ وَالْعَدْلَ  
الْمُشْتَهَرَ، مَوْلَانَا الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِيَّ أَرْوَاحَنَا فِدَاهُ. اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَيْهِ وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ  
وَمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَأْتِيَ  
رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي اسْمُهُ اسْمِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا  
مُلِنْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»؛<sup>۱</sup>

رسول خدا|| فرمود:

«اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز، هرآینه خدا آن روز را طولانی

فرماید تا بیاید مردی از عترت من که اسم او اسم من است، پر می کند

---

۱. صدوق، کمال الدین، ص ۳۱۸؛ کراچکی، کنز الفوائد، ص ۱۱۳؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۰، ۴۲۵؛ فتال  
نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۶۱؛ بحرانی، مدینه المعجز الاثمة الاثنی عشر، ج ۸، ص ۷؛ نگارنده،  
منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۲۳. (با اختلاف در عبارات).

۲۲ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

زمین را از قسط و عدل<sup>۱</sup> چنان که پر شده باشد از ظلم و جور».

---

۱. راجع به مفهوم قسط و عدل به کتاب *عقیده نجات بخش* (ص ۷۳ - ۷۹) و نیز در جلد اول این مجموعه و کتاب *وابستگی جهان به امام زمان* × (ص ۶۴) و نیز در جلد دوم این مجموعه تألیف نگارنده مراجعه شود.

## نور امید

### بسم الله الرحمن الرحيم

نور امید همواره درون جان بشر را روشن داشته و او را در برابر حوادث ناگوار پایدار می‌سازد و از گردنه‌ها و فرازونشیب‌های گوناگون گذرانده، گام‌به‌گام در مراحل ترقی و تکامل سیر می‌دهد.

اگر امید نبود، بشر هیچ قدمی را بر نمی‌داشت و هیچ رنج و زحمتی را متحمل نمی‌گشت و به حلّ این همه مشکلات، و باز کردن این همه گره‌ها و کشف خواص ماده موفّق نمی‌شد. هرچه هست از کشاورزی، تولید، صنعت، هنر، علم و مظاهر گوناگون و نتایج روزافزون فعالیت و تلاش بشر، از برکت نور امید است که خواست خدا و سنت الهی این نور را همیشه در باطن وجود انسان روشن داشته و جز عده معدودی همگان شکست‌ها و ناکامی‌ها را با آن قابل جبران می‌دانند و با آن ناراحتی و سستی را از خود دور می‌سازند.

این نور در مواقعی که تاریکی‌ها وجود فرد یا جامعه را فرا می‌گیرد و امواج ابتلا آنها را احاطه می‌نماید و موانع موقّیت‌ها؛ مانند کوه‌ها بر سر راه خودنمایی می‌کنند، ناگهان با یک درخشش پرتوافکن شده، او را از شکست روحی نجات می‌بخشد و همت‌ها را بیدار، عزم‌ها را استوار، مشتها را محکم و تصمیم‌ها را قاطع می‌سازد. عقیده به مهدویت و انتظار ظهور موعود آخرالزمان، علاوه بر آنکه عقیده به یک واقعیت و عقیده به وعده حتمی و تخلّف‌ناپذیر الهی است، همین نور امید

و آینده‌نگری را مؤکد می‌سازد و از برکاتش این است که منتظران را در راه یاری حقّ و دین خدا و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و زور و تسلیم نشدن در برابر باطل قوّت می‌بخشد و جبهه اسلام را در مقابل کفر، چنان می‌سازد که نومی‌دی از فتح و پیروزی در آن مفهومی نداشته باشد. غرب‌زدگی یا شرق‌زدگی وقتی چیره می‌شوند که ما از خود و مکتبمان مأیوس شده باشیم و اصالت‌ها و سرمایه‌هایی را که داریم، کارساز ندانیم.

آنان که علیه عقیده مهدویت، تبلیغات سوء و سم‌پاشی می‌نمایند، می‌خواهند این موضع و سنگر را از مسلمانان بگیرند تا به آسانی مقلد بیگانگان و پذیرای عادات و تلقینات سوء آنان شوند.

تا زمانی که جامعه‌ای اعتماد به نفس خود را از دست ندهد و از خود و مکتبش ناامید نشود، وابستگی فکری به بیگانگان پیدا نخواهد کرد، و اگر هم تحت سلطه سیاسی و نظامی آنها واقع شد، می‌کوشد تا زنجیرهای سلطه بیگانه را پاره کند. اما اگر احساس حقارت کرد، اگر اندیشه و ایمانش شکست خورد، و اگر مکتب و راه دیگران را قوی‌تر و سازنده‌تر از راه و مکتب خود شناخت و آنها را به‌عنوان الگو انتخاب کرد و ترقّی را در تقلید از آنها گمان نمود، خود و ایدئولوژی‌های مکتبی خود را فراموش خواهد کرد.

عقیده انتظار در معنای عامش که فراگیر تمام مسلمین است و در معنای خاصش که شیعه به آن معتقد است، این حالات و خودباختگی‌ها را نفی می‌کند و مسلمانان را به بازگشت به اسلام و تمسک به وحدت اسلامی و ریشه کن کردن نفوذ بیگانه و تنفّر از کفر و الحاد دعوت می‌نماید. مسلمان اگرچه به‌ظاهر خلع سلاح شده و قوای مادی خود را نسبت به دشمن ضعیف‌تر ببیند، هرگز احساس حقارت نمی‌نماید و میدان جهاد و تلاش را ترک نمی‌کند و خود را برتر از کفار می‌داند که:



**(وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)؛<sup>۱</sup>**

«عزت مخصوص خداوند و رسول او و اهل ایمان است».

به سرمایه‌های ایمانی و اسلامی خود و به وعده‌های الهی اتکا دارد و مرعوب و سست نمی‌شود، که:

**(وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)؛<sup>۲</sup>**

«سستی نکنید و اندوهناک نشوید؛ زیرا شما بلندمرتبه هستید اگر در

ایمان ثابت قدم باشید».

آن غرب‌زدگانی که حاضر نبودند در کارسازی اسلام بیندیشند و تسلط غرب را بر سرزمین‌های اسلامی، امری غیر قابل انکار می‌دانستند و آن چپ‌گرایانی که نیم‌قرن است با عرضه احزاب و برنامه‌هایی که از مکتب مارکس و لنین تغذیه می‌نمایند، می‌خواستند در زیر پوشش مبارزه با امپریالیسم، راه تسلط نفوذ شوروی را صاف و هموار نمایند.

اکنون که می‌بینند اسلام، چنین انقلابی را که معجزه بزرگ قرن به شمار رفت، به وجود آورد، اگر انصاف داشته و خود را به بیگانه نفروخته باشند، می‌فهمند که اسلام پس از چهارده قرن چه قدرت عظیم و بی‌مانندی است. پس از اینکه بتواند با یاری و پشتیبانی از چپ‌گرایان و وابستگان خود، شاه‌خائن را ساقط سازد، مایوس گردیده و از در تملق و سازش با او وارد شده بود تا بلکه از آنچه آمریکا و دیگر دُول غربی از ایران به غارت می‌برند، سهمی هم به آنها بدهد.

این اسلام بود که این رژیم نیرومند را ساقط و استعمار را - به نوعی که در حساب

۱. منافقون، ۸.

۲. آل‌عمران، ۱۳۹.

حساب‌گرهای ماهر سیاست نمی‌آمد - طرد و رسوا سازد. اعتقاد به مکتب امامت و مهدویت و نیابت عامه فقها از حضرت مهدی × یگانه الهام‌بخش امت مسلمان ایران بود که این مشت محکم را بر دهان یاوه‌گویان و دشمنان اسلام و مبلغان مکتب‌های الحاد و مارکس‌پرستان و مزدوران و سرمایه‌داران صهیونیسم آمریکا زد.

الهام از مکتب مهدویت بود که مسلمانان انقلابی ما را آماده شهادت کرد تا ده‌ها هزار شهید و جانباز، خون خود را در راه نجات اسلام نثار کرده و اسلام را به این فتح بزرگ نایل نمودند. بدیهی است این انقلاب به پاسداری افراد مؤمن و متعهد نیازمند است و اکنون که صدای دعوت اسلام از این مرز و بوم بلند شده، مسئولیت همه بیشتر از پیش است. جهانیان همه رفتار و سازماندهی ما را زیر نظر گرفته و می‌خواهند به واسطه نظام جدیدی که در ایران برقرار شده، اسلام را از نو بشناسند. اگر ما نتوانیم این انقلاب را به ثمر برسانیم و ویژگی‌های ممتاز اسلام را به دنیا نشان بدهیم و نعمتی را که به آن سربلند شده‌ایم قدر نشناسیم، و باز هم وابستگی یا خودکامگی نشان بدهیم، به اسلام خیانت کرده و بسیاری را از آن مأیوس خواهیم نمود.

اگر خدای نخواستہ در اثر غفلت انقلابی‌های مسلمان، دیگران بخواهند ما را درعین‌حالی که از استعمار غرب فاصله می‌گیریم و باید هم فاصله بگیریم، به‌سوی شرق ببرند و به آنجا وابسته نمایند، یا مکتب‌هایی را که در اصل و بنیان از اقتصاد غیراسلامی مایه می‌گیرند ترویج کنند، همه خیانت به اسلام است و به نظر من، انحراف از اسلام و برنامه‌های آن، در این موقعیتی که دنیا هم، انقلاب ایران را اسلامی شناخته و منتظر پیاده شدن اسلام در این کشور می‌باشند، از همکاری با ساواک شاه و سیا در دوره گذشته اگر بدتر نباشد، بهتر نیست.

مسئولیت فوق‌العاده زیاد است، خدا، پیغمبر، ائمه معصومین<sup>ع</sup>، ارواح اولیای اسلام، شهدای راه حق، مسلمانان جهان و مردم آزاد دنیا، همه از ما انتظار دارند تا چگونه امتحان بدهیم و چگونه در این مقطع زمانی، به تعهداتی که داریم وفادار بمانیم و پرچم اسلام را به اهتزاز درآوریم.

اکنون هم همه امیدها به افراد مؤمن و مخلص است که غیر از عظمت اسلام و اجرای احکام اسلام هدفی ندارند و شهیدانی را نیز در راه خدا داده‌اند و با مقام و منصب و هیچ اعتباری معاوضه نمی‌کنند. آنها که در برابر زحمات و تلاش‌ها، راه‌پیمایی‌ها، تعطیلی کسب و کار و بازار، به زندان افتادن‌ها، ناراحتی‌ها و بی‌خوابی‌ها، از کسی اجر و مزدی نمی‌خواهند. به آن کشاورزان و کارگران عزیزی که فقط شور اسلام و عشق به پیاده شدن احکام قرآن، آنها را به اعتصابات و تظاهرات و تحمل صدمات و محرومیت‌ها برانگیخت و بالاخره به آنهایی که از صمیم جان یار و وفادار و پشتیبان اسلام هستند و همه‌چیز را در چهارچوب احکام اسلام می‌خواهند و فریب آنان را که می‌خواهند به نام دلسوزی برای کشاورز و کارگر، راه امت مسلمان را عوض کنند و خود را به مقامات و مناصبی برسانند، نمی‌خورند. امید ما به آن افراد آگاهی است که می‌خواهند برای به ثمر رساندن این انقلاب، همگان را جذب و به آن امیدوار سازند، نه آنان که می‌خواهند با گروه‌بندی‌ها و اختصاص الفاظ مجاهد و مبارز به خود و گروهشان، جامعه و امت اسلام را تجزیه نمایند.

انقلاب اسلامی به این افراد و به اخلاص آنها مدیون است و اکنون هم افرادی با چنین خلوص نیت می‌توانند با الهام از تعالیم اسلام و پیروی از رهنمودهای روحانیت، این انقلاب را در هویت اسلامی‌اش حفظ نمایند و نگذارند با نظریه اسلام منهای روحانیت که خطرناک‌ترین نظریه‌های ضد

۲۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

اسلامی است و نتیجه‌ای جز اسلام منهای اسلام ندارد، اسلام را بکوبند و زمینه بازگشت استعمار را فراهم سازند.

## اصالت مهدویت

در رابطه با مطالب بالا و نقش سازنده عقیده به مهدویت، در پاسداری از ایدئولوژی‌های اسلام در به وجود آوردن انقلاب اسلامی ایران در کتاب حاضر، اصالت‌های مهدویت از ده جهت به شرح زیر بررسی می‌شود:

۱. از جهت معقول بودن امکان آن.
۲. از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی.
۳. از جهت موافقت با فطرت و نوامیس عالم خلقت.
۴. از جهت مبتنی بودن آن بر بشارت پیامبران و ادیان آسمانی.
۵. از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم.
۶. از جهت ابتدای آن بر احادیث معتبر و متواتر.
۷. از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت.
۸. از جهت معجزات و کرامات.
۹. از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی.
۱۰. از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی.

مژده ای دل که مسیحا  
نفسی می‌آید  
که ز انفاس خوشش، بوی  
کسی می‌آید  
از غم و درد مکن ناله  
و فریاد، که من

زده ام فالی و فریادرسی  
می آید  
ز آتش وادی ایمن، نه  
منم خرم و بس  
موسی اینجا به امید  
قبسی می آید  
هیچ کس نیست که در کوی تو آتش  
کاری نیست  
هر کس اینجا به امید  
هوسی می آید  
دوست را گر سرِ پرسیدن  
بیمار غم است  
گو بیا خوش که هنوزش  
نفسی می آید





## اصالت مهدویت

### از جهت معقول بودن امکان آن

بدیهی است آنچه در بررسی و شناخت یک فکر، اصل و آغاز کار است، معقول بودن و خردپسند بودن آن است. به این معنا که عقل، امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به طور جزم انکار کند و قبول امکان آن را غیر عقلایی بداند. در تمام مسائل علمی و غیرعلمی این قانون جریان دارد که اول باید امکان آن پذیرفته شود و احتمال واقعیت داشتن یا واقعیت یافتن آن در نظر عقل مردود نباشد.

مثلاً اگر بخواهیم وقوع «اجتماع نقیضین» و «اجتماع ضدین» یا «ارتفاع نقیضین» یا «مقدم بودن وجود چیزی را بر خودش» بررسی کنیم، باید نخست امکان این مسائل را بپذیریم و الا اگر امکان آن را معقول نشناسیم، سخن از وقوع یا عدم آن به میان آوردن غلط و سفاهت است و بالأخره بر این اساس است که فرضیه‌های علمی مختلف در چگونگی پیدایش جهان، پیدایش زمین، پیدایش حیات، پایان جهان، تحولات کیهانی و صدها مسئله دیگر قابل بحث و بررسی معقول می‌شود و پس از اینکه این اصل در هر مسئله‌ای جاری شد و عقل امکان آن را قبول کرد و احتمال آن را ردّ ننمود، اثبات آن اگرچه وقوعش از راه وحی و اخبار انبیا محسوس نباشد؛ بلکه خبر اشخاص موثق و افرادی که داعی به دروغ گفتن ندارند، عقلایی و صحیح می‌باشد.

لذا به نقل دیگران، به وجود بسیاری از موجودات کوچک و بزرگ و حوادث جوئی و گذشته و آینده اکتفا می‌شود. و به اخبار انبیا از وجود ملائکه و عالم غیب و بهشت و جهنم و امور دیگر اعتماد و اطمینان و یقین حاصل می‌گردد و این روش کاملاً عقلایی و منطقی است و تخلف از آن، خلاف عقل است.

اصالت عقیده به مهدویت از این جهت محتاج به هیچ بیانی نیست؛ زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق می‌کند و هیچ خردمندی آن را ردّ نمی‌نماید و اظهار شکّ و تردید را در آن جایز نمی‌داند. هرچه بیندیشیم و هر اندیشمندی آنچه بیندیشد، نمی‌تواند در اصالت مهدویت از این جهت ایرادی بگیرد یا حرفی بزند. همیشه این اصالت برای مسئله مهدویت و ظهور مصلح آخرالزمان، در بین ملل و امم و مسلمین و حتّی آنان که به آن معتقد نیستند، مسلم و ثابت بوده است و حتّی در بسیاری از عقاید دینی دیگر، امکان آن اگر به ذهن نزدیک‌تر نباشد، دورتر نیست و لذا از قرن دوم به بعد که بعضی مجادلات و بحث‌ها در بین مسلمانان رواج گرفت و پیرامون بسیاری از مسائل اسلامی سخن گفته و ردّ و قبول داشتند، این موضوع اصلاً مورد شبهه و ایرادی قرار نگرفت؛ چون به هیچ وجه شبهه یا آنچه شبهه شبهه باشد، در آن راه ندارد. پس اصالت مهدویت از این جهت صددرصد معتبر و عقلایی و منطقی است و بیش از این نیاز به توضیح ندارد.

به حُسن خُلق و وفا، کس  
 به یار ما نرسد  
 تو را در این سخن،  
 انکار کار ما نرسد  
 اگرچه حُسن‌فروشان به  
 جلو آمده‌اند  
 کسی به حُسن و ملاحهت، به  
 یار ما نرسد  
 هزار نقش برآید ز کَلک



۳۳.....اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معقول بودن امکان آن

صـنـع و یـکـی  
به دل‌پذیری نقش نگار ما  
نرسد



## اصالت مهدویت

### از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی

پس از اینکه امکان یک موضوع بررسی و پذیرفته گردید، مسئله واقعیت داشتن یا واقعیت یافتن آن مطرح می‌شود؛ زیرا ممکن است یک موضوع، امکان واقعیت داشتن یا واقعیت یافتن داشته باشد و عقل هم امکان آن را رد نکند؛ اما واقعیت نیافته باشد.

مثلاً ممکن است فلان حادثه بزرگ در دنیا اتفاق افتاده باشد، یا فلان کشتی بزرگ در فلان اقیانوس غرق شده باشد، یا یک انفجار عظیم در خورشید روی داده باشد، اما صورت واقعیت به خود نگرفته باشد؛ زیرا واقعیت یافتن و واقعیت داشتن این حوادث را باید یا مستقیماً ببینیم یا بینندگان و دانشمندان به ما خبر بدهند.

حال پس از بحثی که گذشت، واقعیت داشتن وجود حضرت مهدی<sup>×</sup> و غیبت آن حضرت و واقعیت یافتن ظهور آن حضرت و تشکیل حکومت جهانی اسلام و سعادت عمومی و برقرار شدن نظام عدل و سایر اموری که پیامد ظهور و آثار آن است، بررسی می‌شود.

مطالعه صدها کتاب و بلکه بیشتر و رساله‌هایی که از یازده قرن پیش تاکنون در موضوع مهدویت نوشته شده و همچنین بررسی کتاب‌ها و اصولی که از قرن اول هجرت تا حال در رشته‌های مختلف علوم اسلامی تألیف شده، ابتدای این عقیده

۳۵.....اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت اتکا بر مبانی معقول و منطقی را بر مبانی صحیح و معقول و مصادر اصیل اسلامی روشن می‌سازد و چنان این مبانی و مآخذ، مصونیت این عقیده را از هرگونه تشکیک، تضمین و استوار کرده است که حتی در مقام پاسخ‌گویی و ردّ دعوی کسانی که به دروغ ادعای مهدویت کردند، کسی نتوانست اصل عقیده مهدویت را ردّ کند؛ بلکه مدّعیان دروغ و متمهّدیان را به واجد نبودن علایم و شرایط و صفاتی که برای حضرت مهدی × معلوم شده است، ردّ می‌کردند؛ چون انکار اصل مهدویت را مساوی با انکار مبانی و مآخذ محکم اصول و فروع اسلامی می‌دیدند.

در ضمن مباحث آینده، به تفصیل اتکای این عقیده بر معیارهای باوربخش عقلی و مصادر و وثائق اسلامی معلوم خواهد شد، ان شاء الله تعالی.

آفتاب رخ دلدار	صفحه ارض همه امن
عیان خواهد شد	و امان خواهد شد
آب در جوی جهان باز	نفس باد صبا
روان خواهد شد	مشک‌فشان خواهد شد
عالم پیر دگرباره	جوان خواهد شد
می‌رسد روز خوش و دل	می‌کند عدل خدا ریشه
شود از غم آزاد	جور و بی‌داد
این خرابی که تو	ارغوان جام عقیقی
بینی همه گردد آباد	به سمن خواهد داد
چشم نرگس به شقایق	نگران خواهد شد <sup>۱</sup>

---

۱. از اشعار تضمینیه غزل حافظ اثر طبع مرحوم آیت‌الله والد (آقای آخوند ملا محمدجواد صافی+).



## اصالت مهدویت

### از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت

خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود «الله» بر جنود «شیطان»، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیا و ادیان، و دوازدهمین اوصیا و خلفای پیغمبر آخرالزمان است. این محتوا و این هدف و این پایان و عاقبت، مطلوب هر فطرت و خواسته وجدان هر انسان است.

حکومت عدل و نظام الهی، قانون واحد و لغو تبعیضات، برداشته شدن مرزها و آزادی انسان‌ها، برچیده شدن این رژیم‌ها و نظام‌های طاغوت‌پرور، مطلوب بشر است. کدام انسان است که باین همه مظالم و ستمگری‌ها موافق باشد؟ و کدام انسان است که با صرف این بودجه‌های تسلیحاتی سنگین و کمرشکن که برای حفظ رژیم‌ها و مرزهایی است که در اثر تقسیم دنیا به مناطق سلطه و نفوذ طاغوت‌ها و حزب‌ها و گروه‌های طاغوتی برقرار شده است، موافق باشد؟ و کدام انسان است که تقسیم ملل دنیا را به غالب و مغلوب و سلطه‌گر و زیر سلطه، و استضعاف‌گر و استضعاف‌شده و پیشرفته و عقب‌مانده، وجداناً قبول داشته باشد؟

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت.....۳۷

چرا دسترنج مردم ضعیف و کارگر و کشاورز باید به مصرف تجملات و نگهداری کاخ‌هایی مثل کاخ الیزه، کاخ سفید، کاخ بوکینگهام، کاخ کرملین و هزارها کاخ دیگر برسد؛ درحالی‌که صدها میلیون بشر از حداقل زندگی و خوراک و پوشاک و مسکن عادی محروم باشند؟

این کشورگشایی‌ها و این توسعه‌طلبی‌ها که نمونه آن توسعه‌طلبی‌های بی‌حد و حصر آمریکا و شوروی است، تا کی باید ادامه پیدا کند؟ این انسان‌های محروم که در جمهوری‌های روسیه مخصوصاً جمهوری‌های آسیایی آن، حق نفس کشیدن ندارند و صدا و نظرشان در هیچ کجای دنیا منعکس نمی‌شود، در حزب کمونیسم شوروی هضم شده و از حق آندیشیدن ساده محروم هستند، مگر انسان نیستند؟

این آوارگان فلسطین و این مسلمانان که در فلسطین و غزه و سواحل رود اردن و جنوب لبنان زندگی می‌کنند، طبق چه قانون فطرت‌پسند باید مورد این همه جنایات و حشیانه حکومت دست‌نشانده و تحمیلی اسرائیل قرار بگیرند؟ و این پشتیبانی بی‌دریغ آمریکا از این همه ظلم و شرارت و قتل‌عام کوچک و بزرگ و زن و مرد، چه توجیهی غیر از ماهیت صهیونیستی حکومت آمریکا دارد؟

این مردم مسلمان و محروم عربستان و حرمین شریفین با این ثروت سرشار و خدادادی آنها که می‌تواند پرجمعیت‌ترین و وسیع‌ترین کشورهای دنیا را آباد و مترقی و بی‌نیاز سازد، چرا باید در فقر و عقب‌ماندگی باقی بمانند و شاهزادگان سعودی و رژیم کثیف وهابی، اموال ملی آنها را به یغما برده و در بانک‌های خارجی و در اختیار بیگانگان و استعمار آمریکا بگذارند، و آنچه را هم به صورت ظاهر به مصارف حکومت و نگهداری نظام وهابی سعودی می‌رسانند؛ درحقیقت در شکل معامله اسلحه و غیر آن به آمریکا برگردانند؟ و بدتر از همه اینکه این روش‌های ضد اسلامی خود را، پایه اسلام قلمداد کرده

و حکومت خود را که برخلاف مبانی حکومت اسلامی است، شرعی و اسلامی معرفی می‌نمایند؟

چرا کارگر و کشاورز در رژیم سرمایه‌داری و سوسیالیستی محکوم به استضعاف است؟ در آن رژیم، در استضعاف راکفلرها و هاریم‌ها و اناسیس‌ها، و در این رژیم، در استضعاف سازمان‌های کارگری و کشاورزی و حزب؟ فطرت بشر همه اینها را محکوم می‌کند و ندا و نهضتی را که بخواهد به این نظام‌ها پایان دهد و پیامبرگونه و علی‌وار زمام امور را به دست بگیرد، تأیید می‌نماید. اگر حکومت واحد جهانی خواست بشر نبود، و اگر این رژیم‌ها و موضع‌گیری‌هایشان در برابر یکدیگر بر وجدان مردم تحمیل نشده بود، سازمان ملل و اندیشه حکومت جهانی و ارتش واحد و قانون واحد به بشر عرضه نمی‌شد، تا کی سربازان یک حکومت، برای دفاع از یک رژیم در برابر حمله رژیم دیگر، خونشان ریخته شود؟ مثلاً هویت نظام اردن و حکومت‌های بزرگ و کوچکی نظیر آن و ارتش و قوایشان جز حفظ فرمانروایی شخصی مثل ملک‌حسین یا دیگران چیست؟ آن خونی که در راه حفظ سلطه ملک‌حسین یا صدام‌حسین یا امیر کویت و بحرین و سایر شیوخ ریخته شود، در راه چیزی و کسی که ریخته نمی‌شود، راه اسلام و خدا است.

فطرت بشر، آن جان‌بازی و آن خون‌ریزی و آن جنگ و دفاعی را تأیید می‌کند که برای اعتلای کلمه الله و سعادت انسان و پاسداری از حقوق انسان و فی سبیل الله باشد؛ همان که دین فطری اسلام و کتاب اسلام آن را چنین تفسیر و معرفی می‌نماید:

**(الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي**

**سَبِيلِ الطَّاغُوتِ)؛<sup>۱</sup>**

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت.....۳۹

«اهل ایمان در راه خدا، و کافران در راه شیطان جهاد می‌کنند».

پس در راه طاغوت، در راه استقرار دیکتاتوری پهلوی‌ها و آتاتورک‌ها و هیتلرها و کارترها و استالین‌ها جنگ کردن، جنگ با فطرت انسانیت است و اصولاً نه فقط فطرت بشر با این مظاهر نفرت‌انگیز موافق نیست، طبع جهان نیز مطابقت ندارد و عکس‌العمل‌های آن یا به اصطلاح آثار وضعی این اعمال و نابرابری‌ها، سلب برکات و خیرات است.

پایان یافتن سلطه بر بشر و برقرار شدن حکومت عدل و نظام الهی و لغو این تبعیضات و برداشتن این مرزها، همه مطلوب بشر است و این سازمان ملل مصنوعی و آلت دست ابرقدرت‌ها هم مجاز آن حقیقت است. اگر عدل نباشد و اگر میل فطری بشر به عدل و امنیت و قانون و سازمان‌های احقاق حقوق نباشد، زورمندان و تجاوزگران و سلطه‌جویان ناچار نمی‌شدند که مقاصد سوء خود را زیر پوشش عدل و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و حسن همجواری و حفظ امنیت و غیر آن به مردم عرضه کنند و نیازی به اینکه به ظلم و باطل، لباس عدل و حق بپوشانند، نداشتند؛ ولی چون فطرت بشر حق و عدل را می‌خواهد و از باطل و ظلم نفرت دارد، اینان با اسم‌های بی‌مسمی مردم را فریب می‌دهند و حاصل آنکه به قول شاعر:

### **این دروغ از راست می‌گیرد فروغ**

بنابراین اجماع ملل و امم بر اینکه پایان جهان، سعادت عمومی است و به دنبال این تاریکی‌ها، روشنایی است و مقاومت در برابر حق، سرانجامش شکست و نابودی است، اصل فطری است که با سنت جهان و حرکت عالم و یا بنیاد جهان که بر حق استوار است، موافق می‌باشند. خدا می‌فرماید که:

**(مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ)؛<sup>۱</sup>**

«ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست را جز به حق نیافریدیم.»

باید حق بیاید و سراسر جهان را بگیرد و باطل از بین برود و معنای:

**(وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)؛<sup>۲</sup>**

«و بگو حق آمد و باطل نابود شد، که همانا باطل نابودشدنی است.»

در همه جا و همه رشته‌ها آشکار شود.

در قرآن مجید، در آیات متعدد به این قانون خلل‌ناپذیر تصریح شده است و آخرین سخنی که در اینجا متذکر می‌شویم، این است که جهان و جوامع بشری در تحولات مختلف، مراحلی را پشت سر می‌گذارد و از تخلیص‌ها و تصفیه‌های گوناگون عبور می‌کند تا به تصفیه نهایی که به وسیله مهدی آل محمد<sup>۳</sup> انجام می‌شود، برسد. در این تصفیه‌ها و تخلیص‌ها به تدریج آنچه باید ساقط شود، شناخته می‌شود و نظام‌هایی که باید منحل گردد و روش‌هایی که باید ترک شود، همه شناسایی می‌شوند، آنچه مضر<sup>۴</sup> است، همه مانند کف‌ها و علف‌های خشک و هرزه‌ای که روی آب‌های سیل‌آسا که در اثر باریدن باران جاری می‌شود، ظاهر می‌گردند، از میان می‌روند و سودبخش نمی‌شود.

جوامع بشری همه برای پذیرفتن یک تصفیه دامنه‌دار آماده می‌گردند و همین‌که منادی عدل و مبشر ظهور حضرت مهدی<sup>۵</sup>؛ شروع آن تحول بزرگ را اعلام می‌کند، جز معاندین و آنان که در این تحول باید تصفیه شوند، همه خود را برای انجام آن آماده می‌سازند و از آن استقبال می‌نمایند.

---

۱. احقاف، ۳.

۲. اسراء، ۸۱.



اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت موافقت با فطرت و سنن عالم خلقت..... ۴۱

(ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ

اللَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ)؛<sup>۱</sup>

«همانا خداوند حق مطلق است و هرچه جز او را بخوانند باطل است

و بزرگی شأن، مخصوص ذات پاک خدا است».

شمع یقین، رهنمای	حجت قائم که آفتاب
پیر و جوان است	جهان است
کسوت هستی به جسم	مهدی آل نبی همان
عالمیان است	که ز فیضش
آن که درش چون حرم،	رحمت بی منتهای
حریم امان است	خالق یکتا
آن که غیابش نظام	قائم بالحق، ظهور
غیب و عیان است	غیب الهی
شعر بدیعم مثال آب	طوطی طبعم چو خورده
روان است	شکر عشقش
صافی از آن دم که بر	بر کرم وجود اوست
درش چو حسانست <sup>۲</sup>	راجی و واثق

---

۱. حج، ۶۲.

۲. اشعار از مرحوم آیت الله والد+ است.



## اصالت مهدویت

### از جهت قبول امم و ابتدای آن بر بشارات پیامبران و ادیان آسمانی

تمام ادیان آسمانی به پیروان خود، عصر درخشان و سعادت عمومی و آینده مشعشع و صلح جهانی و دوران پرخیر و برکتی را نوید داده‌اند که در آن، نگرانی‌ها و دلهره‌ها و هراس‌ها مرتفع شود و به یمن ظهور شخص بزرگ و مردی خدایی که به تأییدات الهی مؤید است، در روی زمین، منطقه و شهر و دهستان و دهی باقی نماند؛ مگر آنکه در آن بانگ دل‌نواز توحید بلند شود و روشنایی یکتاپرستی، تاریکی شرک را زایل سازد و علم و عدل و راستی و امانت چهره جهان‌آرای خود را بنمایاند و همه‌جا را منور سازند.

این موعود عزیز برحسب استوارترین و صحیح‌ترین مصادر اسلامی، خلیفه دوازدهم حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی و دوازدهمین رهبر و امام بعد از آن حضرت و همنام و هم‌کنیه آن حضرت است و القاب مشهورش در بین مسلمین، «مهدی»، «قائم»، «منتظر»، «صاحب‌الامر»، «صاحب‌الزمان» و «بقیة‌الله» است.

و در زبان‌های دیگر به «گرازاسیه»، «وشینو»، «آرتور»، «مهمید» و نام‌ها و القاب دیگر خوانده شده است.<sup>۱</sup>

---

۱. به کتاب *نجم‌الثاقب* (محدث نوری، ص ۵۵ - ۱۳۲، باب ۲) و سایر کتاب‌هایی که القاب و نام‌های حضرت مهدی را بر شمرده‌اند مراجعه شود.  
در *نجم‌الثاقب* (محدث نوری، ص ۵۵ - ۱۳۲، باب ۲) بیش از یک‌صد و هشتاد اسم برای آن حضرت ذکر کرده است.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امم..... ۴۳

در کتاب *زند* و کتاب *جاماسب* و کتاب *شاکمونی* و کتاب *جوک* و کتاب *دید* و کتاب *باسک* و کتاب *پاتیکل* و کتاب *دادنگ* و کتاب *صفتیای نبی* و کتاب *اشعیا* و کتاب *وحی کودک* و کتاب *حکی نبی* و کتاب *مکاشفات یوحنا* *لاهوئی* و کتاب *دانیال* و *انجیل متی* و *انجیل لوقا* و *انجیل مرقس*<sup>۱</sup> و کتاب‌ها و الواح دیگر، این بشارت‌ها به عبارات و مضامینی که همه اصالت عقیده مهدویت را تأیید و آن را یک اصل عام مورد قبول همه ملل و امم و انبیا و ادیان معرفی می‌نمایند، آمده است و به بعضی صفات و علایمی که در احادیث و بشارت اسلامی برای این ظهور و صاحب آن؛ حضرت مهدی حجة بن الحسن العسکری، بیان شده، اشاره یا صراحت دارند. چون شرح این بشارت، سخن را بسیار طولانی می‌سازد، فقط در اینجا به عنوان تفسیری از آیه ۱۰۵ سوره انبیاء به نمونه‌ای از این بشارت‌ها اشاره می‌نماییم.

آیه شریفه این است:

**(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ**

**الصَّالِحُونَ)؛<sup>۲</sup>**

که مفاد ظاهر آن این است که:

«و هرآینه ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که البته بندگان صالح من

وارث زمین می‌گردند».

این آیه از بشارت حتمی الهی خبر می‌دهد که شایستگان و صالحان، وارث

---

۱. برای معرفی این کتاب‌ها و بشارت آنها و کتاب‌های دیگر در این موضوع، مراجعه شود به کتاب‌های *انیس الاعلام* (فخرالاسلام، ج ۷، ص ۳۸۳ - ۴۱۰) و *بشارت عهدین* (ص ۲۳۴ - ۲۸۲) و *من ذ؟* (خالصی، ص ۶۸ - ۹۲) و *لسان‌الصدق*.

۲. انبیاء، ۱۰۵.

۴۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

زمین و صاحب آن می‌شوند. چون در آیات قبل از این آیه، از زمین خاصی سخنی به میان نیامده است؛ لذا الف و لام «الارض»، الف و لام عهد نخواهد بود، و ظاهر این است که مراد تمام زمین است.

بنابراین آیه خبر از روزگاری می‌دهد که زمین و اداره آن در همه قاره‌ها و همه مناطق و معادن آن، در اختیار بندگان شایسته خدا درآید، چنان‌که در آیات دیگر نیز همین وعده را فرموده است. مانند آیه:

**وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... ۱؛**

«و خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند وعده داده که در زمین خلافت دهد...».

و نیز آیه:

**(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ ۲**

«و اراده کرده‌ایم بر کسانی که در زمین ضعیف و ذلیل نگه داشته

شده‌اند منت گذارده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم».

مراد از «زبور» که این بشارت در آن نوشته شده است، کتاب آسمانی است که بر جناب داود پیغمبر<sup>×</sup> نازل شده است و مراد از «ذکر» چنان‌که مفسرین فرموده‌اند، تورات است؛ و ممکن است به اعتبار اینکه الف و لام «الذکر» برای جنس باشد، نه برای عهد، مراد از آن مطلق کتاب‌های آسمانی باشد که پیش از زبور نازل شده‌اند.

۱. نور، ۵۵.

۲. قصص، ۵.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امم..... ۴۵

به هر حال برحسب این آیه، در تورات و زبور، این وعده ذکر شده است. اکنون

باید دید این وعده و بشارت در تورات و زبور به چه صورتی آمده است؟! باید به این نکته توجه داشت که، در تورات و به طور کلی کتب عهد عتیق و جدید، از آنچه بعضی حفظ داشتند، مورد تجدید و استنساخ آن گردید و مخصوصاً در آنچه باقی مانده هم در قسمت‌هایی که مربوط به بشارت از پیغمبر اسلام است، تحریفات و تأویلات و تفسیرهای غیرموجه بسیار کرده و در ترجمه‌ها غرض‌ورزی زیادی نموده‌اند و انجیل اصل نیز این اناجیل موجود نبوده و اناجیل نیز منحصر در این چهار انجیل نبوده؛ بلکه بیش از اینها بوده است که از جمله انجیل «برنابا» است که در آن بشارت‌های متعدد به ظهور حضرت خاتم‌الانبیا موجود است و از حیث استواری مضامین و مطالب، طرف قیاس با این اناجیل معروف (انجیل مرقس، متی، لوقا و یوحنا) نیست.

با این حال، تورات و انجیل فعلی هم که در دست یهود و نصاری است، حاوی بشارت متعدد به ظهور اسلام و حضرت رسول خاتم و ائمه طاهرین<sup>۸</sup> است که علمای بزرگ تورات و انجیل‌شناس، این موارد را در کتاب‌هایی که به زبان فارسی و عربی و غیره نوشته‌اند، استخراج کرده و در تألیفات خود نوشته‌اند. علاوه بر آن، بعضی از بزرگان اهل کتاب؛ مثل «فخرالاسلام» مؤلف کتاب نفیس *انیس‌الاعلام* و مؤلفات ارزنده دیگر، پس از قبول اسلام پیرامون این موضوع، حق مطلب را در تحقیق و بررسی و اظهار و افشای حق ادا کرده‌اند.

ما در اینجا فقط در رابطه با تفسیر این آیه به بشارتی از تورات و بشارتی از زبور اشاره می‌کنیم.

اما تورات: در پاراش لخلخا (فصل ۱۷ از آیه ۲۰ از سفر تکوین) از قول خداوند جلیل به ابراهیم خلیل × این گونه آمده است:

«وَلْ يَشْمَا عَلٰى شَمْعَتَيْهَا هِيْنِهٖ بِرَخْتِيْ اُوْتُوْ وَهْرَبْتِيْ اُوْتُوْا

بِمَادْمَادْشِنِمْعَا سَارِنْسِنِمَّ يَوْلَدُ وَاِنْ تَتَّيُوْ لُعُوِيْ كَادِيْنَ».<sup>۱</sup>

مؤلف *انيس الاعلام* علاوه بر این متن، متن این کلمات را از سریانی عتیق و از سریانی جدید و ترجمه عربی آن را از ترجمه طبع بیروت (س ۱۸۷۰) و ترجمه فارسی آن را از ترجمه طبع لندن (س ۱۸۹۵) آورده است و سخن را ادامه می‌دهد، تا اینجا که می‌گوید: چون معنای الفاظ را دانستی اکنون گوییم که خداوند جلیل پس از اینکه هفده بشارت به حضرت خلیل × داد، چنان‌که در «پاراش» مذکور مسطور گشتند، حضرت ابراهیم × بعد از استماع بشارت مذکور، ساجداً لله به خاک درافتاد و تمنا کرد کاش اسماعیل زنده می‌ماند؛ زیرا زندگانی او نزد من بهتر از هفده بشارت است.

پس خداوند عالم فرمود: دعای تو را در حق اسماعیل به اجابت رسانیدم، او را برکت داده و کثیرالاولاد قرار خواهیم داد و قبیله بزرگ که عبارت باشد از قبیله عرب، از صلب او خواهد بود و او را بزرگ خواهیم گردانید، به سبب اینکه محمد | و دوازده امام از اوصیای ایشان را از صلب او پدید خواهیم آورد...<sup>۲</sup>.  
اما زبور داود ×، در ترجمه فارسی زبور ۳۷ از مزامیر داود که چهل آیه است، چنین آمده است:

۹. زیرا که شیران منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد.

۱۰. و حال اندک است که شیر نیست می‌شود که هر چند مکانش را استفسار

نمایی ناپیدا خواهد بود.

۱۱. اما متواضعان وارث زمین شده، از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد.

۱. فخرالاسلام، انيس الاعلام، ج ۷، ص ۳۸۳ - ۳۸۵.

۲. فخرالاسلام، انيس الاعلام، ج ۷، ص ۳۸۳ - ۳۸۵.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امم..... ۴۷

۱۲. شریر به خلاف صادق افکار مذمومه می نماید و دندان های خویش را بر او می فشارد.

۱۳. خداوند به او متبسم است؛ چون که می بیند که روز او می آید.

۱۴. شریران شمشیر را کشیدند و کمان را چله کردند، تا آنکه مظلوم و مسکین را بیندازند و راست روان را بکشند.

۱۵. شمشیر ایشان بر دلشان فرو خواهد رفت و کمان های ایشان شکسته خواهد شد.

۱۶. کمی صدیق از فراوانی شریران بسیار بهتر است.

۱۷. چون که بازوهای شریران شکسته می شود و خداوند صدیقان را تکیه گاه است.

۱۸. خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد.

۱۹. زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد.

۲۳. زیرا خداوند عدالت را دوست می دارد و مقدسان خود را وانمی گذارد، ابداً محفوظ می شوند در حالتی که ذریه شریران منقطع است.

۲۹. صدیقان وارث زمین شده، ابداً در آن ساکن خواهند بود.

۳۰. دهان صدیق به حکمت متکلم و زبانش به حکم گویا است.

۳۱. شریعت خدا در قلبش بوده، اقدامش نخواهد لغزید.<sup>۱</sup>

چنان که ملاحظه می فرمایید این بشارات کاملاً با آیه کریمه: **(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي**

**الزُّبُرِ...)** منطبق است، چنان که ظاهر این است که مراد از «صدیق» که در

---

۱. رجوع شود به ترجمه فارسی کتب عهد عتیق ولیم گلن، جلد ۳، ص ۸۵ - ۸۶، طبع ادن برغ سال

۱۸۴۵ میلادی مطابق ۱۲۶۱ هجری.

۴۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

بشارت آیه ۳۱ مذکور شده و در آن آیه و آیه ۳۲ صفت آن بیان شده است، حضرت مهدی × می باشد.

علاوه بر این، در مزمور (۲۱) نیز بشاراتی هست که در *انیس الاعلام*<sup>۱</sup> متن اصل آن را با ترجمه فارسی آن طبق ترجمه فارسی طبع لندن (۱۸۹۵) آورده است.

### اسرائیلیات

برای اینکه دعوت اسلام از وابستگی و التقاط و تحریف و تغییر مصون بماند، پیغمبر اکرم | اَمّت را بر تمسک به قرآن و عترت وصیت فرمود،<sup>۲</sup> امامان و رهبرانی از اهل بیتش که مؤید من عندالله و شناسنده مکتب او و روح دعوت و تفسیر قرآن و وصی او می باشند، هدایت رسول خدا را در تمام شئون امتداد دادند و مرور زمان و علومی که از آنها ظاهر شده و ناتوانی دیگران از حل مشکلات و معضلات علمی نشان داد که این ارجاع و الزام اَمّت در رجوع به آنها، بر اساس واقعیت و صلاحیت و شایستگی آنها بود.

اگر اَمّت را از خطی که برای آنها معین شده بود، بیرون نمی کردند و مسیر رهبری را تغییر نمی دادند، به طور مسلم هیچ گونه گمراهی و ضلالت و اختلافی برای دین پیشامد نمی کرد، مخصوصاً دینی مثل اسلام که خاتم ادیان است و قرن ها و شاید هزارها سال و بالاخره تا این زمین و عالم تکلیف باقی است، باید باقی بماند، باید حجّتی باشد تا مردم در اموری که در آن اختلاف می نمایند یا جاهل

۱. فخرالاسلام، انیس الاعلام، ج ۷، ص ۳۸۶ - ۳۸۷.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۱۷؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۶۶؛ ج ۵، ص ۱۷۰؛ صدوق، عیون اخبار الرضا ×، ج ۱، ص ۶۸؛ ج ۲، ص ۲۰۸؛ همو، کمال الدین، ص ۲۳۴ - ۲۳۶، ۲۳۹؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۲۶؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۳۷؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۸؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۶ - ۱۸۷.



اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امم..... ۴۹

هستند و راهنمایی می‌خواهند و به راهنما نیاز دارند، به او رجوع نمایند. مثلاً وقتی در مفاد یک آیه از آیات قرآن مجید، یک میلیون و دویست و شصت هزار احتمال عقلایی باشد، باید در بین امت یک نفر باشد احتمالی را که با واقع مطابق است و مراد از آیه شریفه است، از میان این همه احتمال معین کند. باید یک نفر باشد تا مثلاً حدی را که باید بر سارق جاری شود، معین کند از کجای دست او و چه مقدارش باید قطع شود و همچنین در موارد دیگر، باید کسی باشد که تفسیرش از کتاب خدا و سنت پیغمبر، حجت و معتبر باشد و بر هر قول و رأی مقدم شود؛ لذا از ابان بن تغلب نقل شده است که فرمود: شیعه آن کسی است که اگر تمام مردم به راهی رفته و در مسئله قولی داشته باشند و علی × به راه دیگر رفته و قول دیگری داشته باشد، راه علی × و قول او را حق و صحیح می‌داند.<sup>۱</sup>

متأسفانه پس از رحلت پیغمبر اکرم | مسیر جریان امور امت را تغییر دادند. سیاستمدارانی که بر امور مسلمین تسلط یافتند و زمام امور را به دست گرفتند، از یک سو خود فاقد صلاحیت علمی بودند و از اینکه بتوانند پاسخ‌گوی مراجعات مردم در مسائل اسلامی باشند عاجز بودند و حتی در اداره امور سیاسی و سازمان‌بخشی و حل و فصل امور، نمی‌توانستند اعمال خود را با موازین شرعی توجیه نمایند و از سوی دیگر، باز بودن در خانه اهل بیت<sup>۲</sup> و شناخته شدن آنها به‌عنوان یگانه مرجع علمی و هدایتی و پاسخ‌گو به مسائل اسلامی و تفسیر قرآن و بیان احکام، خلاف سیاست آنها و معارض با حکومتشان بود، از این جهت تصمیم گرفتند به عنوان اینکه قرآن مجید تنها مرجع است، از نقل احادیث و سنت پیغمبر | جلوگیری کرده و عملاً قول و عمل آن حضرت و تأسی به رسول

---

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۲ (شرح حال ابان بن تغلب).

۵۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

خدا را از اعتبار ساقط کنند.<sup>۱</sup> با این کار از نقل احادیث فضایل اهل بیت<sup>۲</sup> که در نتیجه منتهی به تزلزل سیاسی و سقوط حکومت آنها می شد، جلوگیری می کردند. با این وضع در بن بست عجیبی افتاده بودند؛ زیرا از یک سو علم و دانش باب علم پیغمبر، علی<sup>۳</sup> را نمی توانستند انکار کنند و در بسیاری از موارد به آن اعتراف می نمودند و از سوی دیگر، شناخت علی<sup>۳</sup> را از اسلام و اصالت تعریفات و توجیهاات و ارشادات او را چنان که پیغمبر| حجّت قرار داده و همگان را به پیروی از او مکلف کرده بود، مخفی می کردند و تلاششان بر این بود که به تدریج مکتب اهل بیت<sup>۲</sup> و شناخت اصیلی که آنان از اسلام داشتند، منزوی شود و نظام اسلام مخصوصاً در سیاست و اموال عمومی و بیت المال دگرگون گردد.

آنان تلاش می کردند سایر صحابه یا حدّ اقل چند تن از مشاهیر آنها را هم طراز علی<sup>۳</sup> قرار دهند؛ لذا وقتی هم که نقل حدیث آزاد شد و در مقام جمع آوری حدیث برآمدند، از احادیثی که علی<sup>۳</sup> روایت کرده جز تعداد کمی روایت نکردند، با آن سوابق طولانی و اختصاصی که علی<sup>۳</sup> با پیغمبر| داشت که از طفولیتش در آغوش پیغمبر| پرورش یافت و از نخستین مرتبه ای که وحی بر پیغمبر نازل شد با پیغمبر| بود، او همان شخصیتی است که رسول الله| به او فرمود:

«إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَتَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيِّ وَلَكِنَّكَ

وَزِيرٌ»؛<sup>۲</sup>

---

۱. لذا بازگشت به حدیث و جمع آوری احادیث بعد از یک فترت و فاصله طولانی در بین اهل سنت شروع شد، چون دیدند اسلام منهای اعتبار احادیث از هر جهت ناقص بوده و اسلام نیست، که تفصیل آن را در نوشته های دیگر نوشته و توضیح داده ام.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (ج ۲، ص ۱۵۸).

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امم..... ۵۱

«شما می شنوی آنچه که من می شنوم، و می بینی آنچه که من می بینم،

جز اینکه شما پیغمبر نیستی، لیکن وزیر هستی».

از آن همه سوابق علمی و ارتباط کامل معنوی و روحی او با رسول خدا که محتوایش می توانست تمام نیازمندی های این امت را تا روز قیامت مرتفع سازد، اکثریت امت مسلمان؛ بلکه دنیای بشریت را محروم ساختند؛ اما از مثل عایشه که سیاست حکومت ها او را به واسطه موضع معارضی که با اهل بیت<sup>۱</sup> و شخص شخیص خلیفه منصوص علی<sup>۲</sup> داشت، باینکه بر سایر زوجات پیغمبر برتری نداشت و بلکه با بعضی از آنها مانند ام سلمه در حکمت و فهم و درک مسائل اسلامی و مانند زینب در التزام به اطاعت از دستورات پیغمبر قابل قیاس نبود و از مثل ابوهریره با آن سوابق سوء که کتاب *ابوهریره* و کتاب *شیخ المصیره* در معرفی او کافی است، باینکه یک فرد عادی بیش نبود و مصاحبت عادی او با پیغمبر بیشتر از بیست و یک ماه نمی شود، احادیث بسیار روایت کرده اند که مورد بحث و سوء ظن محققان اهل سنت واقع شده است.<sup>۱</sup>

بدیهی است محققان و کسانی از اهل سنت و شیعه که این مسائل را بررسی کرده و می نمایند، می فهمند سیاست در ساختن مکتب های معارض با مکتب حق اهل بیت<sup>۱</sup> که پاسدار اصالت ها و ارزش های اسلام بوده و هست، چه نقش بزرگ و خطرناکی را ایفا کرده است که ما در اینجا نمی خواهیم پیرامون این موضوع سخن را دنبال کنیم.

شرح این هجران      این زمان بگذار  
و این خون جگر      تا وقت دگر

---

۱. رجوع شود به کتاب *امان الامه* تألیف نگارنده و کتاب *ابوهریره* و کتاب *شیخ المصیره* و کتاب *اضواء علی السنة المحمدیه*، ابوریه.

۵۲..... امامت و مهدویت / ج ۴

یکی از راه‌هایی که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی مردم پیرامون مسائلی که در قرآن مجید مطرح است؛ مثل مبدأ خلقت، چگونگی آفرینش، تاریخ انبیا، تفسیر آیات متشابه و مسائل دیگری که انتخاب کردند، مراجعه به افرادی از یهود و نصاری بود که وارد اسلام شده بودند، باینکه حضرت رسول اکرم<sup>ص</sup> فرموده‌اند:

«لَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا لَمَا وَسِعَهُ إِلَّا اتِّبَاعِي»؛<sup>۱</sup>

«اگر موسی زنده بود، جز پیروی از من راهی نداشت».

و آنان را در موارد متعددی از مراجعه به احبار یهود که اطلاعات مورد اعتمادی در اختیار نداشتند، نهی فرموده بود و باینکه نقل احادیثی را که مسلمانان شخصاً از پیغمبر<sup>ص</sup> شنیده بودند، ممنوع ساخته بودند، به مثل «کعب‌الاحبار» مراجعه می‌کردند و به نقلیات بی‌مأخذ و بی‌مصدر آنها اعتماد می‌نمودند. از این جهت بازار خرافات و مسموعات و افسانه‌ها که بسا دروغ خلق‌الساعه هم بود، رواج یافت و در عصر عمر و عثمان و معاویه، کعب‌الاحبار یهودی یکی از افراد سرشناسی بود که دستگاه به‌اصطلاح خلافت به او ارج می‌گذازد و همان‌طور که عرض کردم، سنت پیغمبر<sup>ص</sup> را که بلاواسطه نقل می‌شد، کنار گذارده و نقلیات کعب‌الاحبار را از قرن‌ها پیش بدون اینکه واسطه یا مصدر صحیحی در اختیار داشته باشد، قبول می‌کردند. کعب‌الاحبارها و وهب بن منبه‌ها وارد میدان شدند، و شد آنچه نباید بشود.

در این بین، یگانه نوری که در این تاریکی‌ها از پشت هزاران پرده سیاست و استکبار و استعباد می‌درخشید و اصالت معارف اسلام را تضمین می‌کرد و اسرائیلیاتی را که وارد معارف اسلام کرده بودند، کنار می‌نهاد، نوری بود که از

---

۱. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۲۳؛ قرطبی، تفسیر، ج ۱۳، ۳۵۵؛ ابن‌ابی‌جمهور احسانی، عوالی‌اللتالی، ج ۴، ص ۱۲۱؛ صالحی شامی، سبل‌الهدی و الرشاد، ج ۱۰، ص ۳۰۲.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امم..... ۵۳

مکتب اهل بیت<sup>^</sup> و مدرسه خاندان رسالت و ولایت پرتوافکن بوده و هست. این مکتب که امتداد مکتب اسلام بود، علی‌رغم تمام فشارها و تحمّل تمام محرومیت‌ها و مظلومیت‌ها و استقبال از هرگونه خطر، توانست اسلام اصیل را به مردم برساند و از اینکه یهودیت و نصرانیت بتواند معارف اسلام را دگرگون و شناخت حقایق آن را دشوار سازد، جلوگیری نمود. اهل بیت<sup>^</sup>، این منابع یهودی و بیگانه را غیرمعتبر اعلام کرده و در شناخت دین هرگونه مأخذی را که به پیغمبر نمی‌پیوندد، باطل شمردند.

اهل انصاف می‌دانند اگر این مکتب و این مدرسه اهل بیت<sup>^</sup> و جهاد و تلاش ائمه<sup>^</sup> و اصحاب و روای احادیث و علوم آنها نبود، اسلام به عقاید باطل دیگران؛ مخصوصاً خرافات یهود آلوده شده بود و شریعت به گونه‌ای که کعب‌الاجبارها و ابوسفیان‌ها و معاویه‌ها و یزیدها و سایر جبابره می‌خواستند، جلوه می‌کرد.

### شناسایی اسرائیلیات

با دقت‌ها و موشکافی‌ها و بررسی‌هایی که محدثین بزرگ و شاگردان مکتب اهل بیت<sup>^</sup> در فرهنگ اسلامی به‌طور کلی و عموم دارند، شناسایی اسرائیلیات و عقایدی که از این رهگذر وارد اندیشه‌ها و کتاب‌های اسلامی به‌خصوص تفسیر و تاریخ شده است، برای آنان که اهل فن هستند، کار دشواری نیست. و به‌طور کلی اسرائیلیات را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

۱. تواریخ و اندیشه‌هایی که با عقل و صریح یا ظاهر کتاب و سنت مخالف است و معلوم است نسبت دادن آن به انبیای گذشته نیز غلط و تهمت است؛ مانند عقاید «مجسمه» و «مجبّره» یا نسبت دادن کفر و معصیت و بلکه کبیره به انبیا.
۲. تواریخ و اندیشه‌هایی که درستی یا نادرستی آنها معلوم نیست و فقط مستند

آن نقل امثال «کعب الاحبار» می‌باشد و مدرک اسلامی از قرآن و حدیث ندارد. بدیهی است این‌گونه نقلیات بی‌اساس و غیرمعتبر یا خلاف عقل و معیارهای اسلامی که بر اثر سوء سیاست زمامداران و یا اغراض بیگانگان و دسایس آنها در فرهنگ اسلام وارد شده، به‌هیچ‌وجه مورد اعتنا و اعتماد نیست و اسلام از آن منزّه است و بحمدالله کاملاً این نقلیات از احادیث و معارفی که اصالت اسلامی دارند، مشخص است.

### روشنفکران عوضی و اسرائیلیات

در بین نویسندگان معاصر اهل سنت، عده‌ای که خود را روشنفکر و متنور می‌شمارند، در برخی از معارف اسلام که با عالم غیب ارتباط دارد، مانند معجزات مادی، مددهای غیبی، اشراط ساعت، علایم قیامت و مسائلی که اصالت قرآنی دارند، تشکیک و تردید نموده؛ بلکه انکار می‌نمایند و برای اینکه خود را روشنفکر نشان بدهند، سرمایه‌ای غیر از این اظهارات تردیدآمیز ندارند. آنان می‌خواهند هرچه می‌توانند از ارزش غیبی دین بکاهند و مقامات پیامبران و ائمه<sup>ع</sup> را نپذیرند و وحی و نزول ملائکه را در جنگ بدر و حوادث دیگر از این قبیل را به‌گونه‌ای که مادی‌پسند شود و منکران خدا و قدرت و توانایی او هم قبول کنند، مطرح نمایند و انبیا را رجال ژنی و نابغه قلمداد کنند و با این مقوله و سخنان، در مسائل دین تصرفات و مداخلات ناروا می‌نمایند.

بدیهی است که این روشنفکری نیست؛ بلکه غرب‌زدگی و مادی‌گرایی است که متأسفانه بسیاری در اثر تلقینات سوء و ضعف عقیده و قلت آشنایی با مبانی محکم اسلامی، به آن مبتلا شده‌اند.

این بیماری به نظر ما برای دعوت اسلام و برای عقاید اسلامی بسیار خطرناک

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امم..... ۵۵

است؛ زیرا در پوشش یک سلسله الفاظ مادی گرایانه، دین را تحریف و مسخ می‌نمایند و مردم را از هسته مرکزی دین که ایمان به عالم غیب است، جدا می‌کنند و در این میان عذر بسیاری از اینها در ردّ یک سلسله حقایق، اسرائیلیات است؛ یعنی هرچه را که عقل آنها از فهمش عاجز شود و هرچه را که وقوعش با مبانی مادی بدیع و بعید دیدند، منکر شده و آن را اسرائیلیات می‌خوانند.

واقعاً جای تعجب است، دیروز و در صدر اسلام با ترویج اسرائیلیات از نشر حقایق اسلامی جلوگیری می‌کردند، امروز بازماندگان همان‌ها به اسم ردّ اسرائیلیات حقایق مسلمی را که برحسب قرآن و حدیث معتبر ثابت است، انکار می‌نمایند و معیار اسرائیلیات بودن یک موضوع را، دور بودن از فهم مادی گرای خود می‌دانند. از جمله، همین مسئله مهدویت و علایم آن و نزول عیسی<sup>×</sup> در آخرالزمان است که اخیراً مورد حمله این گروه شده و می‌خواهند با تهمت اسرائیلیات بودن، اصالت آن را که از هر جهت مسلم است، انکار نمایند.

بدیهی است مسائلی مثل مسئله مهدویت هرگز با این گونه تهمت‌ها خدشه‌دار نخواهد شد.

به حکم قرآن کریم و وجدان، بشارت به «مصلح» و «منتظر آخرالزمان» در تورات و زبور وجود دارد و مسائل اسلامی دیگر مخصوصاً اموری که پایه و محور دعوت اسلام است، در دعوت انبیای گذشته نیز بوده است و اگر بنا باشد هر چیزی به اسم اینکه مورد قبول اهل کتاب است، ردّ شود، باید این افراد اصل وجود موسی<sup>×</sup> و عیسی<sup>×</sup> را نیز انکار کنند.

سابقه اصل عقیدتی یا حکم فرعی اسلامی در ادیان گذشته و وجود آن در تورات و انجیل فعلی، گواه حقانیت آن است و به اسرائیلیات و آنچه مخالفان مکتب اهل بیت<sup>^</sup> - که مکتب اسلام راستین است - در فرهنگ اسلامی وارد کرده

اند، ارتباط ندارد. این قرآن است که می‌فرماید:

(شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ)؛<sup>۱</sup>

«خدا آیینی که برای مسلمین قرار داد، احکامی است که نوح را به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم که به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم که دین خدا را برپا دارید و در دین اختلاف نکنید».

چنان‌که اگر یک امری اصالت اسلامی داشته باشد، نامأنوس بودن آن موجب صحّت انکار آن و اسرائیلیات بودن آن نیست. «مهدویت» نیز اصالت اسلامی است و به قرآن و حدیث و اجماع مسلمین استناد دارد و اعتقاد مسلمانان به آن بر اساس این اصالت‌های اسلامی است که مسلمان نمی‌تواند آنها را ردّ کند. این مسئله با اسرائیلیات که فاقد اصالت اسلامی است، هیچ‌گونه ارتباطی ندارد. این سخنان واهی ناشی از بی‌اطلاعی و ناآگاهی در مسائل اسلامی است.

لذا علمای بزرگ اهل سنت مانند «احمد شاکر» از معاصرین ما که تخصصش در فنّ حدیث و شناخت آفات و علل آن مورد قبول عموم دانشمندان آنها است، در برابر این زمزمه‌های غرب‌زدگان و مادّی‌گرایان و مقلدان «ابن‌خلدون» به‌پا خاسته، اصالت اسلامی این مسائل را اثبات نموده و نادرستی این گمان‌ها را آشکار ساخته و تردید و انکار در این اندیشه‌های اسلامی را که منتهی به ردّ فرمایش و بشارات حضرت رسول اعظم| و اعتبار احادیث صحیح و متواتر است، جریمه بزرگ شمرده‌اند.



سلیل ختم رسل، لطف

ایزد داور

دلیل کل سُبُل، نور دیده

حیدر

قوام عالم امکان، شه

زمین و زمان

محیط کون و مکان، پیشوای

دین پرور

غیاث اکبر و اصغر، گشود

هر مشر مشر کل

پناه مهتر و کهتر، امام

نیکسیر

هو الصراط، هو الجنة، هو

المیزان

هو التعميم، هو الروضة، هو

الکون و اثر

صفای گلشن توحید و روضه

تجرید

بهای باغ جنان و نهال

فیض ثمر

وجود او همه خیر است

و فعل او همه فیض

نمود او همه نور است

و شخص او همه سر

مراد ز آیه نور و غرض ز

«نَّاتٍ بِخَيْرٍ»

که خیر محض بود در وجود

او مضمحل

بزرگوار اماما پناه

و ملجأ خلق

تویی غیاث و تویی منجی

و تویی یاور  
تویی نهال برومند دوحه  
یس

تویی خلاصه مقصد ز  
فاتحات سُور  
تویی که از تو شود پر ز  
عدل و داد جهان  
ستم رود به عدم از تو  
در همه کشور  
بیا که منتظران را به  
لب رسید نفس

بیا و دین خدا را نجات  
ده ز خطر

شرر به جان زده بیداد  
دشمن اسلام

به جان خصم زن آتش ز  
تییغ بـرق شرر  
چه روزها که شد اندر  
فراق رویت شام

چه شامها که به امید  
وصل گشت سحر  
نهم به راه تو تا چند  
دیدم امید

نمود صبر من از حد  
انتظار گـذر  
به سر نیامده شام فراق  
و می ترسم

که روز من شود از گردش  
سـپهر به سـر  
سگی ز خیل سگان تو چون  
بـود «صافی»

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت قبول امام..... ۵۹

سزا بود که مرانیش  
هیچ گاه ز درا



## اصالت مهدویت

### از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم

در قرآن مجید آیات متعددی است که دلالت دارند بر پیروزی، فلاح حزب الله و غلبه سپاه خدا.  
مانند این آیات:

(فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ)<sup>۱</sup>

«همانا حزب خدا پیروزمند است».

(أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)<sup>۲</sup>

«همانا حزب خدا رستگار است».

(وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ)<sup>۳</sup>

«همانا سپاه ما پیروزند».

چنانکه آیاتی نیز دلالت دارند بر اینکه خدا پیامبران و مؤمنان را یاری می‌نماید، مثل این آیات:

---

۱. مائده، ۵۶.

۲. مجادله، ۲۲.

۳. صافات، ۱۷۳.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم..... ۶۱

(وَأَقْدُ سَبَقَتْ كَلِمَتَنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ  
الْمَنْصُورُونَ)؛<sup>۱</sup>

«همانا عهد ما درباره بندگان که به رسالت فرستادیم سبقت گرفته

است که البته آنها بر کافران فتح و پیروزی یابند».

(إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ  
الْأَشْهَادُ)؛<sup>۲</sup>

«ما البته رسولان خود و اهل ایمان را در دنیا یاری می دهیم و روز قیامت

هم که گواهان به شهادت برخیزند، به مقامات بهشتی پاداش می دهیم».

بدیهی است این یاری و پیروزی شامل موارد جزئی هم می شود؛ مثل مواقف و مشاهد بسیاری که خدای تعالی پیغمبر اسلام را نصرت عطا فرمود، چنان که شامل پیروزی به حجّت و برهان و دلیل و بیان نیز می گردد؛ اما معلوم است که مناسب کمال امتنان و لطف خدا، پیروزی و نصرت مطلق است که در زمینه وجود شرایط انجام خواهد شد. پیروزی های جزئی و محدود نیز در زمینه وجود شرایط حاصل می شود و بالاخره فرد اکمل و مصداق اتم پیروزی و نصرت، پیروزی و نصرت مطلق بر همه کفار و جنود ابلیسی است که نه حدّ زمانی آن را به پایانی محدود سازد و نه حدّ زمینی و جغرافیایی آن را مختصّ به یک منطقه نماید. برطبق این آیات، در مقابله اهل حقّ با اهل باطل، غلبه نهایی باید با اهل حقّ باشد و به طور کامل مشمول نصرت الهی شوند.

آیاتی نیز دلالت دارند بر اینکه حقّ پایدار و باقی است و باطل از میان رفتنی

---

۱. صافات، ۱۷۱ - ۱۷۲.

۲. مؤمن، ۵۱.

۶۲..... امامت و مهدویت / ج ۴

است؛ مانند آیه ۱۷ سوره رعد که در آن باطل را به کف روی آب و حق را به آب و باران‌های سودمند تشبیه کرده است و در سوره انفال می‌فرماید:

**(وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ)؛<sup>۱</sup>**

«خدای تعالی اراده کرده است که حق را به کلمات خود، حق نماید

(آن را اظهار و اعلام و اثبات نماید) و دنباله کافران را قطع فرماید».

آیاتی نیز دلالت دارند بر اینکه اراده الهی به این تعلق گرفته و سستش بر این قرار یافته است که مستضعفان پیشوایان و وارثان زمین شوند و مستکبران و طاغوتیان نابود گردند.

مثل این دو آیه:

**(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ  
وَهِامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ)؛<sup>۲</sup>**

«و ما اراده کردیم که بر مستضعفین در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم و در زمین به آنها قدرت و تمکین بخشیم و به چشم فرعون و هامان و لشکریانشان و آنچه را که از آن ترسان بودند، بنمایانیم».

بدیهی است این اراده خدا عام بوده و اختصاص به قوم بنی‌اسرائیل که مستضعف شدند و فرعون و هامان که آنان را استضعاف کرده بودند، ندارد؛ بلکه همه مستضعفان مشمول این عنایت الهی هستند و این سنت خدا است، لذا از حضرت امیرالمؤمنین × در *نهج البلاغه* روایت شده است که فرمود:

۱. انفال، ۷.

۲. قصص، ۵ - ۶.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم..... ۶۳

«لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى  
وَلَدِهَا. وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ... )»<sup>۱</sup>

«دنیا بعد از خودداری و تمکین نداشتنش از ما، منقاد و مطیع و راه ما خواهد شد؛ مانند ناقه سرکش که نسبت به بچه خود پذیرایی و عطوفت دارد.

سپس این آیه را تلاوت فرمود:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)»<sup>۲</sup>

بدیهی است این فرمایش به ظهور حضرت مهدی × اشاره دارد.

بعضی آیات نیز دلالت دارند بر اینکه خلافت ارض به مؤمنین و کسانی که اعمال صالح دارند، خواهد رسید و دینشان که خدا برای آنها پسندیده است، در زمین استقرار خواهد یافت و بیم و ترسشان به امن و استراحت خاطر تبدیل خواهد شد.

مثل این آیه:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي  
الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي  
ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ  
بِي شَيْئًا)»<sup>۳</sup>

و آیاتی نیز متضمن این بشارت هستند که اسلام بر سایر ادیان از جهت مایه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹ (ج ۴، ص ۴۷).

۲. قصص، ۵.

۳. نور، ۵۵.

۶۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

و دستور و اصول و فروع و احکام و نظامات، به حکم (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) کامل است، از جهت اجرا و عمل و گسترش یافتن در تمام جهان نیز کامل خواهد گشت و خدا آن را اتمام خواهد فرمود، مانند این آیات:

(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ  
نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ \* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ  
الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛<sup>۱</sup>

«کافران می خواهند نور خدا را با نفس تیره خود خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خدا را به حدّ اعلای کمال رساند هر چند کافران ناراضی باشند. اوست خدایی که رسولش را با دین حقّ به هدایت خلق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم برتری دهد، هر چند کافران و مشرکان ناراضی باشند».

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ  
كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً)؛<sup>۲</sup>

«او خدایی است که رسول خود را با قرآن و دین حقّ فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقیقت این سخن، گواهی خدا کافی است».

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ  
الْكَافِرُونَ \* هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ...؛)<sup>۳</sup>

«کافران می خواهند تا نور خدا را با گفتار باطل و طعن مسخره خاموش کنند؛ اما خدا نور خود را تمام و کامل خواهد کرد هر چند

۱. توبه، ۳۲ - ۳۳.

۲. فتح، ۲۸.

۳. صف، ۸ - ۹.



اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر آیات قرآن کریم..... ۶۵

کافران خوش ندارند. اوست خدایی که رسولش را (برای هدایت مردم و ابلاغ دین) فرستاد...».

این آیات و آیات متعدد دیگر علاوه بر آنکه بر استقرار دین خدا در سراسر زمین و آینده درخشان عالم دلالت دارند، برحسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث، به تحوّل بی سابقه و بی نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی اهل بیت و امام منتظر و موعود انجام خواهد گرفت، تفسیر شده است. تعداد زیادی از این احادیث در کتاب‌های اهل سنت روایت شده، مثل کتاب *شواهد التنزیل* حاکم حسکانی که در آن دویست و ده آیه از آیاتی را که در شأن اهل بیت<sup>۱</sup> نازل شده جمع‌آوری کرده و متجاوز از هزار و صد و شصت روایت در رابطه با این موضوع روایت نموده است.<sup>۱</sup>

و از جمله محدثین نامدار و علمای بزرگ، سیدهاشم بحرانی در جمع‌آوری آیاتی که مربوط به حضرت مهدی<sup>×</sup> است کتابی به نام *المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة* تألیف کرده است. وی در این کتاب متجاوز از یک صد آیه را با احادیثی که در تفسیر هریک وارد شده، ذکر فرموده است.

بنابراین اصالت قرآنی عقیده به مهدویت نیز با توجه به این آیات و دقت در مضامین آنها و کتاب‌های تفسیر و احادیثی که در تفسیر این آیات وارد شده، ثابت و غیرقابل انکار است.

ای از درت بهشت برین  
کمتر آیتی  
کوثر ز خاک مقدم پاکت  
روایتی  
والشّمس ز آفتاب جمال

۱. این کتاب اخیراً به همت و تحقیق و تعلیق یکی از علمای اعلام در بیروت به طبع رسید.

تـــو پرتـــوی  
و اللیل از سیاهی مویت  
کنـــایتی  
اعجاز موسوی ز کمال تو  
شـــمه‌ای  
انفاس عیسوی ز لبان تو  
آیتـــی  
ای عدل ایزدی، فکن از  
رخ حجـــاب را  
کز عدل و داد نیست اثر  
جـــز حکـــایتی  
چشم امید ما به تو ای  
رحمـــت خداست  
بر بندگان خاک درت کن  
عنـــایتی  
ماییم و ظلّ رایت لطف  
عمـــیم تـــو  
فردا که هرکسی برود زیر  
رایتـــی  
گر عاجزم ز مدح تو هرگز  
شـــگفت نیست  
من ذره و تو مهر سپهر  
هـــدایتی



## اصالت مهدویت

### از جهت ابتدای آن بر احادیث معتبر و متواتر

اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر احادیث معتبر و متواتر در نهایت وضوح است؛ زیرا کتاب‌های حدیث و صحاح و جوامع و سنن و مسانید و اصول شیعه و اهل سنت که در آنها احادیث مربوط به این موضوع ضبط و روایت شده است، از حدّ احصا و شمارش خارج است و همچنین در کتاب‌های دیگر که در سایر رشته‌های علوم اسلامی تألیف شده، مثل تاریخ و لغت و حدیث و رجال و تراجم و عقاید و کلام و حتی شعر و ادب و شرح قصاید و اشعار معروف، که علمای فنون مختلف به این احادیث استناد کرده و پیرامون شرح و مضامین آنها اظهار نظر نموده‌اند.

از عصر رسالت تا زمان ما، صحابه حضرت رسول اعظم | و سپس تابعین و تابعین تابعین و سایر طبقات روات، این احادیث را روایت نموده‌اند. بسیاری از این احادیث بالخصوص و بالانفراد به واسطه شواهد و مؤیداتی که حدیث‌شناسان ماهر به آن اعتماد دارند، در نهایت صحّت و اعتبار می‌باشند و به مضمون آنها یقین حاصل می‌شود و علاوه بر این در مسائل مهمّ مربوط به مهدویت مثل معرفی شخص حضرت مهدی<sup>x</sup> و برنامه‌های مهمّ انقلابی و اسلامی ایشان،

این احادیث در حدّ تواتر و بالاتر می‌باشند؛ یعنی در هریک از اوصاف معروف و مشهور حضرت مهدی<sup>×</sup>، حدیث و روایت از پیغمبر<sup>ا</sup> و ائمه معصومین<sup>^</sup> آن‌قدر زیاد است که قطع نظر از مقام وثاقت و صداقت و امانت روایت‌کنندگان، احتمال تبانی آنها بر دروغ و جعل این احادیث عقلایی نیست.

موضوع مهدویت، خود یک موضوعی است که علما و محدّثین بزرگ پیرامون آن و جمع احادیث آن صدها کتاب نوشته‌اند که خواننده عزیز می‌تواند برای اینکه تا حدودی از نام کتاب‌های اهل سنت و مؤلفان آنها که احادیث مهدی را روایت کرده‌اند و کتاب‌هایی که در این موضوع به‌طور مستقلّ تألیف نموده‌اند و اسامی اصحاب پیغمبر<sup>ا</sup> که بشارات مهدی را از آن حضرت روایت کرده‌اند، آگاه شود، به مقدمه کتاب *نجم‌الثاقب* مرحوم محدّث نوری و کتاب *نوید امن و امان* و *منتخب‌الاثیر* تألیف نگارنده رجوع فرماید.

ای غایب از نظر به	شام بلا و غصه
منت گر گذر شود	و اندوه سحر شود
ترسم که در فراق	عشقتنه سرسری است که از
تو عمرم به سر شود	سربه در شود
مهرت نه عارضی است	که جای دیگر شود
دیری است من به روی	گرچه تو نور پاکی
چو ماه تو مایلم	ومن مشتی از گلم
من رشته هوای تو ای	عشق تو در وجودم
دوست نگسلم	و مهر تو در دلم
با شیر اندرون شد	و با جان به در شود
در پرده چند روی	باز آی تا به مرده
فرح‌زا کنی نهان	درآید دیگر روان
از بهر آنکه روی	از هر کنار تیر
تو می‌بینم دمی	دعا کرده ام روان
عیان	

۶۹.....اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر احادیث معتبر و متواتر

شاید کزین میانه یکی کارگر شود<sup>۱</sup>

---

۱. تضمین غزل حافظ از مرحوم آیت الله والد.



## اصالت مهدویت

### از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت

اهل سنت و شیعه در طی اعصار و مرور قرن‌ها، همه بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان یک نفر از اولاد رسول خدا و فرزندان علی × و فاطمه ÷ که صفات و علامتش در احادیث مذکور است، در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند، همه او را همانم و هم‌کنیه پیغمبر و ملقب به مهدی معرفی نموده‌اند و همه اتفاق دارند بر اینکه تا او ظهور نکند، سیر این عالم و این جامعه بشری به پایان نخواهد رسید و تا این دادگستر بزرگ و رهبر حکومت عدل جهانی قیام نکرده است، بشر باید منتظر ظهور او باشد و بداند که جهان محکوم ظلم ستمگران و فساد اهریمنان نیست و سرانجام همه تباهی‌ها و نگرانی‌ها به راحتی و امنیّت و آسایش مبدل می‌شود و مستکبرین و مفسدین ریشه‌کن می‌گردند.

همه چشم به راهند و همه منتظرند.

چنان‌که از مصادر معتبر تاریخ و حدیث استفاده می‌شود، در تمام اعصار، این یک عقیده عمومی امت اسلام بوده است و همه بر آن اتفاق داشته‌اند و لذا مدعیان دروغین مهدویت را به اینکه واجد صفات و نشانی‌های مهدی موعود

۷۱ اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت نیستند، ردّ می‌کردند و هرگز در مقام ردّ آنها، صحّت اصل و اساس این عقیده را منکر نمی‌شدند.

و خلاصه اتفاق مسلمین بر اصل ظهور مهدی<sup>×</sup> و برخی از خصوصیات و خصایص آن حضرت همیشه مورد قبول بوده و علمای بزرگ اهل سنت هم آن را مورد تصریح و تأکید قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>

و به قول دانشمند بزرگ و معاصر اهل سنت، «شیخ علی ناصف» در کتاب

*غایة المأمول*، همه (سلفاً و خلفاً) بر این عقیده بوده و هستند.<sup>۲</sup>

روشن از پرتو رویت نظری  
نیست که نیست

مئت خاک درت بر بصری

نیست که نیست

ناظر روی تو صاحب

نظرانند ولیک

بوی گیسوی تو در هیچ سری

نیست که نیست

---

۱. به کتاب *نوید امن و امان* و نیز در جلد سوم این مجموعه و *منتخب الاثر* تألیف نگارنده مراجعه شود.

۲. ناصف، *غایة المأمول*، ج ۵، ص ۳۴۱.



## اصالت مهدویت

### از جهت معجزات و کرامات

(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ)؛<sup>۱</sup>

«همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزه فرستادیم.»

معجزات و خوارق عادات در اثبات نبوت انبیا و صدق خبرهایی که از عالم غیب و وحی الهی می‌دهند، مستندی عام و دلیلی همگانی است که هیچ پیامبری بدون معجزه نبوده است.

راجع به معجزات انبیا و اقسام آن در کتاب‌ها توضیحات کافی داده شده و در نوشته‌های این حقیر نیز از جهات متعدد و باتوجه‌به اندیشه‌ها و آرائی که اخیراً مطرح شده، بیانات جالب و مفیدی هست.

در قرآن مجید به این مسئله در آیات متعدد تصریح شده است.

مسئله دیگر بعد از قبول معجزات انبیا، معجزاتی است که از ائمه طاهرين<sup>۱</sup> صادر است که خواه آنها را معجزه بگویند یا معجزه را فقط بر خوارق عاداتی که از انبیا صادر شده اطلاق کنند و خوارق عاداتی را که از ائمه<sup>۲</sup> و دیگر بندگان خاص خدا صادر شده، کرامت بگویند. این نیز یک مسئله واقع شده‌ای است که تواریخ معتبر



اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات..... ۷۳

و روایات مسند و صحیح که از حدّ تواتر خارج است، آن را اثبات نموده است و مثل سایر پدیده‌ها و حوادث، انسان باید آنها را قبول کند؛ چون انکار آنها انکار واقعیات است و با انکار وجود صاحب این کرامات مساوی است، هرچند نمی‌توان معجزات و کرامات انبیا و اولیا را با معلومات تجربی و علل مادی توجیه و تفسیر کرد؛ اما باید واقعیت آنها را که محسوس بشر بوده و هست باور نمود.

ما در همین عصر خودمان، حکایات و جریان‌های مهمی را به چشم خود دیده یا از افراد امین و راستگو شنیده‌ایم که در اثر دعا یا توسّل به یکی از چهارده معصوم<sup>^</sup> و فرزندان آن بزرگواران مثل حضرت زینب<sup>+</sup> و حضرت معصومه<sup>+</sup>، بیمارانی که بیماری‌های شدید داشته‌اند شفا یافته و حاجت‌های مهم آنان به اذن خدا برآورده شده است که جز به خرق عادت و کرامت و عنایت غیبی، توجیه آن امکان‌پذیر نیست.

نه حسّی که این معجزات را دیده است، می‌توان به اشتباه متهم کرد و نه نقل‌ها و خبرهایی که این معجزات را خبر می‌دهند، می‌توان به دروغ‌گویی متهم ساخت. بنابراین هیچ‌گونه نقطه ابهام و زمینه ناباوری در وقایعی که به‌طور خارق عادت اتفاق افتاده و معجزه نامیده می‌شود نیست، غیر از اینکه معجزه و خارق عادت است و ما نمی‌توانیم آن را به علت مادی مستند کنیم؛ اما این نتوانستن و نداشتن علت مادی اصل یک پدیده را نفی نمی‌نماید.

### **معجزات حضرت صاحب‌الامر ×**

پیرامون معجزات حضرت صاحب‌الزمان × باید دانست که وجود ایشان و خصایص و خصوصیات که از ایشان ظاهر شده و ظاهر خواهد شد، یکی از نمونه‌های بی‌نظیر قدرت و توانایی خداوند متعال است.

قدرت خداوند در طی دوره‌های مختلف حیات ایشان همواره در تجلی بوده و هست و ثابت می‌کند که فقط نباید به معیارهای مادی تکیه کرد؛ زیرا بیشتر افراد چون پدیده‌ها را با آن می‌سنجند و مسببات و معلولات را پس از اسباب و علل مادی می‌بینند، از خالق اسباب و جاعل علل غافل می‌شوند و شناختشان محدود می‌گردد. این اظهار قدرت‌ها است که وجود نبی و ولی مظهر آن می‌شود و حساب‌های مادی را باطل می‌سازد.

بدیهی است مقصود این نیست که فقط خدا با این پدیده‌ها شناخته می‌شود؛ زیرا همان پدیده‌هایی که علل مادی دارند، نیز دلایل قدرت خدا و علم و حکمت او می‌باشند و همه، آیات حق و کلمات حق‌اند؛ اما هر کدام از پدیده‌ها به گونه‌ای معرفت ما را کامل می‌نمایند که در این نوشته مجال شرح این مسائل که با الهیات ارتباط دارد، نیست.

حاصل این است که: وجود امام‌زمان × آیت عظمی و کلمه کبرای الهی است و چنان‌که مجموع عالم بدون اینکه مانندی داشته باشد یا بشر سابقه و انسی به غیر آن داشته باشد، آیت و نشانه منحصر به فرد خدا است که در آن میلیاردها و صد هزاران میلیارد و هر چه رقم و عدد و مافوق آن است، آیت خدا است، وجود امام‌زمان × نیز آیه و کلمه خدا است، اگرچه از بعضی جهات و نواحی منحصر به فرد می‌باشد، جای تعجب و استبعاد نیست. این قدرت خداست که ما را به تهلیل و تکبیر و تسبیح و تنزیه او وامی‌دارد:

«فَسُبْحَانَ الَّذِي جَعَلَ أَوْلِيَاءَهُ الْأَدِلَّةَ الْبَاهِرَةَ عَلَى وُجُودِهِ وَمُظْهِرِينَ  
لِأَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَعِلْمِهِ وَحِكْمَتِهِ وَأَصْطَفَاهُمْ لِعِيبِهِ وَأَرْتَضَاهُمْ لِسِرِّهِ وَجَعَلَهُمْ

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات.....۷۵

## خُلِّفَانُهُ فِي خَلْقِهِ»<sup>۱</sup>.

### انواع معجزات حضرت صاحب الامر ×

برای اینکه بررسی و مطالعه معجزات آن حضرت تا حدی آسان باشد، آنها را به ملاحظه زمان صدور آن بر سه نوع تقسیم کرده‌اند:

**اول:** معجزات بسیاری است که از آن حضرت، از هنگام ولادت (سال ۲۵۵ ق) تا زمان رحلت حضرت امام حسن عسکری × (سال ۲۶۰ ق)، ظاهر شد.

**دوم:** معجزاتی است که پس از شهادت حضرت امام حسن عسکری × تا سال ۳۲۹ هجری قمری - که سال آخر غیبت صغری است - از آن حضرت صادر شده است.

در این دو دوره معجزات بسیاری از حضرت بقیة الله × ظاهر شد. هرکس بخواهد بر تعدادی از این معجزات که در حدّ تواتر و بالاتر از تواتر است، مطلع شود، مراجعه کند به کتاب مستطاب *بحارالانوار*<sup>۲</sup> و ترجمه‌های آن و باب ششم کتاب *نجم الثاقب* محدث نوری که ایشان علاوه بر معجزاتی که در *بحارالانوار* نقل شده، چهل معجزه که مصادر و مآخذشان در نزد علامه مجلسی نبوده یا از نقل آن غفلت شده است، از مصادر مشهور و معتبر نقل کرده‌اند<sup>۳</sup> که از این مصادر و مآخذ و همچنین مصداری که در اختیار علامه مجلسی بوده و همه یا اکثر آن، هم‌اکنون در اختیار ما است، قدمت سابقه ضبط این معجزات در کتاب‌هایی که از همان عصر غیبت صغری شروع شد، معلوم می‌شود.

---

۱. این جملات را خود مؤلف با اقتباس از زیارات مرقوم نموده است.

۲. مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۱۳ (چاپ قدیم).

۳. محدث نوری، *نجم الثاقب*، ص ۳۴۳ - ۳۷۳.

۷۶ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

سوم: معجزاتی است که در عصر غیبت کبری؛ یعنی از سال ۳۲۹ هجری قمری تا تاریخ نگارش این رساله، و هنوز نیز ادامه دارد، از آن امام بزرگوار<sup>×</sup> صادر شده است.

این معجزات نیز از حدّ تواتر گذشته است به علاوه، بعضی از آنها به تنهایی موجب یقین می شود، مانند معجزه‌ای که در شفای اسماعیل هرقلی از آن حضرت ظاهر شد که صاحب *کشف الغمّه* نیز آن را از شمس الدین محمد هرقلی، پسر اسماعیل و گروهی از مردم مورد وثوق نقل کرده است.<sup>۱</sup> این ماجرا چنان اهمّیت و شهرت یافت که وزیر خلیفه او را احضار کرد و در پیرامون صحّت آن داستان تحقیق نمود و بعد هم «مستنصر بالله» خلیفه عباسی او را به ملاقات با خود خواند، و معجزات دیگر که در ضمن حکایات شرف‌یابی‌ها و توسّلات به آن حضرت در باب *هفتم نجم الثاقب*<sup>۲</sup> و در جلد ۱۳ *بحار الانوار* و *جنة المأوی*<sup>۳</sup> و *کشف الاستار*<sup>۴</sup> و *دارالسلام* عراقی<sup>۵</sup> و کتاب‌های دیگر روایت شده است و چون بنا بر اختصار است به چند معجزه که در عصر خودمان اتّفاق افتاده است، اکتفا می‌کنیم:

اوّل: مرحوم عالم جلیل‌القدر حجة الاسلام و المسلمین آقا امام سده‌ی از اختیار علما و معروف به تقوا و سداد و مورد وثوق مرجع بزرگ شیعه و مجدد آثار اهل بیت<sup>۸</sup>، استاذنا الأعظم آیت‌الله بروجردی<sup>+</sup> بود، پس ایشان را برای تأسیس حوزه علمیه در باختران (کرمانشاه سابق) و افتتاح مدرسه‌ای که به امر ایشان در آن شهر بنا شد، اعزام فرمود و علاوه بر این شخصاً هم با ایشان از موقعی که در

۱. اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۹۶ - ۲۹۹.

۲. محدّث نوری، نجم الثاقب ص ۳۷۵ - ۶۵۶.

۳. ر.ک: محدّث نوری، جنة المأوی فی ذکر من فاز ببقاء الحجة.

۴. ر.ک: محدّث نوری، کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار.

۵. عراقی، دارالسلام، ص ۲۰۵ - ۵۱۳، ۶۵۵ - ۸۴۸.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات.....۷۷  
نجف اشرف، در بحث فقیه بزرگ مرحوم آیت‌الله شیخ محمدکاظم شیرازی &  
شرکت داشتیم، سابقه آشنایی و اخلاص داشتیم.

حکایت تشرّف شیخ محمد کوفی را که معروف و مشهور است و بدون  
واسطه از او شنیده بود، برای حقیر نقل کرد و من برای اینکه مدرک کتبی از  
ایشان داشته باشم، خواهش کردم حکایت را برایم مرقوم فرمایند، آن مرحوم - که  
خدای تعالی با اجداد طاهرینش محشور فرماید - پذیرفت و حکایت را به خط  
خودشان که اکنون در نزد من موجود است، مرقوم داشت که عین الفاظ  
و عبارات ایشان را در اینجا نقل می‌نمایم:

بسم الله الرحمن الرحيم. جناب آقای شیخ محمد کوفی که به زهد و تقوا  
و صلاح بین خواص علما و فضیلتی نجف اشرف معروف بود، و ملتزم بود لیالی  
و ایام جمعات به نجف مشرف شود. چون قضیه تشرّف ایشان را خدمت  
حضرت ولی عصر<sup>×</sup> از بعضی علما شنیده بودم، یک روز جمعه در مدرسه صدر  
نجف اشرف، در حجره یکی از آقایان رفقا خدمت ایشان رسیدم و استدعا کردم  
شرح تشرّف را از زبان خودشان بشنوم. آنچه در نظرمان مانده، مضمون فرمایش  
ایشان از قرار ذیل است:

فرمود: با پدرم به مکه معظمه مشرف شدم، فقط یک شتر داشتیم که پدرم  
سوار بود و من پیاده ملازم و مواظب خدمت او بودم. در مراجعت به سماوه  
رسیدیم، استری (قاطر) از اشخاصی که شغلشان جنازه‌کشی بین سماوه و نجف  
بود، از شخص سنی تا نجف اجاره کردیم؛ چون شتر کندی می‌کرد و گاهی  
می‌خوابید و به زحمت او را بلند می‌کردیم، پدرم سوار قاطر و من سوار شتر از  
سماوه حرکت کردیم، در بین راه چون اغلب نقاط گلزار و باتلاق بود، شتر

همیشه مسافتی عقب می‌افتاد. به خشونت و درشت‌گویی مکاری<sup>۱</sup> سنی مبتلا بودم تا اینکه برخوردیم به جایی که گل زیاد بود، شتر خوابید و دیگر هرچه کردیم برنخاست، در اثر تعقیب در بلند کردن، لباس‌هایم گل‌آلود شد و فایده نکرد. ناچار مکاری هم توقف کرد تا لباس‌هایم را در آبی که آنجا بود، بشویم. من برای برهنه شدن و شستن لباس، از آنها کمی فاصله گرفتم و فوق‌العاده مضطرب و حیران بودم که عاقبت این کار به کجا می‌رسد و آن وادی از جهت قُطَاعِ الطَّرِيقِ هم خطرناک بود. ناچار متوسل شدم به ولی عصر<sup>\*</sup>، بیابان همواره تا حدّ بصر احدی پیدا نبود، ناگهان دیدم جوانی نزدیک من پیدا شده که به سیدمهدی پسر سیدحسین کربلایی شباهت داشت (نظرم نیست که فرمود دو نفر بودند یا همان یک نفر و نظرم نیست کدام سبقت به سلام کردیم) عرض کردم: نامت چیست؟

فرمود: سیدمهدی.

عرض کردم: ابن سیدحسین؟

فرمود: نه ابن سیدحسن.

عرض کردم: از کجا می‌آیی؟

فرمود: از خضیر (چون مقامی در آن بیابان بود به‌عنوان مقام خضر<sup>\*</sup>، من خیال کردم می‌فرماید از آن مقام آمدم).

فرمود: چرا اینجا توقف کرده‌ای؟

شرح خوابیدن شتر و بیچارگی خود را عرض کردم. تشریف برد نزد شتر دیدم تا دست روی سر او گذارد، شتر برخاست ایستاد و آن حضرت با آن صحبت می‌فرماید و با انگشت سیابه، طرف چپ و راست را به شتر نشان می‌دهد. بعد تشریف آورد نزد من و فرمود: دیگر چه کار داری؟ عرض کردم: حوایجی دارم؛

۱. مکاری کسی را می‌گویند که اسب و استر و الاغ، برای مسافرت کرایه می‌دهد.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات.....۷۹

ولی فعلاً با این حال اضطراب و نگرانی نمی‌توانم عرض کنم. جایی را معین فرمایید تا با حواس جمع مشرف شده عرض کنم. فرمود: مسجد سهله، یک لحظه از نظرم غایب شد. آمدم نزد پدرم گفتم: این شخص که با من صحبت می‌کرد، کدام طرف رفت؟ (می‌خواستم بفهمم اینها هم حضرت را دیده‌اند یا نه). گفتند: احدی اینجا نیامد و تا چشم کار می‌کند، بیابان پیدا است.

گفتم: سوار شوید برویم.

گفتند: شتر را چه می‌کنی؟

گفتم: امرش با من است.

سوار شدند، من هم سوار شتر شدم، شتر جلو افتاد و به عجله می‌رفت، مسافتی از آنها جلو افتاد. مکاری صدا زد: ما با این سرعت نمی‌توانیم بیاییم. غرض قضیه برعکس سابق شد، مکاری تعجب‌کنان گفت: چه شد این شتر همان شتر است و راه همان راه؟

گفتم: سرّی است در این امر.

ناگهان نهر بزرگی سر راه پیدا شد، من باز متحیر شدم که با این آب چه کنیم؟! پس دیدم شتر رفت میان نهر و متصل به طرف راست و چپ می‌رفت. مکاری و پدرم لب آب رسیدند، فریاد زدند: کجا می‌روی غرق می‌شوی، این آب قابل عبور نیست. چون دیدند من با کمال سرعت با شتر می‌روم و طوری هم نیست، جرئت کردند.

گفتم: از این راهی که شتر می‌رود به طرف چپ و راست همان‌طور بیایید. آنها هم آمدند و به سلامت از آب عبور کردیم. من متذکر شدم آن وقتی که حضرت انگشت سبابه به طرف راست و چپ حرکت می‌داد، این آب را اشاره می‌فرمود.

خلاصه آمدیم، شب وارد شدیم بر جمعی کوچ‌نشین، آنجا منزل کردیم. همه

آنها با تعجب از ما می‌پرسیدند: از کجا می‌آید؟

گفتیم: از سماوه.

گفتند: پل خراب شده و راهی نیست مگر کسی با طرّاده از این آب عبور کند. و از همه بیشتر مکاری متحیر مانده بود، گفت: بگو بدانم چه سرّی در این کار بود؟ گفتم: من آنجا که شتر خوابید، به امام دوازدهم شیعیان متوسّل شدم، آن حضرت تشریف آورد و این مشکلات را حلّ نمود (نظرم نیست که گفت: او و آن جماعت مستبصر شدند یا نه).

غرض، به همان حال آمدیم تا چند فرسخی نجف اشرف، باز شتر خوابید. سرم را نزدیک گوش او بردم، گفتم: تو مأموری ما را به کوفه برسانی. تا این کلمه را گفتم، برخاست و به راه ادامه داد. در کوفه جلوی خانه زانو به زمین زد. من هم او را نه فروختم و نه کشتم تا مرد. روزها در بیابان کوفه به چرا می‌رفت و شب‌ها در خانه می‌خوابید.

بعد به ایشان عرض کردم: در مسجد سهله خدمت آن بزرگوار مشرف شدید؟ فرمود: بلی، ولی در گفتن شرح او مجاز نیستم. ملتمس دعا هستم.

دوم: معجزه شفا یافتن همسر محترمه عالم جلیل و فاضل بزرگوار، جناب آقای آقا شیخ محمد متقی همدانی - سلمه الله تعالی - است که از فضلالی همدانی حوزه علمیه قم و به تقوا و طهارت نفس معروف، و خود این جانب سال‌ها است ایشان را به دیانت و اخلاق حمیده می‌شناسم. چندی پیش این معجزه را شفاهاً و سپس کتباً برای حقیر مرقوم داشته بودند. چون فراموشم شده که آن نوشته را کجا گذاشته‌ام، مجدداً از ایشان خواستم و ایشان هم فتوکپی شرحی را که در آخر کتاب مستطاب

**نجم الثاقب** نوشته‌اند، فرستادند که عین متن آن در اینجا نقل می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ  
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ



اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات..... ۸۱

## وَذَا لِمِیْهِمْ وَمُنْكَرِیْ فَضَائِلِهِمْ وَمَنَاقِبِهِمْ إِلَى قِیَامِ یَوْمِ الدِّیْنِ، آمِیْنٌ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ.

مناسب دیدم توسلی را که به حضرت بقیة الله فی الارضین حجة بن الحسن العسکری، نموده و توجهی که آن جناب فرمودند، ذکر نمایم؛ چون موضوع کتاب در اثبات وجود آن حضرت است از طریق معجزات و خرق عادات.

روز دوشنبه هجدهم ماه صفر سال ۱۳۹۷ هجری قمری حادثه مهمی پیش آمد که سخت مرا و صدها نفر دیگر را نگران نمود؛ یعنی همسر این جانب (محمد متقی همدانی) در اثر دو سال غم و اندوه و گریه و زاری از داغ دو جوان خود که در یک لحظه در کوه‌های شمیران جان سپردند، در این روز مبتلا به سکتة ناقص شدند. البته طبق دستور دکترها مشغول به معالجه و مداوا شدید؛ ولی نتیجه‌ای به دست نیامد. تا شب جمعه ۲۲ ماه صفر یعنی چهار روز بعد از حادثه سکتة، شب جمعه تقریباً ساعت یازده رفتم در غرفه خود استراحت کنم، پس از تلاوت چند آیه از کلام الله و خواندن دعایی مختصر از دعاهای شب جمعه از خداوند تعالی خواستم که امام زمان حجة بن الحسن - صلوات الله علیه و علی آبائه المعصومین - را مأذون فرماید که به داد ما برسد و جهت اینکه متوسل به آن بزرگوار شدم و از خداوند - تبارک و تعالی - مستقیماً حاجت خود را نخواستم، این بود که تقریباً یک ماه قبل از این حادثه، دختر کوچکم فاطمه از من خواهش می‌کرد که قصه‌ها و داستان‌های کسانی که مورد عنایت حضرت بقیة الله \* قرار گرفته و مشمول عواطف و احسان آن مولا شده‌اند، را برای او بخوانم، من هم خواهش این دخترک ده‌ساله را پذیرفتم و کتاب **نجم الثاقب** حاجی نوری را برای او خواندم. در ضمن من هم به این فکر افتادم که مانند صدها نفر دیگر، چرا

۸۲ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

متوسّل به حجّت منتظر امام ثانی عشر × نشوم، لذا همان‌طور که در بالا تذکّر دادم، حدود ساعت یازده شب به آن بزرگوار متوسّل شدم و با دلی پر از اندوه و چشمی گریان به خواب رفتم، ساعت چهار بعد از نیمه‌شب جمعه طبق معمول بیدار شدم، ناگاه احساس کردم از اطاق پایین که مریض سگته‌کرده ما آنجا بود، صدای همهمه می‌آید. سروصدا قدری بیشتر شد و ساکت شدند. ساعت پنج و نیم که آن روزها اوّل اذان صبح بود به قصد وضو آمدم پایین، دیدم صبیّه بزرگم که معمولاً در این وقت در خواب بود، بیدار و غرق در نشاط و سرور است. تا چشمش به من افتاد، گفت: آقا مژده بدهم؟

گفتم: چه خبر است؟ من گمان کردم خواهرم یا برادرم از همدان آمده‌اند.

گفت: بشارت، مادرم را شفا دادند، گفتم: کی شفا داد؟

گفت: مادرم چهار ساعت بعد از نیمه‌شب با صدای بلند و شتاب و اضطراب ما را بیدار کرد؛ چون برای مراقبت مریض دختر و برادرش حاج مهدی و خواهرزاده‌اش مهندس غفاری که این دو نفر اخیراً از تهران آمده بودند تا مریضه را برای معالجه به تهران ببرند، این سه نفر در اطاق مریض بودند که ناگهان داد و فریاد مریضه که می‌گفت: برخیزید آقا را بدرقه کنید! برخیزید آقا را بدرقه کنید. می‌بیند تا اینها از خواب برخیزند آقا رفته، خودش که چهار روز بود نمی‌توانست حرکت کند، از جا می‌پرد دنبال آقا تا دم در حیاط می‌رود. دخترش که مراقب حال مادر بود، در اثر سروصداى مادر - که آقا را بدرقه کنید - بیدار شده بود، دنبال مادر تا دم در حیاط می‌رود تا ببیند که مادرش کجا می‌رود، دم درب حیاط مریضه به خود می‌آید؛ ولی نمی‌تواند باور کند که خودش تا اینجا آمده. از دخترش زهرا می‌پرسد: زهرا! من خواب می‌بینم یا بیدارم؟

دخترش پاسخ می‌دهد: مادرجان! تو را شفا دادند. آقا کجا بود که می‌گفتی آقا

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات..... ۸۳

را بدرقه کنید! ما کسی را ندیدیم؟

مادر می‌گوید: آقای بزرگواری در زیّ اهل علم، سید عالی‌قدری که خیلی جوان نبود، پیر هم نبود به بالین من آمد گفت: برخیز خدا تو را شفا داد.

گفتم: نمی‌توانم برخیزم.

با لحنی تندتر فرمود: شفا یافتی برخیز.

من از مهابت آن بزرگوار برخاستم.

فرمود: تو شفا یافتی دیگر دوا نخور و گریه هم مکن.

و چون خواست از اطاق بیرون رود، من شما را بیدار کردم که او را بدرقه

کنید. ولی دیدم شما دیر جنبیدید، خودم از جا برخاستم و دنبال آقا رفتم.

بحمد الله تعالی پس از این توجه و عنایت، حال مریضه فوراً بهبود یافت و چشم راستش که در اثر سکتته غبار آورده بود، برطرف شد. پس از چهار روز که اصلاً میل به غذا نداشت، در همان لحظه گفت: گرسنه‌ام برای من غذا بیاورید. یک لیوان شیر که در منزل بود، به او دادند. با کمال میل تناول نمود. رنگ رویش به‌جا آمد و در اثر فرمان آن حضرت که گریه مکن، غم و اندوه از دلش برطرف شد و ضمناً خانم مذکوره از پنج سال قبل رماتیسم داشت، از لطف حضرت × شفا یافت با آنکه اطبا نتوانسته بودند معالجه کنند.

ناگفته نماند: در ایام فاطمیه، مجلسی به‌عنوان شکرانه این نعمت عظیم در منزل منعقد کردیم. جناب آقای دکتر دانشور که یکی از دکترهای معالج این بانو بود، شفا یافتن او را برایش شرح دادم، دکتر اظهار فرمود: آن مرض سکتته که من دیدم از راه عادی قابل معالجه نبود مگر آنکه از طریق خرق عادت و اعجاز شفا یابد. **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْمَعْصُومِينَ لَا سِيَّمَا إِمَامَ الْعَصْرِ وَتَأْمُوسَ الدَّهْرِ**، قطب دایره امکان، سرور و سالار انس و جان، صاحب

۸۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

زمین و زمان، مالک رقاب جهانیان، حجة بن الحسن العسکری - صلوات الله و سلامه علیه و علی آبائه المعصومین الی قیام یوم الدین - ابن محمّد تقی متقی همدانی».

**سوم:** حکایت بسیار عجیب تشریف عالم جلیل و سید بزرگوار، مرحوم آقا سیدحسین حائری است و مرحوم عالم فاضل زاهد، صاحب تألیفات بسیار، حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن را در کتاب *العبری الحسان فی احوال مولانا صاحب العصر و الزمان* × نقل فرموده<sup>۱</sup> و بعضی دیگر از بزرگان و مؤتقین از او نقل نموده‌اند. چون حکایت مفصل و طولانی است، سفارش می‌شود که علاقه‌مندان به آن کتاب مراجعه نمایند. علامه نهاوندی مذکور صاحب مکاشفه مهمی است که بر عظمت مقام استاد ما مرحوم زعیم عالی‌قدر آیت‌الله بروجردی+ و اینکه مشمول عنایات غیبی و توجهات ائمه<sup>۲</sup> بوده‌اند، دارد، چنان‌که در *داستان‌های شگفت* نیز حکایتی ذکر شده و دلالت بر این دارد که ایشان به‌حق دارای مقام نیابت عامه بوده‌اند و همچنین حکایت تشریف مرحوم فاضل کامل آقا شیخ احمد فقیهی قمی نیز دلالت بر تقدیر از موضع ایشان دارد که از شرح این حکایات چون موجب طولانی شدن کلام می‌شود، خودداری شد.

**چهارم:** حکایت و معجزه‌ای است که مؤلف *بشارت ظهور*<sup>۲</sup> بدون واسطه احدی، آن را نقل نموده است. این حکایت نیز دلالت بر شفای مریضه‌ای در شب مبارک نیمه شعبان دارد که به بیماری صعب‌العلاجی مبتلا بوده که به اطبای حاذق، حتی اطبای خارجی نیز مراجعه کرده بودند، که از معالجه عاجز شده

۱. نهاوندی، العبری الحسان، ج ۲، ص ۴۷۳ - ۴۷۸ (۹۱۲ - ۹۱۸، بساط دوم، عبقریه دهم).

۲. ر.ک: شطاری، بشارت ظهور.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت معجزات و کرامات..... ۸۵  
بودند. علاقه‌مندان را به خواندن آن کتاب سفارش می‌کنم، که حتماً این حکایت  
و معجزه را که از دلایل صحّت مذهب است، مطالعه فرمایند.

پنجم و ششم و هفتم و هشتم: معجزاتی است که در ضمن حکایت ۳۳ و ۳۴  
و ۸۲ و ۱۰۸ کتاب *داستان‌های شگفت عالم* و شهید عالی قدر آقای دستغیب  
شیرازی + مذکور است.<sup>۱</sup>

نهم: عالم عالی‌مقام آیت‌الله حائری - دامت برکاته - در کتابی که متضمن وقایع  
و معجزاتی از ائمه طاهرین<sup>۱</sup> و بعضی رؤیاهای صادق است، در ارتباط با موضوع  
تشرّف به محضر حضرت، بعضی حکایات را نقل کرده‌اند که هر کدام شواهد  
محکم بر وجود امام × است.

دهم: حکایت دیگری که در اینجا به آن اشاره می‌نمایم، حکایت مربوط به  
مسجدی است که در ابتدای شهر مقدّس قم (جاده تهران) در سمت چپ کسی  
که وارد شهر می‌شود، ساخته شد و به نام مسجد امام حسن مجتبی × نامیده شده  
است. این حکایت را که خود حقیر بدون واسطه از صاحب آن شنیده‌ام و نوار آن  
هم موجود است، در پاورقی کتاب *پاسخ به ده پرسش* نقل کرده‌ام. از این‌گونه  
حکایات و شواهد و مؤیدات - اگر در مقام پرسش و ضبط برآییم - بسیار است  
که حداقل همه دلالت بر وجود آن حضرت و مداخله ایشان در امور - در حدّی  
که مصلحت است - دارند.

امید است خداوند متعال توفیق درک این‌گونه سعادت‌ها را به همه مشتاقان  
حقیقی و منتظران واقعی عطا فرماید.

ای زیبده عالم، مجموعه  
زیبایی  
سرحلقه جنّ و انس،  
سردفتر دانایی

۱. دستغیب، داستان‌های شگفت، ص ۵۵ - ۵۷، ۱۳۲ - ۱۳۳، ۱۹۴ - ۱۹۵.

در پرده غیبت چند، ای ای پادشه خوبان! داد  
مهر جهان پایی از غم تنهائی  
دل بی‌تو به جان آمد، وقت است که  
باز آیی

امید وصال تو، یا عشق تو مرا فارغ از  
دوست جوانم کرد هر دو جهانم کرد  
باز آ که فراق تو مشتاقی و مهجوری دور  
بی‌تاب و توانم کرد از تو چنانم کرد  
کز دست بخواهد شد، پایان شکیبایی<sup>۱</sup>

---

۱. تضمین غزل حافظ از مرحوم آیت‌الله والد است.



## اصالت مهدویت

### از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی

هسته مرکزی و محور اصلی تمام مسائل اعتقادی و تربیتی و برنامه‌های سیاسی و انتظامی، ایمان به وحدانیت، یکتایی و یگانگی خداوند متعال است که خالق و رازق و حاکم و مالک کلّ و بی‌نیاز از کل است. حقّ تعیین و نصب حاکم، ولیّ، امام، تشریح، فرمان، امر و نهی، تکلیف، الزام و ولایت مطلق بر کلیه امور، مختصّ به اوست. هر حاکمیت و ولایت و مالکیتی که به اذن او نباشد، استعلا و طغیان و استبداد است.

قبول و التزام و الزام به نظامات و قوانینی که منبع و مبنای شرعی و مصدر و اعتبار الهی ندارد، خواه در امور عبادی یا در امور سیاسی و مالی و سایر امور باشد، پرستش شیطان و شخص و مقام و هیئت و جامعه‌ای است که آن قوانین را وضع کند و وضع این قوانین، اظهار شرکت با خدا و تصرّف در شؤون خدا است. نظامات غیرالهی تحت هر رژیم و نظام که باشد، غیرشرعی بوده و واجب‌الاطاعه نیست، خواه استبدادی باشد یا دموکراسی یا به صورت‌های دیگر. دعوت همه انبیا برای تحقّق حکومت الله در زمین و لغو حکومت‌های دیگر است. حکومت «الله»، حکومت برای همه است که در آن هیچ رنگ و نژاد و زبان و منطقه‌ای مطرح نیست و همان‌طور که خدای تعالی حکومت تکوینی دارد، در

امور اختیاری و تشریحی نیز کسی که حق حکم و فرمان دارد، خدای تعالی است و هر حکومتی که به غیر اذن خدا و خودسرانه و خارج از محدوده حکومت الهی باشد، حکومت جاهلیت بوده و اصالت ندارد، اگرچه جاهلیت آن در شکل جدید و به اسم دموکراتیک یا سوسیالیست یا جمهوری خلق باشد، نه اکثریت و نه استبداد و نه اشتراکیت، هیچ‌یک اصالت ندارند و اصالت‌بخش نمی‌باشند. همه چیزها و همه ارتباطات و همه راه‌ها و نظام‌ها اگر اضافه به خدا نداشته باشند، اصالت نداشته و محترم نیستند. فقط او اصل است و همه اصالت‌ها فرع او و قائم به مشیت و اراده او و تبعی و عین تعلق به او می‌باشند.

در موضوع شناختن امام این‌همه تأکید شده است، که:

**«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»؛<sup>۱</sup>**

«هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مرده است (مانند)

مردن جاهلیت».

از این روایت معروف استفاده می‌شود که در هر عصری امام و ولی امر منحصر به فرد است. بنابراین اولیای امور متعدد و رهبران منطقه‌ای و این تعدد حکومت‌ها که در هر گوشه‌ای از جهان، نظامی و در هر منطقه‌ای، فردی یا گروهی استیلا و استعلا دارند و از هر سرزمینی (کوچک یا بزرگ) وطنی ساخته و عالم اسلام را که باید تحت نظام واحد امامت و قانون واحد اسلام باشد، تجزیه کرده و این تفاوت‌های غیرقابل قبول را بین مسلمین ایجاد کرده‌اند که درآمد سرانه یک کشور مسلمان‌نشین شاید بیش از صد برابر یک کشور دیگر باشد، درحالی‌که

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة‌الاثیر، ص ۲۹۶؛ طوسی، *الرسائل العشر*، ص ۳۱۷؛ ابن‌حمزه طوسی، *الثاقب فی المناقب*، ص ۴۹۵؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۱، ص ۲۲۱؛ ج ۳، ص ۱۸؛ محدث نوری، *کشف‌الاستار*، ص ۷۸ - ۷۹.



اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی..... ۸۹

کشوری مثل کویت نمی‌داند پول‌های خود را چه کند و در کدام بانک بگذارد، کشوری مثل بنگلادش مردمش به فقر و پریشانی و سختی مبتلا هستند، یا کشوری مثل عربستان به اصطلاح سعودی با آن همه ولخرجی‌های شاهزادگان و درباریان و هابی مسلک آن، پول‌هایشان در بانک‌های خارجی ذخیره و سرمایه استعمار باشد، در حالی که در خود عربستان، اکثریت مردم در فقر و فلاکت به سر می‌برند.

این بدبختی‌ها همه در اثر تسلط حکومت‌های دست‌نشانده خارجی و تحمیل نظامات غیراسلامی و متعدد به مسلمین و شرک آنها به حکومت خدا است.

و اگر مسلمانان از همین حدیث الهام بگیرند و نظام واحدی را که امت اسلام باید داشته باشد و رهبران آن نظام را که امام زمان هر عصر است، بشناسند و به سوی این حکومت بروند و این تجزیه‌ها و تفرقه‌ها را محکوم کنند، یقیناً به عزت و عظمتی که خدا به آنها وعده داده است، می‌رسند. امروز در اثر این نظامات متعدد و نشناختن امام زمان، سپاهیان و قوای مسلح مسلمانان در هر نقطه‌ای، به جای پاسداری از توحید و حق و عدالت، نگهبان یکی از طاغوت‌های دست‌نشانده شرق یا غرب می‌باشند و افسران و سربازانی که باید سرباز اسلام و مجاهد فی سبیل الله باشند، سرباز افرادی مثل خود یا بدتر و کمتر از خود شده و از بوالهوسی‌ها و کامرانی‌ها و استبداد این و آن پاسداری می‌نمایند.

در اردن، این سربازان بدبخت، از اعتبار انسانی و اسلامی افتاده و نگهبان قدرت ملک حسین نوکر آمریکا هستند؛ در عربستان به اصطلاح سعودی نگهبان رژیم منحط و منحرف از اسلام ملک خالد؛ و در مصر پاسدار حکومت تحمیلی و صهیونیسم‌خواه انور سادات؛ و در یمن جنوبی نگهبان حکومت الحاد و دست‌نشانده شوروی؛ و در لیبی پاسدار حکومت مستبد و خارجی و طرف‌دار ملوک شرق؛ و در عراق نگهبان رژیم خون‌خوار و ضد انسانی صدام و خلاصه در هر

کجا (غیر از ایران که امیدواریم ارتشش در پرتو قوانین انقلاب به‌طور اسلامی بازسازی شود) این سربازان که ایده اسلامی ندارند، یا اسیر و فدایی مزدوران روس یا نوکران آمریکا هستند. نظام واحد امامت همه را در یک خط و عمال حکومت خدا و هدف همه را خدا و جهاد همه را فی سبیل الله قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

مطلب دیگر که از این روایت استفاده می‌شود، نقش معرفت امام زمان در سرنوشت انسان و عوالم بعد از این دنیای اوست که اگر امام را نشناسد، به مردن جاهلیت خواهد مرد. به نظر ما نکته‌ای که در این روایت بسیار مهم است و بسیاری از آن غفلت دارند، این است که چگونه مردن در حال نشناختن امام مساوی است با مردن جاهلیت؟ اما با این توضیحاتی که ما دادیم، معلوم می‌شود این به‌واسطه ارتباط عقیده به نظام امامت با عقیده به توحید است. نشناختن امام و نظامی که باید از آن تبعیت شود، نشناختن حکومت خدا و قبول نظامات دیگران است.

قرآن مجید می‌فرماید:

**(اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)؛<sup>۲</sup>**

«خدا ولی و متصرف امور و صاحب‌اختیار مؤمنان است، آنها را از تاریکی‌ها (دوگانگی‌ها و نظامات مشرکانه و ولایت این و آن) به‌سوی نور (به‌سوی حکومت و هدایت خدا و قوانین خدا) خارج می‌سازد».

و در ادامه همین آیه می‌فرماید:

**(وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى**

**الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)؛<sup>۳</sup>**

۱. به دوران طاغوت و پیش از انقلاب اشاره دارد.

۲. بقره، ۲۵۷.

۳. بقره، ۲۵۷.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی..... ۹۱

«کسانی که کافر شدند، اولیای آنها (و رهبران و نظامات حاکم بر آنها)

طاغوت است که آنها را از نور به سوی تاریکی‌ها خارج می‌نمایند».

از این گونه آیات معلوم می‌شود: چرا مردن کسی که امام زمان را نشناسد، مردن جاهلیت است؛ چون نظام امامت، نظام توحید و ولایت خدا و خلافت از جانب خدا است و تسلیم و تن در دادن به اطاعت از آن، اطاعت از خدا است. لذا آیه:

**(وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)؛<sup>۱</sup>**

این گونه تفسیر شده است که در ولایت و رهبری، کسی را با امام زمان شریک قرار ندهد؛ یعنی در کنار او و مقابل او، کسی را واجب‌الاطاعه نداند.

اینها معانی بلندی است که باید هرچه بیشتر و گسترده‌تر به ملت مسلمان، خصوصاً شیعه تفهیم شود تا ابعاد سازنده و انقلابی و انسانی اسلام را درک کنند و از ذلت تواضع و پرستش در برابر مستکبران کوچک و بزرگ نجات یابند. باید مسلمان حکومت اسلامی را بشناسد و خود را فقط در برابر آن مسئول و متعهد بداند.

این مسئله شناخت نظام و تابعیتی که باید شخص از آن داشته باشد، در بین مسلمانان غیرشیعه رسماً از اهمیت افتاده و لذا چنان که گفتیم، هر گوشه‌ای نظامی و هر جا حاکمی و سلطانی و امیری بر مردم تحمیل شده و عملاً صدها میلیون مسلمان تسلیم این نظام‌ها شده‌اند و بلکه به همان رسوم کثیف آریامهری سابق در آغاز کارهای رسمی یا نامه‌های رسمی به جای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که شعار اسلام و شعار کسانی است که آزادی انسان را احساس می‌کنند، «بِسْمِ سُمُوِّ الْأَمِيرِ» یا «بِسْمِ جَلَالَةِ الْمَلِكِ» می‌گویند و بیش از مشرق تا مغرب، از اسلام عزیز و از کرامت انسانیت فاصله می‌گیرند و در بین شیعیان نیز باینکه مسئله امامت را

---

۱. کشف، ۱۱۰.

۹۲..... امامت و مهدویت / ج ۴

همان ابتدا از حضرت رسول| به مفهوم و محتوای اصیل و توحیدی آن شناخته و بعد از رحلت آن حضرت نیز از آن منحرف نشده و در تمام چهارده قرنی که تا امروز بر اسلام گذشته این شیعه بود که به این اصل در بُعد وسیع و عامش متمسک بوده است. باین حال، عملاً به جنبه‌های منفی و مثبت آن - چنان‌که شایسته است - بسیاری از افراد توجه نداشته‌اند.

در جنبه منفی؛ مثلاً نفی حکومت‌های طاغوتی و نظام‌های غیرشرعی حایز اهمیت است که باید همیشه این عقیده از این جهت مورد استفاده باشد و در ابعاد مختلف مثل مبارزات منفی ادامه داشته باشد.

و در جنبه مثبت نیز، باید اقدامات و حرکات لازم همیشه برای برقراری این نظام انجام شود که اگرچه برقرار شدن آن در سطح جهانی و در حدّ کامل و جامع آن، موقوف به حصول شرایط و آمادگی جهان و ظهور امام‌زمان حضرت ولیّ عصر× است؛ اما برقرار کردن آن در سطوح محدودتر به حسب شرایط و امکانات هر زمان امکان‌پذیر است و ولایت فقها و نیابت عامه علما آن را قابل عمل و بلکه عملی کرده است.

لذا می‌بینیم تقریباً در تمام اعصار غیبت و قبل از آن، حکومت‌هایی که زمام امور مسلمین را به غضب و قهر به دست گرفتند و اعمال و روش‌هایی داشتند که هرگز با دعوت اسلام و عدالت اسلام قابل تطبیق و تصحیح نبود، از نظر شیعه حکومت ظلمه خوانده می‌شدند و از یاری و اعانت آنها جز در حدودی که حفظ مصالح کلی و اساس اسلام و دفاع از هجوم و تسلط کفار بر آن توقّف داشت، خودداری می‌کردند و شیعیان متعهد در امور خود، به فقهای عادل هر عصر رجوع می‌کردند و حتی علاوه بر مالیات‌های رسمی که به دولت‌های غاصب می‌دادند، وجوه شرعی خود را که به آنها تعلق می‌گرفت، به فقها می‌رساندند، که

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی..... ۹۳  
اگرچه در ظاهر تحت رژیم و نظام حکومت جبار بودند؛ اما تابعیت واقعی آنها،  
تابعیت از نظام امامت بوده و هست.

این از خصایص مذهب شیعه است که در برابر حکومت‌های جائز  
و غیرمشروع، همواره موضع عدم قبول و همکاری نداشتن داشته است.  
و این است اثر عقیده به توحید و ایمان به صفات جلال و جمال خدا؛  
و این است معنای ظهور عقیده توحید در برداشت و تلقی موحد از نظام  
سیاست و حکومت؛ و این است معنای ارتباط و ابتدای نظام جامعه و عقیده به  
مهدویت، بر توحید و یکتاپرستی که اصالتی از این محکم‌تر و واقعی‌تر نیست.  
و خلاصه آن مفاد، این دو آیه است:

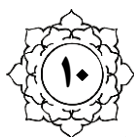
**(وَ أَنْ احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ اخْذِرْهُمْ  
أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ  
اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ \* أ  
فَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ)؛<sup>۱</sup>**

«و تو (ای پیامبر) به آنچه خدا به تو فرستاده، میان مردم حکم کن و پیرو  
خواهش‌های آنان مباش و بیندیش که مبدا تو را فریب دهند و در بعضی  
احکام که خدا به تو فرستاده، تقاضای تغییر کنند. پس هرگاه از حکم خدا  
روی گردانیدند، بدان که خدا می‌خواهد آنها را به عقوبت بعضی از  
گناهانشان گرفتار سازد، همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند. آیا باز  
تقاضای حکم زمان جاهلیت را دارند و کدام حکم از حکم خدا برای اهل  
یقین نیکوتر خواهد بود؟».

مهدی آل نبی که جان  
جهان است  
حافظ دین حنیف و قطب  
زمان است  
صاحب عصر و قوام عالم  
امکان  
مهتر خوبان و سرور همگان  
است  
بنده خاص خدا به کل  
وجود است  
ز امر حق اندر کفش زمام  
جهان است  
مصلح دنیا و دین امام  
مظفر  
قانع بیداد و قاطع خفقان  
است  
مجلس او طور عاشقان  
تجلی  
مهبط انوار و رشک باغ  
جهان است  
خاتمه دفتر خلافت کبری  
والی ملک شهود و کشور  
جهان است  
چشمه حیوان اگر طلب  
کنی ای دل  
خاک درش جو که چشمه حیوان  
است  
بنده احسان او کهین  
و مهینند  
تابع فرمان او زمین و زمان

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت ابتدای آن بر توحید و یکتاپرستی.....۹۵

اَسْت  
گرچه به ظاهر ز چشم خلق  
نهان است  
پیش خرد همچو آفتاب  
عیان است



## اصالت مهدویت

### از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت

#### و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی

در اینکه صدها میلیون مسلمان در جهان زندگی می‌کنند، که تحت تأثیر اسلام و نفوذ معنوی آن قرار دارند و اسلام بخش‌های مهمی از زندگی آنها را فرا گرفته است، شکی نیست.

مسلمانان ایران، افغانستان، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، هند و چین، تایلند، فیلیپین، مالزی، ترکیه، یوگسلاوی، قبرس، عراق، کویت، بحرین، عربستان، حضرموت، عمان، اردن، سوریه، لبنان، مصر، الجزایر، مراکش، یمن، تونس، تانزانیا، ساحل عاج، اتیوپی، اریتره، سودان، لیبی، استرالیا، آلبانی و کشورهای مسلمان‌نشین تحت سلطه روسیه به اصطلاح شوروی و دیگر کشورهای که مسلمانان در آنها اکثریت دارند یا در اقلیت می‌باشند، همه تحت نفوذ تعالیم اسلام قرار دارند و اگرچه جوامع آنها اسلامی خالص نیست و جاهلیت در آنها ریشه‌کن نشده یا در آنها وارد شده است؛ اما عقیده به اسلام در آنها اثر گذارده و بسیاری از آثار جاهلیت و عادات و رسوم غیراسلامی آنها را از میان برده است. اسلام در معاملاتشان، در معاشراتشان، در عباداتشان، در ازدواجشان و همسررداری و فرزندداری‌شان، در فرهنگشان، در اخلاقشان و از تولد تا مرگ



اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت.....۹۷

و دفن امواتشان، اثر گذارده و نقش عملی اسلام در آنها دیده می‌شود. هرچند اسلام عامل و محرک و برانگیزنده منحصربه‌فرد آنها نیست و در وجود آنها و جامعه آنها به مقاصدش نرسیده و آنها را با خود و خود را با آنها متحد نساخته باشد؛ اما این مقدار هم قابل انکار نیست که اسلام در وجود آنها و در رفتار و اعمالشان نقش دارد و چنان‌که برخی تبلیغ می‌کنند که اسلام از اثر افتاده و نقشی ندارد یا نمی‌تواند نقشی در عمل و سازندگی فرد و جامعه داشته باشد نیست.

هنوز هم نفوذ اسلام در پیروانش فوق‌العاده است و مایه گسترش و توسعه نفوذش در آن برجا بوده و از آن چیزی کاسته نشده است و آنچه که لرزه بر اندام استعمار می‌اندازد و از آن نگران است، همین نفوذ اسلام است.

اگر دیده می‌شود که تأثیر اسلام در عمل افراد و جامعه‌ها متفاوت است و شدت و ضعف دارد، باید توجه داشت که این تفاوت‌ها کم‌وبیش هست و علل و عواملی در آن مداخله دارد و درجات عقیده‌ها و حالات معتقدان نیز مؤثر است. باید برای اینکه قلمرو نفوذ اسلام بیشتر شود، این علل و عوامل را از میان برد، نه اینکه گمان کنیم زمان اینکه اسلام نقش عملی داشته باشد، گذشته است. یا نقش سازنده اسلام را با همه موانع و درگیری‌ها، در این عصر و در چهارده قرن گذشته کم و ناچیز بگیریم. اسلام همیشه مؤثر بوده و در زندگی تمام مسلمانان و بلکه بیگانگان نقش داشته است و اگر نقش نداشت، از بین رفته بود.

بنابراین سخنی که وابستگان و مزدوران شرق یا غرب می‌گویند و سازندگی اسلام و نقش عملی آن را مخصوصاً در رهبری جنبش‌ها و حرکات آزادی‌بخش انکار می‌کنند، یک یاوه‌سرایی بیش نیست و انقلاب اسلامی ایران علیه استعمار آمریکا و مقاومت دلیرانه مسلمانان افغانستان در برابر تجاوز وحشیانه روسیه، نشان داد که اسلام تا چه حد در بین پیروانش از نفوذ معنوی برخوردار است و نیروی ایمان

و رهنمودهای اسلام، حکومت ستمگری که خود را وارث دوهزاروپانصد ساله استکبار و استعباد می‌شمرد و بر قدرت نظامی ابرقدرت‌های جهان تکیه داشت و خود به پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین سلاح‌های جنگی مجهز بود، ساقط گردید. آری اسلام دین عمل است و در متجاوز از سیصدوبیست مورد در قرآن مجید، واژه عمل و مشتقات آن ذکر شده است.

فقه وسیع اسلام و کتاب‌های بزرگی که فقهای عالی‌قدر ما نوشته‌اند، مثل کتاب شریف **جوهر الکلام** که اخیراً در چهل جلد تجدید چاپ شده، حکم عمل و ارشادات و تعالیم عملی است.

در عصر رسول خدا| هم، اسلام در عمل همه و هر فرد، نقش مطلق و مساوی نداشت. فردی مانند علی × ابرمرد اسلام و افرادی مانند شهدای بدر و أحد و حمزه و جعفر و زید بن حارثه و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار بودند که نقش اسلام در عملشان ظاهر بود، افرادی هم مانند منافقین بودند یا از اشخاصی بودند که درجه ایمان مثل سلمان و ابوذر و مقداد را نداشتند.

با این حال، نقش رهبری و حرکت و کنترل‌کننده اسلام همیشه ادامه داشته و اکنون هم در پیروان ادیان و مکتب‌ها نقش اسلام از سایرین بیشتر است.

این نفوذ معنوی اسلام و نقش سازنده و کنترل‌کننده نیرومندی که دارد، این نوید را می‌دهد که اسلام روزی دین جهانی شود. اکنون در این موضوع نمی‌خواهیم سخن را طولانی سازیم، فقط می‌خواهیم به این تهمت که برخی می‌گویند: اسلام و عقیده به مهدویت در عصر حاضر یا از مدت‌ها قبل در عمل مسلمانان نقشی ندارد، پاسخ بگوییم.

بدیهی است این موضوع را که نقش اسلام باید کامل‌تر و کامل‌تر شود تا فراگیر همه جهات و همه افراد گردد، نیز تأیید می‌کنیم و آن را رسالتی می‌دانیم

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت.....۹۹  
که بر عهده فرد فرد مسلمانان مخصوصاً علما و نویسندگان و گویندگان  
و روشنفکران است.

اسلام همیشه باید نقش جهانی خود را ایفا نماید تا به اهداف خود برسد و ما  
همه در انتظار عملکرد اسلام و آن روزی هستیم که اسلام به تمام هدف‌هایش  
برسد و بخش‌های مهمی از دستورات و برنامه‌های آن مخصوصاً در رشته نظام  
و سیاست و حکومت که متروک و از محدوده عمل خارج شده، عملی شود.

### **نقش مهدویت**

از آنچه گفته شد معلوم گردید که مهدویت نیز مانند سایر عقاید اسلامی نقش  
عملی خود را داشته و اگر تأثیر آن از سایر عقاید اسلامی بیشتر نبوده، کمتر نمی‌باشد.  
مهدویت نقش موجودیت اسلام را در عمل حفظ کرده و از اینکه بر مسلمانان  
یأس و ناامیدی مسلط شود، جلوگیری می‌کند و ضامن بقای نقش عملی اسلام  
است. این نهاد اسلامی همیشه نقش اسلام را بیشتر در عمل خواهان بوده  
و مسلمانان را به پیاده شدن نقش اساسی و کلی اسلام امیدوار ساخته و برخلاف  
آنان که نقش اسلام را پایان یافته گرفته‌اند، مهدویت آن را همچنان در آغاز کار و در  
بین راه می‌داند و اسلام را بیش از آنکه دین چهارده قرن پیش باشد، دین حال  
و دین آینده و قرن‌های بعد و چهارده‌ها قرن بعد هم اگر جهان ادامه یابد، می‌داند.  
پس نقش عملی مهدویت در پاسداری از اسلام و نقش عملی اسلام موجود  
و گسترش و توسعه آن بسیار حسّاس و قابل توجه است و این اندیشه و عقیده‌ای  
است که مسلمان را از اینکه عمر اسلام را تمام بداند و تسلیم کفّار و مکتب‌های  
الحاد و کفر شود، یا جهان را از اسلام بی‌نیاز بشمارد، مصونیت می‌بخشد.  
عقیده مهدویت با ابعاد ممتاز و سازنده‌ای که دارد، سنگر روحی و عقیدتی  
مقاومت مسلمانان بوده و هست.

ایمان مسلمانان به اینکه این دین باید پیش برود و جهان گیر شود و دنیا را به زیر پرچم توحید درآورد، آنها را در برابر امواج حوادث ثبات بخشید و در مقابل دشمنان پایداری و استقامت داد و همان گونه که مسلمانان صدر اسلام گوشه گیری و انزوا و ترک مداخله در امور را شعار خود نساختند و این ایمان به آینده مشوق و محرک آنها به جهاد و تلاش بیشتر بود، امروز و در عصر حاضر و در آینده نیز این عقیده، این برکات را دارد که توانست انقلابی مثل انقلاب اسلامی ایران را پی ریزی و رهبری نماید.

عقیده مهدویت، محتوایش عقیده به بقای اسلام است و اینکه این دین مانند کوه و زمین و آسمان استوار است و در برابر حوادث پایدار.

این عقیده، محتوایش این است که آینده برای این دین است و آخرین ابرمرد که خلاصه دودمان رسالت است، مروج و زنده کننده آن است.

این عقیده علاوه بر آنکه خود اصالت دارد، به معتقداتش نیز اصالت می دهد و تلاش و کوشش و تعهد می بخشد. هرکس این عقیده را در ترک امر به معروف و نهی از منکر و تعهداتی که در برابر خدا و پیغمبر و حضرت صاحب الامر<sup>×</sup> و امت دارد، عذر و بهانه خود قرار دهد، گمراه است. هرگز نمی توان این عقیده را به نقش منفی در عمل متهم ساخت. اگر عقیده به عدل و عقیده به نظام، نقش منفی در عمل دارد؛ یعنی موجب ظلم و بی نظمی می شود، عقیده مهدویت نیز نقش منفی دارد، مگر اینکه منکر هرگونه رابطه بین علت و معلول شویم که با این انکار تأثیر و نقش منفی آن نیز سخنی بی محتوا و غیر منطقی می باشد.

بالآخره ما هرچه می اندیشیم، هیچ رابطه ای بین این عقیده و ترک تکالیف و مسئولیت ها نمی بینیم و از روز اول تا حال هم برداشت مسلمانان و شیعیان از این عقیده، نسخ موقت دین و تکالیف دینی نبوده است.

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت ..... ۱۰۱

این موضع‌گیری‌های شیعه و این اشعار پر از شور و حماسه آنها و این انقلاباتی که رهبران و علمای شیعه برپا کردند و مجاهدات آنها، همه این اتهام را ردّ می‌کند.

به نظر من اصل این تبلیغ از ناحیه سه گروه است:

**گروه نخست:** آنان که به‌طور کلی با اسلام دشمنی دارند و از هر راه که بتوانند به هریک از اصول و فروع آن ضربه‌ای بزنند، خودداری نمی‌نمایند.

اینان که اکثراً عمال تبشیر و مزدوران شرق یا غرب می‌باشند، در پی این هستند که از هر راه بتوانند در عقاید مسلمانان رخنه کرده و ذهن آنها را نسبت به مبانی اسلامی مشوّش و منحرف سازند.

**گروه دوم:** کسانی می‌باشند که به نقش بعضی عقاید، مثل خاتمیت دین و مهدویت و محتوای آن که آینده برای این دین است، پی برده و می‌دانند این عقاید، مسلمان‌ها را در برخورد با تبلیغات مسموم موضع می‌دهد و مانند نقطه مرزی است که فتح نقاط دیگر بدون فتح آن امکان‌پذیر نیست، لذا به این نقطه‌ها حمله می‌کنند تا بلکه عقاید را نسبت به آن متزلزل سازند و حمله به داخل را شروع کنند.

**گروه سوم:** آنان که موضع عقیده به مهدویت را در عقاید شیعه و نظام امامت و نقش ولایت و رهبری فقها را در عصر غیبت می‌دانند و آن را با حکومت‌های طاغوتی و استبداد و رژیم‌های دیگر معارض می‌بینند. این عقیده در تمام اعصار و ادوار شیعه را در موضع نفی و ردّ هر نظام غیرشرعی قرار می‌دهد.

بعد از اعلام جهاد توسط مرجع بزرگ «سیدمحمد مجاهد» علیه حکومت روسیه و پس از واقعه «گریبایدف» که به رهبری فقیه بزرگ تهران «آقا میرزا مسیح» صورت گرفت، روس‌ها در مقام تضعیف نفوذ عقیده به مهدویت برآمدند و دستگاه جاسوسی آنها در ایران و عراق به‌طور محرمانه مشغول کار شد و در ظاهر هم سلاطین قاجار مثل محمدشاه و دست‌نشانده‌های درباری خود را به

توهین به موضع علما و جلوگیری از گسترش نفوذ روحانیت واداشتنند که کنسول‌گری روسیه در شهرهایی مثل اصفهان، محل تحصّن و تمرکز مزدوران روسیه و کسانی که علیه روحانیت و نظام تشیع فعالیت داشتند، بود و در عصر ناصرالدین‌شاه به تحریک سفارت روس، جمعی از علمای مشهور و مبارز مثل «مرحوم آقا نجفی اصفهانی» مکرّر به تهران احضار یا تبعید شدند.

درضمن از سوی روسیه قلم‌های مزدوری نیز بسیج شدند تا آنچه را حکومت وقت روس می‌خواست با قلم‌های مسموم به مردم تزریق نمایند.

پس از واقعه تحریم تنباکو و شکست تاریخی استعمار انگلیس با یک سطر ابلاغیه مرجع شیعه آیت‌الله میرزای شیرازی، قدرت نفوذ عقیده به مهدویت و ولایت نواب عام حضرت مهدی<sup>×</sup>، عالم استعمار را سخت تکان داد و این بار دولت مزور و حيله‌گر انگلیس که در نقشه‌کشی‌های ابلیس در آن عصر شهرت یافته بود، وارد عمل شد، تا به هر نحو ممکن سدّ را بشکند و نفوذ علما را از میان بردارد و روحانیت و دین را از دنیا و سیاست جدا سازد.

این بار حملات و ضرباتی که بر پیکر روحانیت وارد شد، اگر بر هر دژ دیگر و هر سازمانی وارد شده بود، آن را از میان می‌برد؛ ولی هوشیاری رهبران روحانی و آگاهی آنها و فداکاری‌های بی‌نظیری که از آنها ظاهر شد و قوت عقیده مردم به مبدأ مهدویت، باز هم نقشه‌های دشمنان را با اینکه به‌ظاهر، موفقیت‌های بزرگ کسب کرده و تمام سازمان‌های دولتی و مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل تبلیغی را تصرف کرده بودند، نقش برآب کرد و این مسئله اعتراض به مبدأ مهدویت و بهانه نقش منفی آن و همچنین متهم کردن اکثریت به برداشت منفی از انتظار و حمله به مراسم جشن و چراغانی نیمه شعبان که رضاخان مبتکر آن بود و با زور می‌خواست آن را متروک سازد، همه از نتایج این سیاست‌های استعماری

اصالت مهدویت / اصالت مهدویت از جهت نقش آن در عمل و برقراری عدالت.....۱۰۳  
است که حتی گاهی به عنوان دلسوزی و روشنفکر مآبانه طرح می شود و افراد  
ناآگاه از حقایق جریان ها نیز می پذیرند و آن گفته ها را بازگو می نمایند.  
ما امیدواریم با هوشیاری و آگاهی روزافزونی که ملت مسلمان، به خصوص  
شیعیان ایران و سایر نقاط دارند، این گونه اشتباه کاری ها نتواند به حریم نهادهای  
عقیدتی ما نزدیک شود، چنان که امیدواریم همگان مخصوصاً علما و گویندگان  
و نویسندگان متعهد، حقایق مسائل مذهبی را چنان تشریح نمایند که جای  
هیچ گونه برداشت غلط و سوء تفسیر باقی نماند و این نهاد الهی عقیده به  
مهدویت، در مسیر اصلاح و انقلاب و ترقی و تعالی و قطع وابستگی به بیگانگان  
مورد استفاده قرار بگیرد. ان شاء الله.

**وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**

۹ شعبان المعظم ۱۴۰۰

لطف الله صافی





## كتابنامه

۱. قرآن كريم.
۲. نهج البلاغة، الشريف الرضى، الامام على بن ابى طالب، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳. اضواء على السنة المحمدية، ابوريه، محمود (م. ۱۳۸۵ق.)، نشر البطحاء.
۴. امان الامة من الضلال و الاختلاف، صافى گلپايگانى، لطف الله، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۷ق.
۵. انيس الاعلام فى نصرة الاسلام، فخرالاسلام، محمدصادق، تهران، كتابفروشى مرتضوى، ۱۳۵۸ش.
۶. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، مجلسى، محمدباقر (م. ۱۱۱۱ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
۷. بشارت ظهور، شطارى، احمد، چاپخانه تابان، ۱۳۳۲ق.
۸. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانى، حسن بن على (م. قرن ۴)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۰۴ق.
۹. التفسير الكبير، فخر رازى، محمد بن عمر (م. ۶۰۶ق.)، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ۱۴۱۳ق.
۱۰. الثاقب فى المناقب، ابن حمزه طوسى، محمد بن على (م. ۵۶۰ق.)، قم، انتشارات انصاريان، ۱۴۱۲ق.

- ١٠٦ ..... امامت و مهدویت / ج ٤
١١. *الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبي)*، قرطبي، محمد بن احمد (م. ٦٧١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٥ق.
١٢. *جنة المأوى فى ذكر من فاز ببقاء الحجة*، محدث نوري، ميرزا حسين (م. ١٣٢٠ق.)، بيروت، دار المحجة البيضاء، ١٤١٢ق.
١٣. *دار السلام در احوالات حضرت مهدى \**، عراقى، محمود بن جعفر (م. ١٣٠٨ق.)، قم، انتشارات مسجد مقدس جمكران، ١٣٨٣ق.
١٤. *داستانهاى شگفت*، دستغيب، سيدعبدالحسين، قم، انتشارات اسلامى، ١٣٨٨ش.
١٥. *رجال النجاشى*، نجاشى، احمد بن على (م. ٤٥٠ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٦ق.
١٦. *الرسائل العشر*، طوسى، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، قم، نشر اسلامى.
١٧. *روضة الواعظين و بصيرة المتعظين*، فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م. ٥٠٨ق.)، قم، الشريف الرضى، ١٣٧٥ش.
١٨. *سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد*، صالحى شامى، محمد بن يوسف (م. ٩٤٢ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.
١٩. *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى الآيات النازلة فى اهل البيت*، حاكم حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (م. ٥٠٦ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ق.
٢٠. *شيخ المضيره ابوهريرة*، ابوريه، محمود (م. ١٣٨٥ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمى.
٢١. *العقبى الحسان فى احوال مولانا صاحب الزمان \**، نهاوندى، على اكبر، قم، انتشارات مسجد مقدس جمكران، ١٣٨٨ش.

- اصالت مهديت / كتابنامه.....١٠٧
٢٢. عقيدة نجات بخش، صافي گلپايگاني، لطف الله، قم، دفتر تنظيم و نشر آثار حضرت آيت الله العظمى صافي گلپايگاني مدظله العالی، ١٣٩٢ ش.
٢٣. عوالي اللئالی العزيزية في الاحاديث الدينية، ابن ابی جمهور احسائي، محمد بن علي (م. ٨٨٠ق.)، قم، مطبعة سيد الشهداء، ١٤٠٣ق.
٢٤. عيون اخبار الرضا، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٤ق.
٢٥. غاية المأمول شرح التاج الجامع للاصول، ناصف، منصور علي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٦ق.
٢٦. الغيبة، طوسي، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١١ق.
٢٧. كشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار، محدث نوري، ميرزا حسين (م. ١٣٢٠ق.)، المطبعة الجديدة.
٢٨. كشف الغمة في معرفة الائمة، اربلي، علي بن عيسى (م. ٦٩٣ق.)، بيروت، دار الاضواء، ١٤٠٥ق.
٢٩. كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر، خزاز قمي، علي بن محمد (م. ٤٠٠ق.)، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.
٣٠. كمال الدين و تمام النعمة، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٥ق.
٣١. كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، متقي هندی، علي (م. ٩٧٥ق.)، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٣٢. كنز الفوائد، كراچكي، محمد بن علي (م. ٤٤٩ق.)، قم، مكتبة المصطفوي، ١٣٦٩ش.
٣٣. المحجة فيما نزل في القائم الحجة، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ١١٠٧ق.)، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٩٨٣م.

۱۰۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

۳۴. مدینه معجز الائمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، بحرانی، سیدهاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.

۳۵. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (م. ۴۰۵ق.)، بیروت، دار المعرفه.

۳۶. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، شیبانی (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر.

۳۷. المعجم الکبیر، طبرانی، سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

۳۸. من ذا؟ (سیاحه فکریه فی ملکوت السماوات و الارض و احادیث علامات ظهور الامام المهدي)، خالصی، محمد (م. ۱۳۴۲ق.)، تهران، مرکز وثائق الامام الخالصی، ۱۳۸۵ش.

۳۹. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق.

۴۰. منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی، ۱۴۳۰ق.

۴۱. نجم الثاقب در احوالات حضرت صاحب العصر و الزمان بقیه الله الاعظم، محدث نوری، میرزاحسین (م. ۱۳۲۰ق.)، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۵ش.

۴۲. نوید امن و امان، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰ش.

۴۳. وابستگی جهان به امام زمان، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی، ۱۳۹۲ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# معرفت حجت خدا

شرح دعای «اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...»



## اهدا

بسمه تعالی شأنه  
لَا عَذَابَ لِلَّهِ أُمِّي إِنَّهَا شَرِبَتْ  
حُبَّ الْوَصِيِّ وَعَدَّتْنِيهِ بِاللَّبَنِ  
وَكَانَ لِي وَالِدٌ يَهْوَى أَبَا حَسَنِ  
فَصِرْتُ مِنْ ذِي وَدَا أَهْوَى أَبَا  
حَسَنِ

ثواب این رساله را به روح پاک مادر عزیزم، فاطمه خانم صافی، دختر مرحوم آیت الله آخوند ملا محمدعلی، هم حجره و شریک بحث با مرحوم آیت الله میرزای شیرازی، که مشتاق لقای حضرت صاحب الزمان × بود، هدیه می نمایم.

بانویی که در معرفت و ولایت و مداومت بر ادعیه و زیارت عاشورا با حال خضوع و خشوع و بُكاء، همچنین در شوهرداری و تربیت فرزند و فضایل علمی و عملی دیگر نمونه بود و در تربیت من رنج فراوان برد.

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيَجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً حِينَ  
يَسْتَقْرِضُنِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ  
غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي. وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَمِينِ وَحْيِهِ  
وَخَاتَمِ رُسُلِهِ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا الَّذِي  
بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى، وَيُوجِدُهُ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، نَامُوسُ  
الذَّهْرِ وَوَلِيِّ الْعَصْرِ، الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ أَرْوَاحَنَا  
وَأَرْوَاحَ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ<sup>١</sup>.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَكَثِّرْ أَعْوَانَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ  
أَنْصَارِهِ وَشَرَفْنَا بِالْفَوْزِ بِلِقَائِهِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدُّعَاءِ.

قالَ اللهُ تَعَالَى:

(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا

---

١. «سپاس خدایی راست که او را می‌خوانم پس جوابم می‌دهد، گرچه وقتی از من قرض می‌خواهد بخل می‌ورزم و سپاس خدایی را که او را می‌خوانم و جز او را نمی‌خوانم و اگر غیر او را بخوانم جوابم نمی‌دهد؛ رحمت و درود بر امین وحی او و آخرین پیامبرش ابوالقاسم محمد و خاندان پاکش باد؛ به‌ویژه آنکه به میمنت و مبارکی او، خلق روزی می‌خورند و آسمان و زمین، با وجود او پابرجا هستند، ناموس روزگار و صاحب عصر و زمان، حجة بن الحسن المهدی، جان ما و جان همه اهل عالم فدای او باد. خدایا فرج او را نزدیک گردان و شرایط ظهور آن حضرت را فراهم فرما و یاران او را زیاد کن و ما را از یاران آن حضرت قرار بده و شرافت رسیدن به خدمت آن حضرت را بر ما عطا کن، به‌درستی که تو اجابت‌کننده دعایی.»



**دَعَانٍ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ<sup>۱</sup>؛**

«و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، بگو: من نزدیکم دعای دعاکننده را وقتی که مرا می خواند، جواب می دهم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، امید که راه را یافته باشند».

وَقَالَ النَّبِيُّ:

«الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ».<sup>۲</sup>

«دعا، سلاح مؤمن و ستون دین و روشنایی آسمانها و زمین است».

---

۱. بقره، ۱۸۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۸.



## مقدمه

### بسم الله الرحمن الرحيم

برحسب روایات بسیار در عصر غیبت حضرت صاحب الامر<sup>×</sup>، به واسطه فتنه‌های زیاد و آزمایش‌های شدیدی که پیش می‌آید، حفظ دین سخت دشوار می‌شود و از بوته امتحان جز افرادی که در شداید شکیبیا و در معرفت و ولایت استوار و پابرجا باشند، بی‌غلّ و غش و خالص بیرون نخواهند آمد.

گمراهی‌ها و اغواها و انحراف‌ها از حقّ فراوان می‌شود و حتی به اسم اسلام بدعت‌ها می‌سازند و شبهه‌ها منتشر می‌کنند و تحیرها و سرگردانی‌ها ایجاد می‌نمایند و چنان شود که برحسب بعضی روایات شخص صبح می‌کند درحالی که مؤمن است، و شام می‌کند درحالی که منافق یا کافر است. همچنین شب می‌کند در حال اسلام و ایمان، و صبح می‌کند در حال کفر و نفاق.<sup>۱</sup>

خلاصه، امواج ابتلائات، امتحانات، موجبات تزلزل عقیده، شک در عقاید دینی و ارتداد از هر سو افراد را احاطه می‌نماید، آن‌چنان تمیز و تخلیصی پیش می‌آید که نظیر آن را نه کسی دیده و نه شنیده باشد. اکثریت در منجلاب فساد و گمراهی غوطه‌ور شوند و چنان شود که کسی عقاید اسلامی حتی اسم جلاله «الله» را نتواند بگوید مگر به‌طور پنهانی و برای کسی ایمانش سالم نماند.

---

۱. ابن‌حماد، الفتن، ص ۱۵، ۲۳، ۹۵؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۳۷۲، ۳۹۰ - ۳۹۱، ۵۲۳؛ ج ۳، ص ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۲۷۷، ۴۰۸، ۴۱۶.

«إِلَّا مَنْ يَفِرُّ مِنْ شَاهِقٍ إِلَى شَاهِقٍ وَمَنْ جُحِرَ إِلَى جُحْرٍ»؛<sup>۱</sup>

برای اینکه مؤمنان حقیقی آگاه باشند و در حفظ دین و ایمان خود موفق گردند و تندترین بادهای فتنه، پای ثبات و استقامت آنها را نلغزاند:  
**اولاً:** در احادیث بسیاری که از طریق شیعه و سنی روایت شده است خبر داده اند که این آگاهی قبلی پس از پیشامد آن حوادث، موجب قوت ایمان اهل بیانش و معرفت می‌گردد.

**ثانیاً:** هشدارها داده‌اند و مردم را از اینکه دین خود را از دست بدهند، برحذر نموده‌اند. چنان‌که از حضرت مولا علی × روایت شده است که فرمود:

«ذَاكَ حَيْثُ تَكُونُ ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنَ مِنَ الدِّرْهَمِ  
 مِنْ جِلِّهِ. ذَاكَ حَيْثُ يَكُونُ الْمُعْطَى أَعْظَمَ أَجْرًا مِنَ الْمُعْطَى. ذَاكَ  
 حَيْثُ تَسْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ؛ بَلْ مِنَ النِّعْمَةِ وَالنَّعِيمِ وَتَخْلِفُونَ  
 مِنْ غَيْرِ اضْطِرَارٍ وَتَكْذِبُونَ مِنْ غَيْرِ إِخْرَاجٍ. ذَاكَ إِذَا عَضَّكُمْ الْبَلَاءُ  
 كَمَا يَعَضُّ الْقَتَبُ غَارِبَ الْبَعِيرِ. مَا أَطْوَلَ هَذَا الْعَنَاءَ وَأَبْعَدَ هَذَا  
 الرَّجَاءَ»؛<sup>۲</sup>

«این پیشامدها (که پیش از این جمله بدان اشاره فرموده) وقتی خواهد شد که ضربت شمشیر بر مؤمن آسان‌تر است از به دست آوردن یک درهم از راه حلال، این زمانی می‌شود که عطاشده اجرش از عطاکننده بالاتر است. این در وقتی خواهد شد که مست گردید بدون شراب؛ بلکه از نعمت

۱. ابن‌فهد حلی، التحصین، ص ۱۳؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۸. «جز کسی که از قله ای به قله‌ای دیگر و از لانه و سوراخی به سوراخی دیگر فرار کند».

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۷ (ج ۲، ص ۱۲۶)؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۲۱۲؛ قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۳، ص ۲۷۲.

و نعیم، و سوگند یاد کنید بدون اضطرار، و دروغ بگویید بدون اینکه در حرج مانده باشید. این زمانی است که بلا شما را بگذرد چنانکه پالان، کوهان شتر را می‌گذرد. چه طولانی و دراز است مدت این رنج و زحمت! و چه دور است این رجا و امیدواری».

**ثالثاً:** برحسب روایات، حضرت رسول اکرم| و ائمه طاهرين<sup>۸</sup> از کسانی که در این عصر ثابت قدم می‌مانند، مدح و تقدیر فراوان نموده، ایمان آنها را ستوده، به پادشاهای بزرگ و درجات بلند وعده داده‌اند.

از جمله رسول خدا| در حدیثی که در آن، حکایت اسلام آوردن «جندل بن جنادة بن جبیر» ذکر شده است، پس از آنکه جندل از اوصیای آن حضرت پرسید و رسول اکرم| به او خبر داد که دوازده نفرند و اسامی آن عزیزان درگاه خدا را بیان فرمود، او را از غیبت امام دوازدهم خبر داد و فرمود:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ. طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ. أُولَئِكَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: (هُدَى لِلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) ۱ ثُمَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) ۲، ۳»

«خوشا به حال صبرکنندگان در غیبت او! خوشا به حال پایندگان بر دوستی ایشان. ایشانند آنان که خدا در کتابش آنها را وصف نموده و فرموده است: «قرآن مایه هدایت پرهیزکاران است. (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان

۱. بقره، ۲ - ۳.

۲. مجادله، ۲۲.

۳. قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۸۵؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۹۸ - ۱۹۹.

می آورند». سپس فرمود: «آنها حزب خداوند (الله) اند؛ بدانید حزب خداوند رستگارانند».

و حضرت امام زین العابدین × - برحسب روایت ابو خالد کابلی از آن بزرگوار - می فرماید:

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ؛ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ، أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنْ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسِّيْفِ، أُولَئِكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا، وَالِدُعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا»؛<sup>۱</sup>

«به تحقیق که، اهل زمان غیبت او که قائل به امامت او هستند و منتظر ظهور آن حضرتند، از اهل هر زمان دیگر فاضل ترند؛ برای اینکه خدا آن چنان خردها و فهم‌هایی به آنها عطا فرموده است که غیبت، نزدشان به منزله مشاهده و دیدار گردیده است و ایشان را در این زمان به منزله جهادکنندگان با شمشیر در پیش روی رسول خدا قرار داده است. ایشان حقاً مخلصند و به راستی شیعه ما هستند و دعوت‌کنندگان به سوی خدا در پنهان و آشکارند».

در کتاب *المحاسن* برقی، سند را به «فیض بن مختار» رسانده که گفت: شنیدم حضرت امام صادق × می فرمود:

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۲۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲؛ نگارنده، منتخب‌الاثار، ج ۲، ص ۲۱۸.

**فِسْطَاطِهِ».** قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: «لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ  
بِسَيْفِهِ. قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»؛<sup>۱</sup>

«هرکس از شما بمیرد و او منتظر برای این امر باشد (یعنی منتظر قیام حضرت مهدی × باشد)، مثل کسی است که با حضرت قائم × در خیمه آن حضرت باشد». سپس درنگی کرد و فرمود: «نه بلکه مثل کسی است که با او شمشیر زده باشد». پس از آن فرمود: «نه به خدا سوگند مثل آن کسی است که با پیغمبر| به شهادت رسیده باشد».

از طرق عامه نیز روایات و احادیث در این معنا بسیار است. از جمله از انس بن مالک روایت شده است که رسول خدا| فرمود:

**«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الصَّابِرُ عَلَى دِينِهِ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ  
مِنْكُمْ»؛<sup>۲</sup>**

«بر مردم زمانی می آید که از برای صبرکننده بر دینش، اجر پنجاه نفر از شما می باشد (خطاب پیغمبر| به اصحاب است)».

**رابعاً:** دستور و توصیه فرموده اند که با دعا و درخواست از خداوند متعال برای ثبات قدم و منحرف نشدن از راه راست، ایمان و عقاید خود را در حفظ و حراست الهی قرار دهند و در این امتحانات از لغزش قدم و تزلزل عقیده به خدا پناه ببرند و خود را به او بسپارند و از او کمک بگیرند و نیرو بخواهند؛ چون به هنگام امتحانات و حوادثی که بسا افراد ریاضت کشیده را تکان می دهد، بهترین و نیرومندترین نگهبان ایمان و عقاید حق انسان، استعانت از خدا و ارتباط یافتن

۱. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۴؛ رک: مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۷۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. طوسی، الامالی، ص ۴۸۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۴۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۴۷.

۱۲۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

با عالم غیبت است که روحیه صبر و شکیبایی انسان را قوی می‌سازد و او را در برابر ناملازمات ثابت‌قدم و پایدار می‌نماید.

لذا در قرآن مجید دستور داده شده که به نماز و صبر (که تفسیر به روزه شده است) استعانت بجوید؛<sup>۱</sup> زیرا این توجه و استعانت، روح مأیوس و ناامید را امیدوار و شخص زجرکشیده و شکنجه‌دیده را بر تحمل این امور شکیبا می‌نماید.

حاصل اینکه: برای حفظ ایمان، مداومت بر توجه به خدا و دعا، به‌خصوص خواندن دعاهای مأثور (مثل دعای شریف ندبه) بسیار مؤثر بوده و اثرات تربیتی و تکمیلی و فواید آن در حفظ ارتباط با حضرت صاحب عصر و سید و مولا و پیشوا و امام عصر<sup>×</sup> بیش از حد تصور است. لذا در کتاب‌های دعا، دعاهایی برای عصر غیبت رسیده است که شاید مختصرترین آنها این دعا باشد که موسوم به دعای غریق است.

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَيَّ

دِينِكَ»<sup>۲</sup>.

یکی از دعاهای معروفی که مؤمنان و منتظران ظهور در عصر غیبت آن ولی اعظم خدا# بر آن مواظبت داشته و در آن از خدای تعالی معرفت خودش و معرفت پیامبرش و معرفت حجّتش را مسئلت می‌نمایند، دعای معروف «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ» است.

ثقة الاسلام محمد بن يعقوب كليني + که هم‌زمان با حضرات نواب اربعه می‌زیسته

<sup>۱</sup>. بقره، ۴۵، ۱۵۳.

<sup>۲</sup>. صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۵۲، طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۲۳۸، ابن طاووس، مهج‌الدعوات، ص ۳۳۲. «ای خدا! ای مهربان! ای بخشنده! ای حال به حال‌کننده دل‌ها، دلم را بر دین خودت ثابت و پایرجا بگردان».



معرفت حجّت خدا / مقدمه..... ۱۲۱

و در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ هجری قمری رحلت فرموده است، در جامع بزرگ و شریف **کافی** که اقدم جوامع اربعه شیعه است، این دعا را از حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق<sup>×</sup> به دو سند در باب غیبت از کتاب حجّت روایت کرده است.<sup>۱</sup>

علاوه بر آن، شاگرد معروف کلینی، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی کاتب کتاب **الکافی** مشهور به «ابن زینب یا ابن ابی زینب» که از قدماى محدثین بزرگ شیعه می باشد، در کتاب نفیس و معتبر **الغیبه** این حدیث را به سند دیگر نیز روایت نموده است.<sup>۲</sup>

همچنین شیخ اجل محمد بن علی بن حسین معروف به صدوق<sup>+</sup> که در سال ۳۸۱ هجری قمری درگذشته است و صاحب کتاب **من لا یحضره الفقیه**، یکی دیگر از کتب اربعه، در کتاب **ارزنده کمال الدین و تمام النعمه** که همواره مورد استناد و اعتماد علما و محققین بوده و هست، به سه طریق دیگر در باب «ما رُوی عن الصادق جعفر بن محمد» این دعای شریف را روایت کرده است<sup>۳</sup> که در این سه کتاب معتبر مجموعاً به شش طریق روایت شده است.

لفظ این دعای شریف برحسب روایتی که در **الکافی**<sup>۴</sup>، مقدم بر حدیث دیگر روایت شده و برحسب روایت **الغیبه** نعمانی<sup>۵</sup> و سه روایت **کمال الدین**<sup>۶</sup> این است:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ۳۴۲.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۰.

۳. صدوق، کمال الدین، ص ۳۴۲ - ۳۴۳، ۵۱۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۰.

۶. صدوق، کمال الدین، ص ۳۴۲ - ۳۴۳، ۵۱۲.

نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ  
حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ  
عَنْ دِينِي»<sup>۱</sup>.

و در روایت دیگر *الكافی* که روایت ۲۹ این باب است، متن دعا این است:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ،  
اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْهُ قَطُّ، اللَّهُمَّ  
عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>۲</sup>.

که معلوم است اگرچه صحّت صدور هر دو متن از امام \*محتمل و بلکه قابل قبول است؛ اما متن اوّل که به پنج سند روایت شده معتبرتر و جمله‌هایش زیباتر است. بدیهی است در صورت وحدت روایت و وحدت مضمون و اختلاف متن، به حکم:

«وَأِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ، وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوقُهُ، وَعَلَيْنَا تَهَدَّاتُ  
عُصُونُهُ»<sup>۳</sup>؛

«و ما (خاندان رسالت) امیران سخن هستیم که ریشه‌های آن در ما فرو

رفته و شاخه‌هایش بر ما گسترده شده است».

باید متن فصیح‌تر و بلیغ‌تر را صادر دانست.

لذا ما هم در این مقاله متن اوّل را در بحث و تفسیر می‌گذاریم.

۱. «خدایا خودت را به من بشناسان، اگر تو خودت را به من نشناسانی، من پیامبرت را نمی‌شناسم؛ خدایا پیامبرت را به من بشناسان، اگر پیامبر را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت؛ خدایا حجتت را به من بشناسان اگر حجتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

۲. کلینی، *الكافی*، ج ۱، ص ۳۴۲. «خدایا خودت را برایم بشناسان، یقیناً اگر تو خودت را برای من نشناسانی، من تو را نخواهم شناخت؛ خدایا پیامبرت را به من بشناسان، اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی هرگز او را نخواهم شناخت؛ خدایا حجتت را به من بشناسان، اگر حجتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می‌شوم».

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۳ (ج ۱، ص ۲۲۶)؛ ابن‌شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۷.

## اعتبار سند دعا

اعتبار سند این دعا با اینکه در این سه کتاب معتبر به سندهای متعدد روایت شده است و بعضی از شواهد دیگر نیز اعتبار آن را تأیید می‌نماید،<sup>۱</sup> انصافاً اطمینان به صدور آن از امام × حاصل است.

علاوه بر آن، بر فرض که در مثل این مورد سند ضعیف باشد، طبق قاعده تسامح در ادله سنن عمل می‌شود؛ اما به نظر حقیر، سند دعا واجد اعتبار کافی است و خواندن آن به نیت ورود جایز است.

پس از این مقدمه با استعانت از خداوند متعال برای اینکه به مفاد این دعا در حدّ بینش خود آگاهی یابیم، به شرح و تفسیر آن می‌پردازیم و اعتراف می‌کنیم که کلمات صادر از اهل بیت عصمت و طهارت<sup>۲</sup> از دعا و مواعظ و حقایق عرفانی و اخلاقی و تعالیم و رهنمودهای ایشان در نواحی گوناگون برتر از آن است که بتوان شرح تفسیر کامل بر آنها نگاشت و اگر بعضی فرازهای سخنان آن بزرگواران را بتوان شرح و تفسیر جامع نمود، آن‌هم کار همه‌کس نیست و فقط بزرگانی می‌توانند در این کار توفیق یابند که در غور و دقت در احادیث و سخنان ایشان روزگاری را صرف کرده و با مکتب آن

---

۱. از جمله مؤید صحت حدیثی که متضمن این دعا است، این است که صدوق در *کمال‌الدین* (ص ۵۱۲) و طوسی در *مصباح‌المتجهج* (ص ۴۱۱ - ۴۱۶) دعای دیگری که طولانی است از جناب شیخ ابی عمرو عثمان بن سعید عمروی نایب خاص حضرت صاحب‌الامر × روایت نموده است، و دعای مذکور به همین دعایی که ما از آن گفتگو می‌نماییم آغاز شده است، فقط به جای «**لم أعرف نبیک**»، «**لم أعرف رسولک**» فرموده است. این دعا نیز دعای شریفی است که سید بن طاووس در *جمال‌الاسبوع* فرموده است، که اگر از انجام آنچه ذکر کردیم، از تعقیب عصر جمعه عذر برای تو بود، پس بپرهیز از اینکه این دعا را مهممل گذاری و خدا را به آن نخوانی که ما این دعا را شناختیم از فضل خدا - جلّ جلاله - که ما را به آن مخصوص گردانید، پس بر آن اعتماد کن. ابن طاووس، *جمال‌الاسبوع*، ص ۳۱۵ - ۳۱۹.

عزیزان درگاه خدا آشنا باشند.

اما ضعیفانی چون مرا، غواصی در این دریای ژرف بیکران و پرواز به این قله‌های بلند علم و معرفت هرگز میسر نخواهد شد. باید از خرمن معارف بزرگان و پرورش‌یافتگان این مکتب کسب فیض، بینش و آگاهی نمایم و بدانیم در این مسیر که عالی‌ترین سیرهای کمالی بشر وجود دارد، هرچه جلو برویم و با بال سعی و خلوص بر قله‌هایی بس بلند پرواز کنیم، در برابر صاحبان مراتب عالی‌تر مانند نوزادی می‌باشیم که تازه چشم به دیدار جهان گشوده و بیرون از محدوده گهواره و اطاقش جایی را ندیده باشد و در برابر شخصی که سفرهای بسیار کرده و دریاها و کوه‌ها و اقیانوس‌ها و شهرهای کوچک و بزرگ را دیده و به کرات آسمانی نیز سفر کرده، قرار گرفته باشد. با این اعتراف به ناتوانی و قصور و کوتاهی خود، شرح و تفسیر دعا را در دو بخش آغاز می‌نماییم.

بخش اول: لغات دعا.

بخش دوم: تفسیر دعا.

در پایان نیز، بحث کلی در فایده دعا خواهیم داشت. ان شاء الله تعالی

**بخش اول: لغات دعا**





## لغات دعا

### ۱. الله

«الله» اسم است از برای ذات مستجمع جمیع صفات کمالیه بدون لحاظ و تعیین صفتی از صفات.

ابن خالویه در *اعراب ثلاثین سوره* می گوید:

«اسْمٌ لَا يَنْبَغِي إِلَّا لِلَّهِ جَلَّ تَنَؤُهُ»؛<sup>۱</sup>

«اسمی است که سزاوار نیست مگر برای الله بلندمرتبه».

و در قول خدای تعالی: (هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا)<sup>۲</sup> گفته شده است؛ یعنی آیا در مشرق و مغرب خشکی و دریا و کوه و هموار و هر مکان و هر جایی احدی را که اسم او الله باشد، غیر از او می شناسی؟؛ یعنی نخواهی شناخت.

پیرامون این اسم، که به تصریح بعضی «اسم اعظم» است و در اینکه مشتق است یا مشتق نیست و مطالب دیگر، علمای بزرگ ادب و لغت و فلسفه و عرفان بیانات و تحقیقات مهمی در کتاب‌های شرح اسماء الحسنی و کتاب‌های لغت و تفسیر و شرح ادعیه فرموده‌اند، که آوردن آن مباحث در این رساله خارج از ظرفیت آن است و اهل تحقیق و بررسی‌های عمیق را همان کتاب‌ها کافی و وافی است.

فقط در اینجا اجمالاً می‌گوییم: «الله»، که از آن تعبیر به اسم جلاله می‌شود،

---

۱. ابن خالویه، *اعراب ثلاثین سوره* (سوره حمد).

۲. مریم، ۶۵. «آیا برای او همنامی می‌دانی؟».

دلالت دارد بر ذات جامع جمیع صفات کمال، مثل علم و قدرت و تفرّد و وحدت؛ بنابراین یک مسمی بیشتر نخواهد داشت و این دلالت بر تفاوت نمی‌کند و این لفظ مقدّس مشتق باشد یا غیرمشتق و دلالتش بر ذات احدیت به وضع تعینی باشد یا تعینی. در هر صورت این لفظ دلالت بر آن ذات دارد و در لسان عربی بین اسماء حسنی، اسمی که به دلالت مطابقی این دلالت را داشته باشد، در نظر نیست مگر در مثل «هو» این ادّعا بشود.

راغب می‌گوید: اصل «الله»، اله است که همزه‌اش حذف شده و بر آن الف و لام تعریف وارد شده است و سپس مثل ابن خالویه به آیه شریفه **(هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا)** استشهاد نموده است.<sup>۲</sup> و بنابر آنکه مشتق باشد، چنان‌که از بعضی روایات نیز استفاده می‌شود، در اینکه اصل «الله» اله بوده است، اختلافی نیست. هرچند در اینکه همزه آن حذف شده و به جای آن الف و لام آورده شده است، یا اینکه الف و لام بر آن داخل شده و الف اصلی آن حذف شده است. به عبارت دیگر: در اینکه الف و لام تعویض است و قیاسی است یا تعویض نیست و به غیرقیاس است، اختلاف است. چنان‌که در سرّ قرائت آن به قطع همزه و نکات دیگر، بحث‌های ادبی لطیفی بین علمای نحو و ادب مطرح شده است که علاقه‌مندان می‌توانند آنها را در کتاب‌های نحو و ادب مطالعه فرمایند.

و در اصل اشتقاق «اله» نیز چند وجه فرموده‌اند:

**وجه اوّل:** اینکه اصل آن از «آله» (به فتح فاء و عین) است که اسم جنس است بر هر معبودی که به حقّ یا باطل عبادت شود؛ اعم از اینکه پرستنده معبود باطل

۱. مریم، ۶۵. «آیا برای او همانمی می‌دانی؟».

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۱.



معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۲۹

فقط آن را معبود بدانند و به ربوبیت «الله» معتقد باشد، مثل بسیاری از مشرکین، یا اینکه به ربوبیت آن و اتّصافش به صفات کمالیه ربانی قائل باشد.

پس به عکس آنچه که فرقه گمراه وهابیت و ابن تیمیه و پیروانش گمان کرده‌اند که کلمه توحید فقط دلالت بر توحید الوهیت و نفی شرک در معبودیت دارد و نفی شرک در ربوبیت و اثبات توحید در ربوبیت از آن استفاده نمی‌شود. این کلمه طیبه بر نفی مطلق شرک برای حضرت احدیت دلالت دارد؛ زیرا شرک در الوهیت و معبودیت، همچنان که گاه به اعتقاد باطلی مثل عقیده به اینکه شیء وجود تنزیلی خدا در عبادت اوست، حاصل می‌شود. گاه هم به عقاید باطل دیگر مثلاً چیزی یا شخصی را در مثل امر خلق و رزق و اماته و احیا شریک خدا دانستن واقع می‌شود. پس وقتی گوینده این کلمه طیبه نفی هر معبود را نمود، چنان که نفی معبودی را که مشرک در عبادت به واسطه اعتقاد فاسدی آن را می‌پرستد، می‌نماید، معبودی را هم که مشرک در ربوبیت به واسطه اعتقادی از رقم دوم می‌پرستد، نیز نفی می‌نماید و نفی این دو معبود، نفی اصل و منشأ عقیده به معبودیت آنها است و چون موارد شرک در عبادت و پرستش ظهور پیدا می‌کند، از این جهت نفی آن شده و با نفی لازم، نفی ملزوم (یعنی عقاید فاسدی که منشأ عبادت غیر خدا می‌گردد) نیز می‌شود.

بنابراین چنان نیست که کلمه توحید فقط شرک در الوهیت را - به معنایی که وهابی‌ها می‌گویند و مجامع با توحید ربوبیت می‌شمارند - نفی نماید و به نفی شرک در ربوبیت ارتباط نداشته باشد؛ بلکه وقتی معبود غیر او را نفی کردیم، هرگونه شریکی را هم برای او نفی نموده‌ایم و این در صورتی است که «الله» از «اله» (به فتح فاء و عین) مثل «عبد» لفظاً و معنأً باشد و الا بر حسب اشتقاق

۱۳۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

دیگر، این توهم وهابی‌ها که می‌خواهند آن را مبدأ یک سلسله دعوای باطل دیگر خود قرار دهند، بطلانش به صراحت معلوم است.

**وجه دوم:** این است که «الله» مشتق از «آله» بر وزن علم (به فتح فاء و کسر عین) به معنای «تخیر» است؛ چون عقول در درک حقیقت ذات و صفات او متخیر و ناتوانند، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

**(يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا)؛<sup>۱</sup>**

«خدا با علم ازلی بر همه آینده و گذشته خلق آگاه است و خلق را

هیچ به او احاطه و آگاهی نیست».

از امیرالمؤمنین × روایت است که فرمود:

**«كَلَّ دُونَ صِفَاتِهِ تَخْيِيرُ الصِّفَاتِ، وَضَلَّ هُنَاكَ تَصَارِيفُ**

**اللُّغَاتِ»؛<sup>۲</sup>**

و نیز از آن حضرت روایت است که:

**«كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ وَالْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ»<sup>۳</sup>.**

نه ادراك بر	نه فکرت به غور
کنه ذاتش رسد	صفاتش رسد
نه بر اوج ذاتش	نه بر ذیل وصفش
پرد مرغ وهم	رسد دست فهم

و در دیوان منسوب به حضرت علی × است:

۱. طه، ۱۱۰.

۲. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۱. «در بیان صفات الهی برشمردن صفات‌های زیبا بی‌اثر و امانده و ناکارآمد شد و به کار بردن الفاظ گوناگون آنجا گم و بی‌اثر است».

۳. کفعمی، المصباح، ص ۱۱۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۶ - ۱۷۷. «زبان‌ها از بیان وصف او و عقل‌ها از شناخت حقیقتش و امانده است».

معرفت حجت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۳۱

كَيْفِيَّةَ الْمَرْءِ لَيْسَ الْمَرْءُ  
يُذَرُّهَا  
فَكَيْفَ كَيْفِيَّةَ الْجَبَّارِ فِي الْقَدَمِ  
فَكَيْفَ يَذَرُّهُ مُسْتَحْدَثُ النَّسَمِ  
هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ الْأَشْيَاءَ مُبْتَدِعاً

«انسان نمی تواند چگونگی خود را بشناسد، پس چگونه می تواند چگونگی خدا را بشناسد. خدایی که همه اشیا را از عدم به وجود آورده است، پس چگونه می تواند انسان حادث غیرقدیم، او را درک کند.»

گفتم همه ملک حسن خورشید فلک چو ذره  
سرمایه توست در سایه توست  
گفتا غلطی ز ما از ما تو هر آنچه  
نشان نتوان یافت دیده ای پایه توست

بنا بر این وجه، دلالت کلمه توحید بر نفی شرک در ربوبیت ظاهر و بی نیاز از بیان است.

وجه سوم: اینکه مشتق از «وله» است و بنابراین اصل «اله» هم «وله» است که واو آن به همزه بدل شده است. و خداوند متعال را به این جهت «اله» گویند که هر مخلوقی یا به تسخیر و یا به اختیار، مایل به اوست، چنان که می فرماید:

(كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ)؛<sup>۲</sup>

«هریک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند.»

و نیز می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ)؛<sup>۳</sup>

«موجودی نیست جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و

لیکن شما تسبیح آنها را نمی فهمید.»

۱. دیوان امام علی، ص ۵۱۸.

۲. نور، ۴۱.

۳. اسراء، ۴۴.

و نیز می‌فرماید:

**(إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)؛<sup>۱</sup>**

«ما به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد».

و در آیه دیگر فرمود:

**(وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ**

**يُرْجَعُونَ)؛<sup>۲</sup>**

«هرچه در زمین و آسمان است، خواه ناخواه مطیع فرمان خدا است و

به سوی او رجوع خواهند کرد».

از این جهت است که بعضی گفته‌اند: «اللَّهُ مَحْبُوبُ الْأَنْبِيَاءِ كُلِّهَا».<sup>۳</sup>

و این منافات ندارد که بعضی از افراد انسان به سبب برخی کاستی‌ها از او منصرف می‌شوند و سیر اختیاری خود را که باید به سوی او باشد، به قهقری مبدل کرده و از او دوری می‌جویند. باین حال، در سیر کلی، همه به سوی او می‌روند و بازگشت همه به سوی اوست.

**(فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)؛<sup>۴</sup>**

«پس منزّه و پاک است خدایی که ملک و ملکوت هر موجودی به

دست قدرت اوست و همه شما به سوی او رجوع خواهید کرد».

در *لسان‌العرب* است که:

**مَعْنَى وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: أَنَّ الْخَلْقَ يَوْلَهُونَ إِلَيْهِ فِي حَوَائِجِهِمْ؛ وَيَضُرُّعُونَ**

۱. بقره، ۱۵۶.

۲. آل‌عمران، ۸۳.

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۲۱.

۴. یس، ۸۳.

معرفت حجت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۳۳

إِلَيْهِ فِيمَا يُصِيبُهُمْ وَيَفْرَعُونَ إِلَيْهِ فِي كُلِّ مَا يَنْوِبُهُمْ.<sup>۱</sup>

وجه چهارم: این است که از «آله، یلوه، لیاها» به معنای «احتجب» مشتق باشد؛ چون حقیقت ذات او پنهان و محتجب از عقول و ابصار بوده و دیده نمی‌شود. در قرآن مجید نیز به این معنا اشاره شده است:

(لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ)<sup>۲</sup>؛

«او را هیچ چشمی درک ننماید، و حال آنکه او بینندگان را مشاهده

می‌کند و لطیف و نامرئی و به همه چیز آگاه است».

و اسم «الباطن» نیز بر آن دلالت دارد. و در حدیث است:

«إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَبَ عَنِ الْعُقُولِ كَمَا اخْتَجَبَ عَنِ الْأَبْصَارِ، وَإِنَّ

الْمَلَأَ الْأَعْلَى يَطْلُبُونَهُ كَمَا تَطْلُبُونَهُ أَنْتُمْ»<sup>۳</sup>؛

«خداوند متعال از عقل‌ها محجوب و پنهان است، چنان‌که از بصرها

و چشم‌ها محجوب و پنهان است و به‌درستی که ملأ اعلی و فرشتگان بالا

او را طلب می‌کنند، همچنان‌که شما طلب می‌نمایید».

بنا بر این وجه، و وجه سوم نیز، دلالت کلمه توحید بر نفی شرک در ربوبیت ظاهر است.

وجه پنجم: این است که از «آله إلى فلان» مشتق است؛ یعنی به او سکون و آرام گرفت، به این جهت که عقول به او آرامش می‌یابد. و جهان‌بینی اهل توحید به شناخت او باوربخش و موجب اعتماد می‌گردد و دل‌ها به یاد او اطمینان پیدا می‌کند، چنان‌که می‌فرماید:

۱. ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۱۳، ص ۴۶۸.

۲. انعام، ۱۰۳.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲.

**(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)؛<sup>۱</sup>**

«آگاه باش تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گردد»؛

و در دعای عرفه است:

**«مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ»؛<sup>۲</sup>**

«چه چیزی را پیدا کرد کسی که تو را گم کرد؟ و چه چیزی را گم

کرد کسی که تو را پیدا کرد؟».

**وجه ششم:** اینکه «اله» مشتق از «أله» (به فتح فاء و کسر عین) است که به معنای پناه جستن و پناه گرفتن باشد. و به خدا از این جهت «اله» گویند که پناه حقیقی و مفزع همه است. بنا بر این وجه و وجه پنجم نیز، کلمه توحید مطلق شریک را نفی می‌نماید. این بود عمده وجوه یا تمامی وجوهی که در مبدأ اشتقاق «اله» فرموده‌اند.

و اما «اللهم»؛ در چگونگی ترکیب آن فرموده‌اند: معنای آن «یا الله» است و کلمه «یا» به جهت تعظیم اسم جلاله از آن حذف شده و عوض آن میم مشدّد در آخر آن آورده شده است و این از خصایص این اسم است؛ چنان‌که تاء قسم به آن اختصاص دارد.

فراء گفته است: اصل «اللهم»، «یا الله آمناً بالخير»<sup>۳</sup> است، یعنی ای خدا قصد کن ما را به خیر؛ ولی قول اول ارجح و اقوی است.

۱. رعد، ۲۸.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۲۶.

۳. رک: طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۶، ص ۳۴۰؛ رضی‌الدین استرآبادی، شرح‌الرضی علی الکافی، ج ۱، ص ۳۸۴؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۰.

## ۲. عرفان و معرفت

معرفت و عرفان؛ ادراک شیء است به اندیشه و تدبیر در اثر آن چیز، که اخصّ از علم می‌باشد؛ زیرا علم مطلق ادراک است و به تفکر در خود شیء نیز حاصل می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت: معرفت اعم است؛ زیرا علم ادراک حقیقت شیء است و معرفت ادراک شیء است؛ خواه به حقیقت باشد یا به ظاهر و آثار. بنا بر اینکه عرفان و معرفت اعم از معرفت حقیقت شیء یا آثار و وجوه آن باشد، حدیث شریف معروف «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»<sup>۱</sup> را این‌گونه می‌توان تفسیر نمود: هرکس حقیقت نفس خود را که مرکب و محتاج و دارای سایر صفات و مشخصاتی است که باری تعالی از آن منزّه است شناخت، پروردگار خود را که از این صفات منزّه است، می‌شناسد؛ و صورت عرفان اول، عرفان حقیقت نفس است و عرفان دوم، همان عرفان شیء و به چیزهایی است که از او سلب می‌شود و خارج از حقیقت ذات اوست.

و می‌توان تفسیر نمود: هرکس شناخت نفس خود را که محتاج و نیازمند به غیر و مصنوع و مخلوق و مملوک غیر و غیرمستقل بالذات و معلول و حادث است، خدا را که صانع و خالق و مالک و آفریننده و هستی‌بخش اوست، به بی‌نیازی و کمال و سایر صفات جلال و جمال می‌شناسد، که بنابراین وجه، عرفان و معرفت در هر دو جزء حدیث به معنای عرفان آثار و تفکر در آثار و اوصاف نفس و رب حاصل شده و به معرفت حقیقت آنها ارتباط و دلالت ندارد.

و می‌توان تفسیر نمود: هرکس نفس خود را بشناسد به اینکه حقیقت آن را نمی‌توان شناخت و درک آن میسر نیست، پروردگار خود را نیز می‌شناسد به

---

۱. خوارزمی، المناقب، ص ۳۷۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲.

اینکه حقیقت وجود و کُنه ذاتش از دسترس ادراک بیرون است و بنا بر این وجه نیز، معرفت به حقیقت ذات تعلق نگرفته و با تدبّر در آثار حاصل شده است. و در این معنا شاعر می‌گوید:

**تو که در علم عارف کردگار  
خود زبون باشی چون باشی**

و می‌توان تفسیر نمود: هرکس نفس خود را بشناسد که در اداره تمام اموری که مربوط به اوست از جسم و روح یگانه است و تمام اعضا و قوا تحت فرماندهی واحد قرار دارند، و اگر نظام اداره نفس، دو فرمانده و دو مدیر داشت، امور آن مختل و تباه می‌گشت، می‌فهمد که در کل جهان و تمام عالم امکان نیز اگر فرماندهی و مدیریت متعدد باشد، نظام عالم کائنات مختل و همه تباه می‌شوند؛ لذا خدا را به یگانگی و وحدت و بی‌شریکی می‌شناسد. بنا بر این وجه نیز عرفان به غیرحقیقت و کُنه ذات تعلق گرفته و به تدبّر در آثار حاصل شده است.

تفسیر دیگر این است: هرکس نفس خود را بشناسد به اینکه دارای توانایی و علم و ادراک است - هرچند محدود - می‌شناسد آن کسی که او را آفریده و این صفات را به او عطا کرده است، خود دارای تمام صفات کمالیه است؛ زیرا بدیهی است که «فاقد شیء معطی آن نخواهد بود» و نیازمند، کسی را بی‌نیاز نخواهد کرد.

**ذات نیافته کی تواند که شود  
از هستی‌بخش هستی‌بخش**

و نیز به تدبّر و اندیشه می‌شناسد که این صفات را خودش به خودش نداده، چنان‌که خودش را خودش نیافریده است، پس می‌شناسد که بخشنده، هرچه از هستی و صفات جمال و جلال دارد، از خودش می‌باشد که این هستی و این صفات را به او عطا کرده است. بنا بر این وجه نیز، عرفان در هر دو جزء به تدبّر



معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۳۷

در آثار فراهم می‌شود.

سایر وجوهی که در تفسیر این حدیث می‌توان بیان کرد، نیز از این دو قسم خارج نیست؛<sup>۱</sup> که یا معرفت نفس به حقیقت و به تدبّر در ذات آن حاصل شده و یا به تدبّر در اندیشه آثار آن.

اما معرفت «ربّ» بنا بر تمام وجوه، به تدبّر در آثار حاصل می‌شود. لذا گفته می‌شود: فلان کس خدا را می‌شناسد، و گفته نمی‌شود: خدا را می‌داند؛ چون معرفت بشر به خدا به تدبّر در آثار اوست، نه به اندیشه در ذات او.

از سوی دیگر گفته می‌شود: خدا فلان چیز را می‌داند و گفته نمی‌شود: خدا فلان چیز را می‌شناسد؛ زیرا معرفت بر علمی اطلاق می‌شود که وصول به آن با تفکر باشد و خدا از آن منزّه است؛ بلکه علم خدا حضوری و بدون سابقه تفکر و اندیشه و غیر مسبوق به جهل و عدم است. گفته نشود: اگر معرفت باید مسبوق به تفکر و تدبّر در آثار شیء باشد، پس اینکه گفته می‌شود: معرفة الله فطری است، و در قرآن مجید می‌فرماید:

**(أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)؛<sup>۲</sup>**

«در وجود خدا که فاطر آسمان‌ها و زمین است شکی نیست».

و در آیه دیگر می‌فرماید:

**(وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ)؛<sup>۳</sup>**

«و اگر از ایشان سؤال کنی که چه کسی آسمان‌ها و زمین را خلق

---

۱. وجوهی را که در تفسیر این حدیث فرموده‌اند، می‌توانید در کتاب *مصباح الفلاح* یا *نفایس العرفان* که هر دو از تألیفات مرحوم آیت‌الله ملا محمدجواد صافی گلپایگانی - پدر نگارنده این رساله است - مطالعه فرمایید.

۲. ابراهیم، ۱۰.

۳. لقمان، ۲۵.

کرده است هرآینه می‌گویند: خدا».

و بالجمله در این آیات و آیات دیگری از قرآن مجید، مثل آیه:

**(فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)؛<sup>۱</sup>**

«به جانب آیین اسلام روی آور و پیوسته از دین خدا که فطرت خلق

را بر آن آفریده است، پیروی کن».

و از احادیث شریفه استفاده می‌شود که: معرفت خدا و رسول و امام فطری

است و نیاز به تدبّر ندارد.

مقصود از اینکه گفته می‌شود: دین فطری است، به یکی از دو معنا است: یکی

اینکه دین بر بشر تحمیل نشده؛ بلکه با فطرت او موافق است و حرکت در مسیری

است که انسان بالطبع و به فطرت باید داشته باشد و وقتی آن را بر او عرضه بدارند،

از آن سر باز نزده و ابراز تنفر نمی‌نماید و دین حاجت فطری او را برمی‌آورد.

مثلاً فطرت بشر، خواهان عدالت و راغب و مشتاق به خیر و احسان است.

ازاین جهت هرچه پیشنهاد عدالت‌بخش به او بدهند و او را به خیر و احسان،

امانت و راستی، وفا و حفظ عهد، و رحم و انصاف دعوت نمایند، آن را طرد

نمی‌نماید و اگر عوامل و موانعی بین او و فطرتش حجاب نشده باشد، از این

گونه پیشنهادها استقبال می‌کند.

همچنین چون نیاز به خداپرستی در فطرت بشر است و انسان احساس می‌کند

که فقیر و محتاج است، باید به یک نقطه‌ای که غنای مطلق و بی‌نیازی محض

و قدرت نامحدود و علم غیرمتناهی باشد، خود را متصل و متکی نماید. او کسی

را می‌خواهد که بتواند حوایج او را برآورد و او را در شداید و سختی‌ها یاری

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۳۹

دهد و یاد او آرام‌بخش روح و روانش باشد.

بشر بالذات خود را گمراه می‌بیند و هستی و تمام حیثیات خود را هر ساعت و هر دقیقه و ثانیه در معرض انواع خطرات می‌بیند و می‌خواهد به مرکزی که بر تمام کائنات حکم‌فرما و مسلط و محیط بوده و پناهگاه او از این خطرات باشد، اتکا و اعتماد کند؛ لذا وقتی دین را به مفهوم صحیحش، که برآورنده این تمایلات فطری است، به او عرضه بنمایند، بالفطره آن را قبول می‌کند؛ زیرا همان چیزی است که او می‌خواهد. این معنا از فطری بودن دین با اینکه می‌گوییم: معرفت خدا به اندیشه در آثار بدون تفکر در ذات حاصل می‌شود، منافات ندارد.

معنای دیگر فطری بودن دین، این است که فطرت بشر آن را تأیید و تصدیق می‌نماید و از قضایایی است که اگرچه محتاج به قیاس و برهان است؛ اما قیاس و برهان آنها از خودشان جدا نیست و با آنها همراه و در آنها مطوی است، چنان که گفته‌اند: «قَضَايَا قِيَاسَاتُهَا مَعَهَا» و در بیان مثال برای آن گفته شده است: این قضیه که «عدد چهار زوج است» فطری است؛ زیرا دلیل آن با آن همراه است و آن این است که عدد چهار قابل انقسام به دو عدد متساوی است و هر عدد قابل انقسام به دو عدد متساوی، زوج است، پس عدد چهار زوج است.

یا در همین مسئله «معرفة الله» می‌گوییم: این قضیه که «عالم، خدا و آفریننده دارد» فطری است؛ زیرا دلیل آن با آن همراه است و آن این است که عالم حادث و پدیده است و هر حادث و پدیده، آفریننده و پدیدآورنده دارد، پس عالم آفریننده دارد.

یا می‌گوییم: «عالم ناظم غیبی و نامرئی دارد» فطری است؛ زیرا دلیل آن از آن جدا نیست و آن مثل این قیاس و برهان است که عالم نظم و حساب دارد و هر چیزی که نظم و حساب داشته باشد، نظم‌دهنده دارد، یا هر نظم و حسابی

ناظم دارد. پس عالم ناظم دارد، یا پس نظم و حساب عالم نیز ناظم دارد. بنابراین، فطری بودن دین به حسب اصطلاحات اهل معقول و منطقی این است که: دلایل یک قضیه‌ای که مورد تصدیق قرار می‌گیرد، با خود او باشد. و این اصطلاح نیز با معنای لغوی عرفان و معرفت که به حقیقت اشیا تعلق نمی‌گیرد و به شناخت اموری مربوط است که با تفکر و اندیشه در آثار آنها شناخته می‌شوند، منافات ندارد؛ زیرا قضیه فطری هرگاه با آثاری که با موضوع آن قضیه فطری ارتباط داشته باشد، همراه باشد و آن آثار دلیل آن باشد، شناخت آن قضیه، عرفان و معرفت خواهد بود.

و بالاخره سومین معنا برای فطری بودن دین، این است که: انسان خودبه‌خود و ناخودآگاه و بدون اینکه قصد و نیت قبلی داشته باشد، به‌سوی خدا متوجه می‌شود و در فرصت‌هایی دلش به‌سوی خدا کشیده شده و به یاد او می‌افتد. حتی مکرر شنیده و دیده شده است افرادی که در الحاد و زندقه بسیار متعصب و در عناد و لجاج با اهل توحید سخت استوار بودند، در طی جریان‌ها و حوادثی که در زندگی آنها روی داد، ناخودآگاه به‌سوی خدا متوجه شدند، یا عملیات و کارهایی از آنها سرزد که منشأ آن جز ایمان به عالم غیب و جهان دیگر، چیز دیگری نیست. از جمله در هنگام ابتلا و گرفتاری‌ها، وقتی انسان امیدش از همه‌جا بریده و قطع شود، دلش به‌سوی او متوجه می‌شود، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

**(قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ**

**تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ)؛<sup>۱</sup>**

«بگو: آیا می‌بینید اگر عذاب خدا یا روز قیامت برای شما آمد آیا غیر

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۴۱

خدا را می‌خوانید اگر راستگو باشید؟ بلکه او را می‌خوانید».

و در حدیثی که در تفسیر منسوب به حضرت امام حسن عسکری<sup>×</sup>، از حضرت امام صادق<sup>×</sup> روایت شده، همین معنا بیان شده است. برحسب این حدیث، شخصی از امام صادق<sup>×</sup> درباره خدا سؤال نمود، حضرت در پاسخ او فرمود:

«هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ؟»

«آیا هرگز سوار کشتی شده‌ای؟».

عرض کرد: بله.

فرمود: آیا کشتی تو شکسته شده است درحالی که کشتی دیگری نباشد که تو را نجات دهد و شناگری ندانی که تو را بی‌نیاز کند؟

عرض کرد: بله.

فرمود: آیا دل تو متوجه شد به اینکه شیئی از اشیا هست که بتواند تو را از ورطه‌ای که در آن افتاده‌ای نجات دهد؟

عرض کرد: بله.

فرمود:

«فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنجَاءِ حَيْثُ لَا مُنْجِي،

وَعَلَى الْإِعَاثَةِ حَيْثُ لَا مُعِثَّ»؛<sup>۱</sup>

«این شیء آن خدایی است که توانا بر نجات دادن است، هنگامی که

نجات‌دهنده‌ای نیست، و توانا به فریاد رسیدن است هنگامی که

فریادرسنده‌ای نیست».

---

۱. تفسیر منسوب به امام عسکری<sup>×</sup>، ص ۲۲؛ صدوق، التوحید، ص ۲۳۱؛ همو، معانی الاخبار، ص ۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۱.

و چه نیکو سروده است در این معنا، مرحوم آیت الله والد+ در گنج دانش:

شناسایی حقّ امری در این نکته حکم  
غریزی است عقل طبیعی است  
اگر افتی به دام به جز او از که  
ابتلائی میجویی رهایی

باری از جمله فرق‌های معرفت و علم این است که فرموده‌اند: ضدّ معرفت

انکار است، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

(يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا)؛<sup>۱</sup>

«نعمت خدا را شناخته، سپس انکار می‌کنند».

و می‌توان گفت: این هم اشعار دارد بر اینکه معرفت از اموری است که در فطرت انسان است، به آنچه که به آن تعلق می‌گیرد، جهل مطلق ندارد. لذا اگر آن را نفی کرد، انکار است. و جهل یا اعم از عدم معرفت و عدم علم است یا فقط ضدّ علم است. بدیهی است این دو لفظ به‌گونه‌های دیگر استعمال می‌شوند و چنان نیست که کل مطلب در این دو لفظ (علم و معرفت) این باشد که ما برشمردیم؛ بلکه با مراجعه به کتب لغت و موارد استعمالات و بررسی‌های دقیق‌تر به نکات بیشتر می‌رسیم.

چنان‌که از همین بیاناتی که در اینجا نمودیم، معنا و تفسیر بعضی از احادیث،

مثل حدیث معروف «اعْرِفُوا اللَّهَ بِاللَّهِ»<sup>۲</sup> مکشوف می‌گردد.

از پیرزنی پرسیدند: خدا را به چه شناختی؟ گفت: به گردش کردن این چرخ

(اشاره نمود به چرخ‌چرخ که در پیش رو داشت) که تا او را نگردانم نمی‌گردد، پس

۱. نحل، ۸۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۸۵؛ صدوق، التوحید، ص ۲۸۶.

معرفت حجت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۴۳

چگونه چرخ گردون بدون گرداننده و محرک در حرکت است. لذا گفته‌اند:  
«عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَائِزِ»<sup>۱</sup>.

بلی در طبع هر	که با گردنده
داننده‌ای هست	گرداننده‌ای هست
از آن چرخ که	قیاس چرخ گردون
می‌گرداند آن پیر	را همی گیر
اگرچه از ازل	نگردد تا
یابی درستش	نگردانی نخستش

هم بر این عجزه، عارف گفته می‌شود و هم بر آن فیلسوفی که همین برهان حرکت را با تفصیل و کشف حرکتی که کل جهان و اعضا و اجزای آن را به این شکل درآورده، از حرکات اتمی تا کیهکشان‌ی و بالاتر و حرکت جوهری با قوی‌ترین تقریر علمی بیان می‌نماید و هیچ‌چیز و هیچ موجود را در این عالم از حرکت؛ بلکه حرکات گوناگون فارغ نمی‌بیند و از تماشای حرکات عالم حیوان، نبات، جماد، کرات و درک آنها سرمست معرفت و سرشار از لذت معنوی و عرفانی می‌شود، همه عارفند و همه او را می‌طلبند و شوریده و شیفته و واله اویند.

هرکس به زبانی صفت	بلبل به غزل‌خوانی
حمد تو گوید	وقمری به ترانه

آری هم آن عارفی که می‌گوید:

«مَا رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ»؛

«چیزی را ندیدم مگر آنکه خدا را قبل از آن دیدم».

و هم آنکه می‌گوید:

«مَا رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ بَعْدَهُ»؛

---

۱. «دین پیره‌زنان را داشته باشید».

«چیزی را ندیدم مگر آنکه خدا را بعد از آن دیدم».

و هم آن عارف موحد و یکتاشناسی که مصداق این شعر می باشد.

**هرگز حدیث حاضر من در میان جمع  
غایب شنیده ای و دلم جای دیگر است**

بلکه خود را هم فراموش می کند و فریاد می زند:

**«مَا رَأَيْتُ شَيْئاً سِوَى اللَّهِ»؛**

«چیزی را ندیدم به جز خدا».

اما در اصطلاح عرفان و عرفای حقیقی، عارف صورتان مجازی که ریاضات حقه و شرعی را ترک کرده و به اوراد و اذکار و ترتیبات مبتدع و غیروارده از مبدأ وحی و خواندن اشعار و غزلیات سرگرم کننده و تعالیم افراد منحرف را به جای تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت<sup>۱</sup> برنامه خود قرار داده و ترک دنیا را به ترک امر به معروف و نهی از منکر و مداخله نداشتن در امور اجتماعی می دانند و می خواهند با همه در مسلک صلح کل باشند، عارف نمی گویند؛ بلکه عارف کسی است که در معرفت خدا و معرفت انبیا و اوصیا که اولیای مسلم اویند و معرفت شریعت و احکام او و سلوک راه آنها بیش از حد متعارف به مقاماتی رسیده و به درجاتی نایل شده باشد.

### **۳. نفس**

نفس در لسان عرب و کتاب و سنت و اشعار و بیانات فارسی و عربی، در معانی متعدد استعمال شده است که به بعضی از موارد آن اشاره می شود.

۱. معنای اول این است که نفس گفته می شود و از آن، حیثیت و ناحیه وجود انسان قصد می شود که اگر کنترل نشود و عقل با کمک نیروی بازدارنده ایمان آن را در حد اعتدال بین افراط و تفریط نگاه ندارد، سبب شقاوت و سقوط انسان



معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۴۵

می‌گردد، باید عقل با نیروی بازدارنده و راننده ایمان، نفوسی را که سستی و وقوف و عقب‌ماندگی و تنبلی دارند به پیش براند و نفوس حادّ و سرکش و افراطی را از طغیان باز دارد.

این بُعد وجود انسان، همان غرایز گوناگون او مثل غریزه شهوت، غضب، حبّ نفس، حبّ جاه و سایر میل‌ها و غرایز است، اگرچه همه را تحت سه قوه «شهوویه و غضبیه و واهمه» می‌شمارند، وجود انسان، میدان عملیات این غرایز و تنازع آنها است و به این ملاحظه، «نفس در برابر عقل» گفته می‌شود.

در قرآن مجید می‌فرماید:

**(وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ**

**هِيَ الْمَأْوَىٰ)؛<sup>۱</sup>**

«هرکس از ایستگاهی که در برابر پروردگارش دارد (مقام رب) بترسد

و نفس را از هواوهوس بازدارد، به تحقیق که بهشت جایگاه اوست».

هوایی که در این آیه ذکر شده، ظاهراً همان هوای نفس و تأثیر غریزه زیاده طلبی بشر در غرایز دیگر است. زیاده‌جویی‌های نفس در اعمال غرایز و میل او به خوش‌گذرانی و عیش و تن‌پروری و بیکاری و افراط در هوای نفس است که باید نفس را از آن بازداشت و در این راه انسان باید تا آنجا جلو برود و ترقی کند که دواعی نفسانی در اعمال این غرایز را در خود بمیراند، و معنای «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»<sup>۲</sup> را در خود حاصل سازد.

با این نفس باید مجاهده کرد؛ جهاد اکبری که پیغمبر| به مردمی که از جهاد با

۱. نازعات، ۴۰ - ۴۱.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۵۹.

دشمن خدا برگشته بودند، فرمود:

«مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ

الْأَكْبَرُ»؛<sup>۱</sup>

همین جهاد با نفس است که بسیار دشوار است و حتی بعضی از عواملی که در جهاد با کفار یار و مددکار انسانند یا حداقل مانع نیستند، در اینجا در کنار نفس، با شخص مجاهد در ستیزند. و چه بسا انسان گمان کند که نفس را رام کرده و بر آن مسلط شده است، درحالی که همین گمان، از تسویلات و اغوئات نفس است و چنان نفس او را در معرکه‌های مختلف مغلوب می‌نماید که بسا جبران آن شکست به‌زودی ممکن نگردد.

دوزخ است این نفس کو به دریاها  
ودوزخ اژدهاست نگردد کم و کاست  
نفس را هفتصد سر از ثری بگذشته تا  
است و هر سری تحسنت‌الثری

اگر انسان زمام نفس را در اختیار بگیرد، نفس یار و مددکار او در سلوک طریق کمال و سیر الی الله خواهد شد و از سوی دیگر: اگر آن را به‌حال خود واگذارد، تقاضاهای عجیب و غریب و مهلک و وحشتناک از او می‌نماید و هرچه بیشتر به تقاضای او توجه کند، تقاضاهای خطرناک او بیشتر می‌شود.

النَّفْسُ رَاغِبَةٌ إِذَا      وَإِذَا تُرِدُّ إِلَى قَائِلٍ  
رَغَبَتْهَا      يَقْتَنُ<sup>۲</sup>

باری، چه بسیار قهرمانان و زورمندان که در میدان نبرد با نفس مانند گنجشکی

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۳؛ صدوق، الامالی، ص ۵۵۳؛ همو، معانی الاخبار، ص ۱۶۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۶۱ - ۱۶۳.

۲. نفس وقتی به آن رو بدهی زیاده‌خواهی کند و اگر به کم برگردانده شود به آن قناعت می‌کند.

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۴۷

ضعیف، خوار و ذلیل می‌باشند.

مردی، گمان مبر که به پنجه است و زور کتف با شیرمردیت سگ ابلیس صید کرد	با نفس اگر برآیی دانم که شاطری ای بی‌هنر بمیر که از گربه کمتری
---	---

و از بهترین اشعاری که وضع نفس و چگونگی موضع‌گیری در برابر آن را

تشریح می‌کند، این اشعار «بوصیری» در قصیده معروف به «قصیده البرده» است.

النَّفْسُ كَالطَّفْلِ إِنْ تَهْمَلَهُ شَبَّ عَلَى كَمْ حَسِبْتِ لَذَّةَ لَلْمَرِّ قَاتِلَهُ وَخَالَفِ النَّفْسَ وَالشَّيْطَانَ وَاعْصِمِي مَهُمَا	حُبِّ الرِّضَاعِ، وَإِنْ تَقْطِئَهُ يَنْفَطِمِ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَدْرُ أَنَّ السَّمَّ فِي الدَّسَمِ وَإِنْ هُمَا مَحْضَاكَ النَّصْحَ فَاتَّهِمِي
--	--

در حدیث است:

«جَاهِدْ هَوَاكَ كَمَا تَجَاهِدُ عَدُوَّكَ»؛<sup>۲</sup>

«با هوای نفست بجنگ کما اینکه با دشمنت جنگ می‌کنی».

از این حدیث و بعضی احادیث دیگر استفاده می‌شود که نفس به خودی خود مذمّتی ندارد؛ بلکه متابعت هوای او و تحت ضوابط عقلی و شرعی قرار ندادن او، مذموم و خطرناک است.

چنان‌که در نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین × روایت است:

«إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اِثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ؛  
فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي

۱. بوصیری، قصیده البرده، تراثنا، ش ۲۳، ص ۱۷۳ - ۱۷۵. نفس مانند کودک است که اگر او را به حال خود بگذاری، بر دوستی شیرخوارگی به بار می‌آید و اگر از شیر بازگیری، باز گرفته می‌شود. چه بسا نیک جلوه می‌کند برای آدم لذتی که کشنده اوست، از آن جهت که نمی‌داند سم در چربی است. و مخالفت کن نفس و شیطان را و نافرمانی کن آنها را و اگر تو را خالصانه خیرخواهی نمایند، آنها را متهم بشمار و به آن بدبین باش.

۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۸۰.

### الْآخِرَةَ؛<sup>۱</sup>

«همانا ترسناک‌ترین چیزی که من برای شما می‌ترسم، دو چیز است:

تبعیت هواوهوس و طولانی کردن آرزوها، که تبعیت هوا و نفس از حقّ

جلوگیری می‌کند و طولانی کردن آرزوها آخرت را به باد فراموشی می‌سپارد».

۲. معنای دوم این است که گاهی نفس گفته می‌شود و از آن، یکی از حالات

و شئون مختلف آن قصد می‌شود؛ مانند «نفس اماره» که صاحب خود را به بدی

امر می‌کند، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

**(وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي)؛<sup>۲</sup>**

«تبرئه نمی‌کنم نفس خود را، به تحقیق که نفس هرآینه بسیار امرکننده

به بدی است مگر آنچه را خدا رحم کند».

اگر الف و لام در کلمه «النفس» برای جنس یا استغراق باشد؛ ظاهر آن این

است که جنس نفس یا هر نفسی اماره به سوء است؛ امّا باتوجه‌به آیات دیگر

و احادیث و روایات و اینکه فطرت بشر بر هدایت و مسیر راه صواب است، این

احتمال مردود است، چنان‌که در حدیث است: امام زین‌العابدین × در برابر این

سخن حسن بصری که گفت:

**«الْعَجَبُ مِمَّنْ نَجَا كَيْفَ نَجَا»؛**

«تعجب دارم از کسی که نجات یافت، چگونه نجات یافت».

فرمود:

**«الْعَجَبُ مِمَّنْ هَلَكَ كَيْفَ هَلَكَ»؛<sup>۳</sup>**

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۴۲ (ج ۱، ص ۹۲).

۲. یوسف، ۵۳.

۳. ر.ک: سید مرتضی، امالی، ج ۱، ص ۱۱۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۵۳.

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۴۹

«تعجب دارم از کسی که هلاک گردید چگونه (و چرا) هلاک گردید».

سخن حسن بصری بر این مبنا است که: سیر عادی هرکسی به سوی هلاکت است، لذا اگر کسی نجات یافت جای شگفتی است؛ ولی رهنمود امام<sup>×</sup> این است که مسیر عادی هرکسی به سوی رستگاری و کمال و رسیدن به قرب الهی و وصال معنوی است؛ لذا اگر کسی نجات یافت، جای تعجب نیست که با فطرتی که انسان دارد و با وسایل و نعمت‌هایی که در اختیار دارد و می‌تواند از همه، در سیر الی الله تعالی یاری بگیرد و همه را با خود همکار سازد و باین‌همه هدایت‌های فطری و عقلی و شرعی هلاک گردد، این هلاکت جای تعجب است. بنابراین ظاهراً الف و لام در کلمه «النفس» برای عهد است و مقصود همان نفس اماره است و مراد از نفس اماره هم نفس انسان در حال سقوط و سیرهای حیوانی اوست و در روایاتی که در مذمت نفس رسیده، مراد همین نفس است و دستوراتی که برای تهذیب و تزکیه نفس و جهاد با آن رسیده یا مستقیماً به جهاد با این نفس نظر دارند یا پیشگیری‌هایی را پیشنهاد می‌نمایند که نفس انسان متمایل به این حال نگردد و در سیر کمالی خود فعال‌تر شود.

مقامات چهارگانه‌ای که علمای اخلاق با استفاده از راهنمایی‌های قرآن مجید و اهل بیت طی آن مقامات را توصیه نموده‌اند، یا خط جهاد با نفس است و یا مربوط به تکمیل نفس این مقامات، عبارتند از: «محاسبه» و «مشارطه» و «معاقبه» و «معاقبه»، چنان‌که در احادیث نیز وارد شده است:

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَزِنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا،

وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ»؛<sup>۱</sup>

«محاسبه نمایند خود را پیش از اینکه در معرض حساب روز قیامت

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۳.

۱۵۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

قرار بگیرید، و بسنجید آن را پیش از آنکه سنجیده شوید و برای حساب روز قیامت آماده گردید».

و در روایات است: شخصی از بنی اسرائیل چهل سال عبادت کرد و سپس قربانی نمود، قربانی او مقبول نشد. نفس خود را مورد عتاب و سرزنش قرار داد و گفت:

«مَا أُوتِيتُ إِلَّا مِنْكَ وَمَا الذَّنْبُ إِلَّا لَكَ»؛<sup>۱</sup>

«به من وارد نشد (آنچه وارد شد) مگر از تو و گناه نیست مگر برای تو».

به او خطاب شد: توییخی که به نفس خود کردی، از عبادت چهل سالهات بهتر است. و در «مشارطه» می توان نذر زجر از گناه را مثال آورد، چنان که در «معاقبه» نیز می توان به کفارات استشهاد نمود. باری، از نامهای دیگری که نفس به مناسبت شئون و حالات دیگر دارد؛ یکی «نفس لوامه» و دیگری «نفس مطمئنه» است.

### نفس لوامه

«نفس لوامه» عبارت است از نفسی که صاحب خود را بر گناهی که از او صادر شده و بر آنچه از منافع حقیقی و کمالات انسانی و درجات اخروی از او فوت می شود، ملامت می نماید.

و این از علایم ایمان است که اگر از شخص گناهی صادر شود و پشیمان نگردد، به حکم:

«مَنْ لَمْ يَنْدَمْ عَلَى ذَنْبٍ ارْتَكَبَهُ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ»؛<sup>۲</sup>

---

۱. حمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۳۹۲؛ طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۴۳۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۸.  
۲. این عبارت برگرفته از روایات است و خودش لفظ روایت نیست؛ رجوع شود به: صدوق، التوحید، ص ۴۰۸؛ طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۵۶۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۳۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۵۱.

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۵۱

«کسی که پشیمان نشود از گناهی که مرتکب شده، مؤمن نیست».

و اگر پشیمان شود، لازمه آن، ملامت و سرزنش نفس است بر گناهی که از او صادر شده است.

و نیز در روایت است: مؤمن گناه خود را مانند صخره و سنگ بزرگی می بیند که می ترسد بر او فرود آید، و کافر گناه را مثل مگسی می بیند که بر بینی او نشسته باشد.

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيرَى ذُنْبِهِ كَأَنَّهُ صَخْرَةٌ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ، وَإِنَّ

الْكَافِرَ يَرَى ذُنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ»<sup>۱</sup>.

و این نفس لوآمه همان نفسی است که در قرآن مجید می فرماید:

(وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ)<sup>۲</sup>؛

«نه سوگند به نفسی که بسیار ملامت کننده است».

به هر حال از آیات و روایات، مدح نفس لوآمه استفاده می شود و صاحب چنین نفسی باید آن را علامت بیداری وجدان و آگاهی باطن و ضمیر و غنیمت بداند و در نیل به مراتب بالاتر تلاش کند.

### نفس مطمئنه

«نفس مطمئنه» نفسی است که صاحب آن به عقاید حقّه و ثواب و عقاب اطمینان

یافته و آرامش دارد، چنان که امیرالمؤمنین<sup>×</sup> در وصف اهل تقوا می فرماید:

«فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ، وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ

قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ»<sup>۳</sup>؛

۱. طوسی، الامالی، ص ۵۲۷؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۴۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۷.

۲. قیامة، ۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ (ج ۲، ص ۱۶۱)؛ اسکافی، التمهیص، ص ۷۱؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۵۹.

«پرهیزکاران نسبت به بهشت مانند کسانی هستند که آن را دیده و به نعمت آن نایل شده باشند و نسبت به آتش، مانند کسانی هستند که آن را دیده و در آن معذب شده باشند».

و در روایتی که مربوط به جوانی از انصار است (برحسب بعضی روایات حارثه بن مالک انصاری نام داشت) نیز نظیر همین جمله هست. این حال اطمینان نفس که از آثار یقین است، از شئون ممتاز نفس است و درجات سعادت بستگی به درجات این اطمینان دارد و از شئون آن، رضا و تسلیم و توکل و تفویض است که شرح آن در اینجا اطاله کلام و زاید بر مقام شمرده می‌شود. این مقام است که به موجب قرآن مجید، صاحبش به خطاب:

**يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً \***

**فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّتِي؛<sup>۱</sup>**

«ای نفسی قدسی و دل آرام (به یاد خدا) امروز به حضور پروردگارت بازآی که تو خشنود (به نعمت‌های ابدی او) و او راضی از (اعمال نیک توست)، بازآی و در صف بندگان خاص من درآی و در بهشت (رضوان) من داخل شو».

سرافراز می‌شود، چنان‌که در **الکافی** است که از حضرت امام صادق × سؤال شد:

**«هَلْ يُكْرَهُ الْمُؤْمِنُ عَلَىٰ قَبْضِ رُوحِهِ»؛<sup>۲</sup>**

«آیا مؤمن بر قبض روحش اکراه می‌شود؟».

فرمود: **«لا والله؛** نه به خدا سوگند! به تحقیق وقتی ملک‌الموت برای قبض روح

۱. فجر، ۲۷ - ۳۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۲۷ - ۱۲۸؛ رک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۹۶.



معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۵۳

او می آید، جزع و بی تابی می کند. ملک الموت به او می گوید: جزع نکن به خدا سوگند من به تو مهربان تر از پدرت هستم اگر حاضر بود. سپس می گوید: نگاه کن! نگاه می کند انوار محمّد| و علی و فاطمه زهرا و حسن و حسین و سایر ائمه<sup>۸</sup> را می بیند. ملک الموت به او می گوید: اینها هستند رفقای تو در بهشت، در این حالت هیچ چیزی برای او از قبض روحش خوشایندتر نیست».

بدیهی است این نفس مطمئنه نیز مراتب متعددی دارد، چنانکه یقین نیز دارای مراتب و درجاتی است تا برسد به مرتبه بلند سیدالشهدا حسین<sup>×</sup> که بالاترین مراتب اطمینان نفس را دارا بود و در حرکت تاریخی کربلا، از آغاز تا پایان، بر سر موضع الهی خود ایستاد و مصائب جانکاه، که شجاع ترین و دلاورترین افراد را سست می نماید و از انجام تصمیم و تعقیب هدف باز می دارد، او را از انجام تصمیم و تعقیب هدف مقدسش باز نداشت. لذا آیات آخر سوره فجر: **(يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ)** به نام آن حضرت نام گذاری شده است. و در روایت است:

**«اقْرَأُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي قُرَائِكُمْ وَنَوَافِلِكُمْ؛ فَإِنَّهَا سُورَةُ**

**الْحُسَيْنِ»<sup>×</sup>؛<sup>۱</sup>**

«بخوانید سوره فجر را در فریضه ها و نافله هایتان؛ زیرا آن، سوره

حسین<sup>×</sup> است».

۳. سومین معنای نفس، ذات شیء و خود شیء است، مثل اینکه در قرآن

مجید می فرماید:

**(سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ**

---

۱. صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۲۳؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۴۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۹۳؛ ج ۴۴، ص ۲۱۸؛ ج ۸۹، ص ۳۲۳.

### الْحَقُّ؛<sup>۱</sup>

«ما آیات قدرت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً روشن می‌گردانیم تا آشکار شود که آن حق است».

و همچنین می‌فرماید:

### (وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ)<sup>۲</sup>

«آیا در خودتان به چشم بصیرت نمی‌نگرید؟».

و مثل «نفسك» در همین دعای معرفت.

گفته نشود: این معنا با اضافه آن به ضمیر مخاطب یا غایب یا ضمیر نفس یا ظاهری که به معنای آنها باشد، منافات دارد؛ زیرا علتش این است که در اینجا، فایده اضافه این است که نفس مضاف‌الیه مقصود است و درواقع این اضافه، تعیین‌کننده نفس می‌شود و آن را از اطلاقی که دارد خارج می‌نماید و به این اعتبار، دوئیت بین مضاف و مضاف‌الیه حاصل است، مثل اینکه می‌گوییم: خود شما، و شخص شما.

۴. چهارمین معنای نفس، روح و جان است، چنان‌که در این آیه است:

### (اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا)<sup>۳</sup>

«خدا وقت مرگ، ارواح را می‌گیرد و آن را که هنوز مرگش فرا

نرسیده در خواب روحش را می‌گیرد».

و در شعر منسوب به امیرالمؤمنین × است:

نَفْسِي عَلَى زَفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ      يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفْرَاتِ<sup>۴</sup>

۱. فصلت، ۵۳.

۲. ذاریات، ۲۱.

۳. زمر، ۴۲.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۰۷. «جانم در بند آه و ناله‌هایش گرفتار است، ای کاش همراه ناله‌ها از بدنم بیرون می‌آمد».

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۵۵

و شاید از این قسم باشد قول کسی که می‌گوید:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ»؛

«قسم به خدایی که جانم در دست اوست».

#### ۴. نبی و نبوت

راغب می‌گوید: «نبوت» سفارت بین خدا و بین خردمندان از بندگان او برای برطرف کردن علت آنان در امر معاش و معاد است. و نبی را برای اینکه خبردهنده است به آنچه عقل‌های پاک به سوی آن آرام می‌گیرند، «نبی» می‌گویند. و صحیح است که فعیل به معنی فاعل باشد؛ یعنی خبردهنده،<sup>۱</sup> چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

(نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)؛<sup>۲</sup>

«(به پیامبر گفت:) بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم».

#### ۵. رسول

«رسول» به معنای فرستاده و پیامبر و پیام‌آور است، و چنان‌که راغب می‌گوید:<sup>۳</sup> گاه به سخن و پیامی که برده می‌شود، رسول گفته می‌شود، چنان‌که بر شخصی که رسالت را تحمل می‌کند نیز رسول گفته می‌شود و رسول و رُسُل بر انبیا و ملائکه اطلاق می‌شود و بر کسی که برای انجام کاری فرستاده شده باشد، نیز رسول گفته می‌شود، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

(تَوَفَّيْتَهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ)؛<sup>۴</sup>

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۸۹.

۲. حجر، ۴۹.

۳. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۹۵.

۴. انعام، ۶۱.

«رسولان ما او را می‌میرانند و در قبض روح آنها هیچ تقصیری نخواهند کرد».

و موارد اطلاقات آن، اعم است از امری که رسول برای آن ارسال شده، محبوب کسانی باشد که به‌سوی آنها فرستاده شده یا مکروه آنها باشد. بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان گفت: فرق نبی و رسول این است که در مفهوم نبی، رسالت و پیام‌آوری نیست، نه به این معنا که نبی، رسول نباشد؛ بلکه شخصی را رسول و نبی می‌گویند؛ از این لحاظ که خبردهنده و خبرداده شده از خدا و حقایق غیبی و احکام و اموری است که به او وحی می‌شود، به او نبی می‌گویند. و از لحاظ اینکه فرستاده و حاصل رسالت و مأمور به تبلیغ است، به او رسول گفته می‌شود. بنابراین ممکن است در قسمتی از خبرهایی که می‌دهد پیام آور نباشد و خبردهنده و نبی باشد، مثل بسیاری از خبرهایی که رسول خدا در غیر قرآن مجید از گذشته و آینده و امور غیبی و اوضاع بهشت و جهنم و صنوف فرشتگان و امثال آن داده‌اند، که این خبرها به‌عنوان پیام از سوی خدا برای مردم بیان نشده؛ بلکه خبرهایی است که پیام‌آور از سوی خدا و شخصی که با عالم غیب ارتباط و اتصال دارد، از آن خبر می‌دهد.

اما رسالت همه‌جا با نبوت توأم است و به همان حیثیتی که رسالت اطلاق می‌شود، نبوت هم اطلاق می‌گردد و وجه صحّت حمل رسول، وجه صحّت حمل نبی بر صاحب رسالت می‌باشد. بنابراین مفهوم نبی و نبوت اعم از رسول و رسالت است؛ اما لزومی ندارد که مثل اعم و اخص مطلق، اعم دو مصداق داشته باشد؛ بلکه می‌توان گفت: نبی و رسول مصداقاً واحدند و نبی بر غیر رسول اطلاق نمی‌شود، هرچند اطلاق آن بر رسول به لحاظ جهتی است که اعم از رسالت است.

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا:..... ۱۵۷

و اگر این جهت را که نبی و رسول مصداقاً واحدند، قبول نکنیم و گفته شود: چون بر بعضی از انبیای بنی اسرائیل باینکه رسالت و پیامی برای قوم نداشتند، نبیّ اطلاق شده است، بنابراین هر رسولی نبی است و هر نبی‌ای رسول نیست. پاسخش این است که: به هر صورت، اطلاق نبیّ بر رسول به لحاظ همان حیثیتی است که بر نبیّ غیرمرسل اطلاق می‌شود.

علاوه‌براین، نکته دیگری که محتمل است از آیه شریفه:

**(فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ)؛<sup>۱</sup>**

«خدا رسولان را فرستاد تا نیکوکاران را بشارت دهند و بدکاران را بترسانند».

استفاده شود، این است که خدا انبیا را مبعوث فرمود؛ یعنی پس از آنکه دارای مقام و منصب نبوّت (هرچند به معنای خبر داده شده و اسم مفعولی باشد) شدند، آنها را برانگیخت و به رسالت فرستاد. بنابراین امکان دارد به این نحو واقع شده باشد که پیغمبران قبل از رسالت به مقام نبوّت نایل شده باشند، مگر در مواردی که تصریح به نحو دیگر شده باشد. و در آنچه گفته شد، فرقی نیست بین اینکه نبیّ مشتق از «نبأ» باشد یا اینکه مشتق از «نبوّت» به معنای بلندی رتبه و علوّ شأن باشد، و بنابر تمام وجوهی که گفته شد، و وجوه و احتمالات دیگر «خاتم النبیین» به معنای خاتم تمام انبیا و رسل می‌باشد، به‌خلاف «خاتم المرسلین» که صراحت «خاتم النبیین» را ندارد.

ممکن است گفته شود: برحسب بعضی وجوهی که در فرق این دو کلمه گفته شده است، فقط دلالت بر ختم رسالت و پایان سفارت بین خدا و خلق دارد و لذا «خاتم النبیین» به‌صراحت دلالت بر پایان نبوّت و رسالت دارد، هرچند گفته شود:

نبیّ بر کسی که به واسطه خواب از خدا خبر می‌دهد، نیز اطلاق می‌شود؛ چون پرواضح است که مقصود این نیست که نبیّ فقط بر کسی که از خواب خبر می‌دهد، اطلاق می‌شود؛ بلکه مقصود این است که اطلاق نبیّ بر کسی که به واسطه مشاهده فرشته، یا تلقی مستقیم وحی، یا همه وسایط ممکن، از خدا خبر می‌دهد، صحیح است. و در قرآن و حدیث و شعر و کل لسان عرب بسیار است و بر کسی که فقط از خواب خبر می‌دهد، نیز مجوز استعمال دارد. و اگر در موردی استعمال شد که قرینه‌ای بر اراده خصوص این معنا بود، مخالف لغت و اصطلاح نمی‌باشد.

### ۶. حجّت

«حجّت» آن چیزی است که بر صحتّ یکی از دو طرف نقیض، مثل وجود و عدم چیزی به آن استدلال و احتجاج می‌شود. همچنین دلالتی است که بیانگر راه مستقیم باشد و حجج الهی (حجتهای خدا) هر چیزی است که خدا به آن بر بندگان خود احتجاج نماید، یا به وسیله آن، بندگان خود را به سوی خود هدایت کرده باشد.

بنابراین، معجزات انبیا همه حجّت است، کل عالم حجّت است، تمام آیات الهی و نعمتهای غیرمتناهی، هر پدیده و هر مخلوق و اعضا و اجزای آنها و نظاماتی که در آنها برقرار است، همه حجّتند. جنبندگان دریا و صحرا و هوا، گیاهان و گل‌ها، درختان و برگ‌ها و شکوفه‌های آنها، و آسمان و زمین و آنچه در آنها است، همه حجتهای خدایند که: «اگر تمام درخت‌های روی زمین قلم باشند و هفت دریا دوات گردند (و بخواهند کلمات و آیات و حجتهای حق تعالی را بنویسند) کلمات الهی تمام نخواهد شد».

(وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ

سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ)؛<sup>۱</sup>

برگ درختان سبز در هر ورقش دفتری است  
نظر هوشیار معرفت کردگار

هر فرد از افراد انسان، خود و چشم و گوش و زبان و مغز و خون و استخوان و پوست و اعضای ظاهر و باطن و سلول‌ها و گلبول‌های سفید و قرمزش بر خودش و بر دیگران حجّت است. عمر و زندگی و تندرستی و خلاصه همه‌چیز و همه اوضاع و فرازونشیب‌های آگاهی‌بخش و مناظر مختلف، همه‌وهمه حجّتند، که اگر انسان به آگاهی نرسیده و این همه آیات را ندیده و از خط منحرف شده باشد، همه این حجّت‌ها علیه او اقامه شده و او را محکوم می‌نمایند و راه عذر را بر او می‌بندند. قرآن مجید کتاب خدا و معجزه باقی حضرت خاتم‌الانبیاء و احکام و هدایت‌هایش بر همه بشریت حجّت است و آیات آن نیز هر کدام حجّت است. علاوه بر آنکه در خود آیات احتجاج و اقامه حجّت بر معارف و عقاید دینی شده باشد. از بزرگ‌ترین حجّت‌های الهی یکی عقل است و دیگر نعمت وحی و نبوت انبیا و امامت اوصیا است که استمرار هدایت پیغمبران می‌باشد.

عقل، نورافکن نیرومند و پرتابشی است که درون جان انسان را روشن می‌سازد و خیر و شر و نیک و بد را تمیز می‌دهد و خدای تعالی به وسیله آن انسان را بر سایر موجودات زنده این کره خاکی برتری داده است.

«نبوت و امامت» نیز ظهور اسم «الهادی» و راهنمای عقل و میزان و معیار و نگهبان اعتدال و رساننده و مبین برنامه‌های الهی و نسخه‌های سعادت فکری

و عملی انسانند.

بشر از طریق نبوت انبیا و امامت اوصیا، به برنامه‌های سعادت روح و جسم و دنیا و آخرت و معارف یقینی هدایت می‌شود و از چشمه زلال علوم و آگاهی‌های آن می‌نوشد.

اگر انبیا نبودند و خداوند آنها را نفرستاده بود، هیچ راه قطعی و یقینی در اختیار بشر قرار نمی‌گرفت. فلاسفه و حکما با آن‌همه فریاد و طمطراق نتوانسته‌اند در مسائلی که فکر بشر را به خود مشغول نموده به یک زبان حرف بزنند و به‌طور قطع نظر بدهند، حتی بسا یک فیلسوف در دوره زندگی‌اش، در این مسائل نظرات مختلف اظهار نموده و سرگردانی خود را در این مسائل آشکار می‌کند.

اما این انبیا و اوصیا بودند که همه یک‌زبان و باکمال قاطعیت و سرشار از ایمان و یقین، این مسائل را برای بشر بازگو کردند و تاریکی‌ها و تحیرها و ضلالت‌ها را از میان بردند.

هیچ صنفی از اصناف بشر به قدر این صنف بر بشریت حق ندارد، لذا اینها حجج الهی هستند و اعظم و اتم آنها، شخص مقدس خاتم الانبیا محمد بن عبدالله و خلفا و جانشینان آن حضرت، علی بن ابی‌طالب × و یازده فرزند آن بزرگوار × می‌باشند.

و اگرچه آن‌طور که گفته شد، حجّت‌های الهی بی‌شمار است و همه و هرچه هست حجّتند؛ اما ظهور حجّیت این چهارده تن چنان است که همه حجج تحت‌الشعاع آنها قرار گرفته و هروقت حجت و حجج گفته شود، این ذوات مقدسه از آن فهمیده می‌شود.

و امروز حجت مطلق، ولی‌الله اعظم، حضرت صاحب‌الزمان مهدی منتظر × می‌باشد و چنان اسم حجت به این ذوات شریفه اختصاص یافته که بسیاری از



معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۶۱

کتاب‌های مربوط به امامت و حالات شریف آنها را کتاب «الحجّة» یا «الامامة» نام نهاده‌اند، مانند کتاب «الحجّة» از ابواب کتاب شریف *الكافی*، تألیف شیخ اجلّ اقدم کلینی؛<sup>۱</sup> بلکه از حدیث شریف مروی از امیرالمؤمنین<sup>×</sup> در *نهج البلاغه*<sup>۱</sup> و کتاب‌های دیگر از سنّی و شیعه استفاده می‌شود که: اگر زمین بدون حجّت باقی بماند، حجّت‌های خدا و بیّنات او باطل می‌گردد، به این معنا که حجّیت سایر حجج نیز به وجود امام و حجّت تمام می‌گردد و اگر امام و حجّت نباشد، احتجاج به حجّت‌های دیگر بر مردم، موجب قطع عذر آنها نمی‌گردد، و از معانی لطیف و امیدبخش در این باب، کلام حضرت علی<sup>×</sup> است که می‌فرماید:

«أَنَا شَاهِدٌ لَكُمْ وَحَجِيجٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْكُمْ»<sup>۲</sup>؛

«من شاهدکم برای شما و در روز قیامت اقامه‌کننده حجّت از شما

(و مدافع از شمایم به حجّت) هستم».

## ۷. ضلال و ضلالت

عدول از راه راست و منحرف شدن از آن؛ خواه کم باشد یا زیاد و خواه عمدی باشد یا قهری، «ضلالت» است و ضد آن «هدایت» می‌باشد، و هریک از ضلالت و هدایت بر دو قسم است:

اوّل: ضلالت و هدایت در علوم و معارف اعتقادی؛ مثل معرفت خدا و وحدانیت و سایر صفات جلال و جمال او - جلّت عظمت - و معرفت نبوت و امامت و معاد و غیره که انکار آنها و عدول از حقّ در آنها ضلالت است، چنان‌که

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ (ج ۴، ص ۳۷).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ (ج ۲، ص ۹۲ - ۹۳)؛ دیلمی، اعلام‌الدین، ص ۱۰۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۹۰؛ قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۳، ص ۴۳۷.

در قرآن مجید می‌فرماید:

**(وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ  
ضَلَالًا بَعِيدًا)؛<sup>۱</sup>**

«هرکه به خدا و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و رسولان و روز  
قیامت کافر شود، سخت به گمراهی فرومانده (و از راه نجات و سعادت)  
دور افتاده است».

و ایمان و اعتراف به آنها هدایت است، چنان‌که می‌فرماید:

**(فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ)؛<sup>۲</sup>**

«هرکه خدا هدایت او را خواهد، قلبش را به نور اسلام روشن و  
منشرح گرداند».

**دوم:** ضلالت و هدایت در علوم عملی و فقه به احکام شرعی است. بدیهی  
است که ضلالت و هدایت در هر دو قسم، مراتب و درجاتی دارد و به‌حسب  
موارد است؛ یعنی ممکن است شخصی در موردی حتی نسبت به یک حکم  
استحبابی یا کراهتی گمراه باشد و در موارد دیگر هدایت یافته باشد.  
واضح است که ضلال و ضلالت مطلق بدترین هاویه‌های سقوط بشر است که  
مصدق کامل این آیه شریفه است:

**(ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْذِبْ رَاهَا)؛<sup>۳</sup>**

«ظلمت‌ها چنان روی هم قرار می‌گیرند که اگر (کسی) دست خود را  
بیرون آرد، هیچ نتواند دید».

---

۱. نساء، ۱۳۶.

۲. انعام، ۱۲۵.

۳. نور، ۴۰.

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۶۳

بنابراین «هدایت مطلق» بالاترین مرتبه اوج بشر و پرواز روح او و اتصالش به علوم لوح محفوظ است که مصداق اکمل و اشرف آن حضرت خاتم الانبیا می‌باشند و پس از ایشان سایر انبیا و اوصیا و حجت‌های الهی مظهر هدایت مطلق می‌باشند.<sup>۱</sup> و همچنین اصحاب خاص و پرورش‌یافتگان مکتب آن بزرگواران و علمای ربانی طبق درجاتی که دارند، از مظاهر هدایت‌اند.

یکی از مباحثی که در ضلالت و هدایت مطرح است، این مبحث است که اختیار بشر در ضلالت و هدایت خودش تا چه حد مؤثر است، آیا اصلاً در این موضوع دارای اختیار است یا مختار نیست و اگر دارای اختیاری است، معنای آیاتی که دلالت دارد بر اضلال ظالمین و بلکه بر اینکه خدا هرکس را بخواهد هدایت می‌کند و هرکس را بخواهد گمراه می‌نماید، چیست؟

مثال این آیات:

### (وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ)؛<sup>۲</sup>

۱. ابن خالویه در کتاب *اعراب ثلاثین سوره*، ص ۲۸ (سوره حمد)، در تفسیر (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) به سند خود از امیرالمؤمنین × روایت کرده که در (لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) فرمود: «أَنَا هُوَ»؛ منم آنکه خدا در شأنش فرموده: (لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)؛ یعنی برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای هست. و این تفسیر با صدر آیه که خطاب به پیغمبر می‌فرماید: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ) کاملاً متناسب است و تفسیری از این استوارتر نیست. و مسلم است که مقصود حضرت از اینکه فرمود: من اویم، انحصار به شخص خودشان نیست؛ بلکه مقصود این است که هادی قوم این عصر منم و لذا هادی هر قوم و هر عصر، امام آن عصر است که باید به صفت هدایت و عصمت از ضلالت متّصف باشد. و در روایات متعدد در ذیل حدیث دارد که فرمود: «بِكَ يَا عَلِيُّ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ»؛ یا علی! به وسیله تو هدایت‌شدگان هدایت می‌یابند.

و مخفی نماند روایات در تفسیر این آیه به امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین<sup>۸</sup> از طرق عامه متواتر است و تنها حاکم حسکانی در *شواهد التنزیل*، ۱۹ روایت نقل کرده است (ج ۱، ص ۳۸۱ - ۳۹۶) و طبری در تفسیر *جامع البیان* (ج ۱۳، ص ۷۲) و سیوطی در *الدرر المشهور* (ج ۴، ص ۴۵) و ابن مردویه و ابن عساکر و احمد بن حنبل و جمعی دیگر از علمای بزرگ اهل سنت این حدیث را که دلالت دارد بر اینکه منصب هدایت خلق و امامت امت پس از پیغمبر به آن حضرت اختصاص دارد، روایت کرده‌اند.

۲. ابراهیم، ۲۷.

«خدا ستمگران را گمراه می گرداند».

و **(كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ)؛<sup>۱</sup>**

«خدا هرکس را بخواهد این چنین گمراه می کند».

و **(كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ)؛<sup>۲</sup>**

«خدا مردم ستمگری را که در شک و ریباند، این چنین گمراه می گرداند».

جواب این است: بشر در انتخاب راه خود در این دنیا مختار است و این بشر است که هر عقیده‌ای خواست می پذیرد و راه و روش خود را به اختیار خود برمی گزیند، چنان که در آیات متعدد، ضلالت خودش و اضلال غیر به فعل او نسبت داده شده است، مثل:

**(وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ)؛<sup>۳</sup>**

«سامری آنان را گمراه کرد».

و مثل:

**(وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)؛<sup>۴</sup>**

«هرکس بر راه گمراهی رفت، زیانش بر خود اوست».

و مثل:

**(وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا)؛<sup>۵</sup>**

«هرکس نافرمانی خدا و رسولش را بکند، به تحقیق در گمراهی سختی

افتاده است».

---

۱. مدثر، ۳۱.

۲. غافر، ۳۴.

۳. طه، ۸۵.

۴. یونس، ۱۰۸.

۵. احزاب، ۳۶.

معرفت حجت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۶۵

و مثل:

**(هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ)؛<sup>۱</sup>**

«خداوند از هرکسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است».

و مثل:

**(وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ)؛<sup>۲</sup>**

«بسیاری را گمراه کردند و از راه راست به دور افتادند».

و اما آیاتی مثل «يُضِلُّ اللَّهُ» و «أَضَلَّ اللَّهُ» با توجه به آیات بسیار دیگر قرآن، دلالت بر اضلال به معنای «اجبار بر عدول از حق و انحراف» ندارد و آیاتی که بعضی از آنها توهم جبر و سلب اختیار کرده‌اند، به هیچ وجه دلالتی بر این معنا ندارند و ضلالتی که اختیاری نباشد و اضلالی که سلب اختیار نماید، وجود ندارد، چنان‌که در اضلال بعضی از افراد بشر بعضی دیگر را و اضلال شیطان نیز، مسئله سلب اختیار در بین نیست و غیر از دعوت به ضلالت و تزئین آن و اغوائاتی که اگر پیروی شود ضلالت خواهد بود، جبر و خلاف اختیاری نیست.

**(فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ)؛<sup>۳</sup>**

«هرکه می‌خواهد ایمان بیاورد و هرکه می‌خواهد کافر شود».

و اما اضلالی که به خدا نسبت داده می‌شود، عبارت است از خذلان و واگذار شدن بنده به خود و قطع کمک‌های غیبی و الهامات و عنایاتی که موجب نجات از مهالک می‌شود، مادامی که بنده اهلیت خود را برای قبول این عنایات و رسیدن مددها حفظ نماید و در راه مجاهده باشد، به مقتضای:

---

۱. نحل، ۱۲۵.

۲. مائده، ۷۷.

۳. کهف، ۲۹.

**(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)؛<sup>۱</sup>**

«آنان که در راه ما کوشش کردند به راه خویش هدایتشان می‌کنیم».

هدایت‌های الهی به او می‌رسد و به راه‌های او راهنمایی می‌گردد؛ ولی وقتی طغیان و سرکشی کرد و مانند آنکه بی‌نیاز از خدا باشد، عمل نمود و امر خدا را سبک شمرد، به خود واگذارده می‌شود و مصداق آیه شریفه ذیل می‌گردند:

**(سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ)؛<sup>۲</sup>**

«چه آنها را بترسانی و چه نترسانی، ایمان نخواهند آورد».

در اینجا هم شخص عاصی و گناهکار به اختیار، خود را از صلاحیت درک فیوض غیبی ساقط نموده و پس از آنکه به خود وا گذاشته شد، به اختیار خود در ورطه ضلالت گرفتار شده است و واگذار شدن او به حال خود و محروم شدنش از کسب درجات معنوی و قرب درگاه ربوبی نیز نتیجه طبیعی و وضعی اعمال خود اوست و عاقبتی است که خود برای خود فراهم می‌نماید، چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید:

**(ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ**

**وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ)؛<sup>۳</sup>**

«سرانجام کار آنان که به اعمال زشت پرداختند، این شد که کافر شده و

آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند».

ملائکه از او دوری می‌جویند و قلب او تاریک می‌شود و هرچه گناه و طغیان (بالخصوص اگر از روی سرکشی و بی‌اعتنایی به امر منعم حقیقی و اصرار بر مخالفت باشد) زیاد شود، دوری ملائکه از صاحب این معاصی بیشتر شده و قلبش

۱. عنکبوت، ۶۹.

۲. بقره، ۶.

۳. روم، ۱۰.

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۶۷

تاریک‌تر می‌گردد و زمینه مصاحبت شیاطین جنی و انسی با او فراهم می‌شود. چنان‌که هرچه اطاعت و فرمان‌بری و خدایبینی و خداشناسی در شخص افزایش یابد، ملائکه که جنود الهی و مأمور کمک به بندگان صالح هستند و تا حدّی به او نزدیک می‌شوند که از هر سو او را فرا می‌گیرند و راه را بر شیاطین می‌بندند. لذا در احادیث است: مؤمن وقتی به نماز می‌ایستد، ملائکه به او اقتدا می‌کنند.<sup>۱</sup> «الْمُؤْمِنُ وَحَدَهُ جَمَاعَةٌ»<sup>۲</sup>. به عکس، وقتی هم بنده‌ای معصیت کند، ملائکه از او دور می‌شوند و صلاحیت نزول برکات غیبی از او سلب یا ضعیف می‌گردد. جواب دیگر این است که: مسئله این اضلالات هم جزء مسائل قضاو قدر الهی است که آگاهی به تفصیل آن، برای غیر آنان که مؤید من عندالله (رسول اکرم) و سایر معصومین<sup>۳</sup> باشند، فراهم نمی‌شود و شاید از فروع «امر بین امرین» باشد و مسئله توفیقات و هدایت‌های خاصه که منتهی به وصول به مطلوب می‌شود، نیز از همین مسائل است و خدا خود عالم به چگونگی آن است. آنچه مسلم است و از آیات قرآن مجید و حکمت و نزول کل آن و حکمت نبوّات و فرستادن پیغمبران استفاده می‌شود، این است که بشر در هدایت و ضلالت مختار است و غیرمختار بودن او نافی تمام حکمت‌های مرقوم است و اگر مرحله سلب اختیار جلو می‌آید، به سوءاختیار خود اوست و اینکه مقدمات آن را فراهم می‌کند.

بنابراین با قطع نظر از آیات دیگر و قرائن حالی و مقامی که در استظهار و مراد هر متکلم از کلامش مورد اتکا است، باید با توجه به آیات دیگر و قرائن حال و مقام، آیه یا حدیثی که دلالت بر نفی اختیار نماید، ظهور آن را دریافت نمود

۱. ر.ک: مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۶، ۱۵۴؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. مغربی، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۱۲۶؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۶۵.

و نمی‌توان یک جمله‌ای را گرفت و بدون توجه بر منطق گوینده و هدف او و مقاصدی که از گفتارش دارد و قراینی که به آن اعتماد می‌کند، آن را معنا نمود. بنابراین می‌گوییم: هدایت و اضلال هر دو از جانب خدا است؛ اما برحسب حکمت و نظامات و تقدیرات الهی، به‌طوری‌که با حکمت‌های دیگر باری تعالی منافی نباشد، جریان خواهد داشت.

پاسخ سوم به اشکال این است که: اضلال و ارشاد هر دو در این عالم طبیعت و تکلیف، وجود پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر: ضلالت و هدایت هر دو موجود می‌شوند و تمام مردم به دو گروه و دو فرقه تقسیم می‌گردند و چون کل عالم مخلوق خدا است، اضلال و ارشادی که در عالم هست، و بر اساس جریان اسباب و مسببات فراهم می‌شود و باید هم بشود، لذا به او نسبت داده می‌شود؛ یعنی قاعده و قانون و سنت الهی است که وقتی اسباب و علت ضلالت یا هدایت فراهم شد، معلول آن - که ضلالت یا هدایت است - نیز فراهم شود. لذا نسبت اضلال و ارشاد به او جایز است، هرچند فعل به واسطه او نباشد، و فعل حقیقی غیر باشد. چون کل عالم فعل اوست و اوست که انسان را به نوعی آفریده است که وقتی راه راست و روش نیکویی را پیش گرفت، به آن انس می‌یابد و بر هدایتش افزوده می‌شود و اگر راه باطل را گرفت و به آن انس پیدا کرد، هرچه آن را ادامه داد، ضلالتش افزون می‌گردد و تاریکی و تیرگی قلب او بیشتر می‌شود، و اگر غیر از این باشد، عالم ناقص است و تکلیف و آزمایشی که منظور است، انجام نمی‌گیرد. بندگان نیز به اختیار خود، خود را در معرض اضلال یا هدایت و تأثیر آنها قرار می‌دهند.

پاسخ چهارم این است که اصلاً ضلالت و گمراهی از امور عدمی است و پرواضح است که ایجاد به اعدام و شرور تعلق نمی‌گیرد، ضلالت و گمراهی عدم توفیقات و فرصت‌ها و عنایاتی است که به جهت تکمیل مراتب هدایت و یا



معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۶۹

اتمام حجت و قطع عذر شامل حال بندگان می شود و به سلب این فیض ها و محرومیت از این رعایت ها اضلال می گوئیم، لذا می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)؛<sup>۱</sup>

«همانا خدا قوم فاسق را هدایت نخواهد کرد».

چنان که می فرماید:

(يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ)؛<sup>۲</sup>

«خداوند کافران را گمراه می گرداند».

و (وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ)؛<sup>۳</sup>

«خداوند ستمگران را گمراه می گرداند».

و این هدایت، غیر از هدایتی است که نسبت به همگان و هر عاقلی به وسیله عقل و انبیا و سایر حجج الهی انجام شده است و در برابر آن اضلال متصور نیست. پاسخ پنجم این است که: «اضلال» بر دو نوع است: یک نوع آن این است که «اضلال» سبب ضلال و گمراهی شود، مثل اینکه برای کسی باطل را زینت بدهند و آن را به صورت حق جلوه دهند تا او را فریب بدهند و این آن اضلالی است که خدا و اولیای خدا از آن منزّه می باشند. نوع دیگر این است که: «ضلال» سبب اضلال گردد و آن به این است که کسی گمراه گردد و خدا یا غیرخدا بر او به گمراهی حکم کند. در بسیاری از آیات محتمل است که مراد از اضلال، همین حکم به ضلال و گمراهی باشد.

## دین

---

۱. منافقون، ۶.

۲. غافر، ۷۴.

۳. ابراهیم، ۲۷.

۱۷۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

به معانی متعدد؛ مانند جزا، پاداش و طاعت گفته می‌شود، چنان‌که بر مجموع تعالیم اعتقادی و اخلاقی و عملی که از سوی خدا به وسیله پیغمبر به مردم ابلاغ می‌شود، «دین» می‌گویند؛ بلکه گاه بر مطلق این‌گونه تعالیم - اگرچه از جانب خدا نباشد - دین اطلاق می‌شود.

در قرآن مجید، دین در این معانی آمده است:

به معنای پاداش و جزا؛

به معنای مالک روز جزا؛ در سوره فاتحة‌الکتاب می‌فرماید:

**(مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ)؛<sup>۱</sup>**

به معنای طاعت؛ در آیه پنجم سوره بینه می‌فرماید:

**(وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ)؛<sup>۲</sup>**

«امر نشده‌اند مگر اینکه خداوند را عبادت کنند درحالی‌که طاعت برای

او خالص کنند».

و همچنین آیه:

**(وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ)؛<sup>۳</sup>**

«طاعت چه کسی بهتر است از کسی که روی خود را برای خدا تسلیم

کند و او نیکوکار باشد».

که بعضی از مفسرین فرموده‌اند: مقصود از دین، طاعت است.

و در معنای مجموع تعالیم اعتقادی و اخلاقی و عملی در مثل این آیات آورده

شده است:

---

۱. حمد، ۳. «(خداوندی که) مالک روز جزا است».

۲. بینه، ۵.

۳. نساء، ۱۲۵.

معرفت حجّت خدا / بخش اول: لغات دعا..... ۱۷۱

(إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ)؛<sup>۱</sup>

«همانا دین در نزد خدا اسلام است».

(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ)؛<sup>۲</sup>

«هرکس که غیر از اسلام دینی را انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد».

بنا بر اینکه از «اسلام» در این دو آیه، همان معنای علمی و اصطلاحی که اسم است برای دینی که بر حضرت خاتم الانبیا نازل شده، قصد شده باشد، چنان که ظاهر آیه هم همین است.

و مثل آیه:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

كُلِّهِ)؛<sup>۳</sup>

«او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا بر تمام ادیان غالب گرداند».

و در هر دو معنای اخیر (یعنی آنچه از جانب خدا نازل شده و مطلق برنامه‌های اعتقادی و عملی اگرچه از جانب خدا نباشد) در این آیه آمده است:

(لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ)؛<sup>۴</sup>

«دین شما از آن شما و دین من از آن من».

که خطاب رسول خدا به کفار است.

و از آیاتی که در آن از «دین»، کل آنچه بر پیامبر نازل می‌شود، قصد شده است، این آیه از سوره شوری است:

---

۱. آل عمران، ۱۹.

۲. آل عمران، ۸۵.

۳. توبه، ۳۳؛ صف، ۹.

۴. کافرون، ۶.

**(شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ)؛ ۱**

«خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید.»



**بخش دوم: تفسیر دعا**



## تفسیر دعا

خدایا خودت را به من بشناسان؛ که اگر خودت را به من نشناسانی، پیغمبرت را نمی‌شناسم.

خدایا پیغمبرت را به من بشناسان؛ که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، حجّت تو را نمی‌شناسم.

خدایا حجّت خودت را به من بشناسان؛ که اگر حجّت خود را به من نشناسانی، از دینم گمراه می‌گردم.

چون دعای شریف متضمّن سه جمله است، هریک از این سه جمله را جداگانه تفسیر می‌نماییم.

## جمله اول

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ؛ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ

نَبِيِّكَ»<sup>۱</sup>.

## شرح و تفسیر

معرفت خدا، شناختن خدا به هستی و صفات جلال و جمال اوست که مقول به تشکیک است و مراتب و درجات متفاوت دارد و به حسب مراتب آثار آن در

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۴۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۶.

اخلاق و کردار و رفتار شخص عارف نیز تفاوت دارد.

در حدیث است از رسول خدا که فرمود:

«مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ، مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَبَطَّنَهُ مِنَ الطَّعَامِ  
وَعَنَى نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ»؛<sup>۱</sup>

«هرکس خدا را بشناسد و تعظیم کند، دهان خود را از کلام (بیهوده و غیر ذکر و اطاعت او) و شکم خود را از طعام (حرام و زیادتیر از مقدار لازم) منع می‌نماید و خود را با روزه و ایستادن به نماز و عبادت به زحمت می‌اندازد».

خوف و خشیت، رضا و تسلیم، توکل و استقامت، صبر و شجاعت و خلاصه همه صفات حمیده، میوه درخت معرفت و خداشناسی است. هرچه معرفت کامل تر باشد، این صفات نیز در انسان کامل تر می‌شود. محبت و دوستی خدا که از اعظم درجات و متعالی‌ترین مقامات است، محصول معرفت است؛ زیرا انسان هرکس و هرچیزی را که دوست می‌دارد، برای این است که او را به کمالی از کمالات متصف می‌داند؛ عالم را برای علمش، بخشنده را برای بخشش، جمیل و زیبا را برای جمال و زیبایی‌اش، قادر و توانا را برای قدرت و توانایی‌اش و رحیم را برای رحمت و مهربانی‌اش، و خلاصه هرکس را که دوست می‌دارد، برای این است که او را دارای وصفی از کمال می‌شمارد. چون حب به کامل و کمال، فطری بشر است و برحسب این فطرت، وقتی به خدا معرفت پیدا کرد که کمال مطلق و جامع جمیع کمالات و بخشنده هر کمال به هر صاحب کمال است، او را دوست خواهد داشت و هرچه را به او تعلق دارد، از آن جهت که وابسته به اوست، دوست

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۷؛ صدوق، الامالی، ص ۳۸۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۸۸ - ۲۸۹.



معرفت حجت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۷۷

می‌دارد و دعایش این دعا می‌شود.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَيْهِ

حُبِّكَ»؛

«خدایا روزی من فرما دوستی خودت و دوستی هرکس که تو را

دوست می‌دارد و دوستی هر عملی که مرا به دوستی تو می‌رساند».

و در مناجاتش با خدا، او را این‌گونه توصیف می‌نماید:

«أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا

سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَيَّ غَيْرِكَ»؛<sup>۱</sup>

«تویی آنکه بیگانگان را از دل‌های دوستانت می‌بری تا غیر از تو کسی

را دوست نداشته باشند و به غیر تو پناه نبرند».

حاصل آنکه آثار معرفت، باید در اعمال و رفتار انسان ظاهر باشد؛ چون اگر

آثار آن نباشد، از عدم اثر پی به عدم مؤثر می‌بریم. و از جمله علایم معرفت، شوق

به عبادت و دعا و مناجات و خلوت با حضرت قاضی الحاجات و انجام تکالیف

و فرایض است که در عارف به خدا و عارف به آثار و برکات دعا و عبادت

و اطاعت باید وجود داشته باشد.

بالجمله تفاوت مراتب معرفت از تفاوت تعهدات دینی و التزامات اسلامی

افراد معلوم می‌شود. هرچند طریق معرفت صاحبان مراتب، مشاهده آثار

و مصنوعات و مخلوقات باشد که جمیع خردمندان در آن شرکت دارند؛ از انبیا تا

افراد عادی، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

---

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۲۲۶.

**(وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ)؛<sup>۱</sup>**

«و همچنین ما به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را ارائه دادیم تا به مقام اهل یقین رسد».

لذا اگرچه همه سالک این راه می‌باشند اما سلوک و وصولشان به مقصود برحسب مراتب عقول و صفای باطن آنها مراتب و درجات دارد و همان‌طور که حضرت خلیل الرحمن × به ملکوت آسمان‌ها و زمین و طلوع و غروب کواکب بر وجود خدا استدلال نمود، دیگران هم استدلال می‌نمایند؛ اما بعضی معرفتشان چنان ضعیف است که در کمترین ابتلا و فشاری که بر آنها وارد شود، به هرکسی ملتجی می‌شوند و در برابر هرکس تضرع و تذلل می‌نمایند؛ ولی ابراهیم خلیل × چنان در اوج ایمان قرار گرفته بود و علم ثابت و یقین جازم داشت که وقتی او را با منجنیق به سوی آتش انداخته بودند جبرئیل امین به او گفت: «أَلَيْكَ حَاجَةٌ؛ آیا حاجتی داری؟». فرمود: «أَمَّا إِلَيْكَ فَلَا؛ به تو حاجتی ندارم».<sup>۲</sup>

این اظهار بی‌نیازی حضرت خلیل الرحمن از مثل روح الامین و التجا او به خدا برای معرفتش به خدا و صفات کمالی او بود. او ماسوای خدا را به خدای تعالی نیازمند و مغلوب و مقهور او می‌دانست، لذا اظهار نیاز به غیرخدا در آن حالت بسیار حساس و خطرناک از او ظاهر نگردید.

۱. انعام، ۷۵.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۱۷، ص ۳۴؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۱۳، ص ۲۴۵؛ ج ۱۸، ص ۱۹۱؛ سیوطی، الدرالمشور، ج ۴، ص ۳۲۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵ - ۱۵۶.

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۷۹

بعد از این بیانات باید توجه داشت که در این دعا، چون مقام، مقام دعا و توجه به حقّ و مسألت حاجت است، مسلّم است که دعاکننده بی معرفت نیست. بنابراین مقصود از طلب معرفت یا طلب ثبات و بقای بر آن و درخواست توفیق در نگهداری آن است؛ نظیر آنچه در تفسیر آیه کریمه: **(إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)**<sup>۱</sup> فرموده‌اند: **«أَيُّ نَبِيِّنَا عَلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ»**<sup>۲</sup>.

و ممکن است مراد از طلب معرفت، طلب افزایش کمال و درجات و منازل بالاتر باشد؛ چون هر مرتبه‌ای از مراتب معرفت را که انسان حاصل نماید، ارتقا به مراتب بالاتر از آن را باید وجه همت قرار دهد.

و محتمل است مقصود از اینکه از خدا طلب معرفت می‌شود، این باشد که خدا خودش، خود را به بنده بشناساند؛ زیرا هرچند انسان به هرچه او را بشناسد، آن معرفت هم به دلالت خدا می‌باشد؛ چون همان شیء دلالت‌کننده را او آفریده است و خود را به آن شناسانده است و خود انسان را نیز که یکی از مجموعه‌های دلایل بی‌شمار اوست، او آفریده است، و انسان هم عارف است و هم دلیل معرفت و معرف است باین حال، مراتبی از مراتب معرفت است که عنایت مستقیم الهی سبب آن می‌شود و در اثر دعا و عبادت و خضوع و خشوع حاصل می‌گردد و شخص عارف از این نوع عرفان اشراقی ذوق می‌کند و به وجد می‌آید.

بنابراین، مقصود دعاکننده این نیست که معرفت ندارم یا تو را با آثار و دلایل شناخته‌ام؛ بلکه مقصودش این است که تو خودت، خودت را به من بشناسان و این معرفت مانند نورانیت عقل است که خدا افاضه فرموده است و هرکس آن را

۱. حمد، ۶. «ما را به راه راست هدایت کن».

۲. حقی بروسوی، روح‌البیان، ج ۸، ص ۵۱۰.

دارا شد، سخت در نگهداری آن مراقبت می‌نماید.

ما همه چیز را به خدا شناخته‌ایم، زمین و آسمان و کوه و دریا و حیوان و انسان و همه چیز و همه کس را شناخته‌ایم، اگر خدا به ما عقل و تمیز و رشد نداده بود، ما هیچ چیز را نمی‌شناختیم و اگر او مخلوقات را نیافریده بود و این همه دلایل را برای اثبات وجود خودش قرار نداده بود، شناسانده و شناخته نمی‌شد.

پس چنان‌که صحیح است بگوییم:

«عَرَفْتُ اللَّهَ بِالْأَشْيَاءِ»؛

«شناختم خدا را به اشیا».

صحیح است که بگوییم:

«بِاللَّهِ عَرَفْتُ الْأَشْيَاءَ»؛

«به خدا شناختم اشیا را».

و این هم ممکن است معنایی از (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)<sup>۱</sup> باشد؛ زیرا از سوی خدا و به اعانت و یاری و افاضه خدا، اشیا را می‌شناسیم؛ مثل اینکه در اول، از خدا به‌سوی خلق سفر کرده باشیم - هرچند برخی به مبدأ سفر توجه ندارند - و سپس از خلق به‌سوی خلق سفر می‌نماییم.

باری این مرتبه از معرفت وقتی کامل شد، عارف خدا را اظهر اشیا می‌داند؛

بلکه او را فقط ظاهر مطلق و حقیقی می‌یابد. لذا در دعای عرفه است:

«كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَيْبِكَ مِنْ

الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ؟ مَتَى غَبَّتْ حَتَّى

تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي

۱ بقره، ۱۵۶. «ما از آن خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم!».

تُوَصِّلُ إِلَيْكَ؟ عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةً عَبْدٍ  
لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا»<sup>۱</sup>؛

«چگونه استدلال می‌شود بر تو به چیزی که آن در وجود و هستی  
محتاج به سوی توست؟ آیا هست برای غیر تو از ظهور، چیزی که نیست  
برای تو؟ چه هنگام پنهانی تو تا نیازمند باشی به دلیلی که بر تو دلالت  
کند؟ و چه زمان دوری تو تا آثار بوده باشند که برسانند به سوی تو؟ کور  
باد (یا کور گردیده است) چشمی که ندیده است تو را و حال آنکه  
همواره بر او رقیب و نگهبانی، و زیان کرده است کالای بنده‌ای که برای  
او از دوستی خودت بهره و نصیبی قرار ندادی».

خدایا تو از همه چیز ظاهرتر و آشکارتری، تو اصلی و تو ذاتی، تو حقّ حقیقی  
و حقیقت حقّی، تو کمال مطلق، چه چیز از تو ظاهرتر می‌باشد که تو را به آن  
بشناسیم، ظاهر و آشکار تویی، باطن و پنهان هم تویی.

ظهور جمله اشیا	چگونه نور از
به نور است	آنها در ظهور
به نور شمع کی	است
خورشید تابان	کند پیدا کسی
برم من از مؤثر	اندر بیابان
پی به آثار	به ظاهر گرچه بر
اگر برهان لیمی	عکس است این کار
جلوه‌گر شد	نباید بهر آنی
تصوّر را در	خون جگر شد
اینجا چون گذر	به جز لفظ انی
نیست	ولیمی دیگر چیست <sup>۲</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.

۲. از کتاب گنج دانش، مرحوم آیت‌الله ملا محمدجواد صافی گلپایگانی (والد نگارنده).

اگر گفته شود: باینکه خدا اظهر اشیا است؛ بلکه ظاهر حقیقی و بالذات اوست، چگونه بر بسیاری مخفی و پنهان است؟

پاسخ این است که: این خفا عکس العمل ظهور است و این پنهانی از فرط آشکاری و نمایانی، و این بُعد و دوری در اثر کمال قرب و نزدیکی است.

دوست نزدیکتر از	وین عجبتر که من
من به من است	از وی دورم
چه کنم با که	در کنار من و من
توان گفت که دوست	مهمجورم

به طور مثال گفته‌اند: ماهیان دریا نزد ماهی دانایی رفتند و به او گفتند همیشه می‌شنویم که به ما می‌گویند: حیات شما از آب است، آب را به ما بنمایان. آن ماهی جواب داد: شما چیزی غیر از آب به من نشان دهید تا من آب را به شما نشان دهم.

جهت دیگر که این گونه خفا و نهانی را موجب می‌شود، این است که هر چیزی به ضد خود معروف و شناخته می‌گردد؛ «تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا»؛ مثلاً روشنایی و نور به ظلمت و تاریکی، علم به جهل، و صحت و تندرستی به بیماری شناخته می‌شوند؛ اما اگر چیزی را ضد نباشد، شناسایی او بر بسیاری پنهان می‌ماند و چون خدا را ضدی نیست، هیچ‌گاه جهان بی‌خدا نبوده و نخواهد بود، لذا اثر فیض خدا در پیدایش این جهان و بقا و پایداری آن ناشناخته می‌ماند و کمال ظهور موجب خفا می‌گردد.

سالها دل طلب جام	آنچه خود داشت ز
جم از ما می‌کرد	بیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کز صدف کون	طلب از گم‌شدگان لب
و مکان بیرون بود	دریبا می‌کرد
بی‌دلی در همه	او نمی‌دیدش و از
احوال خدا با او	دور خدایا می‌کرد
بود	

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۸۳

آخرین توضیح دیگر در مراتب معرفه‌الله که به‌طور فشرده بیان می‌شود، این است که معرفه‌الله در مرتبه‌ای که خود حاوی مراتب زیاد است، عبارت است از: سلب نعوت و صفاتی که ذات باری‌تعالی از آن منزّه است، مثل جهل و عجز و جسمیت و ترکیب و غیره که باری‌تعالی از آنها منزّه است.

و مرتبه دیگر که آن نیز مراتب بسیار دارد، معرفت صفات کمالیه مثل وجود و جوب و قیوم و عالم و قادر و حیّ و سمیع و بصیر است که این صفات همه از صفات وجودی است و حق - عزّ اسمه - به آنها اتصاف دارد. در این مرتبه عارف می‌شناسد که تنها مرتبه سلب نقایص از خدا در معرفت به امور مسلوبه از باری‌تعالی نباید اکتفا شود؛ بلکه باید به صفات وجودی که حقّ به آنها اتصاف دارد نیز عارف شود. مثلاً یکی از صفات خدا علم است که به آن اتصاف دارد و معنای علم او به اشیا عدم جهل نیست، یا موجودیت یا جوب وجود او و قدرت او سلب عدم موجودیت یا جوب و نفی عجز از او نمی‌باشد؛ بلکه معنای تمام این صفات، اتصاف ذات مقدّس باری‌تعالی به آنهاست. و خلاصه آنکه: صفات وجودی باری‌تعالی همه موجود به وجود واحدند و به عین وجود ذات مقدّس او موجودند و ذات او وجود است و علم است و قدرت و حیات است و او موجود و عالم و قادر و حیّ است. و این بیان با فرمایش حضرت مولی‌العارفین امیرالمؤمنین<sup>×</sup> که می‌فرماید:

«وَكَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ»؛<sup>۱</sup>

«کمال اخلاص برای خدا، نفی صفات از اوست».

منافات ندارد؛ زیرا مراد از نفی صفات در این کلام معجز نظام، نفی صفاتی است که به وجود زاید بر ذات موصوف به آنها متصف می‌گردد، مثل عالم

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱ (ج ۱، ص ۱۵).

و قادر در مقام اطلاق بر انسان و اینکه صفات خداوند سبحان عین ذات او و ذات او صفات او و صفات او ذات اوست، نه اینکه ذات شیئی باشد و صفت شیء دیگر باشد، تا لازم شود ترکیب و احتیاج و امکان؛ **تَعَالَى اللَّهُ عَن ذَلِكِ كَلِمَةً عُلُوًّا كَبِيرًا.**

### نتیجه

از آنچه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که درخواست و مسئله معرفت از خدا در این دعای شریف یا طلب ثبات و استقامت و بقای معرفت و عدم زیغ و انحراف از حق است که:

**(رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا)؛<sup>۱</sup>**

«پروردگارا بعد از آنکه ما را هدایت کردی، قلوب ما را به باطل

منحرف نکن.»

و طلب ثباتی است که خدا در آیه:

**(يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي**

**الْآخِرَةِ)؛<sup>۲</sup>**

«خدا اهل ایمان را با عقیده ثابت در دنیا و آخرت پایدار می‌دارد.»

به مؤمنین وعده داده است، با مسئله معرفت کامل‌تر و درجات بالاتر است که همواره باید عارف سالک در مقام آن باشد و از اینکه روزی بر او بگذرد و در معرفت ترقی نکند و گرفتار حال خطرناک و قوف شود پرهیزد و با درخواست

---

۱. آل عمران، ۸.

۲. ابراهیم، ۲۷.



معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۸۵

عنایت خاص و تجلیات<sup>۱</sup> است که در اثر شدت خلوص و کثرت توجّه و عبادت و دعا و توسل به ذوات مقدّس پیغمبر<sup>۲</sup> و اهل بیت معصومین آن حضرت<sup>۳</sup> حاصل می شود. چنان که از حدیث:

«مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَيَّ

لِسَانِهِ»<sup>۲</sup>؛

«هرکس چهل روز عملش را برای خدا خالص کند، خداوند

چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می کند».

استفاده می شود، اخلاص تا چهل روز موجب می شود که چشمه های حکمت از دل شخص مخلص بر زبانش جاری شود.

بدیهی است حفظ اخلاص در ظرف چهل روز، به خصوص به این نحو که اعمال و رفتار انسان به دواعی الهی و ممدوح صادر شود، کار همه کس نبوده و بسیار دشوار است؛ ولی اگر کسی به آن موفق شود، حصول این درجه برای او به هیچ وجه مورد استبعاد و استعجاب نخواهد بود.

و مخفی نماند که معرفت<sup>۴</sup> الله با معرفت پیغمبر و ائمه<sup>۵</sup> و ثبات بر آن و افزایش و کمال آن ارتباط دارد. بدیهی است که معرفت پیغمبر بدون معرفت خدا حاصل نمی شود و شناخت او که واسطه بین خدا و خلق است، بدون معرفت خدا امکان حصول ندارد. و از سوی دیگر، هرچه معرفت خدا افزایش یابد و شخص عارف در عظمت الهی مستغرق گردد، عظمت مقام نبوت

---

۱. راغب اصفهانی می گوید: تجلی گاه به ذات است، مثل (وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّىهَا) (شمس، ۳). و گاه به امر و فعل است، مثل (فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ) (اعراف، ۱۴۳). راغب اصفهانی، مفردات، ص ۹۶. بنابراین تجلی به ذات نسبت به خدا به این نحو که ذات او منکشف و جلی شود، محال است؛ اما به امر و فعل که فعل و امر او جلی و ظاهر شود، صحیح است.

۲. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۲۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

و سفارت از جانب مقام الوهیت و خلافت الهی را بیشتر درک می‌کند و در برابر مقام خلافت «الله» بیشتر احساس حقارت نموده، متواضعانه‌تر رفتار می‌نماید. لذا به‌طور قطع می‌توان گفت: چنان‌که ولی‌الله اعظم علی × عظمت حضرت رسول اکرم را ادراک می‌نمود و در برابر آن حضرت متواضع و تسلیم و فرمان‌بر بود، احدی از صحابه ادراک نمی‌کرد.

آری، علی × در جنب رسول‌الله خود را فانی می‌دید و بی‌چون‌وچرا هر فرمانی را که رسول خدا می‌داد، اجرا می‌کرد؛ لذا پیغمبراً برحسب روایتی فرمود: «اگر آسمان و زمین در کفه‌ای از ترازو گذاشته شود و ایمان علی در کفه دیگر، ایمان علی رجحان خواهد داشت»<sup>۱</sup>.

اما دیگران بالخصوص آنهایی که پیراهن خلافت را به غیرحق در بر کردند، در قبول احکام الهی مثل حج تمتع خودسری اظهار می‌نمودند<sup>۲</sup> و با تصمیمات و اقدامات رسول خدا که همه به امر خدا انجام می‌شد، در جریان صلح حدیبیه<sup>۳</sup> و موارد دیگر مخالفت می‌کردند و خودرأیی نشان می‌دادند و تا آنجا نفاق خود را برملا ساختند که در مرض موت پیامبر خدا، وقتی آن حضرت خواست کتباً وصیت فرماید، مانع شدند و بی‌شرمانه به رسول خدا جسارت کرده و نسبت هذیان‌گویی به آن حضرت دادند.<sup>۴</sup>

۱. مغربی، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۳۲۲؛ طوسی، الامالی، ص ۲۳۸، ۵۷۵ - ۵۷۶؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۲، ص ۳۴۱؛ ابن‌شهر آشوب، مناقب علی بن ابی‌طالب، ج ۲، ص ۱۹۱.  
 ۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۲۵؛ بیهقی، معرفة السنن والآثار، ج ۵، ص ۳۴۵؛ ابن‌عبدالبر، الاستذکار، ج ۴، ص ۹۵؛ ج ۵، ص ۵۰۵؛ همو، التمهید، ج ۸، ص ۳۵۵؛ ج ۱۰، ص ۱۱۴.  
 ۳. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۱۲؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۵۳؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۲۳۵؛ ابن‌کتیر، البداية و النهایه، ج ۴، ص ۲۲۷؛ فیض کاشانی، تفسیرالصادق، ج ۵، ص ۳۵.  
 ۴. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۳۲۵ - ۳۲۶؛ بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۱۳۷ - ۱۳۸؛ ج ۷، ص ۹؛ ج ۸، ص ۱۶۱؛ مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۵، ص ۷۶؛ طبری امامی، المسترشد، ص ۶۸۱ - ۶۸۲؛

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۸۷

به عکس هرچه در زندگی علی × بررسی می‌نماییم و هرچه مطالعه می‌کنیم، غیر از تسلیم کامل و فانی بودن در انوار نبوت محمدی، چیزی نمی‌بینیم و زبان حال آن حضرت با رسول خدا| این بود:

### با وجودت ز من آواز نیاید که منم

یکی از مظاهر برجسته این احترام و تسلیم و تواضع در کنار وجود رسول الله| که بسیاری از آن غفلت دارند این است که: باینکه وجود علی × سرشار از معارف الهی و علوم حقیقی بود و پس از پیغمبر| چشمه‌های علوم و معارف از او فوران یافت و در الهیات و عرفان و فقه و اخلاق و تعالیم سیاسی و حکومتی، عالی‌ترین و کامل‌ترین مبادی و برنامه‌ها را بیان فرمود، علم تمام اصحاب در برابر علم او مثل قطره‌ای در مقابل دریا بود، از چنین شخصیتی که نمونه برجسته کمال علمی و معرفت بشر بود و پس از پیغمبر| بیاناتش در رشته‌های مختلف معارف و حکمت، الحق اعجاز بود، در عصر پیغمبر| سخن و کلامی در این رشته‌ها یا شنیده نشده و یا کمتر شنیده می‌شد. او سزاوار نمی‌دید و شاید دور از ادب می‌دانست که با وجود پیغمبر اکرم| که مدینه علم است، علمی اظهار کند و نقد معارف بلند و غیرمتناهی خود را عرضه نماید.

در آن محیط که زبان وحی؛ یعنی زبان رسول خدا| باز است، همه باید به گفتار او گوش فرا دهند، او از هرکس به معارف حقیقی داناتر و به مبادی غیب متصل‌تر است. آنجا که او باشد، باید او سخن بگویند و آنجا که او سخن گویند، همه باید گوش و خاموش باشند.

در حدیث است که پیغمبر| به علی × فرمود: «شناخت خدا را مگر من و تو

و شناخت مرا مگر خدا و تو و شناخت تو را مگر خدا و من.<sup>۱</sup>

### جمله دوم

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ؛ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ

حُجَّتَكَ».

به طور کلی شکی نیست که معرفت نبوت و رسالت عامه مقدم بر امامت عامه است؛ یعنی شناخت اینکه بر خدا لازم است (برحسب قاعده لطف و به مقتضای ربانیت و رحمانیت و هادویت و فیاضیت و برای اتمام حجّت بر بندگان، اینکه نقض غرض از آفرینش انسان پیش نیاید) پیغمبر بفرستد تا بندگان را در فکر و عمل راهنمایی کنند و به آنها برنامه بدهند، بر شناخت اینکه پس از پیغمبر نیز باید شخصی که معصوم باشد و افعال و اقوالش حجّت باشد، از جانب خدا و به وسیله پیغمبر منصوب و معین گردد، مقدم می باشد، چنان که معرفت نبوت و رسالت خاصّه نیز بر معرفت امامت خاصه مقدم است؛ یعنی شناخت اینکه شخص شخیص صاحب خُلق عظیم حضرت خاتم الانبیا، پیغمبر و رسول خدا است، بر شناخت شخص امامان و اولیای امر بعد از آن حضرت مقدم است، و چنان که کسی معرفت به نبوت عامه نداشته باشد، معرفت به امامت عامه که مترتب بر آن است، حاصل نخواهد شد.

همچنین اگر معرفت به نبوت خاصه و اینکه شخص حضرت خاتم الانبیا پیغمبر است، پیدا نکرده باشد، معرفت خلفا و اوصیا و اولیای امور بعد از آن حضرت، بی مفهوم و غیرقابل تصور است.

۱. حلی، المحاضر، ص ۷۸، ۲۸۵؛ حسینی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهره، ص ۱۴۵، ۲۲۷؛ بحرانی، مدینه معاجز الائمة الاثنی عشر<sup>۱</sup>، ج ۲، ص ۴۳۹.

معرفت حجت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۸۹

با این همه، در این دعا، مقصود از نبی در جمله اول و رسول در این جمله، شخص حضرت رسول اکرم محمد مصطفی است، چنان که مقصود از حجت نیز شخص حضرت خاتم الاوصیا، امام عصر<sup>×</sup> است.

چنان که در شرح جمله اول توضیح داده شد، دعاکننده به نبوت رسالت رسول اعظم و ولایت حضرت حجة بن الحسن<sup>۱</sup> معرفت دارد، مقصودش از این دعا و طلب معرفت یا مسئلت ثبات و بقای بر آن، یا کمال معرفت و نیل به درجات بالاتر است و یا اینکه از خدا می خواهد که خودش به مقتضای: «إِنَّ قُلُوبَ بَنِي آدَمَ (كُلِّهَا) بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الرَّحْمَنِ يُصِرُّنَّهَا كَيْفَ يَشَاءُ»<sup>۱</sup> و «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ»<sup>۲</sup> نسبت به مقامات رسول اکرم در قلب او معرفت القا فرماید. واضح است که درجات معرفت به پیغمبر نیز متفاوت است، کمترین مراتب آن این است که او را در ابلاغ تعالیم و تکالیف و اوامر و نواهی خدا بین خالق و خلق واسطه و سفیر و فرستاده و صاحب معجزه و معصوم بدانند.

مراتب بعدی معرفت این است که: آن حضرت را اشرف و افضل تمام ممکنات از ملائکه و انبیا و دیگران، و خُلق اعظم و اعظم خلق و صاحب مقام ولایت بر عالم امکان و اقرب و نزدیک تر از هر مخلوق خدا بدانند به حدی که جبرئیل نیز در لیلۃ المعراج از ادامه صعود و همراهی با آن حضرت بازماند، که گفت:

«لَيْسَ لِي أَنْ أَجُوزَ هَذَا الْمَقَامَ (الْمَكَانَ)»<sup>۳</sup>؛

۱. سید مرتضی، امالی، ج ۲، ص ۲؛ همو، تنزیه الانبیاء، ص ۱۷۴؛ نیز ر.ک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۱۶۸؛ مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۸، ص ۵۱. «دل های اولاد آدم همگی میان دو انگشت از انگشتان خدا است آن گونه که بخواهد آنها را حال به حال می کند».

۲. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۶۷؛ فیض کاشانی، الحق المبین، ص ۵. «علم نوری است که خداوند آن را در دل هر کس بخواهد می اندازد».

۳. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۱۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۴۰۳.

«برای من گذشتن (و پیش‌رفتن) از این مقام نیست».

و از آن حضرت روایت است که فرمود:

«لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسَعُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ»<sup>۱</sup>.

<p>و از مقام جبرئیل و از حشودش گفت رو رو که حریف تو نی‌ام گفت: رو زین پس مرا دستور نیست گر زخم پری بسوزد پس ز من تا ابد مدهوش مانند جبرئیل وَلَمْ يُدْأُوهُ فِي عِلْمٍ وَلَا كَرَمٍ عُرْفًا مِنْ الْيَمِّ أَوْ رَشْفًا مِنَ الدِّيمِ وَاحْكُم بِمَا شِئْتِ مَدْحًا فِيهِ وَاحْتَكِمِ به آرایش نام او نقش بست فروغ همه آفرینش از اوست</p>	<p>چون گذشت احمد ز سدره مرصودش گفت: او را هین بیا اندر پی‌ام باز گفتا: کز پی ام آی و مایست گفت: بیرون زین حد ای خوش‌فر من احمد ار بگشاید آن پس جلیل فَاقَ النَّبِيِّينَ فِي خَلْقٍ وَفِي خُلُقٍ وَكَلُّهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مُلْتَمِسٌ دَعَا مَا ادَّعَتْهُ النَّصَارَى فِي نَبِيِّهِمْ محمد که ازل تا ابد هرچه هست چراغی که انوار بینش از اوست</p>
--	--

و بنابراین عرفان و شناخت چنین پیغمبری در شناخت و مقام حجت  
و جانشینان و خلفای او کمال تأثیر را خواهد داشت؛ زیرا جانشین و خلیفه باید

۱. صدوق، الامالی، ص ۴۳۵؛ فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، ص ۵۶؛ فیض کاشانی، تفسیرالصادق، ج ۱، ص ۱۱۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۶۰؛ آلوسی، روح‌المعانی، ج ۲، ص ۷۳؛ حسینی کجوری، الخصائص‌الفاطمیه، ج ۱، ص ۵۹۷؛ ج ۲، ص ۱۲۳، ۲۳۶، ۶۰۸. «مرا با خدا وقتی است که هیچ ملک مقرب و پیامبر مرسل در آن ننگند و جا ندارد».

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۹۱

منعکس‌کننده اوصاف و مقامات کسی که از او خلافت می‌نماید، باشد و نمونه او و اعمال او و رفتار او استمراربخش دعوت و حرکت او باشد، و اگر پیغمبر را نشناسد یا در معرفت او قصور یا وقوف داشته باشد به همان مقدار حجّت خدا و خلیفه پیغمبر را شناخته است.

لذا مطالعه تاریخ زندگی پیغمبر| و تأمل و تفکر در حالات و شئون و مقامات و مواقف آن حضرت و تلاش برای دریافت رسالت آن حضرت که اعظم و خاتم رسالات آسمانی و جامع جمیع رهنمودها به سعادات دنیوی و اخروی و مادی و معنوی است، برای افزایش و گسترش و استحکام معرفت آن حضرت و خلفای او و بلکه برای تکمیل و تقویت معرفت‌الله لازم، و مطلبی است که سالک الی الله و طالب مقامات عرفانی نباید از آن غافل بماند.

### جمله سوم

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ؛ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَّتْ عَنْ

دِينِي».

چنان‌که قبلاً بیان شد، «حجّت» بر دلیلی که به‌وسیله آن، بر طرف مقابل احتجاج می‌شود و سبب غلبه بر او می‌گردد، اطلاق می‌شود. چنان‌که در تفسیر آیه شریفه:

(قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ)؛<sup>۱</sup>

روایت شده است: روز قیامت خداوند به بنده‌اش می‌گوید: «عَبْدِي أَكُنْتَ عَالِمًا؛ بِنْدَةً مِنْ آيَا عَالَمٍ بُوَدِي؟»، اگر گفت: بله، به او می‌گوید: «أَفَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَمِلْتَ؟» چرا به آنچه می‌دانستی عمل نکردی؟؛ و اگر بگوید نمی‌دانستم، به او

---

۱. انعام، ۱۴۹. «بگو: دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ‌کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد)».

گفته می‌شود: «أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ» چرا نیاموختی که عمل کنی؟<sup>۱</sup>.

و این حجت بالغه است، و همچنین به همه مخلوقات از موجودات نامرئی مثل جن و ملائکه و مخلوقاتی که فقط با چشم‌های مسلح به وسایلی مثل میکروسکوپ و تلسکوپ دیده می‌شوند و موجودات کوچک و بزرگی که با چشم دیده می‌شوند، حجت گفته می‌شود؛ چون اولاً به همه آنها و حرکات و نظاماتی که دارند، بر وجود خدا و وجود هدف در خلقت این عالم استدلال می‌شود.

وَلِلَّهِ فِي كُلِّ تَحْرِيكِه  
وَفِي كُلِّ شَيْءٍ لَّهٗ آيَةٌ  
وَفِي كُلِّ تَسْكِينِه شَاهِدٌ  
تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ وَاجِدٌ<sup>۲</sup>

ثانیاً، خدا بر هر کدام از بندگانش که بر حسب حکمت لازم باشد، به کل این عالم و اجزای آن احتجاج می‌نماید و به وسیله انسان هم بر خود انسان احتجاج می‌فرماید، چنان‌که در حدیث است:

«الصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»<sup>۳</sup>.

باین حال، اطلاق حجت مثل امام، به‌طور مطلق بر ائمه معصومین<sup>۴</sup> در احادیث و روایات و ادعیه و زیارات و کلمات علما و اشعار شعرای شیعه به حدی شده است که وقتی به‌طور مطلق حجت و امام گفته می‌شود، ائمه معصومین<sup>۵</sup> از آن به ذهن متبادر می‌گردد و گاه هم از آن اعم از امام و نبی اراده می‌شود، چنان‌که در

۱. مفید، الامالی، ص ۲۲۸؛ طوسی، الامالی، ص ۹؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۱۶۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۹.

۲. ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۲۵۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۱۶. «برای خدا در هر حرکت دانش و در هر سکون آرامش بخشیدنش گواهی است؛ پس در هر چیزی برای او نشانه‌ای است که دلالت می‌کند بر اینکه او یگانه است».

۳. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۹۲. «صورت انسان و ساختمان وجودش بزرگ‌ترین دلیل برای خلق او و بندگان می‌باشد».



معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۹۳

احادیثی که دلالت دارند بر اینکه زمین خالی از حجت نبوده و خالی از حجت نخواهد ماند، همین معنا مراد است.

مثل این حدیث که ثقة الاسلام کلینی + به سند خود از حضرت امام صادق ×

روایت نموده است:

«قَالَ: مَا زَالَتْ الْأَرْضُ إِلَّا وَ اللَّهِ فِيهَا الْحُجَّةُ يَعْرِفُ الْحَلَالَ

وَالْحَرَامَ وَيَدْعُوا النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ»؛<sup>۱</sup>

«زمین هیچ گاه نخواهد ماند مگر آنکه در آن از برای خدا حجتی است

که حلال و حرام را می شناسد و مردم را به سوی راه خدا می خواند».

و در حدیث دیگر می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرَكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَادِلٍ»؛<sup>۲</sup>

«به تحقیق که خدا جلیل تر و عظیم تر است از اینکه زمین را بدون امام

عادل بگذارد».

و نیز در *الکافی* از حضرت امیرالمؤمنین × روایت است که فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تَخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ»؛<sup>۳</sup>

«خدایا به تحقیق که تو خالی نمی گذاری زمینت را از حجتی از طرف

تو بر خلقت».

و نیز از حضرت امام صادق × روایت نموده است که فرمود:

«إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ كَيْمًا إِنْ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸؛ صدوق، کمال الدین، ص ۲۲۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۴۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

**رَدَّهُمْ، وَإِنْ نَقَصُوا شَيْئاً أَتَمُّوا لَهُمْ»؛<sup>۱</sup>**

«به تحقیق که زمین خالی نخواهد ماند مگر آنکه در آن امامی باشد که اگر مؤمنین چیزی را در دین زیاد نمایند ایشان را برگرداند و اگر چیزی را کم کنند، از برای ایشان تمام کند».

و اخبار معتبر در این معنا بسیار است، حتی در این احادیث است که: اگر در روی زمین باقی نماند مگر دو نفر، یکی از آنها حجت و امام بر دیگری خواهد بود.<sup>۲</sup> از جمله نصوصی که دلالت دارد بر اینکه زمین هیچ زمانی خالی از وجود

حجت و امام نیست، این فقره از دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه است:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْماً لِعِبَادِكَ، وَمَنَاراً فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَدَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِامْتِنَالِ أَوَامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَيُّمَةَ مُتَقَدِّمَةً، وَالْأَيُّمَةَ مُتَأَخَّرَةً عَنْهُ مُتَأَخَّرَةً، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ»؛<sup>۳</sup>

«خدایا به تحقیق که تو دین خودت را در هر زمان به امامی تأیید کردی که او را علامتی برای بندگانت برپا و نصب کردی (که گمراه نگردند، و گمشدگان به آن راه یابند) و نشانی باشد در شهرهای تو (تا مردم در هنگام اشتباه حق و باطل و کاوش از حق به او رجوع نمایند)

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹ - ۱۸۰؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱ - ۱۴۲؛ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۷؛ همو، کمال الدین، ص ۲۰۳، ۲۳۰، ۲۳۳.

۳. صحیفه سجادیه، دعای ۴۷ (ص ۲۵۵)؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۹۲؛ کفعمی، المصباح، ص ۶۷۴.

بعد از آنکه ریسمان او را به ریسمان خودت متصل کردی (یعنی سبب وصول و رسیدن به خودت قرار دادی یا ولایت او را ولایت خودت قرار دادی) و او را وسیله‌ای به سوی رضوان و خشنودی خودت قرار دادی. و طاعت او را واجب گردانیدی و از معصیت او تحذیر کردی و به امتثال او امر او و پذیرفتن نهی او فرمان دادی و اینکه هیچ متقدم و پیشروی بر او تقدم و پیشی نگیرد و هیچ متأخر و عقب‌مانده‌ای از او عقب نماند و متأخر نگردد (یعنی برای احدی نیست که از فرمان او تخلف کند و بر آنچه او امر می‌کند و هدایت می‌نماید، چیزی بیفزاید یا از آن چیزی کم کند). پس او (یعنی امام) مستمسک پناهندگان (یعنی آنها را به سبب هدایت به سوی راه راست، از انحراف و افتادن در افراط و تفریط مانع می‌شود) و پناهگاه مؤمنان است (یعنی مؤمنان در حوادث و هنگام بروز شبهه‌ها به او ملتجی می‌شوند) و دستگیره متمسکین است (یعنی هرکس را که به او تمسک بجوید و به او اقتدا بنماید، نجات می‌دهد) و بها و جمال جهانیان است (یعنی نظام عالم و جمال جهان و انتظام امور به وجود او قائم است)».

این فقره دعا که دلالت بر عظمت شأن امام دارد، اگر مقصود از دین در کلمه «دینک» دعوتی باشد که تمام انبیا به آن رسالت داشتند، دلالت بر این دارد که در هر عصر و زمانی، امامی که یا شخص پیغمبر یا وصی و جانشین اوست، از سوی خدا نصب شده است. و اگر مقصود این است که در هر عصر و زمان، دین اسلام به امامی که خلیفه پیغمبر و منصوب از سوی خداست، مؤید می‌باشد.

مخفی نماند از این بیانات و ارشاداتی که در احادیث و ادعیه است، نیاز مردم به وجود امام و حجّت در هر عصر و زمان معلوم می‌شود؛ زیرا شرح و بیان

نواحی مختلف دین، آن هم دینی مثل دین اسلام و تفسیر مجمل و مفصل و محکم و متشابه و خاص و عام و ناسخ و منسوخ کتاب و سنت و دقایق مسائل عقاید و احکام، اموری نیست که بر غیربشر مؤید عندالله مکشوف باشد. پس باید بین امت در هر عصر، شخصی باشد که مرجع در تمام امور باشد و قولش حجت و قاطع هرگونه اختلاف و امان از گمراهی و ضلال باشد.

چنان که احادیث متواتر مثل حدیث متواتر ثقلین نیز بر این معنا دلالت دارد و حضرت زین العابدین × بیانی طولانی دارند که ابن حجر هیتمی از آن حضرت نقل می نماید و در ضمن آن به این نکته لطیف اشاره می فرماید که: اگر اهل بیت (که پیغمبر مردم را به آنها ارجاع فرمود) نباشند و هدایت ها و ارشادات آنها حجت نباشد، پس هدایت چه کسی و چه مقامی در اختلافاتی که بین امت در مسائل اسلامی پیدا می شود، حجت خواهد بود؟<sup>۱</sup>

به طور مثال، در تفسیر قرآن سؤال می کنیم که در تفسیر آیات، بین مفسرین اختلاف زیادی است حتی در مثل آیه:

**(وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمَانَ)؛<sup>۲</sup>**

«پیروی کردند آنچه را که شیاطین می گفتند».

در سوره بقره، بر حسب شمارش، بعضی احتمالاتی که در تفسیر آن داده می شود، یک میلیون و دویست و شصت هزار احتمال است. آیا در تعیین آن احتمالی که مصاب و مراد است، اگر قول آنان که عملشان از علم خدا و رسول و معصوم از اشتباه هستند، حجت نباشد، کدام احتمال از یک میلیون و دویست و شصت هزار

۱. هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۵۲.

۲. بقره، ۱۰۲.

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۱۹۷

احتمال را می‌توان ترجیح داد و چگونه بر ترجیحاتی که پشتوانه تأیید شده از جانب خدا و پیغمبر نداشته باشد، می‌توان اعتماد کرد.

ناگفته نماند: یکی از امتیازات بزرگی که مذهب شیعه دارد و برنامه‌های شرع را قابل قبول و خردپسند می‌نماید، همین است که پس از پیغمبر افرادی هستند که دین را برای مردم تعریف کنند و تعریفشان حجت باشد و آلا هر عاقلی می‌داند که بیان کلیه مسائل دین و شرح و توضیح آنها به‌طور تفصیل در ظرف بیست‌وسه سال برای پیغمبر اکرم<sup>۱</sup> با آن همه مزاحمت، موانع، درگیری‌ها و اشتغال به غزوات و غیره فراهم نبوده، و اگرچه دین اکمال شده و همه چیز تبلیغ شده است؛ اما شرح و بیان آن بر عهده ائمه<sup>۲</sup> گذارده شده است.

و چه بسا احکامی که در تبلیغ آنها به امیرالمؤمنین<sup>۳</sup> اکتفا شده باشد تا آن حضرت و اوصیای بعد از آن بزرگوار به مردم برسانند و از این جهت در جریان تاریخی غدیر، آیه «اکمال دین»<sup>۱</sup> نازل گردید، این اکمال نه به آن جهت بود که همه آنچه باید به مردم ابلاغ گردد و تفصیلات و دقایق آنها ابلاغ شده باشد؛ بلکه به این جهت که شخصی که به هرآنچه بر پیغمبر وحی شده عالم است، به مردم معرفی شود تا همه جا کلامش حجت باشد.

اشتباه نشود، مقصود ما از این بیان، این نیست که دین ناقص بوده و به وسیله امامان<sup>۲</sup> کامل گردیده است، حاشا و کلاً؛ بلکه مقصود این است که: تکمیل ابلاغ دین که بر پیغمبر نازل شد، به امر خدا از سوی پیغمبر بر عهده امامان گذارده شد که به مردم برسانند، چنان که هر نسلی باید آنچه را که از دین می‌داند، به نسل بعد منتقل سازد و ابلاغ نماید، همان‌طور که ابلاغ دین به تمام مردم عصرهای آینده

و تمام مردم عصر بعثت حضرت خاتم الانبیا| میسر نبود، همین طور ابلاغ همه احکام و تفصیل و مسائلی که مربوط به اختلاف و استفاده از کتاب و سنت به مرور زمان پیش می‌آید، در همان عصر بعثت میسر نبود، لذا برحسب حکمت بالغه الهی و قاعده لطف، باید بعد از پیغمبر افرادی باشند که ابلاغ دین و اتمام حجت را کامل کنند و مردم را از تحیر و سرگردانی نجات بدهند.

و اگر این نظام امامت نبود، دین ناقص و ناتمام بود، لذا با ابلاغ ولایت، دین کامل گردید.

پیغمبر اکرم| در تبلیغ رسالت کوتاهی نفرمود و هرچه را از وحی خدا متحمل شد یا مستقیماً به امت رسانید - مثل اصول عقاید و معارف و احکام کلی و بسیاری از فروع دین - و یا به علی× ابلاغ کرد، تا او و امامان بعد از او در مناسبات مقتضی و هنگام مراجعه امت و یا نیاز آنها بیان کرده و شرح و تفسیر نمایند و یکی از معانی اینکه آن بزرگواران خازن علم خدایند همین است، چنان که یکی از معانی اینکه حجت خدایند نیز همین است که این بزرگواران مرجع و ملاذ و ملجأ و وسیله و راهنما و روشن‌کننده راه و علامت برای عباد و روشنی‌بخش دیار و بلادند.

عالم جلیل صاحب *ریاض السالکین (شرح صحیفه سجادیه)* در شرح دعای عرفه بیاناتی دارد که چون متضمن بیان معنای حجت است، اصل فقره‌ای را که متضمن آن است با نقل شرح ایشان به طور اجمال و فشرده در اینجا منعکس می‌نماییم.

این فقره دعا نیز از فقرات دعای عرفه است:

«رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِيهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ،  
وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ وَحَفَظَةَ دِينِكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ،

**وَحُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنَسِ تَطْهِيراً  
بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيْلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ».**

عالم یادشده، که از مفاخر شیعه و کتاب شرح صحیفه‌اش یکی از بهترین کتاب‌هایی است که علمای اسلام تألیف کرده‌اند و سزاوار است عموم مسلمانان به آن افتخار کنند، در شرح این بند از دعای عرفه، پس از اینکه فرموده است: مراد از «اطائب اهل بیت» «اهل کساء و سایر ائمه معصومین<sup>۱</sup>» می‌باشند<sup>۱</sup> و پس از بیان این نکته ادبی که اضافه «اطائب» به «اهل بیت»<sup>۲</sup> یا اضافه صفت به موصوف است یا بیان است می‌فرماید:

امام<sup>۳</sup> در اینجا برای اطائب اهل بیت، هفت صفت بیان فرموده است که این صفات جهات و علل استحقاق صلوات از خدای سبحان بر ایشان است. سپس این هفت صفت را برشمرده که ما نیز به‌طور اقتباس از بیانات آن شخصیت بزرگ و اضافه چند نکته بر آن این هفت صفت را بیان می‌نماییم.

صفت اولی این است که، خدای تعالی ایشان را برای امر خود و دینش در عالم و هدایت خلق برگزید و برگشتش به این است که ریاست کامله عامه را به ایشان افاضه فرموده است و به تعبیر این ناچیز، چون کلمه «امر» مطلق است، دلالت دارد بر اینکه آنها را برای هر کار خدایی و هر عملی که مشیة الله بر آن تعلق می‌گیرد، برگزیده است؛ خواه امر دین باشد یا دنیا.

صفت دوم این است که، آنها را خازنان و حافظان علم خود قرار داده که آن را از ضایع شدن و آلودگی به افکار باطل و اندیشه‌های شیطانی و نادرست حفظ نمایند، و چنان‌که هست و بایست به بندگان خدا تعلیم نمایند.<sup>۲</sup>

صفت سوم اینکه، ایشان را حافظان و نگهبانان دین خود قرار داده است تا آن

۱. مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۶، ص ۳۷۱ - ۳۸۷.

۲. مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۶، ص ۳۷۳.

را از تبدیل و تحریف مصون بدارند.

صفت چهارم اینکه، آنها را جانشینان و خلفای خود در زمین قرار داده است که به انفاذ و اجرای اوامر او در عالم و سیاست مردم و جذب نفوس ناطقه به سوی او و تکمیل ناقصان قیام نمایند.

صفت پنجم این است که، آنها را حجّت‌های خود بر بندگانش قرار داده است که این معنا در اینجا مورد استناد و استفاده ما است.

در اینجا سید می‌فرماید: حجّت بر حسب لغت غلبه است و به‌طور مجاز یا حقیقت عرفی استعمال آن در برهان شایع گردیده است و در احادیث و عرف متشرّعه، اطلاق آن بر کسی که خدا او را برای دعوت خلق و دعوت انسان به سوی او و برای احتجاج به او منصوب فرموده است، شیوع دارد.

صفت ششم این است که، ایشان را از هر رجس و آلودگی پاک قرار داده است.

صفت هفتم این است که، آنها را وسیله‌ای به سوی خود مقرر کرده است.

و صفت هشتم این است که، آنها راه به سوی بهشت می‌باشند، پس هر کس به راه

آنها رفت، نجات می‌یابد، چنان‌که مثل احادیث سفینه و امان بر آن دلالت دارد.<sup>۱</sup>

از مجموع این توضیحات معلوم شد که بر ائمه معصومین<sup>۸</sup> به‌طور مطلق، در احادیث، اطلاق حجّة‌الله و امام شیوع دارد، و هنگامی که بدون قرینه گفته شوند، ائمه معصومین<sup>۸</sup> به ذهن متبادر می‌شود.

و همچنین معلوم شد که مقام حجّة‌اللهی و خلیفة‌اللهی و ولایت و امامت،

اعظم مقامات و درجات است که بدون ایمان به آن، نجات میسر نیست.

چنان‌که در حدیث است که از مؤمن سؤال می‌شود: آیا آزادی و برائت خودت را (از

---

۱. مخفی نماند اگرچه در ابتدا، اوصاف را هفت مورد فرموده است؛ اما در مقام شرح و تفصیل به

هشت رسانیده است +.



معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۲۰۱

آتش) گرفته‌ای و در زندگی دنیا به عصمت کبری متمسک شده‌ای؟ پاسخ می‌دهد: بله. آن‌کس که مورد سؤال قرار گرفت، می‌پرسد: آزادی و امان و عصمت کبری چیست؟ جواب می‌دهد: ولایت علی بن ابی‌طالب<sup>×</sup> پس به او می‌گویید: راست گفتی. پس او را امان می‌دهد و بشارت می‌دهد به آنچه او را مسرور سازد. و از کافر سؤال می‌شود، همچنان‌که از مؤمن سؤال شد و او جواب می‌دهد: نه. پس او را به خشم و عذاب و آتش خدا بشارت می‌دهد.<sup>۱</sup>

و مؤید این روایت، حدیثی است که شیعه و سنی از حضرت رسول خدا<sup>||</sup> روایت نموده‌اند:

«لَا يَجُوزُ أَحَدٌ الصِّرَاطَ إِلَّا مَنْ كَتَبَ لَهُ عَلِيُّ الْجَوَازِ»<sup>۲</sup>؛

«احدی از صراط نمی‌گذرد مگر کسی که علی<sup>×</sup> برای او جواز عبور

نوشته باشد».

## نتیجه

آنچه تا اینجا بیان شد، شمه‌ای از شئون و مقامات حجّت‌های الهی؛ یعنی ائمه معصومین<sup>^</sup> به‌طور فشرده و اشاره می‌باشد.

و اما مراد از کلمه «حجّت» در این دعا، شخص اقدس قطب زمان و ولیّ دوران، حضرت امام دوازدهم حجة بن الحسن العسکری<sup>^</sup> می‌باشد؛ زیرا دعا مربوط به زمان غیبت است و چنان‌که مکرر تذکر داده شد، دعاکننده، مؤمن و عارف به خدا و رسول خدا و حجّت‌های خدا می‌باشد و در این دعا یا مسئلت

۱. کوفی اهوازی، الزهد، ص ۸۲ - ۸۳؛ مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۴۹۲ - ۴۹۴؛ بحرانی، مدینه معاجز الائمة الاثني عشر<sup>^</sup>، ج ۳، ص ۱۰۹ - ۱۱۰؛ مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۷۳ - ۴۷۴.

۲. طبری، ذخائر العقبی، ص ۷۱؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۱۶۲ - ۱۶۳.

۲۰۲..... امامت و مهدویت / ج ۴

معرفت کامل تر و مددهای عرفانی و غیبی بیشتر می نماید و یا از خداوند متعال ثبات و بقای بر ولایت حضرت مهدی<sup>×</sup> را طلب می کند؛ زیرا بیم تزلزل فکری و خطر انحرافات عقیدتی در این عصر بسیار است و برحسب بعضی روایات، جز کسانی که خدا دل آنها را به ایمان امتحان و آزمایش کرده باشد، بر عقیده به امامت آن حضرت ثابت نمی ماند.

آخرین نکته ای که در شرح دعای شریف به عرض می رسد، ارتباط ضلالت از دین با نشناختن حجت و امام است - که با مطالبی که در ضمن شرح جمله های دیگر بیان شد، کاملاً معلوم می شود - که یکی از فواید بزرگ نصب حجت و امام، منحرف نشدن مؤمنان از راه راست است که با وجود چنین مرجعی الهی و علامت یقینی، هرکس او را مقتدا قرار دهد و از او تخلف نکند و پیشی نگیرد و از ارشادات و هدایت های او تخطی ننماید، از دینش گمراه نخواهد شد و اگر در ایمان به امامت و معرفت حجت لغزشی پیدا کند و ثابت نماند، از دین گمراه می شود.

این خصیصه ایمن از ضلالت به وسیله تمسک به امام<sup>×</sup>، خصیصه ای است که در حدیث «ثقلین» و در احادیث دیگر بسیار به آن تصریح شده است و هریک از ائمه معصومین<sup>^</sup> در عصر خود، به آن بر سایر امت امتیاز دارند و گذشت زمان و زندگی و سیره امامان<sup>^</sup> و علوم و معارفی که از آنها صادر شده و اصحاب و علمایی که در مکتب و مدرسه اهل بیت<sup>^</sup> تربیت شدند نیز ثابت نمود که این بزرگواران به علوم و فضایل اخلاقی و عملی که دارند، دارای این امتیازند و اهلیت عنایات خاص و درجات متعالی را که به آنها عطا شده است، دارند.

و از جمله، صدها حدیث و روایت که در این موضوع صراحت دارند، می توانید شمه ای را در *نهج البلاغه* مطالعه فرمایید. مانند اینکه در خطبه دوم می فرماید:

«هُمُ أَسَاسُ الدِّينِ وَعِمَادُ الْيَقِينِ، إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَبِهِمْ يُلْحَقُ

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۲۰۳

### التَّالِي»؛<sup>۱</sup>

«اهل بیت پیغمبر| اساس دین و ستون یقین هستند؛ به سوی ایشان بازگردانده می شود پیش افتاده (مفرط و از حدّ برون شده) و عقب مانده به ایشان ملحق می شود».

و در خطبه دیگر می فرماید:

«إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ، إِذَا خَوَى نَجْمٌ طَلَعَ

### نَجْمٌ»؛<sup>۲</sup>

«آگاه باشید مثل آل محمد| مثل ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره ای غروب نماید، ستاره دیگری طلوع می کند».

و در خطبه دیگر می فرماید:

«نَحْنُ شَجَرَةُ النُّبُوءَةِ وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ وَيَنَابِيعُ الْحُكْمِ، نَاصِرُنَا وَمُحِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ وَعَدُوَّنَا وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ»؛<sup>۳</sup>

«ما درخت نبوت و فرودگاه رسالت و محل آمدو شد فرشتگان و معدن های علم و چشمه های حکمتیم، یاری کننده و دوست ما منتظر رحمت و دشمن ما منتظر سخط است».

و در خطبه دیگر می فرماید: «به خدا سوگند به تحقیق، تبلیغ رسالات و اتمام وعده ها و تمام کلمات را تعلیم شدم و درهای حکم و روشنی امر (یعنی اینها شئون است که اهل بیت<sup>۱</sup> به آنها اختصاص دارند) نزد ما اهل بیت است».

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲ (ج ۱، ص ۳۰).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰ (ج ۱، ص ۱۹۴).

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹ (ج ۱، ص ۲۱۵).

اینها بعضی از شئونی است که به ائمه طاهرين<sup>۸</sup> اختصاص دارد، سایر شئون و مقامات و درجات آنها با بررسی کتاب‌های اهل سنت و تألیفات علمای شیعه مانند: مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب، کشف الغمه اربلی و بحار الانوار مجلسی و مطالعه تواریخ زندگی آن بزرگواران و علوم و معارفی که از ایشان در تفسیر و الهیات و فقه و اخلاق صادر شده است، معلوم و شناخته می‌شود.

والله ولي التوفيق.

### بحث کلی پیرامون دعا

(وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ)؛<sup>۱</sup>

«و خدای شما فرمود: مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم و آنان که از دعا و عبادت من اعراض و سرکشی کنند، به زودی با خواری و ذلت وارد دوزخ شوند».

یکی از بخش‌های مهم که با عقیده و تربیت و اخلاق، کمال ارتباط را دارد، دعا است. «دعا» چنان‌که بعضی از محققین فرموده‌اند، برحسب لغت به معنای «ندا» است و برحسب عرف و اصطلاح، توجه به سوی خدا و طلب رحمت از او به‌طور فقر و مسکنت و خضوع است، و بر سپاس و ستایش و تسبیح و تنزیه باری تعالی نیز اطلاق می‌شود؛ زیرا سپاس و ستایش نیز نوعی درخواست و مسئلت عطا و موهبت است، چنان‌که روایت شده: از عطا درباره معنای قول رسول خدا در تفسیر این خبر که حضرت فرمود:

«خَيْرُ الدُّعَاءِ دُعَائِي وَدُعَاءُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِي، وَهُوَ: لَا إِلَهَ إِلَّا

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۲۰۵

اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ  
حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛<sup>۱</sup>

«بهترین دعا، دعای من و دعای پیامبران پیش از من است و آن دعای

(لا اله الا الله ... و هو على كل شيء قدير) می باشد».

سؤال شد. مقصود سؤال کننده این بود که در این جمله، اگرچه تهلیل و تسبیح و تمجید و تقدیس ذات مقدّس الوهیت است؛ اما درخواست و مسئلتی نیست و حاجتی در آن عرض نشده است پس چگونه رسول اکرم | برحسب این حدیث شریف، بر آن اطلاق دعا فرموده است؟

پاسخ این است که امیه بن صلت در مورد ابن جذعان می گوید:

إِذَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ الْمَرْءَ يَوْمًا كَفَاهُ مِنْ تَعَرُّضِهِ النَّثَاءُ

وقتی مردی بر تو ثنا گفت، مدح و ستایش، او را از بیان حاجت کفایت می نماید.

آیا ابن جذعان می داند ثناخوان و مدّاح از ثنا و مدح او چه می خواهد و ربّ العالمین پروردگار جهانیان نمی داند که از ثنا و مدح و حمد و سپاس و ستایش چه خواسته شده است؟! پس به طریق اولی، خدا به مقصود بنده اش از تهلیل و تحمید و تسبیح و دعا آگاه است.<sup>۲</sup>

نیاز به دعا و توجه به عالم غیب و قدرت لایزال و غیر مرئی و ماورای اسباب و مسببات ظاهری و مادّی و نیایش و ستایش و تقدیس و تمجید او و مسئلت حاجات از او، یک نیاز اصیل فطری است که در انسان وجود دارد و باید این نیاز برآورده شود.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۵۶؛ مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۵۶؛ مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۱، ص ۲۲۵.

مسلم است که در استفاده از این میل فطری، مثل سایر میل‌های فطری، چنان‌که می‌توان راه درست و صحیح را که منتهی به کمال و سیر صعودی و قوت روح و نشاط و اعتماد به نفس گردد، انتخاب نمود، ممکن است در اثر جهل و اغوائت شیطانی، سقوط در درکات مهلکی را برای انسان پیش آورد، همان‌طور که غریزه میل به غذا اگر به‌طور صحیح اعمال نشود، در اثر سوءتغذیه، نه فقط فایده این غریزه حاصل نمی‌شود؛ بلکه موجب زیان و ضرر و تلف جسم خواهد شد.

دعا روح را زنده و امیدواری و نشاط به کار و عمل را تازه می‌سازد و شخص را در برابر فشارها و سختی‌های روزگار نیرومند نموده و مانع از شکست او می‌شود. دعا با تسلیم و رضا به قضای پروردگار منافات ندارد؛ بلکه عین تسلیم به حکم او و منبعث و برگرفته از ایمان به قضا و قدر و وسایل و اسباب و مسببات ظاهری و غیرظاهری است که او به حکمت خود مقرر فرموده و با کل این امور، بندگان را به سوی صلاح و سداد سوق داده و آنها را بین خوف و رجا قرار داده است.

استعانت و کمک خواستن و دعا و توجه به خدا در هنگام ورود مصائب و نزول بلاها، از انسان بیشتر ظاهر می‌شود و با اشخاصی که در حال آسایش و ناز و نعمت، خدا را به یاد آورند؛ بلکه از اقرار به او خودداری می‌نمایند؛ ولی وقتی مبتلا شدند و دستشان از همه‌جا کوتاه شد، رو به درگاه خدا می‌آورند.

چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

**(وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَسَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ**

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا.....۲۰۷

### فَدُو دُعَاءِ عَرِيضٍ؛<sup>۱</sup>

«ما هرگاه به انسان نعمتی عطا کردیم روی گردانید و دوری جست

و هرگاه شرّ و بلائی به او روی آورد، زبان به دعا گشود و اظهار عجز کرد».

دعا سلاح پیامبران است، آنان نیز هنگام سختی‌ها و روبرو شدن با جهالت‌ها

و آزارهای قوم دعا می‌کردند و خدا را می‌خواندند.

یکی از دعاهای مشهور رسول خدا، دعایی است که اهل تاریخ و حدیث

در ضمن نقلِ خارج شدن آن حضرت از مکه به طائف و برخورد با سفاهت

و آزار اهل طائف روایت کرده‌اند.

اجمال حکایت به این صورت است که پس از رحلت حضرت ابوطالب،

قریش بر رسول خدا گستاخ شدند<sup>۲</sup> و آن حضرت را مورد اذیت‌هایی که در

---

۱. فصلت، ۵۱.

۲. ابوطالب شیخ قریش و بسیار معظم و مورد احترام و تجلیل بود، او یگانه حامی پیامبر بود، تا او زنده

بود از پیغمبر خدا حمایت می‌کرد و مانع از تعرض و اذیت قریش به آن حضرت بود و برخلاف آنچه

بعضی وانمود می‌کنند که اسلام افرادی مثل ابوبکر و عمر موضع مسلمین را در برابر قریش تقویت

بخشید، کسی برای این افراد حسابی باز نکرد و یگانه کسی که وجودش سبب خودداری قریش از

ایذای پیغمبر بود، ابوطالب بود، و لذا بعد از وفات ابوطالب، باینکه این افراد در شمار مسلمین

محسوب می‌شدند، وجودشان کمترین اثری در وضع اذیت قریش از آن حضرت نداشت و قریش در

اذیت پیغمبر به جسارت‌هایی که در حیات ابوطالب طمع نداشتند، دست یازیدند، حتی اینکه سفیهی از

سُفهای قریش خاک بر سر مبارک آن حضرت پاشید.

ابن اسحاق می‌گوید: وقتی این سفیه خاک بر سر مقدّس رسول خدا ریخت، پیغمبر به خانه برگشت،

یکی از دختران آن حضرت برخاست و خاک از سر مقدّس او می‌شست و می‌گریست، پیغمبر به او

می‌فرمود: «گریه مکن دخترم! خدا از پدرت حمایت می‌کند». می‌فرمود: «قریش به من چیزی را که

مکروه و ناخوشم باشد نرساند، تا زمانی که ابوطالب درگذشت». ر.ک: ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۲،

ص ۲۶.

آری ابوطالب اولین حامی و پشتیبان پیغمبر بود که حتی جان او را بر جان فرزند عزیزش علی<sup>×</sup> ترجیح

حیات ابوطالب سابقه نداشت، قرار دادند؛ لذا پیغمبر را از مکه به طائف رفت. در آنجا نیز از رسول خدا با اذیت و آزار و بدرفتاری استقبال نمودند. در این موقع پیغمبر خدا را به این دعای نویدبخش که حاکی از روح سرشار و ایمان و امید آن حضرت بود، خواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَشْكُو ضَعْفَ قُوَّتِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَهَوَانِي عَلَى النَّاسِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. أَنْتَ رَبُّ الْمُسْتَضْعِفِينَ وَأَنْتَ رَبِّي إِلَيَّ مَنْ تَكَلَّنِي؟ إِلَيَّ بَعِيدٍ يَتَجَهَّمُنِي أَمْ إِلَيَّ عَدُوٍّ مَلَكَتْهُ أُمْرِي، إِنْ لَمْ يَكُنْ بِكَ عَلَيَّ غَضَبٌ فَلَا أَبَالِي، وَلَكِنْ عَافَيْتَكَ هِيَ أَوْسَعُ لِي. أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ عَلَيْهَا أَمْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

می‌داد و هنگامی که مسلمین در شعب ابی طالب محصور بودند، شب‌ها خوابگاه پیغمبر را تغییر می‌داد و فرزند دل‌بندش علی × را به جای آن حضرت می‌خوابانید. این ابوطالب است که قصیده‌ای در مدح پیغمبر و اعلام حمایت و دفاع از او دارد که مثل ابن کثیر دمشقی در تاریخ خود می‌گوید: این قصیده‌ای است بزرگ که جداً رسا و بلیغ است و غیر از کسی که به او نسبت داده شده (یعنی ابوطالب) کسی دیگر توانایی گفتن آن را ندارد. این قصیده از «معلقات سبع» قوی‌تر و در ادای معنا بلیغ‌تر است. ابن کثیر، البداية و النهايه، ج ۳، ص ۵۷.

این حقیر اضافه می‌نمایم: پس از ابوطالب تا زمان ما نیز نظیر این قصیده گفته نشده. بر هرکس که مختصری از تاریخ اسلام را بداند، هرچه مخفی بماند، این مخفی نخواهد ماند که اسلام و تمام مسلمین تا روز قیامت مرهون خدمات و فداکاری‌های این ابرمرد تاریخ و بزرگ شخصیت قریش و عرب و فرزند عزیزش بطل اسلام و عالم اسلام و نفس رسول و سیف‌الله المسلول و خلیفه‌الله و ولی او علی بن ابی طالب × است؛ اما منافقان و ارباب سیاست و حزب بنی‌امیه و کسانی که پس از پیغمبر بر جهان اسلام مستولی شدند و نویسندگان و گویندگان مزدور آنها، به‌جای قدردانی از این دو تجسم فداکاری و ایمان و آگاهی که در اسلام از آنها سابقه‌دارتر نیست و عملیات و طاعاتشان بهتر و با ارج‌تر از طاعات و عبادات تمام امت است، گفتند: ابوطالب اسلام نپذیرفته از دنیا رفت و فرزندش علی را سال‌های سال بر منبری که با فداکاری‌های او برپا شده بود، سب و ناسزا گفتند و فضایلش را منکر شدند و تا توانستند روایاتی را که در فضیلت آن حضرت است، تضعیف و تأویل نمودند و در مدح دیگران روایات جعل نمودند.



**مِنْ أَنْ تَنْزَلَ (يَنْزِلَ) بِي غَضَبِكَ أَوْ يَجِلَّ عَلَيَّ سَخَطُكَ. لَكَ الْعُتْبَى  
حَتَّى تَرْضَى، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ»<sup>۱</sup>**

«خدایا به سوی تو شکایت می‌نمایم ضعف نیرویم و کمی چاره‌ام و آسان بودنم را بر مردم، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان! تو پروردگار مستضعفانی و تو پروردگار منی! مرا به چه کسی وامی‌گذاری؟ آیا به دوری که با من به درستی روبرو شود؟ یا به دشمنی که او را مالک امر من گردانی؟ اگر به من خشم نداشته باشی. پس پاک ندارم؛ ولیکن عافیت تو وسعت‌دارنده‌تر است از برای من. پناه می‌برم به نور وجه تو که تاریکی‌ها به نور آن روشنی یافت و امر دنیا و آخرت بر آن صالح گردید از اینکه غضبت را بر من نازل کنی یا خشمت را بر من وارد نمایی، به سوی توست عذرخواهی و توبه تا راضی شوی، و حول و قوه ای نیست مگر برای تو».

همچنین حضرت سیدالشهدا امام حسین × روز عاشورا را با کمال ثبات و استقامت؛ بلکه شور و شوق به شهادت، از بزرگ‌ترین مصائب جانکاه و شدایدی که تهمت‌ان تاریخ را به تسلیم و خضوع در برابر دشمن وادار سازد، استقبال کرد و دعا فرمود و بامداد آن روز، خدا را به این دعا خواند:

**«اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، ...كَمْ  
مِنْ هَمٍّ يَضْعَفُ فِيهِ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ، وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ  
وَيَشْتَمُ فِيهِ الْعَدُوُّ. أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنْي إِلَيْكَ عَمَّنْ  
سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ عَنِّي وَكَشَفْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ**

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۲۸۶؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۸۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۲.

### حَسَنَةٌ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ؛<sup>۱</sup>

«خدایا تو در هر اندوه مورد وثوق و اطمینان منی، و در هر شدت امید منی، بسا هم و اندوهی که دل از آن ضعیف می‌گردد و چاره در آن اندک می‌شود و دوست در آن شخص را وامی‌گذارد و دشمن در آن شماتت می‌نماید. عرض کردم آن را به تو و شکایت کردم آن را به سوی تو، برای رغبت من به سوی تو و صرف میل و توجه من از ماسوای تو، پس آن را از من برطرف کردی و کفایت نمودی. پس تو ولی هر نعمت و صاحب هر حسنه و نیکی و منتهای هر رغبتی».

مزیت دیگر دعا این است که، عین شعور و التفات و توجه به خدای یگانه و صفات جلال و جمال او و التفات دعاکننده به فقر و هویت امکانی و ضعف و نقص ذاتی خود می‌باشد. و این خود یکی از شریف‌ترین حالات انسان است که خدای خود را که واجب‌الوجود و خالق و بی‌نیاز و توانا و دانای مطلق است، بشناسد و هویت خودش را که فقر و نیاز و نداشتن و ناتوانی و احتیاج است، نیز بشناسد و زبان حال و مقالش این باشد:

«سَيِّدِي! أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ، وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ،  
وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ، وَأَنَا الْخَائِفُ  
الَّذِي آمَنْتَهُ، وَالْجَانِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ، وَأَنَا  
الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ، وَأَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ»<sup>۲</sup>

۱. طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۳۲۱؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۶؛ ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۱۷؛ ابن‌اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۶۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴.  
۲. طوسی، مصباح‌المتجهد، ص ۵۸۹؛ ابن‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۶۵؛ کفعمی، المصباح،

معرفت حجت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۲۱۱

«آقای من! من آن صغیر و کوچکم که تو او را پروردی. و من آن جاهلم که تو او را تعلیم دادی. و من آن گمشده‌ام که تو او را هدایت و راهنمایی کردی. و من آن گرسنه‌ام که تو او را سیر گرداندی. و من آن برهنه‌ام که تو او را پوشاندی. و من آن فقیرم که تو او را بی‌نیاز کردی».

اگر غیر از این دعاها که در قسمت عقاید و اصول دین و اخلاقیات و تعلیم و تربیت است، دست ما از منابع دیگر کوتاه بود همین دعاها برای هدایت انسانیت به سوی خدا و سعادت دنیا و آخرت کافی و کارساز بود.

دعای کمیل، دعای صباح، دعای ابوحمزه ثمالی، دعا‌های صحیفه سجادیه و صحیفه علویه و سایر ادعیه که در کتاب‌های دعا، مثل **مصباح‌المتبهجد** شیخ طوسی و **المصباح کفعمی** و کتاب‌های سید بن طاووس و کتاب دعا در **الکافی** و **بحارالانوار**، هرکدام نه فقط کتاب دعا است؛ بلکه کتاب علم و معرفت و اخلاق است.

نمی‌توان دقایق عرفانی و نکات ارزنده و سازنده و حقایق بلند و تابناکی را که در این دعاها است، تشریح نمود. و نمی‌توان اوج پرواز روح را در هنگام خواندن این دعاها و توجه به مضمون آنها بیان نمود.

بسیاری از مردم گمان می‌کنند دعا در همان خواستن حوایج شخصی دنیوی و درخواست آب و نان و پول و خانه و شفای بیمار خلاصه می‌شود، غافل از آنند که حیوانات هم به زبان حال یا مقال – چنان‌که در داستان استسقای سلیمان پیغمبر و دعای مور و انصراف سلیمان از استسقا و اکتفا به دعای مور نقل شده است – این درخواست‌ها و مسئلت‌ها را دارند و چه بسا

۲۱۲ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

که خدا از برکت رفع نیاز از آنها، بندگان معصیت‌کار را نیز مشمول بعضی الطاف خود فرماید.

هرچه انسان بیندیشد و هرچه تصور کند، لذتی و حالی لذیذتر از دعا نخواهد یافت و هیچ چیزی مانند دعا روح را تازه و زنده نگه نمی‌دارد. با دعا و بردن نام خدا، انسان وارد کارهای پرمخاطره می‌شود و خود را از ترس و بیم پاک می‌سازد و از آن پیروز و موفق بیرون می‌آید. دعا بر صفحه ناامیدی‌ها خط بطلان می‌کشد و سستی‌ها و خستگی‌ها را زایل می‌سازد.

در فضیلت دعا همین بس، که در حدیث است:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»<sup>۱</sup>

«دعا مغز عبادت و پرستش خدا است».

یکی از معانی حدیث این است که: عبادت شبیه به بدنی است که مرکب از اعضا و جوارح باشد و دعا به منزله مخ و مغز آن خواهد بود. بنابراین بنده در عین اینکه اسباب ظاهری را فراهم می‌نماید و آنها را کنار نمی‌گذارد؛ بلکه آنها را به دقت جمع آوری می‌کند، همه‌چیز را از خدا می‌خواهد و در حصول تمام مراتب و مطالب از خدا یاری می‌طلبد.

ثروت اسلامی ما و به‌خصوص ثروت شیعی، در دعا غنی و سرشار از معارف و اخلاق و موجبات رشد فکری و ترقی و تعالی معنوی است. اگر عبادتی مثل نماز انجام شود و دعا در آن نباشد، مثل پیکر بی‌مغز و بی‌مخ می‌باشد.

---

۱. طبرانی، الدعاء، ص ۲۴؛ قطب راوندی، الدعوات، ص ۱۸؛ ابن‌فهد حلی، عدة‌الدعای، ص ۲۴؛ متقی هندی، کنز‌العمال، ص ۲، ص ۶۲؛ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۲۷ - ۲۸؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰، ۳۰۲.

معرفت حجّت خدا / بخش دوم: تفسیر دعا..... ۲۱۳

و احتمال دارد معنا این باشد که، هر عبادتی بنمایید، مغز آن دعا و خواندن خدا و مسئلت از اوست و چون پیرامون دعا و شرایط استجابت و موانع آن و اوقات و حالات و فرصتهایی که امید و استجابت دعا در آن بیشتر است و اینکه به ثنا و حمد خدا شروع شود و در آغاز و پایان آن صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود و دعاهای ماهها و ایام و لیالی متبرکه و ایام هفته و صبح و شام و برای قضای حوایج خاص و برنامه‌های دیگر آن دستورالعمل‌های آموزنده و معرفت‌بخش بسیار است و باید تفصیل آن را در کتاب‌های حدیث و دعا مطالعه نمود.

در اینجا این بخش از سخن را با تقدیم شکر به درگاه خداوند متعال به پایان می‌رسانیم، فقط به مناسبت و اشاره‌ای که در ابتدای این بیان، به دعای عالیة‌المضامین شد که شیخ اجل ابو عمرو عثمان بن سعید، نایب اوّل حضرت صاحب‌الامر × به ابوعلی محمد بن همام املا فرمود و امر کرد آن را بخواند و سید بن طاووس & در **جمال‌الاسبوع** بعد از ذکر دعاهای وارده بعد از نماز عصر جمعه و صلوات کبیره، آن را ذکر کرده و فرموده است: اگر برای تو عذری باشد از جمیع آنچه ذکر کردیم، پس حذر کن از آنکه خواندن این دعا را مهمل گذاری. پس به درستی که ما شناختیم آن را از فضل خداوند - جلّ جلاله - که ما را به آن مخصوص فرموده، پس به آن اعتماد کن. رساله را به این دعا خاتمه می‌دهیم، امید آنکه مؤمنان و منتظران ظهور موفورالسرور آن قطب زمان و ولی دوران بر آن مداومت نمایند و این بنده گنهکار روسیاه و والدینم را از دعا فراموش نفرمایند.

**وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین**

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ  
رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ  
لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ  
ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ  
إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ  
وَلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وِلَاةَ  
أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعَفَرًا  
وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ...»<sup>١</sup>

١. ابن طاووس، جمال الاسبوع، ص ٣١٥ - ٣١٩.

## كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغة، الامام على بن ابي طالبؑ، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٣. الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد (م. ٤١٣ق.)، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.
٤. الاستدكار، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبى (م. ٤٦٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ٢٠٠٠م.
٥. اعراب ثلاثين سورة من القرآن الكريم، ابن خالويه، حسين بن احمد (م. ٣٧٠ق.)، القاهرة، دار الكتب المصرية، ١٣٦٠ق.
٦. اعلام الدين فى صفات المؤمنين، ديلمى، حسن بن ابي الحسن (م. قرن ٨)، قم، مؤسسة آل البيت<sup>١</sup> لاحياء التراث.
٧. اعلام الورى باعلام الهدى، طبرسى، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق.)، قم، مؤسسة آل البيت<sup>١</sup> لاحياء التراث، ١٤١٧ق.
٨. اقبال الاعمال، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى (م. ٦٦٤ق.)، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤١٤ق.
٩. امالى، سيد مرتضى، على بن حسين (م. ٤٣٦ق.)، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، ١٤٠٣ق.

- ٢١٦ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
١٠. الامالي، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، مؤسسة البعثة، ١٤١٧ق.
١١. الامالي، طوسي، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، قم، دار الثقافة، ١٤١٤ق.
١٢. الامالي، مفيد، محمد بن محمد (م. ٤١٣ق.)، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.
١٣. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار<sup>١</sup>، مجلسي، محمدباقر (م. ١١١١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
١٤. البداية و النهاية، ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. ٧٧٤ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٨ق.
١٥. تاريخ بغداد، خطيب بغدادي، احمد بن علي (م. ٤٦٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٧ق.
١٦. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، علي بن حسن (م. ٥٧١ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق.
١٧. تاريخ الامم و الملوك، طبري، محمد بن جرير (م. ٣١٠ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٣ق.
١٨. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، حسيني استرآبادي، سيدشرف الدين علي (م. ٩٦٥ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٩ق.
١٩. التحصين لاسرار ما زاد من اخبار كتاب اليقين، ابن طاووس، سيدعلي بن موسى (م. ٦٦٤ق.)، قم، دار الكتاب، ١٤١٣ق.
٢٠. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حراني، حسن بن علي (م. قرن ٤)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٤ق.
٢١. تخميس قصيدة البردة، بوضيري، محمد بن سعيد، تخميس حسن بن يحيى اعرجي، مجلة تراثنا، ش ٢٣، قم، مؤسسة آل البيت<sup>٢</sup> لاحياء التراث، ١٤١١ق.



- ٢١٧..... معرفت حجّت خدا / كتاب نامه.....
٢٢. **التفسير المنسوب الى الامام العسكري**، تفسير منسوب به امام عسكري، قم، مدرسة الامام المهدي، ١٤٠٩ق.
٢٣. **تفسير روح البيان**، حقي بروسوي، اسماعيل (م. ١١٣٧ق.)، بيروت، دار الفكر.
٢٤. **تفسير الصافي**، فيض كاشاني، محسن بن مرتضى (م. ١٠٩١ق.)، تهران، مكتبة الصدر، ١٤١٦ق.
٢٥. **تفسير القمي**، قمي، علي بن ابراهيم (م. ٣٠٧ق.)، قم، دار الكتاب، ١٤٠٤ق.
٢٦. **التمحيص**، اسكافي، محمد بن همام (م. ٣٣٦ق.)، قم، مدرسة الامام المهدي، ١٤٠٤ق.
٢٧. **التمهيد**، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. ٤٦٣ق.)، مغرب، وزارة عموم الاوقاف والشؤون الاسلامية، ١٣٨٧ق.
٢٨. **تنزيه الانبياء**، سيد مرتضى، علي بن حسين (م. ٤٣٦ق.)، بيروت، دار الاضواء، ١٤٠٩ق.
٢٩. **تهذيب الاحكام**، طوسي، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٤ش.
٣٠. **التوحيد**، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٣٩٨ق.
٣١. **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، الشريف الرضي، ١٣٦٨ش.
٣٢. **جامع البيان في تفسير القرآن**، طبري، محمد بن جرير (م. ٣١٠ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٣٣. **جمال الاسبوع**، ابن طاووس، سيد علي بن موسى (م. ٦٦٤ق.)، مؤسسة الآفاق، ١٣٧١ش.

- ٢١٨ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
٣٤. *الحق المبين في تحقيق كيفية التفقه في الدين*، فيض كاشاني، محسن بن مرتضى (م. ١٠٩١ق.)، تهران، انتشارات دانشگاه، ١٣٩٠ق.
٣٥. *الخصائص الفاطمية*، كجوري، محمدباقر (م. ١٣١٣ق.)، الشريف الرضي، ١٣٨٠ش.
٣٦. *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، سيوطي، جلال الدين (م. ٩١١ق.)، قم، كتابخانه مرعشي نجفي، ١٤٠٤ق.
٣٧. *الدعاء*، طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٣ق.
٣٨. *دعائم الاسلام*، مغربي، قاضي نعمان بن محمد تميمي (م. ٣٦٣ق.)، القاهرة، دار المعارف، ١٣٨٣ق.
٣٩. *الدعوات*، قطب راوندي، سعيد بن هبة الله (م. ٥٧٣ق.)، قم، مدرسة الامام المهدي، ١٤٠٧ق.
٤٠. *ديوان امام علي (سروده های منسوب به آن حضرت)*، گردآوري بيهقي كيدري (م. قرن ٦)، تهران، انتشارات اسوه، ١٣٧٥ش.
٤١. *ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى*، طبرى، احمد بن عبدالله (م. ٦٩٤ق.)، القاهرة، مكتبة القدسى، ١٣٥٦ق.
٤٢. *روح المعانى في تفسير القرآن العظيم*، أوسى، سيد محمود (م. ١٢٧٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى.
٤٣. *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*، ابوالفتوح رازى، حسين بن على (م. ٥٥٤ق.)، مشهد، آستان قدس رضوى، ١٤٠٨ق.
٤٤. *روضة الواعظين و بصيرة المتعظين*، فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م. ٥٠٨ق.)، قم، الشريف الرضى، ١٣٧٥ش.

- معرفة حجّ خدا / كتابنامه..... ٢١٩
٤٥. رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين ×، مدني شيرازي، سيدعلي خان بن احمد (م. ١١٢٠ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٥ق.
٤٦. الزهد، كوفي اهوازي، حسين بن سعيد (م. قرن ٣)، قم، المطبعة العلمية، ١٣٩٩ق.
٤٧. السيرة النبوية، ابن هشام، عبدالملك حميري (م. ٨ - ٢١٣ق.)، القاهرة، مكتبة محمدعلي صبيح و اولاده، ١٣٨٣ق.
٤٨. شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، مغربي، قاضي نعمان بن محمد تميمي (م. ٣٦٣ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٤ق.
٤٩. شرح الرضى على الكافية، رضى الدين استرآبادي، محمد بن حسن (م. ٦٨٦ق.)، تهران، مؤسسة الصادق، ١٣٩٥ش.
٥٠. شواهد التنزيل، حاكم حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (م. ٥٠٦ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٤١١ق.
٥١. صحيح مسلم، مسلم نيشابوري، مسلم بن حجاج (م. ٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر.
٥٢. صحيح البخاري، بخاري، محمد بن اسماعيل (م. ٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق.
٥٣. صحيفه سجاديه، الامام علي بن الحسين (م. ٩٤ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٤ق.
٥٤. الصواعق المحرقة في الرد على اهل البدع و الزندقة، هيتمي، احمد بن حجر (م. ٩٧٤ق.)، القاهرة، مكتبة القاهرة، ١٣٨٥ق.
٥٥. عدة الداعي و نجاح الساعي، ابن فهد حلي، احمد بن محمد (م. ٨٤١ق.)، قم، مكتبة وجداني.

- ٢٢٠ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
٥٦. *علل الشرائع*، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق.
٥٧. *الغيبة*، نعماني، محمد بن ابراهيم (م. ٣٦٠ق.)، قم، انتشارات انوارالهدى، ١٤٢٢ق.
٥٨. *الفتن*، ابن حماد، نعيم بن حماد مروزي (م. ٢٢٩ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ق.
٥٩. *قرب الاسناد*، حميري قمي، عبدالله بن جعفر (م. ٣٠٠ق.)، قم، مؤسسة آل البيت ^ لاحياء التراث، ١٤١٣ق.
٦٠. *الكافي*، كليني، محمد بن يعقوب (م. ٣٢٩ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣ش.
٦١. *الكامل في التاريخ*، ابن اثير جزري، علي بن محمد (م. ٦٣٠ق.)، بيروت، دار صادر، ١٣٨٦ق.
٦٢. *كتاب التفسير*، عياشي، محمد بن مسعود (م. ٣٢٠ق.)، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية.
٦٣. *الكشف و البيان في تفسير القرآن (تفسير ثعلبي)*، ثعلبي، احمد بن محمد (م. ٤٢٧ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٢ق.
٦٤. *كمال الدين و تمام النعمة*، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٥ق.
٦٥. *كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال*، متقي هندی، علي (م. ٩٧٥ق.)، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٦٦. *گنج دانش (صد پند)*، صافي گلپايگانی، محمدجواد (م. ١٣٢٧ش.)، قم، انتشارات حضرت معصومه، ١٣٨٠ش.

- معرفت حجّت خدا / کتابنامه..... ۲۲۱
۶۷. *لسان العرب*، ابن منظور، محمد بن مكرم (م. ۷۱۱ق.)، قم، نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
۶۸. *مجمع البحرين*، طريحي، فخرالدين (م. ۱۰۸۵ق.)، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۷۵ش.
۶۹. *مجمع البيان في تفسير القرآن*، طبرسي، فضل بن حسن (م. ۵۴۸ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۱۵ق.
۷۰. *المحاسن*، برقي، احمد بن محمد (م. ۲۷۴ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۷۰ش.
۷۱. *المختصر*، حلي، حسن بن سليمان (م. قرن ۹)، المكتبة الحيدرية، ۱۴۲۴ق.
۷۲. *مدينة معاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر*، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۱۳ق.
۷۳. *مستدرک الوسائل*، محدث نوري، ميرزا حسين (م. ۱۳۲۰ق.)، بيروت، مؤسسة آل البيت<sup>ه</sup> لاحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۷۴. *المسترشد في امامة امير المؤمنين علي بن ابي طالب*، طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن ۵)، مؤسسه فرهنگ اسلامي كوشانپور، ۱۴۱۵ق.
۷۵. *مسند احمد بن حنبل*، احمد بن حنبل، شيباني (م. ۲۴۱ق.)، بيروت، دار صادر.
۷۶. *مشكاة الانوار في غرر الاخبار*، طبرسي، علي بن حسن (م. قرن ۷)، انتشارات دار الحديث، ۱۴۱۸ق.
۷۷. *المصباح*، كفعمي، ابراهيم بن علي (م. ۹۰۵ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۰۳ق.
۷۸. *مصباح الفلاح و مفتاح النجاح*، صافي گلپايگاني، محمدجواد (م. ۱۳۲۷ق.)، تهران، كتابفروشي بوذرجمهري مصطفوي.

- ٢٢٢ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
٧٩. *مصباح المتعجد*، طوسي، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، بيروت، مؤسسة  
فقه الشيعة، ١٤١١ق.
٨٠. *معاني الاخبار*، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر  
اسلامي، ١٣٦١ش.
٨١. *معرفة السنن والآثار*، بيهقي، احمد بن حسين (م. ٤٥٨ق.)، بيروت، دار  
الكتب العلمية.
٨٢. *مفردات الفاظ القرآن*، راغب اصفهاني، حسين بن محمد (م. ٥٠٢ق.)،  
نشر الكتاب، ١٤٠٤ق.
٨٣. *مكارم الاخلاق*، طبرسي، حسن بن فضل (م. ٥٥٤ق.)، الشريف  
الرضي، ١٣٩٢ق.
٨٤. *من لا يحضره الفقيه*، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر  
اسلامي، ١٤٠٤ق.
٨٥. *مناقب آل ابي طالب* ×، ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. ٥٨٨ق.)،  
النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
٨٦. *المناقب*، خوارزمي، موفق بن احمد (م. ٥٦٨ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١١ق.
٨٧. *منتخب الاثر في الامام الثاني عشر* ×، صافي گلپايگاني، لطف الله، قم، دفتر  
تنظيم و نشر آثار حضرت آيت الله العظمى صافي گلپايگاني مدظله العالی، ١٤٣٠ق.
٨٨. *منية المرید في ادب المفيد و المستفيد*، شهيد ثاني، زين الدين بن علي  
عاملي (م. ٩٦٥ق.)، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٩ق.
٨٩. *مهج الدعوات و منهج العبادات*، ابن طاووس، سيد علي بن موسى (م. ٦٦٤ق.)،  
بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤١٤ق.
٩٠. *نفائس العرفان*، صافي گلپايگاني، محمد جواد (م. ١٣٢٧ق.).

معرفة حجّ خدا / كتابنامه.....٢٢٣

٩١. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، حر عاملي، محمد بن حسن (م. ١١٠٤ق.)، قم، مؤسسة آل البيت<sup>١</sup> لاحياء التراث، ١٤١٤ق.

٩٢. ينابيع المودة لذوى القربى، قندوزى، سليمان بن ابراهيم (م. ١٢٩٤ق.)، دار الاسوة، ١٤١٦ق.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به سوی دولت کریمه



## سخنی با منتظران

### بسم الله الرحمن الرحيم

برادر و خواهر عزیز که روز و شب در انتظار ظهور آقا و مولایت و مولای همه، حضرت صاحب الامر مهدی × هستی، به یاد آن زمان و آن عصر الهی اشک شوق می‌ریزی و آرزو می‌کنی در التزام رکاب آن حضرت به درجه رفیع شهادت برسی، در روزهای عید فطر، قربان، غدیر و هر روز جمعه، دعای ندبه<sup>۱</sup> را عاشقانه با آن شور و سوز و گریه و ندبه می‌خوانی و با هر وسیله ممکن، می‌خواهی ارتباط خود را با آن حجت خدا، زنده و زنده‌تر سازی.

درود بر تو و آفرین بر احساسات پاک و تابناک؛

ثَبَّتَكَ اللهُ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ النُّورِيَّةِ الرَّوْحَانِيَّةِ لَقَدْ فُزْتَ فَوْزاً

عَظِيماً؛

خداوند تو را بر این حال نورانی روحانی پابرجا بدارد به یقین به یک

موفقیت بزرگی دست یافتی و رسیدی.

عزیزان منتظر! شما که به حق، رضای امام‌زمان# را فوز اکبر می‌دانید، ویژگی‌هایی که در این نوشتار می‌خوانید برخی از خصوصیات نظام و جامعه‌ای است که شما منتظر آن هستید؛ هرکس در خط ولایت و انتظار قدم برمی‌دارد،

---

۱. دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید شیعه و تأسف بر غیبت حضرت قائم# منقول است که سنت است این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند (یعنی در روز جمعه، روز عید فطر، عید قربان و عید غدیر). مشهدی، المزار، ص ۵۷۳ - ۵۸۴؛ مجلسی، زادالمعاد، ص ۳۰۳.

باید آن ویژگی‌ها را بشناسد و خودش را با توجه به آنها، به طوری که لایق عضویت در آن جامعه جهانی و الهی شود، بسازد؛ باید همه این ویژگی‌ها را دوست داشته و برای تحقق آنها در جامعه، کشور و شهرش تلاش نمایند؛ کسانی که به ارزش‌های ضد آن جامعه جهانی گرایش دارند، باید در وضع خود تجدیدنظر کنند و با گرایش به ارزش‌های اسلامی صداقت خود را در دعوی انتظار، نشان بدهند و با اجرای احکام‌الله و اقامه عدل و قسط و احقاق حقوق و ساده زیستن و حفظ شخصیت اسلامی خود، رضای آن آقای عزیز و موعود انبیا را فراهم نمایند.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، نُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ  
وَأَهْلَهُ»؛<sup>۱</sup>

«خداوندا! ما دولت باکرامتی را از لطف تو مشتاق هستیم که با آن

اسلام و اهلش را عزیز گردانی».

یکی از برنامه‌های مهم رسالت انبیا، خصوصاً رسالت رسول خاتم، سوق دادن جامعه اسلامی به سوی امت واحده و دولت عدل جهانی است که این برنامه در متن دعوت اسلام قرار گرفته و به طور حتم و یقین با ظهور حضرت مهدی# این جامعه و حکومت برقرار می‌شود و دنیا تحت یک نظام و قانون واحد و امت واحده اداره خواهد شد؛ این وعده الهی است که قرآن کریم و احادیث بسیار و متواتر بر آن دلالت و صراحت دارند.

از جمله در آیه ۳۳ سوره توبه و آیه ۹ سوره صف می‌فرماید:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

۱. طوسی، مصباح‌المتجهج، ص ۵۸۱؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۸۱؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، ص ۳۲۱ (دعای افتتاح).

## كُلِّهِ؛

«او (خدا) کسی است که پیامبر خود را به هدایت و دین حقّ فرستاد

تا اینکه دین حقّ را بر هر دین دیگر غالب نماید».

اهل ادب می‌دانند، اگر لام در «لِيُظْهِرَهُ» لام غایت و نهایت باشد، مفاد آیه این است که، این دین حقّ پیش می‌رود تا خدا آن را به نهایت کمال برساند و بر همه ادیان غالب گرداند؛ و اگر لام برای تعلیل باشد، باز هم علت غایی فرستادن پیامبر را که غلبه یافتن دین او بر همه ادیان است، بیان می‌نماید.

و نیز در همین دو سوره وعده می‌دهد: تلاش‌های کفار که می‌خواهند با دهان‌های خود نور خدا را خاموش کنند، نقش بر آب و بی‌نتیجه خواهد شد و خدا نورش را تمام و کامل می‌گرداند.

در سوره انبیاء، نور، قصص، صافات و سوره‌های دیگر قرآن، آیات متضمّن وعده و بشارت به این ظهور و این حکومت الهی بسیار آمده است و در احادیث معتبر که در جوامع حدیث و صحاح و مسانید شیعه و سنی روایت شده، نیز این وعده به‌صراحت داده شده است.

در تأکید بر حتمیت این ظهور و اینکه وقوع آن — هرچند به تأخیر افتد — تخلف‌ناپذیر است، یکی از روایات معروف که اشعار به امتداد بسیار طولانی زمان قبل از ظهور دارد، به این مضمون است:

«اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن‌قدر آن را طولانی و دراز می‌نماید تا امام موعود، ظهور نماید و عالم را پر از قسط و عدل نماید، چنان‌که پر از ظلم و جور شده است».<sup>۱</sup>

---

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۹۹؛ ابوداود سجستانی، سنن، ج ۲، ص ۳۱۰؛ کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین، ج ۲، ص ۱۳۳؛ طوسی، الغیبه، ص ۴۶؛ نگارنده، منتخب‌الاثر، ج ۲، ص ۳۰، ۴۳.

بدیهی است شخص مؤمن به خدا و رسول؛ وقوع این ظهور را استبعاد نمی‌نماید؛ چون خداوند متعال بر هر امری قادر و توانا است، خدایی که این عوالم بزرگ و کوچک و این میلیاردها میلیاردها کهکشانی و منظومه را آفریده و عجایب و نیروهایی که در ذرات این عالم و اتم‌ها خلق کرده است، عقل بشر را به حیرت انداخته و کوچک‌ترین مخلوق او، اندیشه‌های همه کاوشگران را به خود مشغول ساخته است، قادر است مقدمات و تمام اسباب این ظهور را فراهم نماید؛ و نه در صدق پیامبری که وعده‌های بسیارش از غیب و آینده جهان و اشخاص به وقوع پیوسته، شک و تردید می‌نماید؛ چون واضح است زمینه تصدیق پیغمبر| بعد از وقوع این همه خبرهای غیبی قرآن کریم و خود آن حضرت و امیرالمؤمنین علی، برای کسانی که در بسیاری از این وعده‌ها، صدق آن حضرت را تجربه کرده و درک نموده‌اند، به مراتب زیادتیر و وسیع‌تر از آغاز ظهور اسلام و اعلام این وعده‌ها است. با این حال، مسلمانان مؤمن و روشندل که به آن حضرت ایمان آورده بودند، به همه وعده‌های ایشان ایمان محکم داشتند.

توضیحاً اضافه می‌شود، پیغمبر اکرم | از آغاز بعثت و هنگامی که خودش بود و غیر از فرزند نورسته عمویش ابوطالب، علی \* و همسر بیداردل و آگاهش خدیجه ÷ که علناً ایمان و همبستگی خود را به او اعلام می‌کردند، و غیر از ابوطالب که یگانه حامی و پشتیبان و مدافع او بود و ایمان خود را مانند مؤمن آل فرعون کتمان می‌کرد و کمتر به زبان می‌آورد، طرفدار و همراه و یار و یاورى نداشت و همه سران کفار و بت‌پرستان و گردنکشان قریش در برابر او بودند و دعوت او را به مسخره و استهزا می‌گرفتند و نفوذ او را در یک روستا و یک قبیله باور نمی‌کردند، در آن هنگام مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد که بگویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تا مستکبران و ابرقدرت‌های جهان را از مرکب استکبار

به سوی دولت کریمه / سخنی با منتظران..... ۲۳۱

و قدرت پیاده کرده و خلع سلاح نمایید و گنج‌ها و خزاین آنها را انفاق نمایید و ... برای بسیاری - غیر از آن چهار نفر (شخص پیامبر، ابوطالب، علی و خدیجه) - این وعده‌ها از جانب کسی که در شهر و محله خودش، در معرض اذیت و آزار است و قوم و قبیله‌اش با او به شدت به ضدیت برخاسته و هیچ لشکر و سپاه و تجهیزات و امکانات مادی در اختیار ندارد، باورکردنی و به اصطلاح امروز واقع‌بینانه و دوراندیشانه نبود؛ ولی همان مردم دیدند که، زمان به سرعت گذشت و در مدت کوتاه بیست و سه سال عصر رسالت، اسلام مشکلات بسیار بزرگی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت، همه اقوام و قبایل را به دین خدا فراخواند و همه فوج فوج به اسلام گرویدند و عادات ناپسندی که شمشیر و زور هیچ امپراتوری نمی‌توانست تغییر دهد، متروک و فراموش شد.

زن‌ها که در آن جامعه ضدانسانی زنده‌به‌گور می‌شدند، آزاد شدند. ربا و قمار و میگساری و فحشا و آدم‌کشی و راهزنی همه منسوخ شد و جای خود را به اخلاق و روش‌های انسانی داد و از همه مهم‌تر و بالاتر، کیش بت‌پرستی که با خون و جان مردم درآمیخته بود، محو و نابود و همه بت‌ها شکسته و معدوم گردید و دین توحید، آن دل‌های سخت و تیره را نرم و روشن نمود و صدای دلنواز «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» پرده‌های شرک را پاره کرد؛ علاوه بر مکه و مدینه، تمام شبه‌جزیره در قلمرو نظام الهی اسلام قرار گرفت و دعوت آن حضرت | دل‌ها را مسخر نمود و به آینده امیدوار ساخت. پس از آن هم قلمرو نفوذ اسلام آن‌گونه گسترش یافت و اسلام دل‌های مردم هوشمند ایران را که از مظالم نظام استبدادی شاهنشاهی و تبعیضات طبقاتی به ستوه آمده بودند، فتح نمود و هنوز یک قرن نگذشته بود که اسلام از شرق تا دیوار چین و از سوی غرب به دریای آتلانتیک رسید.

۲۳۲..... امامت و مهدویت / ج ۴

با این رویدادها، همه صدق دعوت پیغمبر اعظم| و قوّت دعوت و نفوذ رسالت او را که از پشت پرده‌های ضخیم عادات و تعصّبات و اخلاق زشت به درون قلوب وارد می‌شد و مردم را منقلب و شیفته و دل‌باخته اسلام می‌ساخت، همواره ظاهر می‌شد و مسلمانان با اطمینان به اینکه آتیۀ روشن و تابناکی در پیش دارند، به جلو می‌رفتند و از مهالک و انبوه لشکریان تا دندان مسلح ایران و روم و آن‌همه تشریفات رعب‌آمیز نمی‌هراسیدند.

این وقایع که رسول خدا| از آن خبر داده بود، صدق دعوت آن حضرت را بر همگان آشکار و آشکارتر ساخت و باورها را به نبوّت و رسالت محکم‌تر نمود و همه را در انتظار وقوع این وعده قرآنی - که اسلام بر همه ادیان غالب و حکومت عدل الهی جهانی برقرار خواهد شد - قرار داد، حصول آن‌همه وعده‌ها و وقوع آن‌همه خبرهای غیبی را همه دیدند؛ حصول این وعده را نیز همگان خواهند دید.

ان شاء الله



## امداد غیبی و ویژگی‌های جامعه موعود

برحسب آنچه از آیات و احادیث استفاده می‌شود، این ظهور پس از امتحانات شدید، به مدد الهی همراه با معجزات و خوارق عادات و آیات بزرگ تحقق می‌یابد و ویژگی‌هایی که دارد، اگرچه تمام درضمن تعالیم اسلام بیان شده است و برخی از آن ویژگی‌ها را در عصر رسالت و عصر زمامداری امیرالمؤمنین علی<sup>×</sup> مشاهده می‌کنیم؛ ولی فعلیت تمام آنها در جامعه موعود تحقق خواهد یافت. شناخت این ویژگی‌ها از نظر عقیده و ایمان و معرفت امام<sup>×</sup> دارای اصالت و اهمیت است، تا آنجا که در خبر مشهور بین مسلمین از پیغمبر اکرم<sup>×</sup> روایت می‌شود:

«هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، به مردن جاهلیت

مرده است»<sup>۱</sup>.

و فخر رازی روایت می‌کند از آن حضرت که فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ | :

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَلَيَمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ

نَصْرَانِيًّا»<sup>۲</sup>؛

«هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، بمیرد اگر می‌خواهد

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶ - ۳۷۷؛ ابن بابویه، الامامة و التبصرة، ص ۱۰؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۹؛ صدوق،

کمال‌الدین، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة‌الاثیر، ص ۲۹۶.

۲. فخر رازی، المسائل الخمسون فی اصول‌الدین، ص ۷۱، مسأله ۴۷.

یهودی و اگر می‌خواهد نصرانی».

و از نظر اسلام‌شناسی و شناخت نوع حکومت و چگونگی و اهداف حکومت در اسلام و ولایت حاکم و مسائل مهم دیگر نیز ارزنده و مفید است. و از این نظر که، آن جامعه و آن نظام، جامعه و نظام کامل اسلامی و تمام شرعی است، نظامی الگو و اسوه و معیار و میزان است و جوامع کوچک یا بزرگ، هرچه به آن همانندتر و شباهت بیشتر داشته باشند، مشروعیت بیشتر دارند. شناخت این جامعه برای تعیین جهت و سمتی که جوامع باید به سوی آن داشته باشند، مفید و سودمند است.

و بالاخره از این لحاظ که مؤمنان به آن ظهور و وعده الهی، مشتاقانه در انتظار آن هستند و برای وقوع آن تحول بزرگ جهانی و الهی، چشم به آینده دوخته و در هیچ شرایطی از بهبود اوضاع ناامید نمی‌شوند و در میان طوفان‌ها، شداید و سختی‌ها، قوی‌القلب، باایمان، استوار و محکم، به آینده امیدوار و باقاطعیت به سوی جلو گام برمی‌دارند و بر کوشش و تلاش و اقدام خود می‌افزایند، شایان اهمیت است.

از همه این جهات و نیز ابعاد دیگر، شناخت این جامعه به استقامت فکر و اخلاق و اعمال انسان کمک می‌نماید. ما در این گفتار به این فایده و وظیفه بزرگ نظر و اشارت داریم که چنین جامعه یگانه‌ای را که انبیای گذشته بشارت آن را داده‌اند و آیات قرآن مجید و روایات متواتر، باصراحت به تحقق آن تأکید دارند و آن را اوج کمال اجتماع بشری و نظام عدل کامل الهی معرفی کرده‌اند. هرکس که به آن معتقد است، باید به سوی آن گام بردارد و ویژگی‌های آن را در خود و جامعه متجلی سازد. باید فاصله را با آن کم کرد و با تلاش و مجاهده به آن نزدیک و نزدیک‌تر شد.

از اینکه فاصله ما و جامعه ما با آن جامعه و رهبر عزیز آن زیاد شود که از او دور شویم، باید به شدت پرهیز کنیم.

به سوی دولت کریمه / امداد غیبی و ویژگی‌های جامعه موعود..... ۲۳۵

باید اخلاق و اعمالی را که با عضویت در چنان جامعه‌ای سازگار نیست و صاحب آنها از آن جامعه مطرود است، ترک کنیم و برای قبول شدن در چنان جامعه‌ای خود را بسازیم و تلاش نماییم؛ که این معنای صحیح انتظار است.

اصلاً یکی از فواید بزرگ معرفت پیغمبر و امام و یکی از حکمت‌های گزینش پیغمبر و امام از خود بشر، همین است که آنها اسوه باشند و رفتار و روش و سیره آنها - علاوه بر گفتار و تعلیمات قولی آنان هم - راهنمای زندگی باشد که در قرآن مجید می‌فرماید:

**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛<sup>۱</sup>**

«مسلماناً برای شما در زندگی، رسول خدا سرمشق نیکویی بود».

و هم می‌فرماید:

**(وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبَسُونَ)؛<sup>۲</sup>**

«و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم حتماً وی را به صورت انسانی

درمی‌آوردیم (باز به پندار آنان) کار را بر آنان مشتبه می‌ساختیم همان‌طور

که آنها کار را بر دیگران مشتبه می‌سازند».

بلکه در معرفت خداوند متعال که بالذات کمال انسان است و نهایت همه کمالات است و بالاتر از آن کمالی نیست، همین کیفیت برای شخص خداشناس ارزنده است که با معرفت به اسماء الحسنی و صفات علیای الهی، چنان‌که فرموده‌اند: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»؛<sup>۳</sup> تخلق به این اسما و صفات را وجهه همّت قرار می‌دهد؛ مثلاً چنان‌که خداوند ستار العیوب و غفار الذنوب و حلیم و علیم و بخشنده و مهربان و شکور و محسن و ... است، بنده خداشناس و کمال‌دوست

۱. احزاب، ۲۱.

۲. انعام، ۹.

۳. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۷، ص ۷۲؛ ج ۹، ص ۶۴؛ ج ۱۶، ص ۱۰۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۲۹.

او نیز خود را به این صفات متحلی می‌سازد. معرفت امام وقت و صاحب عصر و ولیّ امر و آن موعود عظیم‌الشأن نیز باید همین اثر را داشته باشد و کیمیایی باشد که مس وجود دوست و منتظران او را به طلای اصل و خالص تبدیل نماید.

باید در شخص عارف به آن حضرت و سیره و اعمال و برنامه‌های آن بزرگوار، عملاً علاقه به آن اخلاق و روش، نمایان باشد که از صمیم جان، مشتاق حضور و عضویت در آن جامعه موعود است.

بنابراین معرفت امام عصر، حضرت مهدی موعود# و شناخت ویژگی‌های ظهور و حکومت و چگونگی اداره و نظامی که در عالم برقرار می‌کند و جامعه‌ای را که به وجود می‌آورد، برای ما که در عصر غیبت و عصر امتحان زندگی می‌کنیم، بسیار سودمند و لازم است. هم راهنما و خط‌دهنده، و هم عامل مهمی در بازسازی از خطا و گناه و اخلاق ناپسند است، و هم مشوق میل و اقبال به کارهای نیک، عدالت، التزام و احترام به نظامات شرعیه است.

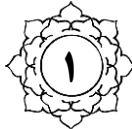
## تذکر لازم

پیش از اینکه به بیان ویژگی‌های جامعه موعود بپردازیم، این تذکر لازم است که ویژگی‌های جامعه جهانی اسلامی، ویژگی‌های نظام و جامعه اسلامی است که باید در جهان برقرار شود و هدف‌های بعثت حضرت خاتم‌الانبیاء است؛ آن جامعه جهانی ادامه تحقق اهداف انقلاب عظیم اسلام است.

آنچه از این ویژگی‌ها، تاکنون تحقق نیافته، یا به‌طور کامل حاصل نشده است، به‌واسطه فقدان شرایط خارجی یا موانع است؛ رسیدن جامعه به آن جامعه جهانی، سیر اسلام و دعوت حضرت رسول خدا است که این رسالت و دعوت، به آن نقطه کمال و فعلیت اهدافی که داشته و دارد، خواهد رسید.

به سوی دولت کریمه / امداد غیبی و ویژگی‌های جامعه موعود.....۲۳۷

وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ



## قوانین حاکم، قوانین و احکام اسلام است

قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که به وسیله وحی اعلام شده و احدی نمی تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی را از آن کم کند که:

«حَلَالٌ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>؛

«حلال محمد تا روز قیامت حلال و حرام او تا روز قیامت حرام است».

باید همگان خصوصاً هیئت حاکمه، در این خط مستقیم، با احساس مسئولیت و تعهد قدم بردارند و هواها و سلیقه های شخصی یا گروهی خود را کنار بگذارند و به راست و چپ منحرف نشوند، چنان که رسول اکرم می فرمایند:

«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ»<sup>۲</sup>؛

«بنده ای مؤمن نخواهد بود تا هوی و خواست او تابع آنچه من

آورده ام باشد».

جلوه های بسیاری از این احساس مسئولیت و خوف از خدا را در ارتباط با زمامداری و اداره اجتماع و حقوق مردم، خصوصاً محرومان و مستضعفان و طبقات به ظاهر پایین اجتماع، را می توان در زندگی رسول خدا و امیرالمؤمنین

۱. صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۶۸؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۴۸.

۲. ابن ابی عاصم، کتاب السنه، ص ۱۲؛ نسوی، الاربعین، ص ۵۱؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۳۳؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۷.

به سوی دولت کریمه / امداد غیبی و ویژگی‌های جامعه موعود..... ۲۳۹

علی، مشاهده کرد که در ادای تکالیف و وظایف خود، ذره‌ای کوتاهی ننموده‌اند؛  
باین‌حال، از مسئولیت زمامداری، به‌شدت نگران بوده و می‌گریستند، و نشان  
دادند که در نظام اسلام، اگر زمامداری، تکلیف و وظیفه نبود، هیچ‌انگیزه‌ای  
صاحبان شرعی این مقام را، به قبول آن بر نمی‌انگیخت.<sup>۱</sup>

در رابطه با زمامداری و مدیریت‌ها در سطوح مختلف، درس‌های بسیار  
آموزنده در سیره پیغمبر و امام‌علی، داریم که متأسفانه به‌خاطر طولانی شدن کلام  
از بیان آنها معذوریم.

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۳ (ج ۱، ص ۳۶)؛ صدوق، علل‌الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۱؛ طبرسی، الاحتجاج،  
ج ۱، ص ۲۸۸.



## حاکم، خلیفه الله و امام زمان است

حاکم و رهبر و پیشوای کلّ نظام موعود جهانی، مانند نظام مدینه در عصر رسول اکرم، و نظام کوفه در عصر امیرالمؤمنین علی ×، نایب خدا و خلیفه الله است، که عادل و معصوم از گناه و خطا و عمل به هوای نفسانی است؛ در پرهیزکاری و رعایت حقّ و عدالت، در تصمیمات، عزل، نصب و تصرف در بیت المال، الگو و نمونه و آینه تمام‌نمای قوانین عدل و قسط اسلام است.

علامه حلّی در کتاب *الالفین*، یک‌هزار دلیل محکم بر عصمت امام ×، اقامه فرموده است که امام و خلیفه خدا و رهبر جامعه، باید به آن متّصف و متحلّی باشد و در این امتّ برای احدی غیر از فاطمه زهرا و ائمه اثنی عشر<sup>۱</sup> - که امامت و خلافت آنها بر حسب صدها حدیث معتبر منصوص است - قابل اثبات نیست.<sup>۱</sup> از جمله آیاتی که بر لزوم صلاحیت علمی، عملی و اخلاقی رهبر آن نظام منصوص - که یگانه نظام مشروع است - بر آن استناد شده است، این آیات است:

**(أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ**

**يُهْدَى)؛<sup>۲</sup>**

«آیا کسی که راه می‌نماید (مردم را) به سوی حقّ، سزاوارتر است که از

۱. ر.ک: علامه حلّی، *الالفین*، ص ۲۱ - ۴۵۴.

۲. یونس، ۳۵.



به سوی دولت کریمه / حاکم، خلیفه‌الله و امام زمان است ..... ۲۴۱

او پیروی کنند، یا کسی که خود راه نمی‌یابد مگر آنکه راهنمایی‌اش کنند».

**(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)؛<sup>۱</sup>**

«آیا یکسان‌اند آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند؟!».

**(وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ**

**إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛<sup>۲</sup>**

«(به یاد آور) زمانی که آزمود ابراهیم را پروردگارش به اموری چند،

پس او به انجام رسانید آنها را، خدا فرمود: البته من قرار دادم تو را برای

مردم پیشوا (در دین). ابراهیم گفت: و از فرزندان من نیز (چنین فرما).

خدا گفت: نرسد عهد من (که امامت است) به ستمکاران».

بدیهی است مقام امامت که اعظم مناصب و خلافة‌الله است، به کسی اعطا

می‌شود که از همه صالح‌تر، عالم‌تر و پاک‌تر باشد و سوابق سوء و انحراف از

حق، در پرونده زندگی‌اش ثبت نشده باشد.

در این نظام، در گزینش برای مقامات پایین نیز همین اصل صلاحیت علمی

و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر معیار است و باوجود اصلح و آلیق

و اعلم، به صالح و لایق و عالم، مقامی اعطا نمی‌شود.

از خیانت‌های بزرگ در دایره این نظام، این است که مقام و منصبی به کسی

اعطا شود درحالی‌که شخص دیگری برای تصدی آن مقام صالح‌تر از او باشد؛

چنان‌که قبول هر مقام و منصب با علم به صلاحیت و کفایت بیشتر دیگری نیز

جایز نیست و در نظام اسلام، هیچ‌کس خود را به‌جای صالح‌تر از خود معرفی

نمی‌کند و نامزد مقامی که صالح‌تر از او برای آن نامزد شده است، نمی‌نماید؛ اگر

۱. زمر، ۹.

۲. بقره، ۱۲۴.

۲۴۲..... امامت و مهدویت / ج ۴

هم به او پیشنهاد کنند، مردم را به اصلاح از خود راهنمایی می‌نماید. این روشی است که در جوامع کنونی غیرمسلمان دنیا اصلاً دیده نمی‌شود و در جوامع اسلامی هم به ندرت مشاهده می‌شود. در پایان مناسب است به سخن جامع و کامل خلیل بن احمد فراهیدی<sup>۱</sup> اشاره کنیم، که از او پرسیدند: دلیل بر امامت علی × بر کلّ امت چیست؟

آن مرد بزرگ این‌گونه پاسخ داد:

**إِفْتِقَارُ الْكُلِّ إِلَيْهِ وَاسْتِعْنَاؤُهُ عَنِ الْكُلِّ يُثَبِّتُ (يُعْطِي) أَنَّهُ إِمَامُ الْكُلِّ**

**فِي الْكُلِّ؛**

محتاج بودن همه به وی (حضرت علی ×) و بی‌نیازی او از همه‌کس،

دلیل آن است که او امام و پیشوای همگان در همه‌چیز است.

---

۱. در مورد خلیل بن احمد مراجعه شود به: صدر، تأسیس الشیعه، ص ۱۵۰-۱۵۴، ۱۷۸-۱۷۹؛ مرزبانی، نورالقبس، ص ۵۶-۵۷ که در آن کتاب، مؤلف در ضمن ترجمه او، کلام ممتاز دیگری از خلیل بن احمد، در بیان برتری امیرالمؤمنین علی × بر سایر اصحاب و تشاکل با یکدیگر و تقدّر امام به خصائص عالی نقل نموده است.



### امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد

امتیازات نژادی و طبقه‌ای و صنفی و القاب و عناوین ظاهری در جامعه اسلامی - که جامعه موعود جهانی و همگانی خواهد بود - ملغی و بی‌اعتبار است؛ در برابر قانون همه باهم برابرند؛ عالم با جاهل، عادل با فاسق، والی و رئیس، و صاحب هر مقام سیاسی با هر شخص عادی و متعارف مساوی هستند؛ مثلاً حکم قتل عمد، قصاص و حکم قتل شبه‌عمد و خطا، دیه است؛ قاتل هرکس که باشد و مقتول هم هرکس باشد، و همچنین حکم خدا در مورد سارق با شرایطی که در فقه بیان شده، قطع دست است و حکم زانی رجم یا جلد است؛ سارق و زانی، هرکس و فرزند هرکس و صاحب هر سابقه و وابسته به هرکس و هر فامیل باشد، حکم هرگز تفاوت نخواهد کرد.

این ویژگی جامعه بزرگ اسلامی را در سیره شخص پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین علی، در جامعه اسلامی مدینه و کوفه ملاحظه کنید، در این دو جامعه، احکام اسلام نسبت به همگان به‌طور مساوی اجرا می‌شد، همان‌طور که در نماز جماعت فقیر در کنار غنی، سیاه در کنار سفید و بنده در کنار مولا یا در صف مقدم قرار می‌گرفت، در اجرای احکام سیاسی و انتظامی نیز به همه به‌طور مساوی نگاه می‌شد، و حتی به مجالست و معاشرت با فقرا بیشتر رغبت نشان می‌دادند و آن را عامل تربیت و توانمندی روح و موجب تقرب به خدا می‌دانستند، و به‌عکس مجالست با

اغنيا، توانگران و مرفهان که نسبت به اسلام و مسلمين و اوضاع اجتماعي بي تفاوت بودند، را موجب دل‌مردگي و سقوط انسان مي‌شمردند.

برحسب قرآن مجيد و تفاسير<sup>۱</sup>، ثروتمندان و سران قریش از حضرت | تقاضا کردند که از فقرا و طبقات پايين اجتماع فاصله بگيرد؛ زيرا حضور آنها را با خودشان خلاف شأن و اعتبار پوچ خود مي‌دانستند، وقتي پيشنهاده دادند که مجلس آنها با مجلس اين به اصطلاح اشراف از هم جدا باشد؛ حضرت نپذيرفت و اين آيه نازل شد:

(وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوِيَهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا)<sup>۲</sup>

«خودت را با آنها که خدا را در بامداد و شامگاه مي‌خوانند و وجه او (قرب رضای او) را مي‌خواهند، شکیبا بدار و چشم‌هايت را از آنها برنگردان درحالی‌که خواستار زينت زندگي دنيا باشی، و اطاعت نکن از کسی که دلش را از يادمان غافل کرده‌ایم (و از لذت ياد خودمان محروم ساخته‌ایم) و پيروي هوای خود کرده و کارش از حد گذشته و در افراط افتاده است».

در احاديث، به اين مضمون رسیده است که روزی شخصی از اغنيا نشسته بود، فقيری وارد شد و در کنار او نشست. مرد ثروتمند خود را جمع کرد - مثل بعضی از اهل رفاه و ثروتمندان زمان ما که از تماس با فقرا و زيردستان و هم‌نشینی و هم‌گامی با آنها پرهيز می‌نمایند و آن را کسر شأن خود می‌دانند - پيامبر| از اين کار او ناخرسند شده، فرمودند:

۱. قمی، تفسير، ج ۲، ص ۳۴ - ۳۵؛ طبری، جامع البيان، ج ۱۵، ص ۱۵۶؛ طبرسی، مجمع البيان، ج ۶، ص ۷۱۷ - ۷۱۸.  
 ۲. كهف، ۲۸.

به سوی دولت کریمه / امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد.....۲۴۵

«ترسیدی از فقر او چیزی به تو برسد یا از مال و ثروت تو به او

چیزی برسد».

مرد ثروتمند از آن موعظه بیدار و هوشیار شد، عرض کرد: به کفّاره این عمل نصف یا تمام مالم را به او بخشیدم.

مرد فقیر نپذیرفت و گفت: می‌ترسم به من، آن وارد شود که بر تو وارد شده بود.<sup>۱</sup> یکی از خصایص و فضایل امیرالمؤمنین علی × این است که خداوند به او دوستی محرومان و فقرا را عطا کرده بود و آنها هم آن حضرت را دوست می‌داشتند.<sup>۲</sup> یکی از نمایش‌های این تساوی، تواضع آن بزرگواران و مظاهر حضور آنها در اجتماع است که هیچ‌گونه تشریفاتی نداشته و مانند فردی عادی بودند.

در سیره رسول اکرم | همه چیز از ساده‌زیستی و زهد و بی‌امتیازی حکایت دارد. در مقابل، زندگی ارباب جاه و مناصب دنیا و کاخ سفید و کرم‌لین و بوگینکهام و الیزه و همه اختصاصات و تشریفات این کاخ‌نشین‌ها و هواپیماهای اختصاصی و خودروهای آن‌چنانی و هزار و یک امتیاز دیگر را در نظر بگیرید و تعجب کنید.

آری! اینان مردان دنیا و انسان‌های بی‌محتوایی هستند که اگر آن تشریفات را نداشته باشند و این جاه و جلال‌های ظاهری را به رخ مردم نکشند، هیچ‌کس برای آنها حسابی باز نمی‌کند؛ اما مردان خدا و رجال الهی نیازی به این ظواهر ندارند؛ عظمت روح آنها مردم را مسخر و تحت نفوذ آنها قرار می‌دهد.

کلام گهربار امیرالمؤمنین علی × در وصف رسول خدا | بسیار آموزنده است؛ از خوانندگان خواهشمند است مکرر آن را بخوانند و در آن تأمل نمایند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۶۲ - ۲۶۳؛ بحرانی، حلیة‌الابرار، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. فرات کوفی، تفسیر، ص ۲۶۵؛ صدوق، الامالی، ص ۶۵۵؛ خزاز قمی، کفایة‌الاثر، ص ۱۸۴.

هرگز اربابان قدرت ظاهری و وابستگان به تشریفات، نمی‌توانند باور کنند که مردی با این ظهور و حضور در صحنه اجتماع بتواند آن انقلاب بی‌مانند فکری، سیاسی و اجتماعی را به این استحکام پایه‌ریزی نماید؛ که امروز پس از هزار و چهارصد سال، راه او همچنان در دنیا زنده و استحکام و استواری‌اش هر روز بیش‌ازپیش، ظاهرتر می‌شود. این اوصافی که امیرالمؤمنین علی<sup>×</sup> بیان می‌نماید، اوصاف فریادگر توحید، و آن آورنده قرآن و آن منادی حق و عدل و حریت؛ یعنی عقل کل و خاتم رسل و شمع سبل حضرت محمد بن عبدالله است.

محمد که ازل تا	به آرایش نام او
ابد هرچه هست	نقش بست
چراغی که انوار	فروغ همه آفرینش
بینش از اوست	از اوست

همان فردی که فلاسفه و انسان‌شناسان جهان، همه در برابر عظمتش، سر تعظیم فرود آورده‌اند و با شبلی شمیل هم‌زبان می‌گویند:

مِنْ دُونِهِ الْأَبْطَالُ فِي كُلِّ الْوَرَى      مِنْ حَاضِرٍ أَوْ غَائِبٍ أَوْ آتٍ

در میان همه خلق، چه حاضر و چه غایب و چه آنکه خواهد آمد از

قهرمانان کسی به پایه او نمی‌رسد.

آری، علی<sup>×</sup> که از پیش از بعثت و در حال بعثت و بعد از بعثت با رسول خدا بود و محرم اسرار و آگاه از پنهان و آشکار او بود، سیره و زندگانی آن حضرت را چنین توصیف می‌نماید:

«فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ... وَلَقَدْ كَانَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَأَلِيهِ - يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ وَيَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَيَخُصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ

به سوی دولت کریمه / امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد.....۲۴۷

**وَيَرْقُعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ...»<sup>۱</sup>**

«تأسی کن به پیغمبر خوشبوتر و پاکیزه‌ترت!» ... بر روی زمین غذا می‌خورد و مانند برده می‌نشست و پارگی کفش خود را به دست خود می‌دوخت و به دست خود جامه‌اش را وصله می‌زد و بر مرکب بی‌پالان سوار می‌شد و دیگری را پشت سر خویش سوار می‌کرد...».

در سیره امیرالمؤمنین علی × نیز، جلوه‌های بسیاری است که همه آموزنده است و یاد می‌دهد که چگونه باید مراقبت داشت از مقام خود، استفاده شخصی - هرچند خود اراده نکرده باشد - نبرد که این مقام و این منصب الهی، باید در راه اطاعت خدا و خدمت به خلق قرار بگیرد.

در یکی از خطبه‌های **نهج البلاغه** است که پس از آن سخنان مشحون از علم و حکمت و معرفت، شخصی که تحت تأثیر آن علم بی‌کران و معارف بی‌پایان علوی قرار گرفت، زبان به مدح و ثنای آن حضرت × گشود و متواضعانه و با تعظیم آن حضرت را مخاطب قرار داد؛ حضرت در بیانات مفصّلی - که فرازها و جمله‌های آن انسان را تکان می‌دهد - به او تذکر داد که با من با این الفاظ سخن نگویند و این چنین مرا مخاطب نسازید، که من و شما، همه بندگان پروردگار و خدایی هستیم که غیر از او خدایی نیست و ...<sup>۲</sup>

داستان آن مردمانی که به استقبال او آمده و برنامه‌ای را به احترام آن حضرت انجام دادند، معروف و در **نهج البلاغه** مذکور است.

حضرت از آنها پرسید: این چه کار و برنامه‌ای است؟ گفتند: روش

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰ (ج ۲، ص ۵۸ - ۵۹)؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۹ - ۱۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶ (ج ۲، ص ۲۰۱)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۵۳.

و برنامه‌ای است که به‌عنوان تعظیم و احترام از امرای خود انجام می‌دهیم، حضرت فرمود:

«وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ وَإِنَّكُمْ لَتَشْفُونَ عَلِيَّ أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَتَشْفُونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ، وَمَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ وَأَرْبِحَ الدَّعَاةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ»<sup>۱</sup>

«سوگند به خدا! حکمرانان شما در این کار سود نمی‌برند و شما خود را در دنیایتان به رنج و در آخرتتان با این کار به بدبختی گرفتار می‌سازید (چون فروتنی برای غیرخدا گناه و مستلزم عذاب است) و چه بسیار زیان دارد رنجی (فروتنی برای غیر خدا) که پی آن کیفر باشد و چه بسیار سود دارد آسودگی (رنج نبردن برای خوش آمدن مخلوق) که همراه آن ایمنی از آتش (دوزخ) باشد».

همچنین حکایت است که، حضرت علی × سواره و در حال حرکت بود، شخصی عرایض و مطالبی را که داشت، به عرض ایشان رسانید، سپس به احترام در رکاب آن حضرت پیاده می‌رفت؛ امام × او را نهی کردند؛ چون برای او ذلت و برای والی و حاکم فتنه است.<sup>۲</sup> بدیهی است که آن حضرت از اینکه تحت‌تأثیر این برنامه‌ها قرار بگیرد و این برنامه‌ها مقام و منصب او را عوض کند، منزّه و مبراً بود.

علی × بود که می‌فرمود:

«وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتُ أَفْلَاجِهَا عَلِيٌّ أَنْ

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۷ (ج ۴، ص ۱۰ - ۱۱)؛ ر.ک: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۷۲.  
 ۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۲ (ج ۴، ص ۷۶ - ۷۷)؛ طبری، تاریخ، ج ۴، ص ۴۵؛ اسکافی، المعیار و الموازنه، ص ۱۹۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۵۵۴، ۶۱۹.



به سوی دولت کریمه / امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای وجود ندارد.....۲۴۹

أَعَصِيَ اللَّهُ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ  
عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا، مَا لِعَلِّي وَلِنَعِيمٍ  
يَفْنَى وَلَذَّةٍ لَا تَبْقَى»<sup>۱</sup>

«سوگند به خدا! اگر هفت اقلیم را با هر آنچه در زیر آسمان‌های آنها  
است، به من بدهند؛ برای اینکه خدا را درباره مورچه‌ای که پوست  
جوی را از آن برابیم، نافرمانی نمایم، نمی‌کنم و به تحقیق دنیای شما  
نزد من پست‌تر و خوارتر است از برگی که در دهان ملخی باشد که آن  
را می‌جود. چه کار است علی را با نعمتی که از دست می‌رود و خوشی  
که برجا نمی‌ماند؟!».

بلکه برای سرمشق به دیگران و به هم نزدیک کردن راعی و رعیت و زمامدار  
و جامعه، این برنامه‌ها را پیاده می‌کردند و این سخنان و تذکرات را می‌دادند؛  
مبادا در جامعه اسلامی کسی را جاه و مقام سست نماید.  
خطری که در اسلام به بزرگان و همه صاحبان مقامات و زیردستان از هجوم  
آن هشدار داده‌اند، که حتی فرموده‌اند:

«لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَّ بِالرِّجَالِ مِنْ خَفَقِ النَّعَالِ مِنْ وَرَاءِ  
ظُهُورِهِمْ»<sup>۲</sup>

«چیزی ضررزننده‌تر به شخصیت‌ها از صدای کفش مردم که پشت  
سرشان می‌روند، نیست».

در این رابطه از حضرت رسول | روایت است که: «كَانَ يَسُوقُ أَصْحَابَهُ»<sup>۳</sup>

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴ (ج ۲، ص ۲۱۸)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۶۱ - ۱۶۲.  
۲. وارم بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۵؛ ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۲۲.  
۳. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۵۶؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۲؛ ابن جوزی، صفة الصفوه، ج ۱،  
ص ۱۵۶؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۵، ص ۳۰۹.

۲۵۰..... امامت و مهدویت / ج ۴

ابن‌اثیر می‌گوید: معنایش این است که حضرت اصحاب خود را جلو می‌انداخت و از روی تواضع و فروتنی، خودش پشت سر آنها می‌رفت و احدی را نمی‌گذارد که پشت سرش راه برود.<sup>۱</sup>

در این موضوع سخن بسیار است؛ اما جهت اینکه سخن از این طولانی‌تر نشود، به همین اندازه اکتفا می‌کنیم. کیست که اندکی مطالعه در تاریخ و سیره پیغمبر و ائمه هدی<sup>ع</sup> داشته باشد و تفصیل بسیار از این حقایق را نداند؟! اینها که گفتیم، از ویژگی‌های جامعه اسلامی است که بشریت به‌طور متعالی در آن جامعه موعود جهانی به آن خواهد رسید.

---

۱. ابن‌اثیر، النهایه، ج ۲، ص ۴۲۳.



## حذف تجمل گرایی

در جامعه جهانی اسلام، تجمل گرایی و افراط در مصرف و خوش گذرانی و تکلف در پذیرایی ها و مهمانی ها و مراسم دیگر و لباس و پوشاک و مرکب و مسکن و ... مطرود است. اموری که در زمان ما، عامل مهم دشواری زندگی و کمبود عواید از هزینه و مخارج است؛ حتی در مراسمی که برای اموات برگزار می شود، نیز رقابت در پذیرایی های کمرشکن رایج شده است، به طوری که مصیبت صاحب عزا دوچندان می شود!

در حالی که هزاران جوان دختر و پسر بی همسر، به واسطه فقر از زندگی زناشویی و تشکیل خانواده، محروم هستند و مفسد اجتماعی گوناگون آن، سعادت و امنیت همه جامعه را تهدید می نماید، ملاحظه می شود که برخی مرفهان در مجلل ترین هتل ها مبالغی را صرف می نمایند که با آن می شود خانواده هایی را از فقر نجات داد. روشن است وقتی در جامعه این گونه امور، افتخار و احترام آفرین باشد، فسادهای بسیار، گریبان گیر آن جامعه می شود.

تحریم، اسراف، تبذیر و تشویق به اقتصاد و میانه روی، و هدایت مردم به استفاده صحیح از مال و سرمایه، که موجب استحکام بنیان اجتماع و بی نیازی از بیگانگان می شود و تعالیم بسیار دیگر، همه در کنترل این گرایش مردم به تجمل پرستی و حفظ اعتدال و میانه روی مؤثر است.

از رسول خدا | روایت است:

«نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ بُرَاءٌ مِنَ التَّكْلِيفِ»<sup>۱</sup>

«ما گروه پیغمبران و اولیا از تکلیف بیزاریم».

در سیره پیغمبر اکرم | درباره ساده‌زیستی و دوری از تجملات، حکایت‌های آموزنده بسیار است که با توجه به آن، کسانی که هزینه تجملات خانه، اتاق و محل کارشان، بسا بالغ بر میلیون‌ها می‌شود و در انواع تنعمات خارج از اندازه و غیرلازم؛ و بلکه لغو با وسایل تفریحی و سرگرمی گران‌بها غرق و غافل زندگی می‌کنند، را نمی‌توان به‌راستی، تربیت‌شده مکتب آن حضرت | شمرد.

پیشوا و پیامبری که هنگام بازگشت از سفر، وارد خانه یگانه فرزند عزیزش - که از بس او را دوست می‌داشت، هر وقت از سفری می‌آمد، اوّل به دیدار او می‌شتافت و در هنگام عزیمت به سفر آخرین کسی بود که با او وداع می‌کرد - شد و به دیدار او رفت، پرده‌هایی که بر در خانه دختر عزیزش آویخته بود، را مشاهده کرد، از خانه بیرون آمد، وقتی فاطمه زهرا - آن پرده‌ها را نزد آن حضرت | می‌فرستند که به اهل صفّه و یا فقرا بدهد، خوشحال و مسرور می‌شود و می‌فرماید: «فِدَاهَا أَبُوهَا»<sup>۲</sup>.

معلوم است چقدر به زندگی دور از تکلیفات و ساده، اهمّیت می‌داده است. او همان بزرگواری است که وقتی با آن‌همه عظمت و شوکت و قدرت، مگّه را فتح می‌کند درحالی‌که آن لشکر مجهز (مشرکان) را - که از جهت تجهیزات و نفرات تا آن زمان شبه‌جزیره به خود ندیده بود - زیر فرمان داشت و همه اشراف مگّه افتخار می‌کردند که از او مانند بزرگ‌ترین ابرقدرت‌ها با تشریفات

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۴.

۲. صدوق، الامالی، ص ۳۰۵؛ فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، ص ۴۴۳ - ۴۴۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۱۲۱. «پدرش فدایش باد».

به سوی دولت کریمه / حذف تجمل‌گرایی..... ۲۵۳

و غذاهای رنگارنگ و سفره‌های گسترده، پذیرایی نمایند؛ در چنین موقعیتی، آن بنده خالص و متواضع خدا، در آن روز بزرگ و تاریخی، به خانه ام‌هانی دختر مکرمه ابوطالب و خواهر امیرالمؤمنین علی × می‌رود - که برحسب بعضی اخبار، همان خانه‌ای است که معراج و عروجش به عالم بالا از آنجا واقع شد - وقتی بر او وارد شد و تقاضایی را که او در مورد پناهندگان به خانه‌اش داشت، پذیرفت و فرمود:

«هَلْ عِنْدَكَ مِنْ طَعَامٍ نَأْكُلُهُ؟»؛

«آیا طعامی داری که از آن بخوریم؟» .

عرض کرد:

«لَيْسَ عِنْدِي إِلَّا كَسْرَةٌ (كَسْرَةٌ) يَا بَسَّةً، وَإِنِّي لَأَسْتَحْيِي أَنْ أَقْدِمَهَا

إِلَيْكَ»؛

«غیر از نان‌پاره‌های خشک ندارم و من حیا می‌کنم که با آنها از شما

پذیرایی کنم».

فرمود:

«هَلْمِي بِهِنَّ»؛

«همان نان‌پاره‌ها را بیاور».

و رسول خدا آن نان‌پاره‌ها را در مقداری آب ترید کرد، ام‌هانی قدری نمک

هم حاضر کرد، سپس فرمود:

«هَلْ مِنْ إِدَامٍ؟»؛

«آیا نان‌خورش است؟».

ام‌هانی عرض کرد: غیر از مقداری سرکه چیزی حاضر نیست، فرمود: بیاور آن

را! سپس آن را بر روی آن نان‌ها ریخت و از آن میل فرمود، پس از آن، حمد

خدای عزوجل را به جا آورد و فرمود:

«نِعْمَ الْإِنْسَانُ الَّذِي يَأْتِيهِ الْخَلْقُ يَا أُمَّ هَانِي! لَا يَفْقُرُ بَيْتٌ فِيهِ خَلٌّ»؛<sup>۱</sup>

«سرکه، خوب نان خورشی است؛ خانه‌ای که در آن سرکه باشد، خالی

از نان خورش نیست».

امیرالمؤمنین علی × نیز همین سیره و روش را داشت؛ در وقتی که خلافت ظاهری هم در اختیار او قرار گرفت، معاش و لباس و برخورداری‌های او از دنیا، همان بود که همه شنیده و خوانده‌اید.

روزی احنف بن قیس نزد معاویه بود، هنگامی که سفره انداختند، در آن، همه رنگ غذا دیده می‌شد که احنف از آنها تعجب کرد، از جمله، یک رنگ غذایی بود که احنف آن را نشناخت، از معاویه پرسید، در جواب گفت: این روده‌های مرغابی است که از مغز آن را پرکرده، و با روغن پسته سرخ شده و شکر بر آن پاشیده‌اند.

احنف به گریه افتاد، معاویه از سبب گریه او پرسید، گفت: به یاد علی × افتادم که روزی در خدمت او مشرف بودم، وقتی هنگام افطار شد، از من خواست که در خدمتش باشم، انبانی سربه‌مهر نزد او آوردند، پرسیدم: در این انبان چیست؟ فرمود: آردی است از سبوس جو. از سربه‌مهر بودن آن پرسیدم، فرمود: می‌ترسم حسن یا حسین آن را به روغن مخلوط نمایند.<sup>۲</sup>

علی × خودش لباس خود را وصله می‌زد، وقتی ابن عباس آن حضرت را در

حال اصلاح کفش خود دید، به ابن عباس فرمود:

«مَا قِيمَةُ هَذَا النَّعْلِ؟»؛

۱. طبرانی، المعجم‌الصغیر، ج ۲، ص ۶۶ - ۶۷؛ هیشمی، مجمع‌الزوائد، ج ۶، ص ۱۷۶؛ صالحی شامی،

سبل‌الهدی و الرشاد، ج ۵، ص ۲۳۵.

۲. بحرانی، حلیة‌الابرار، ج ۲، ص ۲۳۳؛ همو، غایة‌المرام، ج ۷، ص ۱۳ - ۱۴؛ کاشف‌الغطاء، اصل‌الشیعه و

اصولها، ص ۱۹۹.

به سوی دولت کریمه / حذف تجمل‌گرایی..... ۲۵۵

«این کفش چقدر قیمت دارد؟».

عرض کرد:

«لَا قِيمَةَ لَهَا»؛<sup>۱</sup>

«بهایی ندارد».

فرمود:

«وَاللَّهِ لَهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ

بِاطِلًا»؛<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند این کفش بی‌قیمت، از امارت و فرمانروایی بر شما

نزد من بهتر است مگر آنکه حقی را به‌پا دارم یا باطلی را دفع کنم».

یعنی این منصب و مقام وقتی ارزشی دارد که صاحب آن با آن اقامه حق

و دفع باطل نماید؛ در جامعه موعود حضرت ولی عصر# نیز برنامه همین است

و سیره آن حضرت نیز، همین سیره است. در احادیث آمده است:

«مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ، وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشْبُ»؛<sup>۳</sup>

«لباس حضرت قائم# جز جامه خشن (مثل لباس جنگ) و غذای او

جز غذای ناگوار (نان جو ساده و بدون خورش) نیست».

## تذکر و رفع اشتباه

مفهوم این ویژگی‌های جامه اسلامی و سیره پیامبر و ائمه طاهرين<sup>۴</sup> این نیست

که نباید از نعمت‌های الهی و جمال حیات دنیا که جلوه‌های آن بسیار است و

---

۱. من عرض می‌کنم: یا امیرالمؤمنین! قربان خاک راه قنبرت و همه شیعیانت! آن کفش بی‌قیمت بود، به

این معنا که برای آن با جواهرات و اثمان جهان تعیین قیمت ممکن نبود، ای کاش در برابر بذل جان

برای من تشرّف بوسیدن آن میسر می‌شد.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۳ (ج ۱، ص ۸۰).

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۳، ۲۹۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹؛ نگارنده، منتخب‌الانوار، ج ۲، ص ۳۲۹.

۲۵۶ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

بی‌شمار و بر جمال خداوند جمال‌آفرین دلالت دارند، بهره گرفت، یا به کار، فعالیت، سعی، عمل، تولید، زراعت، صنعت و علمی که جامعه به آن نیازمند است، نپرداخت و غرایز و استعدادها را حبس و ضایع و معطل نمود و گوشه‌گیری و کم‌کاری پیشه کرد. این افکار، افکاری است که اسلام با آن به ضدیت برخاسته و با تعالیم آن سازش ندارد.

در قرآن مجید می‌فرماید:

**(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ**

**الرِّزْقِ)؛<sup>۱</sup>**

«بگو ای پیامبر! چه کسی زینت‌های خداوند را که برای بندگانش

آفرید و روزی‌های پاک را حرام کرده است؟!».

و نیز می‌فرماید:

**(يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا)؛<sup>۲</sup>**

«ای رسولان ما! از غذاهای پاکیزه و حلال تناول کنید و عمل صالح

انجام دهید».

همچنین کار و زحمت و انواع مشاغل حلال برای توسعه بر عائله و بی‌نیازی از دیگران و هدف‌های عالی‌تر، مثل رسیدن جامعه مسلمان به خودکفایی و رفع وابستگی اقتصادی به کفار نه تنها ممنوع نیست؛ بلکه از عبادات و طاعات بزرگ است.

خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید:

**(وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)؛<sup>۳</sup>**

---

۱. اعراف، ۳۲.

۲. مؤمنون، ۵۱.

۳. منافقون، ۸.



به سوی دولت کریمه / حذف تجمل‌گرایی..... ۲۵۷

«عزت مخصوص خداوند و پیامبرش و مؤمنین است».

بدیهی است، یکی از موجبات مهم عزت و حفظ شرافت، استقلال اقتصادی و خودکفایی در همه جهات زندگی است؛ چنان‌که از عوامل مهم ذلت، فقر و احتیاج به بیگانه است و باید هر مسلمانی برای مبارزه با این ذلت و حفظ آن عزت، هرچه در امکان دارد تلاش نماید.

حرص، فخر به مال، تجمل‌گرایی و حب دنیا، که سر هر گناه است، غیر از کار و عمل و به تعطیل نکشاندن قوا و استعداد است؛ و به عبارت دیگر، دنیا را برای دنیا، برای تکاثر و استکبار و استعلا به هر شکل و صورت خواستن، مذموم و ضد ارزش‌های والای انسانی است؛ اما دنیاخواهی برای مقاصد صحیح و هدف‌های مشروع، و خودکفایی شخصی و عمومی، ممدوح و پسندیده است.

از زهد، قناعت، توکل، دعا، زیارت و عزاداری سیدالشهدا × و انتظار ظهور و فرج و ثواب بسیاری از دعاها و اعمال نیک و آثار توبه و سایر این‌گونه اصطلاحات و اعمال مذهبی برداشت‌های نادرستی می‌شود؛ و برخی به اصطلاح روشنفکر، آنها را به مذهبی‌ها نسبت می‌دهند، هیچ‌وقت در بین نبوده و سبب ایستایی جامعه و رکون و رکود و غرور نگشته و عرف اجتماع مذهبی همه را در جای خود شناخته است و اگر هم افرادی دیده شوند که این اصطلاحات را به مفهوم واقعی آنها نشناخته باشند، معدودند و روی برداشت آنها نمی‌توان داوری کرد، اینها همه در نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه و مفهوم خاص خود را دارند.

هدف اسلام ساختن انسان الهی است، نه انسان مال و نه انسان مقام و نه انسان ماشین و تکنولوژی و سایر مظاهر مادی؛ هدف انسانی است که همه اینها را به‌طور صحیح و مشروع به خدمت کمال انسانی خود بگیرد که همه مظاهر

زندگی، حتی جنگ او و جبهه الهی داشته باشد؛

«لَتَكُونَ كَلِمَةً اللَّهُ هِيَ الْعُلْيَا وَكَلِمَةً الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى»<sup>۱</sup>.

اما تجمل‌گرایی همان است که هرکس می‌تواند نظایر آن را در خانه‌های شمال بعضی شهرها و تزئینات ظاهر و داخل آنها ببیند.

حاصل سخن این است که، راه‌ها مشخص است و عرف مسلمان معنای لفظ زهد، قناعت، حرص، تکاثر، تجمل، اسراف، تبذیر و موارد دیگر را تشخیص می‌دهد و از مظاهر زندگی و خانه و ماشین و لباس و مهمانی و عزا و عروسی اشخاص، آن را که حاصل تربیت اسلامی و محبوب خدا است، یا به آن شباهت بیشتر دارد، و آن را که به تربیت غیراسلامی و قارون‌مآبی و طاغوت‌گرایی شبیه است، می‌شناسد؛ و کار و عمل و تلاش و تولید و صنعت و اختراع و کسب‌های مشروع را با تکاثرهای قارونی و تشریفات طاغوتی اشتباه نمی‌کند.

البته باید پیرامون تمام این مفاهیم و جنود عقل و جهل و تعلیمات قولی و عملی پیامبر اکرم و ائمه طاهرين<sup>۱</sup> و مواضع آنها در مقامات و مواجهه با جریان‌ها و جوهای مختلف، همیشه تعلیم و تعلم ادامه داشته باشد و مکتب آموختن از آن بزرگواران باز و مفتوح باشد و ما در اینجا از اطاله بحث بیش از این معذوریم.

---

۱. اشاره به آیه ۴۰ سوره توبه. «تا سخن خدا بلندآوازه و سخن کافران پست و پایین باشد».



## امنیت و صلح عمومی

امنیت، صلح واقعی و آرامش از ویژگی‌های دولت آقا امام‌زمان – روحی لتراب مقدمه الفداء – است، خوف‌ها زایل می‌شود و جان و مال و آبروی اشخاص در ضمان امان قرار می‌گیرد و در سراسر جهان امن عمومی حاکم می‌شود و اختناق و استبداد و استکبار و استضعاف – که همه از آثار حکومت‌های غیرالهی است – از جهان ریشه‌کن می‌گردد و حکومت‌های طواغیت به هر شکل و هر عنوان برچیده می‌شود.

از اخبار و روایات استفاده می‌شود که:

به واسطه حضرت ولی عصر<sup>ع</sup> راه‌ها آن قدر امن می‌شود که احدی حتی ضعیف‌ترین مردم از مشرق به مغرب سفر می‌نماید، از احدی به او اذیت و آزار نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

---

۱. قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۴۰؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۳۲.



## شکوفایی وضع اقتصادی

در دولت آن حضرت#، وضع اقتصاد عمومی بهبود کامل یافته، نعمت‌ها فراوان، آب‌ها مهار، زمین‌ها آباد و حاصل‌خیز و معادن ظاهر می‌شود، تا جایی که دیگر فقری که از بیت‌المال چیزی دریافت کند، باقی نماند، و کسی برای دریافت کمک مالی به خزانه عمومی مراجعه ننماید و اگر اتفاقاً کسی نیز مراجعه کرد، به او می‌گویند که هر اندازه نیاز دارد، دریافت کند؛ که او هم پس از دریافت وجه از گرفتن پشیمان می‌شود و در مقام رد آن به خزانه برمی‌آید؛ ولی از او قبول نمی‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. نگارنده، منتخب‌الاثار، ج ۳، ص ۱۳۸-۱۴۶.



## همه خدا را می‌پرستند

از دیگر ویژگی‌های ممتاز آن جامعه جهانی این است که، همگان موحد، و خدا را به یگانگی پرستش می‌نمایند و شریکی برای او قرار نمی‌دهند، او را بی‌شریک، بی‌نظیر، واحد، یگانه و یکتا می‌شناسند.

و هو الفرد اصل	وحده لا شريك له
معرفتش	صفتش
عقل از کُنه ذاتش	شرك را سوی وحدتش
آگه نَه	زَه نَه
شرك نالایق و شريك	هست در وصف کبریا
محال	و جلال
که خوانندش	تعالی الله یکی
خداوندان خداوند	بی‌مثل و مانند
تعالی شأنه عَمَّا	منزّه ذات او از
يَقُولُونَ	چند و از چون
صفتش قل هو الله	بری از ضدّ و ندّ و
احد بس	خویش و از کس

این امتیازی بزرگ و از ویژگی‌های جامعه اسلامی است که در آن عصر عزیز، همه افراد به آن ممتاز و سرفراز می‌باشند، همه حق را می‌پرستند و در پرستش حق کسی و چیزی را شریک او قرار نمی‌دهند و توحید، خالص و منزّه و پاک از هر شائبه شرک حاکم می‌شود.

یکی از جامعه‌شناسان معروف در کتاب خود *تمدن اسلام و عرب* می‌گوید:

«عقیده به توحید، تاج افتخاری است که در میان ادیان، بر سر دین

اسلام قرار دارد».<sup>۱</sup>

هرچند برحسب قرآن مجید، همه انبیا دعوت به توحید داشتند و موحد بوده‌اند؛ اما این جامعه‌شناس نظر به معتقدات جوامع فعلی بشری دارد که از طریق توحید منحرف و گرایش به شرک دارند؛ که اگر دین آنها بر اساس توحید بوده است، در حال حاضر به واسطه وقوع تحریفات، در این ادیان به شرک گراییده و موحد شمرده نمی‌شوند و این اسلام است که دعوتش به توحید، خالص و پاک باقی مانده و پیروانش بر این عقیده ثابت و استوارند و این فقط مسلمان‌ها هستند که بانگ دل‌نواز و روح‌پرور و معراج‌آفرین توحیدشان در هنگام اذان به گوش جهانیان می‌رسد و این قرآن، کتاب آسمانی مسلمان‌ها است که اعلام می‌کند که همه انبیا به توحید دعوت کرده‌اند:

**(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا**

**الطَّاغُوتِ)؛<sup>۲</sup>**

«و به تحقیق در میان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای یکتا را عبادت کنید و از (اطاعت) طاغوت، دوری کنید».

و می‌فرماید:

**(شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا**

**وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا**

**فِيهِ كُتِبَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ)؛<sup>۳</sup>**

۱. لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۳.

۲. نحل، ۳۶.

۳. شوری، ۱۳.

به سوی دولت کریمه / همه خدا را می پرستند..... ۲۶۳

«خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمانان قرار داد، حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش کردیم که دین خدا را برپا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه دعوت می کنی، بسیاری در نظرشان بزرگ می آید».

کلمه توحید، کلمه‌ای است که هیچ کس، بشر را به کلمه‌ای پربارتر و سازنده‌تر از آن نخوانده است؛ کلمه اخلاص، کلمه توحید، کلمه آزادی، کلمه برابری و مساوات، کلمه انسان، کلمه زمین و آسمان و کوه‌ها و دریاها و ستاره‌ها و کهکشان‌ها و عرش و کرسی و همه موجودات و همه کلمات است. کلمه‌ای بود که از آغاز پیامبر|مردم را به آن دعوت فرمود؛ «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»<sup>۱</sup> و تا پایان هرچه فرمود، تفسیر، تبیین و شرح این کلمه بود؛ کلمه همه‌انتهایی است که به اسلام گرویدند و خواهند گروید، کلمه اعلام عقیده به توحید و ایمان به خدای یگانه است.

قرآن مجید در خطاب به اهل کتاب می فرماید:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup>

«بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سوی کلمه‌ای که میان ما و شما مساوی و برابر است؛ یعنی ما و شما و همه را در یک خط و یکسان و مساوی

---

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۱؛ بحرانی، مدینه معجز الأئمة الاثني عشر، ج ۱، ص ۱۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲. «بگوئید: خدایی جز خدای یگانه نیست، تا رستگار شوید».

۲. آل عمران، ۶۴.

قرار می‌دهد و آن این است که: پرستش نکنیم مگر خدا را و چیزی را برای او شریک نگیریم و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرید».

در اینجا چون می‌خواهیم ویژگی‌های جامعه اسلامی را بشناسیم، باید متوجه باشیم که توحید در عبادت و شریک برای خدا قرار ندادن، به این است که خدا را به عبادتی که شرع دستور داده، یا عبادیت و مناسبت آنها را با عبادت، امضا فرموده است، عبادت کنیم و از انجام این عبادات برای غیر خدا و همچنین اعمالی که مشرکان به‌عنوان پرستش و عبادت مشرکانه انجام می‌دادند، اجتناب نماییم؛ چنان‌که باید از برنامه‌های عبادی صوفیه و مدعیان دروغین عرفان که از طریق اهل‌بیت<sup>۱</sup> و کتب حدیث نرسیده، به‌عنوان انجام برنامه و وظیفه و پیروی از سران این طوایف خودداری شود، که این‌همه مرتبه‌ای از شرک است، و خلاصه اقتضای توحید این است که، در تعالیم قرآن و احکام اسلام ذوب شویم و به هیچ‌جا و هیچ‌کس و نقطه‌ای غیر از خدا و پیغمبر و ائمه هدی<sup>۲</sup> توجه نکنیم، و در کار دین و برنامه‌های زندگی فقط به آنها اعتماد نماییم؛ درضمن نباید تعظیم و احترام از شعائر و مشاهد و بیوت و مقامات انبیا و اولیا را - که قرآن و سنت بر جواز و بلکه استحباب بسیار مؤکد، حتی وجوب آن دلالت دارند - با احترام و تعظیم از چیزها و اشخاصی که به خدا استناد ندارند و کتاب و سنت آن را تأیید نمی‌نمایند، اشتباه کرد؛ خانه‌های انبیا و اولیا و اماکن مقدسه، از خانه‌هایی است که باید مورد احترام باشند و در آنجاها خدا یاد شود و تسبیح خدا گفته شود، چنان‌که آیه کریمه بر آن صراحت دارد:

**(فِي بُيُوتٍ اَذْنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا**



به سوی دولت کریمه / همه خدا را می‌پرستند..... ۲۶۵

### بِالْغُدُوِّ وَالْأَصَالِ؛<sup>۱</sup>

«در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده آنجا رفعت یابد و نام خداوند یاد

شود و صبح و شام، تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند».

در روایات، از طریق اهل سنت است که ابوبکر از پیغمبر سؤال کرد: آیا بیت

فاطمه و علی، از این بیوت است؟ فرمود: از فاضل‌ترین آنها است.<sup>۲</sup>

نکته دیگری که در اینجا به آن اشاره می‌کنیم تا اهل انتظار فرج امام عصر# به آن هم توجه داشته باشند، این است که توحید در عبادت مفهوم ابتدایی و شاید مطابقش پرستش نکردن غیر خدا و اخلاص در عبادت حق تعالی است؛ اما به نظر وسیع‌تر، توحید در عبادت و خلوص آن از هر شائبه، فرمان‌بری از خداوند متعال است به گونه‌ای که غیر از خدا و کسانی که اطاعت آنها در طول اطاعت خدا و به امر خدا است، از احدی و مقامی به‌عنوان اینکه خودبه‌خود یا طبق نظامات مختلف مستحق اطاعت است، اطاعت ننماید؛ زیرا این استحقاق بالذات و بنفسه برای خدا ثابت است و برای غیر خدا مثل انبیا و ائمه هدی<sup>۳</sup> و کسانی که از جانب آنها بالخصوص یا به‌طور عام ولایت دارند، نیز از این جهت ثابت است. اطاعت از آنها موضوع اطاعت از خداوند متعال است؛ در نتیجه اطاعت از طاغوتیان و سلاطین و هر حاکمی که مأذون من جانب الله یا مأذون از جانب مأذون من قبل الله نباشد؛ خواه حکومت‌های استبدادی و فردی یا به‌اصطلاح قانونی و نظام اکثریت یا حزبی باشد، هیچ‌یک با توحید در اطاعت سازگار نیست، و اگر نگوییم: همان شرک جلی در عبادت، به مفهوم واضح و مصداق روشن آن است، نوعی شرک خفی است که با خلوص موحدین در توحید منافات دارد و شاید این معنا از این آیه هم استفاده شود:

۱. نور، ۳۶.

۲. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳۲ - ۵۳۴.

**(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا  
الطَّاغُوتَ)؛<sup>۱</sup>**

«و به تحقیق، ما در میان هر امتی رسولی را مبعوث کردیم (تا به خلق

ابلاغ کند) خدا را عبادت کنید و از طاغوت دوری کنید».

زیرا ممکن است گفته شود که چنین استفاده می شود که اجتناب از طاغوت به هر صورت و به هر شکل که اهم آن عبادت و اطاعت او است، مضافاً عبادت خدا است؛ و مثل این آیه نیز ممکن است که به همین معنا دلالت داشته باشد:

**(وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ)؛<sup>۲</sup>**

«امر نشدند مگر اینکه خدا را عبادت کنند درحالی که خالص کنندگان

دین و اطاعت برای خدا باشند».

و از این میان، معنای تفسیری که از آیه شریفه ذیل شده است:

**(فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا**

**يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)؛<sup>۳</sup>**

«پس هرکس به لقای خداوند امیدوار است، باید عمل صالح انجام

دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک قرار ندهد».

ظاهر می شود، که فرموده اند: **(وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ)** یعنی «لَا يُشْرِكْ مَعَ

**عَلِيِّ** × **أَحَدًا فِي الْخِلَافَةِ**،<sup>۴</sup> نه این است که مراد از ربّ در اینجا، امیرالمؤمنین

علی × باشد؛ چون اطلاق آن بر غیر خدا نیز جایز است؛ بلکه مراد از ربّ، همان

ربّ حقیقی و خداوند متعال است؛ ولی چون غیر علی × را با آن حضرت شریک

۱. نحل، ۳۶.

۲. بینه، ۵.

۳. کهف، ۱۱۰.

۴. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۳۵۳؛ بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۶۹۱.

به سوی دولت کریمه / همه خدا را می پرستند..... ۲۶۷  
در امر خلافت و واجب الطاعه دانستن، هیچ گاه در طول اطاعت از خدا و موضوع  
آن قرار نمی گیرد - و اطاعت از غیر خدا است - پس با خلوص توحید  
به خصوص توحید در عبادت منافات دارد.

و مثل این روایت نیز، مسئله اطاعت از رژیم های مختلف غیر مشروع را -  
اگرچه نظام اکثریت باشد - آشکار می سازد.

حبیب سجستانی از امام محمد باقر × روایت کرده که:

خداوند متعال فرموده است:

«لَا عَذْبَنَ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ

مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً»؛<sup>۱</sup>

«هر آینه عذاب می کنم هر رعیت را که در اسلام ملتزم و متدین شود،

به ولایت هر پیشوای جائری که از سوی خدا نیست؛ اگرچه آن رعیت

در کارهای خود نیکوکار و پرهیزکار باشد».

خلاصه از آنچه بیان شد، معلوم می شود که در حکومت حقّه امام عصر # و آن

جامعه موعود، اهداف زیر تحقق خواهد یافت:

اولاً: در سراسر جهان خدا پرستش می شود و از شرک اثری باقی نمی ماند.

ثانیاً: اطاعت مختص به خدا، و نظام الهی اسلامی و ولایت منصوصه حضرت

ولی عصر # می گردد و این بساطهای مشرکانه رژیم های گوناگون که همه از

مصادیق آیه ذیل می باشند، برچیده می شود:

(إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ

سُنْطَانٍ)؛<sup>۲</sup>

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۳۱؛ طوسی، الامالی، ص ۶۳۴.

۲. نجم، ۲۳.

«آنها (لات، عزّی و منات) جز اسم‌هایی که شما و پدرانتان بر بت‌ها

نامیده‌اید، نیستند و خداوند هیچ دلیلی بر معبود بودن آنها نازل نفرموده است».

بنابراین از آیه فوق استفاده می‌شود که، دین و اطاعت، برای خدا خالص می‌گردد و توحید در ولایت و حکومت و سلطنت و مالکیت، همه تحقق می‌یابد و عالم، عالم ظهور اسماء الحُسنی؛ مانند «هو الولی» و «هو الحاکم» و «هو السلطان» و «هو المالک» می‌گردد و ایمان همگانی به معنای «له الحکم» و «له الأمر» و «له السلطان» ظاهر می‌شود؛ البته همه اینها معانی و اموری است که مؤمن به آن ظهور، باید تلاش کند که خودش را مناسب با آنها و با الهام از آنها بسازد و در حدّ ممکن، در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، آن را پیاده نماید.



## قسط و عدل جهانی

بارزترین ویژگی‌های آن جامعه موعود و دولت کریمه، گسترش جهانی قسط و عدل است که در بیش از یک‌صد خبر با تعبیر مختلف به آن تصریح شده است. از جمله در بعض روایات با این تعبیر:

«يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِنْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۱</sup>

«خداوند زمین را با عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که با جور و ستم و

بیداد پرشده باشد».

در بعضی با این تعبیر:

«يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِنْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۲</sup>

«خدا به وسیله او زمین را پر از عدل و داد کند همان‌گونه که با ظلم و

بیداد پرشده باشد».

و در روایاتی نیز به این تعبیر رسیده است:

«بَعْدَ مَا مُلِنْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۳</sup>

«بعد از آنکه با جور و ظلم پر شده باشد».

---

۱. مغربی، شرح‌الخبار، ج ۳، ص ۳۹۱؛ صدوق، کمال‌الدین، ص ۲۸۰، ۳۸۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۹.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ص ۲۸۸، ۴۲۶؛ فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، ص ۲۵۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۲۶.

۳. قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۱، ص ۲۴۱.

و در بعضی دیگر به تقدیم ظلم بر جور.<sup>۱</sup>  
این الفاظ مشهور و معروف است و علما و محدثان شیعه و سنی در ضمن کتب، احادیث بسیار روایت کرده‌اند و یکی از احادیث که مانند دیگر احادیثی که به آن اشاره شد، مشهور نیست؛ اما جالب و شایان توجه، این عبارت است:

«يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَعَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَعِلْمًا بَعْدَ

جَهْلِهَا»؛<sup>۲</sup>

«خدا زمین را به وسیله حضرت مهدی# پر از نور و روشنایی می‌کند بعد از تاریکی و ظلمت آن، و پر از عدل می‌کند بعد از جور و ستم، و پر از علم و دانایی می‌کند بعد از جهل و نادانی».

البته روشن است که مقصود از تاریکی و ظلمتی که در این حدیث، به آن اشاره شده است، تاریکی ظاهری که در اثر غروب آفتاب یا خاموشی‌های برق پیدا می‌شود، نیست؛ بلکه مقصود تاریکی‌هایی است که در آن روزگار در اثر دوری از معارف حقّه و نداشتن بینش صحیح و گم کردن راه ارتباط با خدا، جامعه به آن مبتلا می‌شود.

چنان‌که مقصود از نور هم نور حسی نیست؛ بلکه نور معرفت خدا و پیغمبر و امام و درک حقایق و نور عقل و فطرت و وجدان است. و همچنین مراد از جهل، جهل به علوم متعارفه و مبادی تمدن مادی و تکنولوژی نیست؛ بلکه مراد همین جهلی است که امروز بر دنیای علم و صنعت مستولی شده و روزبه‌روز رو به افزایش است.

۱. صدوق، الخصال، ص ۳۹۶؛ همو، معانی الاخبار، ص ۱۲۴؛ نعمانی، الغیبه، ص ۶۹؛ طوسی، الغیبه،

ص ۴۶؛ ابن طاووس، الطرائف، ص ۱۷۷.

۲. صدوق، کمال‌الدین، ص ۲۶۰؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۱۸۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳؛

نگارنده، منتخب‌الآثر، ج ۱، ص ۱۵۸.

به سوی دولت کریمه / قسط و عدل جهانی..... ۲۷۱

و مراد از علوم، علوم حقیقی و دانایی‌ها و دانش‌هایی است که به انسان کمال می‌بخشد و او را از ظاهر این عالم به باطن آن می‌رساند و سبب خوف و خشیت از خداوند متعال می‌گردد.

همانا واقعیت امر این است که، از میان بندگان خداوند، تنها اهل علم و معرفت، او را عبادت می‌کنند، چنان‌که در قرآن مجید می‌فرماید:

**(إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ)؛<sup>۱</sup>**

«از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند.»

عدل و قسط از اموری است که همه افراد بشر به برقرار نمودن آن اظهار علاقه و میل می‌نمایند و بالفطره می‌خواهند همگان عادل باشند و به حکم وجدان خود نمی‌توانند حسن عدل و فضل شخص عادل را انکار کنند و اگر به زبان هم انکار کنند، در پیشگاه وجدان به فضیلت آن اعتراف دارند.

هدف از فرستادن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی و قوانین و موازین محکم الهی برپایی امور مردم به قسط است، برحسب این آیه شریفه:

**(لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ**

**لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)؛<sup>۲</sup>**

«ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب

(آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم

تا مردم قیام به عدالت کنند.»

عدل و قسط؛ خواه آنها را مانند دو کلمه مترادف دارای مفهوم واحد بدانیم چنان‌که بعضی از مفسرین و اهل لغت گفته‌اند و قسط را - مخصوصاً در مواردی که به تنهایی استعمال شده است - به عدل معنا کرده‌اند، چنان‌که ظاهر آن هم

۱. فاطر، ۲۸.

۲. حدید، ۲۵.

همین معنا است؛ و خواه برای آنها - خصوصاً در مواردی که باهم در کلامی آورده شده باشند - معنای مشابه و مرتبط به هم در نظر بگیریم؛ هم شامل اعتدال و تناسب در سهام و حقوق و نظامات مالی و اقتصادی و اجتماعی است، و هم شامل عمل به این حقوق و مقررات و تخطی نکردن از آنها، و هم شامل حکم به این نظامات است؛ بنابراین، حاکم عادل آن کسی است که نظاماتی را اجرا می‌نماید که بر اساس قسط و اعتدال و تناسب مقرر شده باشد.

اما اگر قانون، ضعیف و ناقص تدوین شده باشد؛ مثل قوانین بشری، به کسی که آن قانون را اجرا می‌نماید، عادل اطلاق نمی‌شود. عدل حاکم بدون عدل قانون مفهومی پیدا نخواهد کرد، همان‌طوری که عدل قانون نیز بدون عدل مجری مثمر ثمر نخواهد شد.

انزال کتاب و میزان در آیه شریفه، اشاره به قوانین کافی و جامعی است که بر انبیا نازل شده و در هر جهت حقوق و مقرراتی که بیان نموده‌اند، بر اساس قسط است.

در دین اسلام چنان نیست که کسی بتواند بگوید: جایی که دل راضی است، قسط ناخشنود است - هرچند قسط را به معنای تعادل در نصیب و سهم بگیریم - زیرا قوانین اسلام که به عقیده هر مسلمانی کامل و جهانی است، عدل در سهام و حقوق را رعایت کرده است، هرچند در بعضی موارد نکته آن بر ما یا عده‌ای معلوم نباشد؛ بنابراین هر حاکمی که احکام اسلام را اجرا نماید و هرکسی حکم برطبق موازین اسلامی بدهد، حکمش به عدل است، هم از این جهت که، برطبق آن موازینی حکم کرده که مطابق با قسط و عدل بوده؛ و هم از این جهت که خودش در این حکم از قانون خدا منحرف نشده است.

و خلاصه کلام این است که، عدل و قسطی که حضرت ولی عصر، صاحب‌الزمان# جهان را از آن پر می‌نمایند، معلول اجرای کامل احکام اسلام است که یگانه راه رسیدن به عدالت اجتماعی صحیح است و با اجرای آن، این مظاهر زرق و برق و بی‌کنترل مترفین و مرفهین از میان می‌رود و خصوصاً امکانات



۲۷۳..... به سوی دولت کریمه / قسط و عدل جهانی

دولتی بیت‌المال همه در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد.

## به امید آن روز، آن عصر و آن دولت کریمه

در اینجا به‌علت طولانی شدن مقاله، از بیان سایر ویژگی‌های دولت کریمه و جامعه موعود معذوریم، می‌توانید با مراجعه به کتاب *منتخب الاثر* - تألیف حقیر - بخش‌های دیگر از این ویژگی‌ها را بررسی فرمایید؛ اگرچه در آنجا هم موفق به استقصای همه ویژگی‌ها نشده‌ایم.

در پایان به عرض می‌رسانم، یکی از علل مهمی که موجب به وجود آمدن آن جامعه سالم است، تکامل عقول و رشد فکری مردم است که با توجه به این ویژگی، بسیاری از کمبودها و نواقصی که در اجتماعات کنونی است، مرتفع می‌شود. تنگ‌نظری‌ها و زور و زراندوزی در چنان جامعه وجهه همت همه یا بیشتر افراد نیست، زندگانی آنها درعین‌حالی که انواع تنعمات در اختیار افراد است، زندگی عقلانی و روحانی و انسانی است، همان اهداف و فضایی که امروز هم باید شیعیان آن حضرت و منتظران آن دولت به آن آراسته باشند؛ و اگر این دعا را می‌خوانند:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ،

وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ»؛<sup>۱</sup>

«خداوندا از تو خواستاریم دولتی باکرامت که به‌وسیله آن اسلام

---

۱. طوسی، مصباح‌المتجهد، ص ۵۸۱؛ کفعمی، المصباح، ص ۵۸۱؛ محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، ص ۳۲۱ (دعای افتتاح).

به سوی دولت کریمه / به امید آن روز، آن عصر و آن دولت کریمه.....۲۷۵

و مسلمین را عزّت بخشی و نفاق و منافقین را منکوب سازی و ما را در آن دولت از زمره خوانندگان مردم به سوی اطاعت خود قرار دهی».

عملاً رغبت خود را به برقراری آن دولت و علاقه‌مندی خود را به عزّت اسلام و ذلّت کفر و نفاق با حضور در صحنه‌های خدمت به اعتلای کلمه اسلام نشان دهند و دعوت به راه خدا و دین خدا را قولاً و عملاً وجهه همّت قرار دهند و طوری خود را بسازند و به قوت ایمان و صبر و ایثار و جهاد و تلاش بیارایند که از بوته هر امتحان، بی‌غل و غش بیرون آیند تا از آنها باشند که مورد این بشارت بزرگ پیامبر| هستند.

«أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُعَاةَ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا

وَجَهْرًا»؛<sup>۱</sup>

«آنها به حق مردان باخلاص و شیعیان راستین ما و دعوت‌کنندگان به

دین خدا در پنهان و آشکار هستند».

و هم این بشارت‌ها شامل حالشان باشد:

«طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ.

أُولَئِكَ مَنْ وَصَفَهُمْ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ: (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) <sup>۲</sup>...

(أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) <sup>۳</sup>؛<sup>۴</sup>

«خوشا به حال صبرکنندگان در دوران غیبت آن حضرت و خوشا به

حال کسانی که بر راه و طریقه آنها تقوا و پرهیز پیشه کنند. آنها کسانی

---

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۲۰؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۰؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. بقره، ۳.

۳. مجادله، ۲۲.

۴. خزاز قمی، کفایة‌الاثر، ص ۶۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

هستند که خداوند در کتاب خود، آنان را این گونه توصیف کرده و گفته است: کسانی که به غیب ایمان می‌ورزند ... آنان حزب و گروه خدایند، همان که حزب خدا همانا رستگارانند».

**وَعَجِّلِ اللَّهُ فِي ظُهُورِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنَا مِنْ  
أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ. وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛**

بارخدایا در ظهور آقایمان صاحب زمان تعجیل بفرما و ما را از یاران و مددکاران آن بزرگوار قرار بده و آخرین خواسته و گفته ما حمد و شکر خدا است که پروردگار عالم‌ها است.

ربیع‌المولود ۱۴۱۲

لطف‌الله صافی، قم

## كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغة، الامام على بن ابي طالب ×، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٣. الاحتجاج، طبرسى، احمد بن على (م. ٥٦٠ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان، ١٣٨٦ق.
٤. الاربعين، نسوى، حسن بن سفيان (م. ٣٠٣ق.)، الكويت، دار البشائر الاسلامية، ١٤١٤ق.
٥. اصل الشيعة و اصولها، كاشف الغطاء، محمد حسين (م. ١٣٧٣ق.)، مؤسسة الامام على ×، ١٤١٥ق.
٦. إعلام الورى بأعلام الهدى، طبرسى، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق.)، قم، مؤسسة آل البيت ^ لاهياء التراث، ١٤١٧ق.
٧. الالفين فى امامة امير المؤمنين على بن ابي طالب ×، علامه حلى، حسن بن يوسف (م. ٧٢٦ق.)، كويت، مكتبة الالفين، ١٤٠٥ق.
٨. الامالى، صدوق، محمد بن على (م. ٣٨١ق.)، قم، مؤسسة البعثة، ١٤١٧ق.
٩. الامالى، طوسى، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، قم، دار الثقافة، ١٤١٤ق.
١٠. الامامة و التبصرة من الحيرة، ابن بابويه، على بن حسين (م. ٣٢٩ق.)، قم، مدرسه امام مهدي #، ١٤٠٤ق.

- ٢٧٨ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
١١. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار<sup>١</sup>، مجلسي، محمدباقر (م. ١١١١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
١٢. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد، صفار، محمد بن حسن (م. ٢٩٠ق.)، تهران، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٤ق.
١٣. تاريخ بغداد، خطيب بغدادي، احمد بن علي (م. ٤٦٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٧ق.
١٤. تاريخ الامم والملوك، طبري، محمد بن جرير (م. ٣١٠ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٣ق.
١٥. تفسير فرات الكوفي، فرات كوفي، فرات بن ابراهيم (م. ٣٠٧ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٤١٠ق.
١٦. تفسير القمي، قمي، علي بن ابراهيم (م. ٣٠٧ق.)، قم، دار الكتاب، ١٤٠٤ق.
١٧. التفسير الكبير، فخر رازي، محمد بن عمر (م. ٦٠٦ق.)، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤١٣ق.
١٨. تمدن اسلام و عرب، لوبون، گوستاو (م. ١٩٣١م.)، ترجمه سيدمحمدتقي فخر داعي گيلاني، تهران، بنگاه مطبوعاتي علي اكبر علمي، ١٣٣٤ش.
١٩. تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، ورام بن ابي فراس، مسعود بن ورام (م. ٦٠٥ق.)، قم، مكتبة الفقيه، ١٤١٠ق.
٢٠. الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبي)، قرطبي، محمد بن احمد (م. ٦٧١ق.)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٦٤ش.
٢١. جامع البيان في تفسير القرآن، طبري، محمد بن جرير (م. ٣١٠ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٢٢. حلية الابرار، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ١١٠٧ق.)، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١٤ق.

- به سوى دولت كريمه / كتابنامه..... ٢٧٩
٢٣. *الخصال*، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٣ق.
٢٤. *روضه الواعظين و بصيرة المتعظين*، فتال نيشابوري، محمد بن حسن (م. ٥٠٨ق.)، قم، الشريف الرضي، ١٣٧٥ش.
٢٥. *زاد المعاد*، مجلسي، محمدباقر (م. ١١١١ق.)، مؤسسة الاعلمي، ١٤٢٣ق.
٢٦. *سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد*، صالحى شامى، محمد بن يوسف (م. ٩٤٢ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.
٢٧. *سنن ابي داود*، ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (م. ٢٧٥ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق.
٢٨. *شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار*، مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمي (م. ٣٦٣ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٤ق.
٢٩. *شواهد التنزيل*، حاكم حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (م. ٥٠٦ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٤١١ق.
٣٠. *صفة الصفوة*، ابن جوزى، عبدالرحمن بن علي (م. ٥٩٧ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٣٩٩ق.
٣١. *الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف*، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى (م. ٦٦٤ق.)، قم، مطبعة النخيام، ١٣٩٩ق.
٣٢. *علل الشرائع*، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق.
٣٣. *غاية المرام و حجة الخصام*، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ١١٠٧ق.).
٣٤. *الغيبية*، طوسى، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١١ق.
٣٥. *الغيبية*، نعماني، محمد بن ابراهيم (م. ٣٦٠ق.)، قم، انتشارات انوار الهدى، ١٤٢٢ق.

- ٢٨٠ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
٣٦. *فيض القدير شرح الجامع الصغير من احاديث البشير النذير*، مناوى، محمد بن على (م. ١٠٣١ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥ق.
٣٧. *الكافي*، كليني، محمد بن يعقوب (م. ٣٢٩ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣ش.
٣٨. *كتاب السنة*، ابن ابي عاصم، احمد بن عمرو (م. ٢٨٧ق.)، بيروت، المكتب الاسلامي، ١٤١٣ق.
٣٩. *كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر*، خزاز قمي، على بن محمد (م. ٤٠٠ق.)، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.
٤٠. *كمال الدين و تمام النعمة*، صدوق، محمد بن على (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٥ق.
٤١. *مجمع البيان في تفسير القرآن*، طبرسي، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق.)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٤٢. *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، هيثمي، على بن ابي بكر (م. ٨٠٧ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
٤٣. *مدينة معاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر*، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ١١٠٧ق.)، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ١٤١٣ق.
٤٤. *المزار الكبير*، مشهدي، محمد بن جعفر (م. ٦١٠ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٩ق.
٤٥. *المسائل الخمسون في اصول الدين*، فخر رازي، محمد بن عمر (م. ٦٠٦ق.)، القاهرة، مكتبة الثقافية، ١٩٨٩م.
٤٦. *مسند احمد بن حنبل*، احمد بن حنبل، شيباني (م. ٢٤١ق.)، بيروت، دار صادر.
٤٧. *المصباح*، كفعمي، ابراهيم بن على (م. ٩٠٥ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٣ق.



- ٢٨١ ..... به سوى دولت كريمه / كتابنامه.....
٤٨. **مصباح المتعجد**، طوسی، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، بيروت، مؤسسة  
فقه الشيعة، ١٤١١ق.
٤٩. **معاني الاخبار**، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٣٦١ش.
٥٠. **المعجم الصغير**، طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، بيروت، دار  
الكتب العلمية.
٥١. **المعجم الكبير**، طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، بيروت، دار احياء  
التراث العربي، ١٤٠٤ق.
٥٢. **المعيار و الموازنة في فضائل الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب**،  
اسكافي، محمد بن عبدالله (م. ٢٤٠ق.)، ١٤٠٢ق.
٥٣. **مفاتيح الجنان**، محدث قمی، عباس (م. ١٣٥٩ق.)، قم، انتشارات آيين  
دانش، ١٣٨٦ش.
٥٤. **مكارم الاخلاق**، طبرسي، حسن بن فضل (م. ٥٥٤ق.)، الشريف  
الرضي، ١٣٩٢ق.
٥٥. **مناقب آل ابي طالب**، ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. ٥٨٨ق.)، النجف  
الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
٥٦. **مناقب الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب**، كوفي، محمد بن سليمان  
(م. قرن ٣)، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١٢ق.
٥٧. **منتخب الاثر في الامام الثاني عشر**، صافي گلپايگانی، لطف الله، قم، دفتر  
تنظيم و نشر آثار حضرت آيت الله العظمى صافي گلپايگانی مدظله العالی، ١٤٣٠ق.
٥٨. **میزان الحكمة**، ري شهري، محمد، قم، انتشارات دار الحديث، ١٣٧٥ش.
٥٩. **النهاية في غريب الحديث و الاثر**، ابن اثير، مبارك بن محمد (م. ٦٠٦ق.)،  
قم، انتشارات اسماعيليان، ١٣٦٤ش.

٢٨٢ ..... امامت و مهدويت / ج ٤

٦٠. نور القبس (المختصر من المقتبس في اخبار النحاة و الادباء و الشعراء و

العلماء)، مرزبانى، محمد بن عمران (م. ٣٨٤ق.)، قيسبادن، فرانتس شتاينر، ١٣٨٤ق.

٦١. ينابيع المودة لذوى القربى، قندوزى، سليمان بن ابراهيم (م. ١٢٩٤ق.)،

دار الاسوة، ١٤١٦ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سام های مهدوی



مجموعه پیام های

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف

به همایش ها و مراکز منسوب

به حضرت بقیة الله الاعظم ×





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ وَالْحَمْدُ  
لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِوَلَايَةِ مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَقِظِ وَالْعَدْلِ الْمُسْتَهْرَبِ  
وَالْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ؛

خلف انبیای مرسلین، شرف اولیای صالحین مقصود از:

(فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)<sup>۱</sup>

مصدق:

(وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ)<sup>۲</sup>

هادی کل، مهدی	شمع سُبُل، خسرو
گردون سریر	آفاق گیر
تازه ترین سرو	زبده ترین گوهر
ریاض وجود	دریای جود
مهر از آن روی	نور رخس رونق مه
خود آراسته	کاسته

و صلوات زاکیات و تحیات نامیات بر ارواح طیبه انبیا و اولیا خصوصاً  
خواجه ممکنات و مفخر مخلوقات حضرت محمد مصطفی و آل و عترت  
طاهرین و امامان دین که همگان جهانیان را به ظهور موفورالسُرور حضرت

۱. ملک، ۳۰. «اگر آب در زمین فرو رود [و ناپدید گردد] چه کسی برای شما آب روان می آورد؟».

۲. یس، ۱۲. «و همه چیز را در کتابی روشنگر برشمرده ایم».

مهدی\* و آن عصر عدالت جهانی و دوران نورانی و آن روز الهی نوید و بشارت داده‌اند.

ز ما بر اولین	درود بی‌شمار
فیض الهی	بی‌تنهای
سراج حقیق	نبی مصطفی نور
ابوالقاسم محمد	مؤید
تحيات فزون از حد	بر آل طاهرین‌اش
احصا	نیاز از ما
همه بنیان‌کن نخل	همه روشن‌کن شمع
غوايقت	زعامت
نگه‌دارنده ارکان	خصوصاً واقف اسرار
ناسوت	لاهورت
شدش اندر کتاب	امیرالمؤمنین
خود ثناخوان	حیدر که یزدان
نگه‌دارنده بالا و	دیگر ختم ملوک
پستی	ملک هستی
ولی عصر، سلطان	سپهر دین و دانش،
جهانبان	قطب امکان

برای این حقیر، بسیار مسرت‌انگیز و افتخارآمیز است که در این ایام‌الله نیمه شعبان، خجسته‌روز الهی، روز موعود و میلاد سراسر بهجت و سرور، بهترین تبریکات را نثار مقدم شیعیان و منتظران ظهور آن حضرت نموده و خاک پای همگان را توتیای چشم خود سازم.

نیمه شعبان روز امید انسان‌ها، روز منتظران عدالت جهانی و صلح و دوستی همگانی است.

بار دیگر نیمه	مژده که اندر تن
شعبان رسید	ما جان رسید
باد صبا زد به	نیمه شعبان شد و
گلستان بساط	روز نشاط
رحمت حق، گوهر	از صدف غیب به

خود را نمود	مُلک شهود
روشن از آن آنچه	وه چه شبی جلوه
به بالا و پست	روز اَلسَّت
این شب فیروز همه	هر شب اگر صبح به
نور زاد	دستور زاد
زد به جهان خسرو	نازده این خسرو
عالم قدم	گردون عَلم

فروزان شبی که از صبح وصال نکورویان، سبقت ربوده و درخشان روزی که چون عارض خوبان، رنگ غم از آینه دل‌ها زدوده.

گل به گلستان شکفت	شد سپری شام غم، روز
سبزه به بستان رسید	فَرَج شد پدید
یوسف مصر بقا باز به	مژده که یعقوب دهر،
کنعان رسید	زندگی از سر گرفت

جهان را از حلول این عید سعید زیب و زینتی است تازه و فرشتگان و شیعیان را فرح و سرور بی‌اندازه.

جهان پیر کهن،	رسید عید و ز دل
جوانی از سر گرفت	غبار غم برگرفت
زمین کران تا کران	فرح زمان تا زمان
رونق دیگر گرفت	گره ز دل‌ها گشود
یگانه نور خدا امیر	چه عید عیدی که شد
گیتی‌مدار	به صبح آن آشکار
شهنشه دین‌پناه،	غرض ز فصل‌الخطاب،
امیر پروردگار	معنی ام‌الکتاب

امید به کرم و لطف خداوند متعال آنکه در این ایام خجسته و فرخنده، همگان با تجدید عهد و میثاق با آستان فرشته‌دربان آن ولی یگانه دوران و امان جهان و صاحب زمان، تعهدات دینی خود را در انجام فرایض، ادای واجبات، ترک محرّمات، تعظیم شعایر، حفظ هویت اسلامی و مقاومت در برابر هجوم بی‌دینان و غرب‌گرایی تازه نموده و با ثبات و استقامت در راه کسب رضای آن حضرت،

۲۸۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

قدم برداشته و از امتحاناتی که پیش آمده و پیش می‌آید سربلند بیرون آییم.

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ این پیام، مضبوط نیست.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ»<sup>۱</sup>.

### شوق دیدار

هر سال با اقبال نیمه شعبان، دل‌های شیعیان و چشم‌به‌راهان ظهور موفورالسُرور حضرت صاحب‌الامر، مولانا المهدي - ارواح العالمین له الفداء - از شور و شوق ولایت و اشتیاق شرف حضور و برقراری حکومت جهانی اسلامی و نجات مستضعفان، لبریز می‌شود، و با برپایی مراسمی این علاقه را اظهار و پیوند قلبی و میثاق ایمانی و تعهد خود را در عمل به وظایف و مسئولیت‌های خطیری که در عصر غیبت، در ارتباط با اسلام و قرآن و ولایت اهل‌بیت<sup>۱</sup> دارند تجدید می‌نمایند.

### ظاهر و باطن جشن میلاد

این مراسم، اگرچه بیشتر یک سلسله برنامه‌های ظاهری است، اما در باطن و حقیقت، اعلام حمایت از دین و حفاظت از ارزش‌ها و سنت‌های اسلامی و طرف‌داری از محرومان و مستضعفان و ستیز با مستکبران و ستمگران است. با این برنامه‌ها همه حضور خود را در سنگرهای جهاد و عمل و تلاش برای اعلای کلمه اسلام و عزت و عظمت مسلمین و دفع مبدعین و ملحدین، اعلام می‌نمایند.

---

۱. کفعمی، البلدالامین، ص ۲۸۶؛ همو، المصباح، ص ۴۹۸.

۲۹۰..... امامت و مهدویت / ج ۴

شهر مذهبی تبریز در این برنامه‌های بامعنا و پرمحتوا، همه‌ساله، علاقه کامل خود را به ولایت اهل‌بیت<sup>ع</sup> اظهار داشته و انتظار واقعی خود را از آن عصر عدالت جهانی و حاکمیت کامل احکام الهی نشان می‌دهد.

حقیر با اعلام وصول لوح زیبای منتشر شده، از سوی مهدیه انصارالحسین<sup>ع</sup> مسجد عربلر، زنجیرزنان میرچوپان، مسجد میانه، مسجد توحید، مسجد طه، پایگاه مقاومت شهید قصاب، عبداللهی، مسجد سفید بهار و مسجد آیت‌الله انگجی، از همه عزیزان و اعضای محترم این هیئت دینی و مذهبی و همکاران ایشان تقدیر و تشکر نموده و از خداوند متعال، توفیق عمل به وظایف و تعظیم شعایر و پاسداری از حریم دین و مذهب را برای همگان مسئلت دارم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ این پیام، مضبوط نیست.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ).<sup>۱</sup>

با عرض تبریک و تهنیت عید سعید ولادت امام یازدهم حضرت ابومحمد الحسن العسکری<sup>×</sup> به پیشگاه فرزند بی‌مانند آن حضرت، و به عموم شیعیان و به‌ویژه حضار محترم.

با عرض سلام به محضر عزیزان و ارادتمندان چاکر درگاه اقدس و اعلی و اشرف امام مبین و حصن حصین و غیاث مضطرّ مستکین، وارث انبیا و مرسلین، و مقصود از (فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)<sup>۲</sup> و مطلوب اولیای کاملین، حضرت بقیة الله فی الارضین مولانا المهدی - علیه سلام الله تعالی و سلام ملائکته المقربین و رسله اجمعین - که در این جلسه و محفل پرفیض ولایی افتخار شرکت یافته‌اید و این برنامه را گرامی می‌دارید.

---

۱. مانده، ۵۴. «ای کسانی که ایمان آوردید؛ هرکس از شما که از دینش مرتدّ شود، پس خداوند گروهی را برمی‌انگیزد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خداوند را دوست دارند؛ نسبت به مؤمنان، فروتن و نسبت به کافران، سرفراز و مقتدرند؛ در راه خداوند، جهاد می‌کنند و از ملامت ملامت‌کنندگان نمی‌هراسند؛ این فضل خدا است به هرکس که بخواهد عطا می‌کند و خداوند، وسعت‌دهنده و دانا است».

۲. ملک، ۳۰. «اگر آب در زمین فرو رود [و ناپدید گردد] چه کسی برای شما آب روان می‌آورد؟».

با الهام از این آیه شریفه که همواره و در هر عصر و زمان، امیدبخش دل‌های مأیوس و حیات‌آفرین احساسات مُرده است و مخصوصاً در عصر غیبت، منتظران حقیقی ظهور را نویددهنده و نگه‌دار مواضع دینی و مذهبی است، این کلمه را تقدیم می‌دارم.

### **بشارت قرآنی**

گرایش مقدّس و اقبال پاک و روحانی جامعه و خصوصاً علاقه محکم نسل جوان به حفظ هویت مذهبی و فرهنگ عالی، انسان‌ساز و معرفت‌بخش مهدویت و آشنایی با ابعاد و جوانب گسترده آن در عصر حاضر و در میان این‌همه تبلیغات مسموم و هجوم فرهنگ‌های جاهلی و غربی، حقیقت و واقعیتی است که این آیه شریفه، ما و همه مسلمانان را در هر عصر و زمان به آن نوید می‌دهد که در هر شرایط و اوضاع سخت و ناگوار و هجوم و حمله هر دشمن به ظاهر نیرومند، و ارتداد هرکس و هر عده از دین خدا، پایدار بمانند و بدانند که خدا کسانی و مردمانی را می‌آورد که آنها را دوست می‌دارد و آنها خدا را دوست می‌دارند و نسبت به مؤمنان، متواضع، مهربان و فروتن و نسبت به کفار با عزت و امتناع از تسلیم می‌باشند.

### **قوت نورانیت امام عصر ×**

یکی از مصادیق بارز این وعده الهی در زمان ما قوت نورانیت ولایت امام عصر × در قلوب بسیاری از مردم، از زن و مرد و پیر و جوان است؛ مجامعی که به نام نامی و اسم گرامی آن حضرت تشکیل می‌شود حضور مردم در آن بیشتر است. منابر و سخنرانی‌هایی که پیرامون خصائص و بشارات ظهور آن یگانه دوران برگزار می‌شود مستمعانش بیشتر و شنونده‌اش زیادتر است؛ کتاب‌هایی که

پیام‌های مهدوی / پیام سوم..... ۲۹۳

در ارتباط با هر کدام از ابعاد وجودی و شخصیت آن امید مستضعفان و نجات‌بخش جهان باشد جذاب‌تر است و یکی از نمونه‌های آن، گرایش جدید و معنادار عموم به حضور در مسجد مقدّس جمکران، نماز و عرض نیاز و توسّل در آن مسجد است.

### **حضور پر معنا**

چه کسی این خلق عظیم و گروه‌های گوناگون را از هر قشر و طبقه به این ابراز علاقه بسیار شکوهمند برانگیخته است؟  
این جلوه‌ها و حضورها و مجامع را چه کسی غیر از ملهم حقیقی آن که برحسب این آیه شریفه، خداوند متعال است رهبری می‌نماید؟

### **نور حق در برابر ظلمت باطل**

در میان این‌همه نعره‌های فساد و دعوت‌های ضد‌اخلاق و ضد‌دین و مذهب، در میان این‌همه تشویق و ترغیب به تضعیف شخصیت اسلامی جامعه و تلاش برای اختلاط زن و مرد و مبارزه با حجاب و ترک سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی که حتی با عرضه لباس‌های ضد‌عفت و مانتوهای کذایی و حمایت بعضی از بدحجابی و در میان این‌همه، تشویق از طبقه مطرب، خواننده و نوازنده به اسم هنر و در میان مفاسد دیگر که همه را رادیوهای بیگانه و عوامل استکبار و استعمار، رهبری می‌نمایند، امروز این تابلوهای یا اباصالح المهدی و این مجامع و دل‌باختگی جوانان عزیز از قشر دانشجو، کارگر و پیشه‌ور و غیره همه نویدبخش این است که نور اسلام، خاموش نمی‌شود و قلوب پاک مؤمنین به مدد‌های غیبی محکم است، و کسانی که فریفته ابتدال فرهنگ‌های منحط غربی و عمال مستکبران هستند محکوم می‌باشند.

گوارا باد بر شیعیان آن حضرت در این عصر غیبت و امتحان، این خلوص و ایمان و این مقاومت و استقامت و گوارا باد بر آنها این حال شوق و اشتیاق و تعهد به کسب رضای آن عزیز خدا و عدالت گستر جهان؛

«**طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ**  
**أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) ۱ وَقَالَ:**  
**(أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) ۲» ۳.**

این همه مؤسسات و بنیادهای خیری و علمی که به نام حضرت صاحب الامر× تأسیس می شود نمونه ای از این شور و حضور است.

افتتاح مرکز تخصصی حضرت ولی عصر× که در اصفهان سالها است تأسیس گردیده و اکنون شعبه آن در تهران و در این مکان شریف، تأسیس می شود نیز از این جلوه های نورانی است.

با تقدیر از مؤسس عالم و بزرگوار آن حجّت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد بحر العلوم میردامادی - دامت افاضاته - و همکاران محترم ایشان، امید است این شعبه و فرع، مانند اصل مورد استقبال همگان مخصوصاً جوانان مؤمن قرار گیرد. علاقه مندان از برکات و فوائد روزافزون آن در خدمت به بیداری و آگاهی دینی و مذهبی بهره مند گردیده و موجبات مسرت خاطر انور صاحب این برنامه و همه حوزه های علمیّه و بنیادهای خیری و مذهبی، شخص شخیص یگانه

۱. بقره، ۳.

۲. مجادله، ۲۲.

۳. خراز قمی، کفایة الاثر، ص ۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۶؛ ج ۵۲، ص ۱۴۳؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ص ۱۲۲. «خوشا به حال صابران در غیبت او؛ خوشا به حال پرهیزکاران در طریقت شان؛ همانها که خداوند آنان را در کتاب خویش این گونه وصف فرموده است: «کسانی که به جهان غیب ایمان آوردند» و فرمود: «انان حزب الله اند؛ آگاه باشید که به راستی حزب الله، رستگارانند».

پیام‌های مهدوی / پیام سوم..... ۲۹۵

جهان - ارواحنا لثراب مقدمه الفداء - فراهم شود.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ،  
وَتُنْذِلُ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ»<sup>۱</sup>.  
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

لطف‌الله صافی<sup>۲</sup>

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۴؛ طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۱۱۱؛ همو، مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۵۸۱؛ ابن‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۴۲؛ کفعمی، البلد‌الامین، ص ۱۹۵؛ همو، المصباح، ص ۵۸۱؛ مجلسی، زاد‌المعاد، ص ۸۹ (دعای افتتاح). «بارخدا یا! به‌راستی ما در دولتی کریمه به‌سوی تو راغبیم که اسلام و اهلش در آن عزیز و نفاق و اهلش در آن خوار گردند و ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به طاعت خود قرار دهی».

۲. پیام به مناسبت افتتاح کتابخانه تخصصی حضرت ولی‌عصر<sup>×</sup>، مسجد رضوان تهران. تاریخ این پیام، مضبوط نیست.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ  
وَأَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ  
أَجْمَعِينَ ثُمَّ السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ.

هیئت محترم برگزارکننده مراسم جشن نیمه شعبان تبریز  
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

مرقوم شریف آن عزیزان در تبریک و تهنیت عید سعید ولادت منجی جهان،  
حامی مستضعفان، قانع مستکبران و ستمگران، حضرت بقیة الله - ارواح العالمین له  
الفداء - زیارت شد. با تشکر، حقیر نیز این عید بزرگ را خدمت شما و عموم  
شیعیان جهان، تبریک عرض نموده، از خداوند متعال، توفیق و سعادت بیشتر  
برای شما مسئلت می نمایم.

#### وظایف شیعه در عصر غیبت

احیای امر اهل بیت<sup>ع</sup> که در عصر غیبت، یکی از بزرگترین مصادیق آن عرض  
ادب، ثناخوانی و دعا برای تعجیل فرج حضرت صاحب الامر<sup>ع</sup> و زنده نگاه داشتن  
یاد آن امام عظیم الشان در قلوب است، از اهم وظایفی است که شیعه باید به آن  
ملتزم و متعهد باشد.

عصر غیبت، عصر امتحان، عصر عمل، عصر ثبات و استقامت و عصر پاسداری



پیام‌های مهدوی / پیام چهارم..... ۲۹۷

از احکام نورانی قرآن و هدایت اسلام است. در این عصر وظیفه همگان خطیر است، و همه باید در تحقق اهداف عالیه اسلام و مبارزه با بدع و موضع‌گیری محکم در برابر کفر، شرک، استکبار و استیلا، صابرا نه و سرسختانه عمل نمایند.

### **مسئولیت منتظر حقیقی**

وظایفی که مؤمنین در عصر غیبت در ابعاد مختلف دارند، از وظایفی که در عصر حضور دارند کمتر نیست. مسئولیت منتظر بودن و به حقیقت، انتظار ظهور داشتن، مسئولیتی است که همه باید در ایفای آن سعی و کوشا باشند.

منتظر حقیقی که منتظر فرج ظهور آن عدل جهانی و دولت کریمه حضرت صاحب‌الزمان<sup>×</sup> است، آینده دنیا و روزی را که دین اسلام عالم‌گیر می‌شود و همه جا عدل، برادری و برابری اسلامی حاکم می‌گردد، عقل‌ها تکامل یافته، و علم و معرفت، تاریکی‌های جهالت‌ها و گمراهی‌ها را از میان برمی‌دارد، به چشم ایمان می‌بیند و خود نیز باید در مسیر تحقق این اهداف قدم بردارد؛ همیشه پیش قدم باشد و در صحنه عملیات اسلامی و میدان‌های کار و تلاش برای هرچه بیشتر شدن اعتلای اسلام و عزت مسلمین، حضور داشته باشد و از آنچه در گوشه و کنار دنیا، در ارتباط با اسلام و مسلمین می‌گذرد مطلع باشد، تا مسئولیتی را که به عهده هر مسلمان است، ایفا نماید.

### **منتظر ظهور، آگاه است**

یقیناً کسی که از چگونگی مظالم استکبار آمریکا و صهیونیسم در فلسطین و قدس عزیز بی‌خبر است یا از جنایت‌های قشون خون‌خوار و وحشی روسیه در چین مسلمان و مقاومت مجاهدانه و دلیرانه مردم چین مطلع نیست و در برابر این‌گونه حوادث بی‌تفاوت است، منتظر ظهور نیست.

### جشن میلاد و تعهد دینی

مفهوم تمام برنامه‌های نیمه شعبان و این جشن و چراغانی‌ها، که باید بیشتر و باشکوه‌تر از آنچه هست، انجام شود، اعلام تعهد به احکام اسلام و حرکت به سوی حاکمیت اسلام و حفظ مواضع و سنگرهای اسلامی و مدافعه از حدود و ثغور فکری و جغرافیایی اسلام است.

### حفظ جلوه ملکوتی جشن

توقع و انتظار این است که در انجام این مراسم، در عین اهتمام به شکوه و جلال جشن‌ها و مجالس، مواظبت شود که در محدوده آداب و برنامه‌های دینی انجام گیرد، و عملی که مانع از قبول این خدمات گردد از کسی صادر نشود و جلوه ملکوتی این مجالس را حفظ نمایند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

أَقَلُّ الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِ وَلَايَتِهِ ×

شعبان المعظم ۱۴۱۵

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به جشن نیمه شعبان المعظم، تبریز، ۱۴۱۵ هـ. ق.



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هیئت محترم برگزاری مراسم نیمه شعبان مسجد توحید - ایدهم الله تعالی -

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

نامه تبریک عید سعید ولادت حضرت غوث‌الوری و خاتم‌الاولیا، قطب عالم امکان، نجات‌بخش عالمیان و براندازنده حکومت‌های ظالمان و مستکبران، مولانا المهدی - ارواح العالمین له الفداء و کحل الله ابصارنا بتراب اقدام خواصه و المتشرّفين بلقاءه - موجب کمال تشکر گردید. حقیر متقابلاً این عید مبارک را به شما برادران عزیز و مشتاقان ظهور موفورالسّرور و حکومت عدل اسلامی و جهانی آن حضرت، تبریک عرض می‌کنم.

این احساسات مشحون از ایمان و علاقه به احیای امر آن ولی اعظم خدا، که همه‌ساله در نیمه شعبان متجلی و با برنامه‌های معرفت‌بخش و بصیرت‌افزا، باشکوه و معنویت، عرضه آن نو و تجدید می‌شود، بسیار قابل تقدیر است.

### حرکت به‌سوی حکومت مهدوی

ارتباط یافتن و ارتباط دادن اشخاص به آن آستان فرشته‌پاسبان و اهداف و مقاصدی که با ظهور آن بزرگوار محقق می‌شود و عدل و داد و برادری و توحید و ایمان و صلح و مودت و صفا را عالم‌گیر می‌گرداند، باید منتظران ظهور را در مسیر کار و عمل به‌سوی آن عصر الهی قرار دهد.

### عوامل سرور و حزن امام عصر\*

اعلای کلمه اسلام و احیای معالم مذهب و آثار اهل بیت<sup>ع</sup> تعظیم شعایر، اعانت ضعفا، قضای حوایج و امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با بدع و پاسداری از احکام شرع، از اهمّ اموری است که موجب خشنودی آن حضرت است و منتظر حقیقی ظهور باید به آن ملتزم و متعهد باشد.

یقیناً آن حضرت از مظاهر خالصانه اسلامی و آنچه موجب عزّت و عظمت مسلمین می شود، شاد و مسرور می گردند و از ظواهر فساد، منکرات و اشتغال مردم به ملامی و مناهی، غمناک می شوند.

امید است ما و همه منتظران ظهور و مشتاقان درک لقا و شرف حضور در خطّ تحصیل تقربّ به آن صاحب وقت، با ایمان و عمل صالح، همیشه پیشگام و پیش قدم باشیم.

در خاتمه با اعلام وصول دو هدیه گران بها - ویژه نامه و کتاب به یاد مهدی زهرا<sup>س</sup> - توفیق بیشتر آن عزیزان را از خداوند متعال مسئلت می نمایم.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۱۶

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به جشن نیمه شعبان المعظم، مسجد توحید تبریز، ۱۴۱۶ هـ ق.



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هیئت محترم برگزارکنندگان مراسم نیمه شعبان، مسجد آیت الله انگجی - زید عزهم

- .

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

نامه تبریک عید سعید ولادت مولی الوری، ولی الله اعظم، حضرت بقیة الله - ارواح العالمین له الفداء - با دو هدیه گران بها کتاب **مهدی # مقتدای مسیح** × و ویژه نامه **در انتظار خورشید** زیارت و موجب خرسندی، بهجت و مسرت گردید؛ بوسیدم و بوییدم و بر دیده نهادم.

از اینکه در تعظیم این شعار دینی و بزرگداشت میلاد فرخنده آن عزیز یگانه خدا و آن موعود انبیا و نشر فضایل و مناقب و احیای امر آن حضرت ساعی و کوشا هستید و این مراسم ارزشمند و مقدس را هر سال از سال گذشته باشکوه تر و با معنویت بیشتر انجام می دهید به همه آن برادران ارجمند، تبریک و تهنیت عرض می کنم.

يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

### یاد امام عصر ×، نجات از مرگ جاهلی

امید است انجام این برنامه ها، سخنرانی ها، مدیحه سرایی ها و توزیع نشریات، که موجب قوت بصیرت و معرفت و نجات از مرگ جاهلی است بیش از پیش

۳۰۲ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

همگان را به اهداف عالی و الهیه آن دادگستر حقیقی، آشنا سازد.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِيعَتِهِ  
وَالْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَارْزُقْنَا زِيَارَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَشَفَاعَتَهُ فِي  
الْغُفْبَى.

در خاتمه در مظان اجابت، داعی و مستدعی دعا بوده و هستم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۱۷

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به ستاد بزرگداشت جشن نیمه شعبان مسجد آیت الله انگجی تبریز، ۱۴۱۷ هـ.ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ بَقِيَّةِ اللَّهِ - أَرْوَاحِ  
الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ - وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى شَيْعَتِهِ  
الْمُتَمَسِّكِينَ بِأَمْرِهِ وَالْفَائِزِينَ بِوِلَايَتِهِ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ وَرَحْمَةِ  
اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا إِخْوَانِي الْأَجْلَاءَ أَيُّهَا الْقَائِمُونَ بِإِعْلَانِ الْوَدِّ  
وَالْوَلَاءِ لِمَوْلَانَا × وَتَعْظِيمِ أَمْرِهِ وَإِعْلَاءِ كَلِمَتِهِ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ  
فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.

عزیزان من، شیفتگان و دلباختگان حجت خدا و موعود انبیا و اولیا!  
برادرانی که هر سال در نیمه ماه مبارک شعبان به وسیله مراسم مقدسی که برپا  
می کنید، عهد و میثاق خود را با مقام ولایت و امامت آن کشف امان و ولی یزدان،  
تحکیم و تجدید می نمایید، به دلها روشنی می بخشید و ناامیدان را به آینده درخشان  
جهان، امیدوار نموده و بشارت و نوید می دهید و بر همه می خوانید و اعلام می کنید  
که آینده زمین از آن صالحان و شایستگان و پیروزی از آن مؤمنان است.

### رایحه رهایی

روزگار رهایی و زمان خلاصی از ستم و ستمگران و مستکبران و روز نجات  
مستضعفان فرا می رسد؛ حاکمیت اسلام و احکام الله در سراسر عالم برقرار می گردد و

۳۰۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

خداوند به واسطه عزیزترین بندگانش، که وجودش مدار بقای عالم و زمین و زمان است، جهان را پر از عدل و داد می‌نماید بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد.

نامه تبریک شما را که انوار ایمان از آن در تجلی بود، زیارت کردم و بسیار مسرور و خوشحال شدم. هَنِئِلاً لَكُمْ هَذِهِ النِّعْمَةُ الْعُظْمَى.

حقیر نیز صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به مقدماتان و هرکس که در این آستان، موفق به عرض ادب و خدمتی است، نثار می‌نمایم و از خداوند متعال برای همگان در این عصر غیبت و عصر امتحانات بزرگ الهی، صبر، ثبات، استقامت و توفیق عمل به احکام دین و نجات از وقوع در شبکه‌های مفسدین و مبدعین مسئلت دارم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

التماس دعا

شعبان المعظم ۱۴۱۷

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به ستاد بزرگداشت مراسم نیمه شعبان مسجد آیت‌الله انجلی تبریز، میلاد امام مهدی<sup>ع</sup>، شعبان المعظم ۱۴۱۷ هـ.ق.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ سَيِّمًا مَوْلَانَا بِقِيَّةِ اللَّهِ.  
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ).<sup>۱</sup>

### نیمه شعبان، فرصتی برای محاسبه نفس

مراسم شکوه‌مند تعظیم عید بزرگ نیمه شعبان، ولایت یگانه منجی عالم،  
موعود انبیا و اوصیا و صفیّ انبیا، صاحب زمان و کشف امان، حضرت بقیةالله -  
ارواح العالمین له الفداء - برای عموم شیعیان و دوستان آن ولیّ یزدان، فرصتی  
بسیار مبارک و ارزنده است که در آن ضمن کسب شرف مشارکت در تجلیل  
بزرگداشت این زادروز عزیز و یوم‌الله مبارک و حضور در مجالس روحانی و  
اجتماعات ولایی، نورانی و برنامه‌های جشن و شادمانی، وضع ارتباط معنوی با آن  
حضرت و مرتبه مطابقت و موافقت اخلاق، اعمال، رفتار شخصی و اوضاع

---

۱. انبیا، ۱۰۵. «و به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به  
ارث می‌برند».

۳۰۶ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را با انتظاراتی که آن برگزیده خداوند متعال از شیعیان و دوستان خود دارند بررسی نمایند.

### **سعادت در گرو رضایت امام منتظر**

آن شخص و جامعه‌ای سعادتمند است که در این محاسبه و در تحصیل رضایت خاطر انور آن حضرت، موفق باشد.

به این مناسبت حقیر برای کسب افتخار مشارکت در این جشن مربوط به امام منتظر، حضرت ولی عصر<sup>×</sup> و توجه به حقایق و معانی انتظار ظهور، این چند کلمه را خدمت برادران و خواهران ایمانی تقدیم می‌دارم. امید است انوار معانی آن، که از مشکات قرآن مجید و احادیث شریفه در لمعان است، بر نورانیت قلوب مؤمنین و مؤمنات بیفزاید.

عزیزان من! شما که همه‌ساله به افتخار شرکت در مراسم این جشن بزرگ نایل می‌شوید و با چراغانی‌ها، تزیین بازار، خیابان، مساجد و حسینیه‌ها و تشکیل مجالس سخنرانی و بیان فضایل و مناقب و انشا و انشاد و سرودن و خواندن اشعار و قصاید و مدایح، ولایت و ارادت خود را به آن آستان فرشته‌پاسبان، اظهار می‌دارید؛ با ضیافت‌ها، اطعام و تبریکات، بر نشاط روحی و ایمانی خود و دیگران می‌افزایید؛ به شبعه بودن خود می‌بالید و از طول مدّت هجران و درد فراق ناله می‌زنید، اشک می‌ریزید، آن حضرت را می‌خوانید و یا ابن الحسن، یا ابن الحسن می‌گویید.

بر همه شما درود و سلام و رحمت خدا باد! و این شور و شوق و شعور و این حال و این احساسات و این درک و آگاهی و سیر در ملکوت ولایت، مبارک باد!

### **نعمت معرفت امام و شکران آن**

خدای را سپاسگزار و شاکر باشید که دل‌های شما را سرشار از معرفت

پیام‌های مهدوی / پیام هشتم.....۳۰۷  
امام‌زمان × نمود و از مرگ جاهلیت نجات بخشیده و به سرمنزل حقیقت، ایمان و معرفت حجّت تامه بالغه دوران و کلمه کامله باقیه سبحان، هدایت فرموده است.

### **وظایف مؤمنان در عصر غیبت**

وظایفی را که شما و هر مؤمن و مؤمنه منتظر ظهور و یوم‌الموعود دارد، نصب‌العین قرار دهید و همه هم و همّت خود را در انجام این تکالیف، صرف نمایید.  
عصر غیبت، عصر امتحان و آزمایش، عصر تمحیص و تخلیص است.

### **عصر غیبت، خطرات و مخاطرات**

سعادت‌مندان و مؤمنانی را که در ایمان، ثابت‌قدم می‌باشند و در این مکتب انسان‌ساز غیبت، خود را می‌سازند، حوادث گوناگون، فشارها و سختی‌ها تکان نمی‌دهد؛ ایمانشان را متزلزل نمی‌سازد و مانند کوه در برابر بادهای تند و شدید، پایدار و برقرارند و از افراد سست‌ایمان و ضعیف‌الاراده، جدا و ممتاز می‌گردند.  
هرچه تمسک به دین و دین‌داری دشوارتر شود و با انواع محرومیت‌های ظاهری توأم گردد ایمان و تعهد آنها قوی‌تر می‌شود و صدق و راستی احادیثی که در آنها از وقایع دوره غیبت، شیوع بعضی معاصی و ملامی و غنا و موسیقی، از وضع بعضی جوانان و بانوان، از اختلاط زن و مرد و امور دیگر خبر داده‌اند بر ایشان روشن‌تر می‌شود.

در آن شرایط برحسب بعضی روایات، تا آنجا نگه‌داری دین، سخت و دشوار می‌گردد که مانند نگه داشتن آتش در کف دست می‌شود،<sup>۱</sup> یا چنان‌که در حدیث دیگر است:

---

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۳۹۰ - ۳۹۱؛ مقریزی، امتاع‌الاسماع، ج ۱۲، ص ۳۳۵؛ هیشمی، مجمع‌الزوائد، ج ۷، ص ۲۸۱.

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، أَلْتَمَسَكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ

لِلْقَتَادِ»<sup>۱</sup>.

### پاداش استقامت در عصر غیبت

در این عصر غیبت، مردمان ثابت‌الایمان، ثواب کسانی را دارند که در پیش روی رسول اعظم اسلام، با شمشیر، جهاد می‌نمودند و به قدری بلندپایه هستند که پیغمبر اکرم، ایشان را برادر خود خوانده و به دیدارشان برحسب احادیث، اظهار اشتیاق فرموده است.<sup>۲</sup>

مؤمنان به غیبت و حزب‌الله، منتظران حقیقی ظهور و حکومت جهانی اسلام‌اند که در احادیث شریفه فرموده‌اند:

«أُولَئِكَ هُمُ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ

وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا»<sup>۳</sup>؛

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ

أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)<sup>۴</sup> وَقَالَ:

(أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)<sup>۵</sup>»<sup>۶</sup>.

۱. ابن بابویه، الامامة و التبصره، ص ۱۲۶؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ مسعودی، اثبات‌الوصیه، ص ۲۶۷؛ صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۴۶؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۰۵؛ حر عاملی، اثبات‌الهدایة، ج ۵، ص ۵۴. «برای صاحب این امر [امام مهدی] غیبتی است و کسی که بخواهد دینش را حفظ کند، مانند کسی است که دست خود را به خارهای درخت قتاد بکشد».

۲. صفار، بصائر‌الدرجات، ص ۱۰۴؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۳. صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۲۰؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۰؛ بحرانی، مدینه‌معاجز الائمة الاثنی عشر، ج ۴، ص ۳۲۰؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۷. «به تحقیق ایشان مخلص بوده و از سر صدق و صفا شیعه ما و دعوت‌کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان هستند».

۴. بقره، ۳.

۵. مجادله، ۲۲.

۶. خزاز قمی، کفایة‌الانثر، ص ۶۰؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۶؛ قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۳، ص ۲۸۵؛ نگارنده، منتخب‌الانثر، ج ۲، ص ۱۹۸ - ۱۹۹. «خوشا به حال صابران در غیب او؛ خوشا به حال پرهیزکاران در

و برحسب حدیث شریف:

«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>.

مانند کسی هستند که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

اینها همه فضایل شما شیعیان، زنان و مردان منتظر و متعهد و ملتزم به احکام و وفادار به امام‌زمان × است؛ به هوش باشید و از این فضایل، پاسداری کنید. مبادا تحت تأثیر تلقینات سوء و الفاظ فریبنده، مثل رفع تبعیض جنسی یا حکومت ملی و مردمی، تسلیم خود را به احکام الهی از دست بدهید یا از تحت حکومت الله و حکومت قرآن و امام‌زمان × خارج شوید. حقوق بشر و حقوق انسان‌ها و مرد و زن همان است که خدای بشر، خدای زن و مرد، معین فرموده است؛ غیر از آن، همه ضلالت، گمراهی، فساد و تباهی و سیر به‌سوی زندگی حیوانی است.

هر زن و مرد و پیر و جوان که هرکدام از احکام خدا را قبول نداشته باشد یا چون آن احکام، مخالف فرهنگ بی‌بندوبار غرب است، آنها را مناسب وضع زمان نداند، ایمانش مخدوش می‌شود و به همین دلیل در احادیث شریفه وارد است که: «در عصر غیبت، شخص مؤمن در حال ایمان، صبح می‌کند و شب می‌کند درحالی‌که از دین خارج شده است»<sup>۲</sup>.

---

طریقت‌شان؛ همان‌ها که خداوند آنان را در کتاب خویش این‌گونه وصف فرموده است: «کسانی که به جهان غیبت ایمان آوردند» و فرمود: «آنان حزب‌الله‌اند؛ آگاه باشید که به‌راستی حزب‌الله، رستگارانند».

۱. صدوق، الخصال، ص ۶۲۵؛ همو، کمال‌الدین، ص ۶۴۵؛ ابن‌شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص ۱۱۵؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۲۲ - ۴۲۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ ج ۵۲، ص ۱۲۳؛ ج ۶۵، ص ۶۱. «کسی که منتظر امر ما باشد، مانند آن است که در راه خدا به خون خود غلتان است».

۲. ابن‌حماد، الفتن، ص ۱۵، ۲۳، ۹۵؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۳۷۲، ۳۹۰ - ۳۹۱، ۵۲۳؛ ج ۳، ص ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۲۷۷، ۴۰۸، ۴۱۶؛ ترمذی، سنن، ج ۳، ص ۳۳۰ - ۳۳۱؛ ابویعلی، موصلی، مسند، ج ۷،

### توصیه‌ای به جوانان و بانوان

به‌خصوص به جوانان و بانوان، سفارش می‌کنم که مواظب باشند تا در مسائلی که برخی می‌خواهند احکام اسلام را با فرهنگ غرب، لاییک، لادینی و حکومت مردم بر مردم تطبیق و تأویل کنند به اشتباه نیفتند؛ اینها دوره جاهلیت دیگر را پی‌ریزی می‌نمایند.

دوره غیبت برحسب روایات به درازا می‌کشد تا حدی که حضرت

امیرالمؤمنین × می‌فرماید:

«مَا أَطْوَلَ هَذَا الْعَنَاءَ وَأَبْعَدَ هَذَا الرَّجَاءَ»<sup>۱</sup>.

انسان‌ها در مسیر تحولات شگرف و تغییرات بنیادی، مکتب‌ها و نظام‌های گوناگون را تجربه می‌نمایند و همه را برای تأمین سعادت عمومی بشر فاقد شرایط لازم می‌یابند و از برقراری قسط و عدل، عاجز و ناتوان می‌بینند و هرچند عالم پر از ظلم و جور و فساد و ناامنی و تباهی می‌گردد، اما به‌حکم: *أَلَسْتَبِيءُ إِذَا جَاوَزَ حَدَّهُ انْعَكَسَ صِدْهُ*، جوامع بشری برای برقرار شدن آن نظم الهی - اسلامی و حکومت عدل واحد جهانی آماده می‌شوند و با ظهور آن حضرت، جهان به نقطه کمال نایل می‌شوند.

### وظایف منتظران

دوستداران آقا و منتظران ظهور! عصر غیبت، عصر عمل و کار، تحمل مسئولیت، انجام وظیفه و عصر مقاومت، حرکت، استقامت، صبر و شکیبایی در

---

ص ۲۵۲؛ ج ۱۱، ص ۳۹۶؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۸۰ - ۳۸۱؛ ج ۳، ص ۴۹، ۱۵۶؛ ج ۵، ص ۲۹؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۸۱، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۸ - ۳۰۹.  
۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷ (ج ۲، ص ۱۲۶). «چه طولانی است این درد و رنج و چه دور است این آمل و آرزو».

امر دین است.

در ارتباط با تعظیم شعایر، اعلاّی کلمه‌الله، با تبلیغ اسلام، فراهم کردن موجبات استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و رهایی از وابستگی به کفّار، شکوفایی علم و صنعت و بسط و نشر تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر، تعاون بر نیکی و تقوا، رسیدگی به وضع مستمندان، قضای حوایج نیازمندان، دستگیری از افتادگان، دفاع از مرزها و ثغور جغرافیایی وطن اسلامی و حدود فکری و عقیدتی، رفع بدع و رویارویی با اهل شکوک و شبّه و مبارزه با مظاهر فساد و ملامی و هتک احترام احکام الهی همه مسئولیم و همه مسلمانان متعهدند و این شما و همه شیعیان و منتظران ظهورید که باید با کار و کوشش برای حصول اهداف اسلام تلاش نمایید.

مسلماً باید در برابر جریان‌های ضدارزش‌های اسلامی موضع‌گیری مناسب و منطقی و مؤثر داشته باشید.

در هر کاری که وارد می‌شوید، با هر حزب و جمعیت هم‌صدا می‌شوید؛ با هر رأیی که به صندوق‌های رأی می‌ریزید، مسئولید و مسئولیت شما در این امور که در نهایت، مربوط به کلّ جامعه اسلامی و مسلمانان می‌شود، بسیار شدید است. خطّی که به‌عنوان خطّ روشنفکری و بی‌تعهدی به سنن و مبادی اسلامی و تقلید از مکاتب و نظام‌های غربی ترویج می‌شود به‌سوی اسلام نیست و به خدا، قرآن و رضایت امام‌زمان × منتهی نمی‌شود.

اشتباه نکنید؛ به‌خصوص جوانان و بانوان، این خطّ را بشناسید که خطّ استعمار، استضعاف و استکبار است؛ خطّ اختلاط زن و مرد، خطّ تغییر شخصیت و استقلال اسلامی جامعه و بی‌التزامی به احکام خدا است.

### عمل به تکلیف در عصر غیبت

خطراتی که جوامع اسلامی را تهدید کرده و تا حدّ زیادی، بسیاری از جوامع را در ورطهٔ ضعف و زبونی و اطاعت از کفار گرفتار کرده، شناسایی کنید و نگذارید جامعهٔ ما و نسل جوان عزیز ما به آن مبتلا شوند.

عصر غیبت، عصر تکلیف است؛ عصر اقدام و عمل، عصر امید به آینده و پیروزی حقّ بر باطل است.

منتظر باشید و عمل کنید که خداوند می‌فرماید:

(وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ).<sup>۱</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان‌المعظم ۱۴۱۸

لطف‌الله صافی<sup>۲</sup>

---

۱. توبه، ۱۰۵. «و بگو کارتان را بکنید، به‌زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگرست».

۲. پیام به مناسبت ولادت امام مهدی<sup>ع</sup>، شعبان‌المعظم ۱۴۱۸ هـ ق.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ»<sup>۱</sup>

سلام بر حضرت مهدی<sup>×</sup>، موعود انبیا و خاتم اوصیا و مطلوب اصفیا، امام وقت و صاحب عصر، بقیة الله فی الارضین، محبوب ملائکه مقربین، فاتح حصون مستکبرین، معز الاسلام والمسلمین، نجات بخش مقهورین و مستضعفین، مقصود از (فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)<sup>۲</sup> و مصداق (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ)<sup>۳</sup>، نور ابصار سالکین، شمع محفل ارباب یقین، نخل بلند بوستان موحدین، نهال برومند روضه «طه» و «یس»، دادگستر راستین، امین خدا و امان اسیران زمین، شرف اولیای صالحین، خلف انبیای مرسلین، قطب جهان و کشف حصین، غیاث المضطرّ المستکین، حضرت حجّت، ولی عصر، ختم هشت و چار، عدل یزدان، نور تابان، رحمت پروردگار، غوث اعظم، فخر آدم، پیشوای دین پناه، عدل قرآن، روح ایمان، مهر چرخ اقتدار، حافظ شرع نبی، معنایی از (نَأْتِ بِخَيْرٍ)<sup>۴</sup> آیت عظمی، جمال الله، فخر روزگار.

سَلَامُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ. ثُمَّ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

۱. کفعمی، البلد الامین، ص ۲۸۶؛ همو، المصباح، ص ۴۹۸.

۲. ملک، ۳۰. «اگر آب در زمین فرو رود [و ناپدید گردد] چه کسی برای شما آب روان می آورد؟».

۳. یس، ۱۲. «و همه چیز را در کتابی روشنگر برشمرده ایم».

۴. بقره، ۱۰۶. «(هر آیه ای را که نسخ کنیم یا فروگذاریم)، بهتر از آن یا همانندش را در میان آوریم».

مَعَشَرَ الشَّيْعَةِ يَا أَيَّتُهَا الْفِتْنَةُ الْمُؤْمِنَةُ وَالْفِرْقَةُ النَّاجِيَةُ بُشْرَى لَكُمْ  
ثُمَّ بُشْرَى وَطُوبَى لَكُمْ ثُمَّ طُوبَى فَأَنْتُمْ فِتْنَةُ اللَّهِ تَعَالَى وَحِزْبُهُ  
وَالْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ وَالْمُتَشَرِّفُونَ بِوِلَايَةِ وَلِيِّهِ الَّذِي بُشِّرَ  
بِظُهُورِهِ الْأُمَّمُ فُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا هَنِينًا لَكُمْ ثُمَّ هَنِينًا لَكُمْ هَذِهِ  
السَّعَادَةُ الْعُظْمَى وَالذَّرَجَةُ الْكُبْرَى.

سلام بر ماه شعبان، سلام بر شب نیمه شعبان، سلام بر بامداد روز میلاد، سلام  
بر آن مادری که پیامبران عالی قدر خدا، مردم را به نوزاد او بشارت دادند؛ سلام بر  
نرگس، ملکه عظمای جهان و سلام بر حضرت امام حسن عسکری\*.

سلام بر شما شیعیان و منتظران ظهور، سلام بر عزیزانی که ماه شعبان را گرامی  
می دارند و زادروز حجّت خدا - ارواح العالمین له الفداء - را با شکوه و عظمت و  
شوق و ذوق استقبال می کنند و با مراسمی که برپا می دارند، پایداری، استقامت و  
ارادت خود را به آقا و مولایشان اعلام کرده، وفاداری خویش به اسلام و  
پاسداری از ارزش ها و سنت های دینی و مذهبی را به دنیا نشان می دهند و  
دشمنان را از اینکه بتوانند در این صف منتظران بیدار دل و مؤمنان غیرتمند و  
ملتزم به احکام اسلام، رخنه نمایند، مأیوس می سازند.

گوارا باد بر شما این حُسن اعتقاد و قوّت ایمان! گوارا باد بر شما این درک و  
فهم از انتظار ظهور! و گوارا باد بر شما این شعور و احساسات!  
شما گروه خدا و حزب الله حقیقی هستید، بر راه و عقیده و روش خود استوار و  
ثابت باشید و دین خدا را یاری کنید و آقا و مولایتان را از خود، شاد و مسرور سازید.

### از دین خدا، دفاع کنید

عزیزان دین و عزیزان خدا و جوانان اسلام و فرزندان قرآن! در این عصر غیبت،  
در برابر این همه دشمنانی که می خواهند به اسلام ضربه بزنند و در برابر این همه

پیام‌های مهدوی / پیام نهم..... ۳۱۵

کید و مکر و سیاست‌های مکارانه و این‌همه هجوم فرهنگی و الحادی و اسلام‌زدایی و این تبلیغات شوم، شما جوانان غیرتمند مسلمان هستید که باید از اسلام دفاع کنید و این توطئه‌ها را بی‌اثر سازید.

### **نقشه‌های دشمنان دین**

تلاش دشمن این است که تعهد ما را به احکام، کم‌رنگ و ضعیف سازد؛ آنها زن و مرد مسلمان، جوان مسلمان، دانشجوی مسلمان و مدرسه و دانشگاه مسلمانان را هدف قرار داده‌اند و می‌خواهند سنگرهای فرهنگی و علمی ما را تصرف کنند و آن را از اسلام و از افتخار به گذشته‌های مسلمین خالی کنند؛ به اسم ملیت، قومیت، تمدن منهای اخلاق و معنویات، و به بهانه حمایت از آزادی و عدالت، به نام دفاع از حقوق بانوان و روشنفکری و بهانه‌ها و عناوین فریبنده و گمراه‌کننده دیگر، به معنویت و اسلامیت ما حمله می‌کنند.

### **هراس دشمن از موج اسلام‌خواهی**

آنان از این موج اسلام‌گرایی که دریای متلاطم جامعه میلیاردری اسلام را فرا گرفته و زن و مرد را برای بازگشت به عزت دیرین، بسیج کرده، که در مثل کشور ترکیه، باوجود ارتش لاییک و ضداسلام، آن‌گونه شخصیت اسلامی خود را ابراز می‌دارند، هراسناک می‌باشند و از شور و شوقی که در مسلمانان به حاکمیت اسلام و بازگشت بانوان به حجاب و حشمت اسلامی می‌بینند، به وحشت افتاده و در برابر مسلمانان بیدار و متعهد از هیچ‌گونه توطئه و تحریکی دست بر نمی‌دارند.

تجدید قدرت اسلام در ترکیه، فلسطین، الجزایر، ازبکستان، قرقیزستان، آذربایجان، چین، داغستان و تاتارستان و دیگر نقاط جهان، خواب آرام را از دشمنان اسلام ربوده و تلاش ملل اسلامی برای پاره کردن زنجیرهای سلطه و استکبار شرق و

غرب، و اجتماع مسلمین در زیر لوای اسلام، آنها را سخت، پریشان ساخته است.

### حساسیت و وظیفه در عصر غیبت

در این شرایط حسّاس، وظیفه شما منتظران ظهور و شیعیان امام عصر<sup>×</sup> مخصوصاً شما جوانان عزیز، بسیار حسّاس است.

امید است که همگان مسئولیت‌هایی را که در برابر این تحریکات شوم و توطئه‌های فرهنگی و سیاسی داریم، درک کنیم؛ مواضع اسلامی خود را حفظ نماییم و ترقی و تعالی جامعه اسلامی را در علم، صنعت، اخلاق و فضایل و خودکفایی و بی‌نیازی از بیگانگان، وجهه همّت قرار دهیم.

نگذاریم که شخصیت اسلامی ما را با گرایش به سوی چپ و راست، ترویج فحشا و فساد، تأسیس مراکز لهو و لعب، اشتغال به کارها و سرگرمی‌های عمر بر باد ده، همراه با تبلیغ اختلاط زن و مرد و رواج موسیقی و دیگر ملامهی و مناهی تغییر دهند و به سرنوشت اندلس و اسپانیا گرفتار کنند.

همه باید با زبان، با مال و با هر امکانی که در اختیار داریم و با جهاد در سنگرهای اسلام، از مرزهای فکری و عقیدتی اسلامی حفاظت کنیم و در نیمه شعبان این مسائل را بررسی نماییم.

به امید رشادت‌ها و جوانمردی‌های جوانان غیور مسلمان و فرزندان عزیز اسلام و قرآن؛

(وَقُلِ اَعْمَلُوا فَمَیْرَی اللّٰهُ عَمَلْکُمْ وَرَسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ).<sup>۱</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۱۹

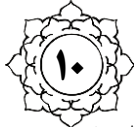
۱. توبه، ۱۰۵. «او بگو کارتان را بکنید، به‌زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگرست».

پیام‌های مهدوی / پیام نهم..... ۳۱۷

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت میلاد امام‌زمان<sup>ع</sup>، شعبان‌المعظم ۱۴۱۹ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### ویژگی‌های جهان معاصر

جهان معاصر، جهان ترقی فنون و صنایع، جهان ارتباطات، جهان آگاهی از ذرات و مخلوقات مادی کوچک‌تر از ذره تا بزرگ‌ترین کرات موجود است؛ در فضایی که وسعت و بُعد آن را بشر تا حدّ میلیاردها سال نوری کشف کرده است.

### ویژگی‌های عالم خلقت

جهانی که هر بخش کوچک و بزرگ، هر موجود مرئی و نامرئی، هر انسان و حیوان، هر درخت و برگ درخت، هر شکوفه و میوه، سنگ و سنگ‌ریزه، هر کوه و معدن، اقیانوس، دریا و رودخانه و هر جاندار دریایی، آسمانی و زمینی آن، خود جهانی بزرگ و حاوی خواص، عجایب و آیات بسیار است.

در چنین جهانی که قلم بشر از توصیف واقعی آن ناتوان است و شمار و عدد حروف و کلمات بی‌حد و حصر آن را، که کتاب تکوین و کتاب خلقت است، خالق قادر عالم چنین توصیف فرموده است:

(قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ

كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مِدادًا).<sup>۱</sup>

---

۱. کهف، ۱۰۹. «بگو، اگر دریا برای [نوشتن] کلمات پروردگارم، مرکب باشد، بی‌شک آن دریا، پیش از به پایان رسیدن کلمات پروردگارم، به پایان می‌رسد، ولو آنکه مددی همانند آن به میان آوریم».

### **بحران معنویت در دنیای کنونی**

در چنین جهانی، بشر، مشکلات بسیار و بسیاری را که از دیرباز و روزگاران کهن، لاینحل باقی مانده بود، به نیروی علم و تحقیق و استعداد خداداد خود حل نموده است و از سوی دیگر به ابزارهای خطرناک کشتارهای جمعی و ویرانگر که او را تهدید می‌کند دست یافته؛ به‌جای اینکه سکون خاطر، آرامش قلب، اطمینان به آینده و علاقه به ادامه زندگی و بقا و حیات در او بیشتر شود، این علایق و احساسات عالی در او ضعیف می‌شود و چنین جلوه می‌کند که روبه‌زوال است و به‌جای اینکه نور امید در باطن او روشن‌تر و پرفروغ‌تر شود، به خاموشی گراییده است.

تفسیرهای نومیدکننده از حیات و مکتب‌های مادّی، این دستگاه عظیم و این انسان و این همه نشانه‌ها و آیات و اسرار بی‌شماری را که در آن است، همه را پوچ و پوک جلوه می‌دهند و جامعه انسانیت را با خطر بی‌قیدی و بی‌میلی جوانان و نسل آینده به حیات، مواجه ساخته است.

در این میان، بی‌عدالتی‌ها، ظلم‌ها، استکبار و استضعاف اقویا و دولت‌های بزرگ - و به اصطلاح ابرقدرت - و بازی‌های سیاسی و اقتصادی آنها و قرار گرفتن بخش بزرگ جامعه بشری در زیر خط فقر و فشارهای گوناگون و صرف صدها میلیارد دلار در راه تسلیحات و ده‌ها و صدها عوامل دیگر نیز کمک نموده تا مخصوصاً بشر را از این نظاماتی که بر معنویات اتکا ندارند، و نسل جوان را به مواد مخدر و سرگرمی‌های غافل‌کننده، گرایش داده است مأیوس می‌نماید؛ تبلیغات، روزنامه‌ها، مجلات و رادیو و تلویزیون‌ها و برنامه‌هایی که عرضه می‌شود همه این یأس و ناامیدی را تقویت کرده و شعور انسانی را تخریب نموده و فضایل و مکارم انسانیت، رحم، عاطفه و عدالت را بی‌قدر و اهمیّت می‌نمایند. با تمام پیشرفت‌های صناعی و با همه آشنایی‌هایی که به ظاهر فراهم است، امید بشر

۳۲۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

به حیات و آرامش باطن، کمتر شده و روبه‌افول گذارده و دلیل آن همین پناهندگی او به اعتیاد و موادّ مخدر است که نسل آینده را بدتر از ایدز تهدید می‌نماید.

### آرامش روحی در پرتو دین‌داری

یکی از امتیازات بزرگ ادیان الهی، اطمینان و آرامشی است که در دل‌ها ایجاد می‌کنند و همه را به آینده خوب‌تر و کمال بیشتر امیدوار می‌سازند. دین اسلام این خصیصه را در حدّ اعلا تبلیغ کرده و بشر را به آینده، امیدوار نموده، و عوامل یأس و ناامیدی را از بین می‌برد و برای حیات و مصیبات و زحماتی که بشر با آن دست به‌گریبان است، تفسیر درستی ارائه نموده و همه را در مسیر تعالی و ترقّی و کمال او معرفی می‌نماید؛ صدای روح‌بخش و دلنواز قرآن کریم که می‌فرماید:

(لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ) ۱.

(وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ) ۲.

هر مسلمان مؤمن را بانشاط، امیدوار، آینده‌نگر و مقاوم می‌سازد و این قرآن و هدایت قرآن است که در یک آیه مثل:

(عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا

شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) ۳.

به انسان چنان روحیه می‌دهد که در موقف بسیار خطرناک، ایستادگی کند و پویا و پیشتاز به پیش رود.

اعاده حیثیت بشر معاصر، در بازگشت به دین، معارف صحیح و دینی و هدایت‌های وحیانی است.

۱. زمر، ۵۳. «از رحمت خداوند، نومید نشوید».

۲. یوسف، ۸۷. «و از رحمت خدا مأیوس نشوید».

۳. بقره، ۲۱۶. «چه بسا چیزی را ناخوش داشته باشید و آن به سود شما باشد، و چه بسا چیزی را خوش داشته باشید، و آن به زیان شما باشد، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید».



### بشارت امیدآفرین ادیان الهی

چنان‌که همه می‌دانند یکی از بشارت‌های امیدبخش که همه ادیان الهی، بلکه سایر ادیان هم بر آن اتفاق دارند، بشارت و مژده به دوره استقرار عدل جهانی و حکومت واحده همگانی است؛ حکومت مسئولان و مدیران شایسته و صالح، حکومت عبادالله و جامعه عبادالله، حکومتی که رهبر آن پاک‌ترین فرد انسانی، صالح‌ترین عبادالله و مؤید من عندالله و بقیه الله و خلف و وارث برگزیده انبیاءالله و اولیاءالله است.

### مختصات دولت کریمه

دوره و عصری که برکات و نعمت‌های ظاهری و باطنی همه را شامل و به هم واصل باشد؛ فقر و زبردستی و زبردستی در آن نباشد؛ همه‌جا معمور، و همه خادم و مخدوم باشند، حکومت مهدی، موعود انبیا، قائم آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - و حکومت صاحب‌الامر و صاحب‌الزمان است؛ حکومت آن کس که:

«يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِنْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱</sup>.

حکومتی که کتاب‌های آسمانی تورات، انجیل، زبور و قرآن مجید - برهان بزرگ و باقی و جاودان حقانیت رسالت همه پیغمبران - بشریت را به آن بشارت داده و امیدوار نموده‌اند.

حکومتی که صدها آیات قرآن را تفسیر می‌کند و آیاتی مثل:

(فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا)<sup>۲</sup>؛

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ)<sup>۳</sup>؛

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶. «خداوند به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، هنگامی

که از ظلم و جور، پر گشته است».

۲. انشراح، ۵ - ۶. «بی‌گمان در جنب دشواری، آسانی است. آری، در جنب دشواری، آسانی است».

۳. قصص، ۵. «و ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهمیم».

و (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) ۱،

را حتمی و قطعی اعلام می نماید.

### امید و حرکت، مفهوم انتظار

همه باید به این آینده، امیدوار باشند؛ در انتظار آن دوره و آن عصر و آن ظهور کامل حق و عدل باشند؛ برای آن عمل کنند و حیات خود و همه انسانها را برای آن معانی بزرگ و هدفهای ارزشمند بدانند.

این ایمان که (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) ۲ بدان تفسیر شده، بسیار عالی، قوت بخش، تحرک آفرین و کوشش زا و تلاش افزا است.

مثل این آیه:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ) ۳.

در آیات قرآن، که همه نور و شفا است و نورانیت خاص خود را دارد، هشدار می دهد که در هیچ شرایطی و در هیچ موقعیتی و هرچه اهل باطل و ظلم و زور، غلبه کنند عقب نشینی و رها کردن سنگر اخلاص و سعی و عمل، جایز نیست؛ ضعف و سستی و ناامیدی در قاموس انتظار و امید، وجود ندارد.

باید همیشه مثل این روایت:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى

۱. نور، ۵۵. «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است».

۲. بقره، ۳. «همان کسانی که به غیب، ایمان دارند».

۳. انبیاء، ۱۰۵. «و به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند».

پیام‌های مهدوی / پیام دهم..... ۳۲۳

يَبْعَثُ فِيهِ رَجُلًا مِّنْ أُمَّتِي وَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي يَمْلَأُ  
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِنْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۱</sup>.

– که با کمال تأکید، بشر را امیدوار می‌کند و آن آینده را محقق‌الوقوع اعلام می‌نماید – در برابر چشم انسان‌های فعال، مبارز، جهادگر و پیشرو باشد.

### به یاد او

در بین سخنان پرمعنا و جذاب، نوشته‌ها، رساله‌ها و کتاب‌هایی که برای هدایت بشر و قوت روح و مقاومت در برابر سختی‌ها و برای ثبات، استقامت و پایداری او نوشته شده، سخنانی که پیرامون این آینده‌نورانی و آن شخصیت بی‌مانند خدایی باشد و دل‌ها را به سوی او متوجه نماید، جلوه و جذابیت و دل‌ربایی خاص خود را دارد و همه چون خود را ناامید و درهای فرج و امید را بسته می‌بینند و نقطه اتکایی در پیرامون خود نمی‌یابند، می‌خواهند از او بشنوند و از آن روزگار رهایی و خلاص، یاد کنند؛ این کتاب‌ها را می‌خوانند، ورق می‌زنند، گریه می‌کنند، ناله سر می‌دهند و الغوث و الامان می‌گویند.

به مکان‌ها و مقاماتی که به آن عزیز خدا انتساب دارد، علاقه ویژه نشان می‌دهند. در بین اشعار، اشعاری که این شور و شوق و امید آنها را زیاد کند، دلپذیرتر است و معنا و درسی که از مثل این اشعار می‌گیرند، به نشاط و امید آنها می‌افزاید.

### ترویج فرهنگ انتظار

باید این مکتب برای بشر، برای زن و مرد، برای جوان و سالمند، برای همه

---

۱. ماحوزی، الاربعین، ص ۲۰۸؛ ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ج ۲، ص ۱۱۰۹ – ۱۱۱۰ (با اندک تفاوتی در عبارت). «اگر از دنیا حتی یک روز هم باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن‌چنان طولانی می‌کند تا مردی از امت من و اهل بیتم برخیزد، که نامش، همنام من است و به وسیله او زمین، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده، از عدل و داد پر خواهد شد».

۳۲۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

تبلیغ شود؛ همه را باید امیدوار نمود تا فرهنگ انتظار، عمومی و همگانی باشد و ریشه یأس و ناامیدی و خودکشی و بی‌تفاوتی و سیر قهقرایی و سستی و گرفتاری به مواد مخدر و ملامتی و مناهی خشکانده شود.

باید همه بدانند و باور کنند که تاریکی‌ها برطرف می‌شود، به حکم:

**«وَيَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنْمِ نُورَهُ»<sup>۱</sup>؛**

نور حقایق، نور اسلام، نور ایمان، نور عدل، و نور علم و معرفت، کامل و سراسر جهان را فرا می‌گیرد.

در احادیث شریفه است:

**«إِنْتَظِرُ الْفَرَجِ مِنْ أَفْضَلِ الْعَمَلِ»<sup>۲</sup>؛**

و

**«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»<sup>۳</sup>.**

### **انتظار، حرکت آفرین است**

این انتظار امید است، نیروبخش است، حیات و نشاط و جهاد است، خمودی و خاموشی و افسردگی و ضعف و کم‌کاری و بیچارگی و سستی نیست. عمل برای خدا برای اعلائی کلمه‌الله برای خیر و آسایش عبادالله و سیر الی الله است.

۱. توبه، ۳۲. «و خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند».

۲. بحرانی، مدینه معجز الائمة الاثني عشر، ج ۴، ص ۳۲۰؛ نگارنده، منتخب‌الاثر، ج ۲، ص ۲۱۶. «انتظار فرج، از بزرگ‌ترین اعمال است». در برخی منابع «مِنْ أَكْثَرِ الْعَمَلِ» آمده است. ر.ک: صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۲۰؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۷؛ ج ۵۲، ص ۱۲۲؛ نگارنده، منتخب‌الاثر، ج ۲، ص ۲۰۷، ۲۱۸؛ ج ۳، ص ۲۰۶.

۳. صدوق، کمال‌الدین، ص ۶۴۴؛ ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۵۲۷؛ حر عاملی، اثبات‌الهداة، ج ۵، ص ۲۰۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸؛ ج ۵۲، ص ۱۲۸؛ ج ۷۴، ص ۱۴۱. «بزرگ‌ترین اعمال امت من، انتظار فرج است».

### معرفت ولیّ خدا، نیاز همه ما

امروز جامعه ما، جوانان ما، همه ما، به آشنایی به این مکتب، به دیدن این مدرسه الهی محتاجیم، باید معرفت خود را به امام‌زمان و ولیّ دوران کامل و کامل‌تر کنیم.

پیامبر اکرم می‌فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛<sup>۱</sup>

و در حدیث دیگر است:

«فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا».<sup>۲</sup>

این تأکید، بسیار هشداردهنده است، باید امام‌زمان را بشناسیم، آیات و روایاتی را که مربوط به آن حضرت است بخوانیم و مطرح کنیم؛ در منابع، در سخنرانی‌ها و در مقالات این مقوله را شرح و بسط دهیم. راجع به غیبت آن حضرت و خصوصیات این عصر و امتحانات و برنامه‌هایی که هست و تخلیص و تمحیصی که پیش می‌آید آگاه باشیم؛ باید در حدّ توان به مقاصد آن حضرت، آشنا شویم، از صدها کتاب که از پیش از ولادت آن حضرت تا زمان ما نوشته شده، بهره بگیریم.

در حدیث است:

که از حضرت سیدالشهدا، امام حسین × سؤال شد:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟

---

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة‌الائر، ص ۲۹۶؛ ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۴۹۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ج ۳، ص ۱۸؛ محدث نوری، کشف‌الاستار، ص ۷۸-۷۹. «هرکس بمیرد، درحالی‌که امام عصر خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است».

۲. فخر رازی، المسائل الخمسون فی اصول‌الدین، ص ۷۱، مسأله ۴۷. «پس بمیرد؛ خواه یهودی بمیرد و خواه مسیحی بمیرد».

معرفت خدا چیست؟ [یعنی به چه چیز کامل می‌شود؟]

فرمود:

«مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»<sup>۱</sup>.

معرفت اهل هر زمان و عصر به امامشان معرفه‌الله است؛ چون بدون معرفت امام، معرفت خدا، چنان‌که سزاوار است، فراهم نمی‌شود.

«بِكُمْ عَبْدَ اللَّهِ وَبِكُمْ عَرَفَ اللَّهُ».

باید این فرهنگ امام‌شناسی که تکمیل خداشناسی، پیغمبرشناسی و

اسلام‌شناسی است، در جامعه هرچه بیشتر ترویج شود.

قَالَ مَوْلَانَا الْإِمَامُ الْهُمَامُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَخَلْفِهِ خَلِيفَةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَخَلْقِهِ أَجْمَعِينَ:

«وُلِدَ وَلِيُّ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَخَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَأَوَّلِ مَنْ غَسَلَهُ رِضْوَانُ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَجَمَعَ مِنْ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ بِمَاءِ الْكُوْثِرِ وَالسُّسْبِيلِ ثُمَّ غَسَلَهُ عَمَّتِي الْحَكِيمَةُ بِنْتُ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَا»<sup>۲</sup>.

۱. صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹؛ ر.ک: کراچکی، کنز الفوائد، ص ۱۵۱؛ حلوانی، نزهة الناظر، ص ۸۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۲؛ ج ۲۳، ص ۸۳، ۹۳. «معرفت اهل هر زمان و عصر به امامشان، معرفت خدا است».  
 ۲. نگارنده، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۳۹۳ - ۳۹۴. آقای ما امام بزرگوار ابومحمد حسن بن علی عسکری که درود خدا و پیامبران و فرشتگان و همه آفریدگانش بر او بر پدران پاکش و جانشینش، خلیفه خدای جهان باد فرمود: «اولی و حجّت خدا بر مردم و جانشین من پس از من در شب نیمه ماه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هنگام طلوع سپیده دم از مادر زاده شد و اولین کسی که او را شستشو داد رضوان خازن بهشت و گروهی از فرشتگان مقرب خدا بودند که آن جناب را با آب کوثر و سلسبیل شستند، سپس عمه‌ام حکیمه خاتون دختر امام محمد بن علی الرضا» او را شست».

### نام‌گذاری دهه مهدویت

اینک که ماه شریف و مبارک شعبان‌المعظم ۱۴۲۱ هجری قمری را در پیش داریم، ماهی که مطلع و مشرق آفتاب جهان‌تاب وجود اقدس ولیّ دوران و کشف امان، امام مبین و خلف صالح انبیای مرسلین و غیاث مضطرّ مستکین، حصن حصین و ماء معین، حضرت بقیّة‌الله، صاحب‌الامر و غوث‌الدّهْر، مولانا المهدی - ارواح العالمین له الفداء - است، در این فرصت عزیز، و در این ماه پربرکت، مناسب است که شیعیان و دوستان و منتظران آن حضرت، دههٔ دوم این ماه شریف را به نام نامی و اسم گرامی آن حضرت «دههٔ مهدویت» نام‌گذاری کنند و با مراسم تجلیل و تعظیم از این میلاد عظیم، ارادت و شدت شوق و شور انتظار خود را اظهار نمایند و مجالس و محافل بزرگ پاک و منزّه از ملامی برای ذکر فضایل و مقامات ملکوتیه و شئون قدسیّه آن حجّت خدا تشکیل دهند و خلاصه به سخنرانی‌ها، نوشتن اعلامیه و چاپ پوسترها، انتشار مقالات و طبع و نشر کتاب‌ها و برگزاری میزگردها و هر کار و عملی که جامعه را بیشتر با آن حضرت آشنایی می‌دهد، اقدام نمایند و آن را به‌عنوان یک سنّت حسنهٔ بزرگ، باقی و برقرار بدارند که همه‌ساله این دههٔ مبارکه به نام «دههٔ مهدویت» مشحون به برکات و ظهور احساسات ولایی، برای همگان منبع کسب معارف و حقایق گردد.

امید است شروع این اقدام در شهر بزرگ و مذهبی اصفهان با آن سوابق درخشان علمی و ولایی و آن مردم عزیز و مؤمن و دلباخته اهل‌بیت<sup>ه</sup> موجب اعلاّی امرالله گردیده و خدمات همگان مقبول و مأجور باشد.

در خاتمه از خداوند متعال، تعجیل در فرج آن ولیّ خدا و خاتم ائمهٔ هدی<sup>ه</sup> را مسئلت می‌نمایم و با کمال ضراعت عرض می‌کنم:

«اللَّهُمَّ إِنَّ إِبْلِيسَ الْمُنْمَرِدَ اللَّعِينَ قَدْ عَشَّشَ وَكَثُرَتْ جُنُودُهُ  
وَأَزْدَحَمَتْ جُبُوشُهُ، وَانْتَشَرَتْ دُعَاتُهُ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ  
طَهِّرْ بِلَادَكَ مِنْهُمْ وَابْسُطْ عَذْلَكَ، وَأَظْهِرْ دِينَكَ، وَقَوِّ أَوْلِيَاءَكَ،  
وَأَوْرِثْ دِيَارَ إِبْلِيسَ وَدِيَارَ أَوْلِيَانِهِ أَوْلِيَاءَكَ»<sup>۱</sup>.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا  
عَزِيزًا وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ  
رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۲</sup>.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۲۱

لطف الله صافی<sup>۳</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۷۰. «خداوندا! ابلیس سرکش ملعون لانه نهاده و لشکرش زیاد شده و سپاهش افزون گشته است و دعوت کنندگان به سوی او در اطراف زمین پراکنده شده اند، خداوندا شهرهای خود را از وجود آنان پاکسازی کن و عدل و داد خودت را بگستران، و دین خودت را آشکار ساز، و دوستان خودت را نیرومند فرما، و دیار ابلیس و دوستانش را برای دوستانت به ارث بگذار».

۲. خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج پیروزی ولی خودت عجله کن و او را به خوبی یاری فرما و ما را از یاران او قرار ده. تو قبول کننده و شنونده دعا هستی و آخرین خواسته ها شکر و ستایش پروردگار عالم است.

۳. پیام به مکتب امید و انتظار به مناسبت نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۱ هـ ق.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ الْمُنْتَظَرُ يَا مُنْقِذَ  
الْبَشَرِيَّةِ مِنْ مَظَالِمِ الْمُسْتَكْبِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ  
الطَّاهِرِينَ.

ای نجات بشر از	قطب عالم سرو
ظلم و ستم	سالار امم
مهدی آل نبی غوث	حافظ دین خدا جان
زمان	جهان
ما همه عاشق	بی خود از خویش
رخسار توایم	گرفتار توایم
بر تو از جانب	باد انواع تحیات
خلاق و دود	و درود

#### فضیلت و ثواب انتظار ظهور حضرت مهدی \*

در آیات کریمه و احادیث شریفه برای انتظار ظهور مهدی آل محمد - صلوات  
الله علیهم اجمعین - حضرت بقیة الله فی الارضین - کحل الله ابصارنا بتراب مقدم خواصه و  
اولیائه - فضائل و ثواب بسیار بیان شده است تا حدی که آن را افضل اعمال و  
منتظران حقیقی را افضل از اهل هر زمان شمرده اند و به:

(أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)؛<sup>۱</sup>

۱. یونس، ۶۲. «آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند!».

و «الْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>.

توصیف فرموده‌اند.

### ولادت امام عصر × فرصت اسلام‌شناسی و امام‌شناسی

سنت حسنه برگزاری مراسم عید سعید ولادت آن ولی دوران و صاحب جهان و تشکیل مجالس جشن و محافل تبریک و تهنیت و ذکر و دعا و سخنرانی و شعر و مدیحه‌خوانی در این ایام خجسته نیمه شعبان از فرصت‌های بسیار عزیز و مغتنمی است که باید از آن برای تبلیغات اسلامی و امام‌شناسی و مخصوصاً بررسی روحیه انتظار و ارزش شأن و هویت ولایی و اسلامی جامعه به حساب و رسیدگی بنشینیم و سیر شخصی خود و عمومی جامعه را در رشته‌های متعدد از اخلاق و نظام و سیاست و اقتصاد و کمالات انسانی و اسلامی و ترقی علمی و نیز نقاط ضعف و قوت را، بدون هیچ غرض شخصی، بررسی کنیم تا اگر دانستیم در جامعه ما موجباتی که سبب نگرانی و رنجش خاطر انور آن حضرت می‌شود وجود دارد، خود و جامعه را اصلاح و آن موجبات را برطرف سازیم؛ بدیهی است این موضوع بسیار مهمی است که نباید درضمن این برنامه مقدس و نورانی از آن غفلت شود.

### ویژگی‌های جامعه منتظر ظهور

جامعه منتظر جامعه اسلام ناب پیرو ولایت اهل بیت<sup>۸</sup> اسلام شعار، اسلام نظام، اسلام اندیشه و اسلام هویت و شخصیت است؛ از هر سو و هر طرف به اسلام منتهی می‌شود و مشروعیت هر برنامه و هر اقدام و هر نمایش و همایش را با

---

۱. صدوق، الخصال، ص ۶۲۵؛ همو، کمال‌الدین، ص ۶۴۵؛ ابن‌شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص ۱۱۵؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۲۲ - ۴۲۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ ج ۵۲، ص ۱۲۳؛ ج ۶۵، ص ۶۱. «کسی که در راه خدا به خون خود غلتان است».

پیام‌های مهدوی / پیام یازدهم..... ۳۳۱

هدایت‌های اسلام می‌سنجد.

جامعه منتظر و منتظران به جاهلیت‌های پیش از اسلام نه فقط افتخار نمی‌کند بلکه پیوند خود را با آنها بریده، غیر قابل وصل و همه را بازگشت به عقب و قهقری می‌داند.

جامعه منتظر، تمدنش اسلامی و برگرفته از قرآن مجید و بر اساس:

**(...تَعَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا**

**نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا ... )؛<sup>۱</sup>**

**و «لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ»؛<sup>۲</sup>**

و هدایت‌های وحیانی و قرآنی است.

جامعه منتظر، زنده، قوی و قدرتمند، شجاع، صادق، خودکفا،

**(أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)؛<sup>۳</sup>**

**و (أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ)؛<sup>۴</sup>**

است.

در جامعه منتظر، زن و مرد، مسلم و مسلمه، مؤمن و مؤمنه، منتظر و منتظره باهم در تشکیل هویت اسلامی تشریک مساعی دارند. در این جامعه، بانوان کرامت ویژه و خاص دارند و با مردان بیگانه اختلاط ندارند.

---

۱. آل عمران، ۶۴. «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را (غیر از خدای یگانه) به خدایی نپذیرد».

۲. کراچکی، معدن الجواهر، ص ۲۱؛ امینی، الغدير، ج ۶، ص ۱۸۷. «هیچ فضیلتی برای عرب بر عجم وجود ندارد».

۳. فتح، ۲۹. «در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند».

۴. مائده، ۵۴. «در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند».

جامعه منتظر، جامعه حجاب و عفت و پارسایی و پرهیز از ملامی و مناهی است. اینها و دهها ویژگی پسندیده دیگر از امتیازات جامعه منتظر ظهور است. البته هرچه روح انتظار در جامعه بیشتر دمیده شده باشد، این امتیازات در آن ظاهرتر است.

### **تحقق جامعه منتظر واقعی با تمسک تام به احکام اسلام**

حقیر در این بیانیه نمی‌خواهم حسناتی را که - الحمدلله - به برکت مکتب نورانی اسلام و همچنین مکتب سازنده انتظار در جامعه وجود دارد، کم‌ارج و کم‌ارزش بدانم یا - العیاذ بالله - عنوان جامعه منتظر را بر این جامعه‌ای که به هویت انتظار آن موعود بزرگ انبیا افتخار می‌کند، صادق ندانم. هرگز، هرگز، این‌همه ابراز احساسات، این‌همه زحمات و خدمات، این‌همه اظهار علاقه، این‌همه شور و شعور جوانان در مراسم نیمه شعبان و فرصت‌های دیگر همه جلوه و نمایش روح انتظار است. همه منتظرند؛ اما می‌خواهم به خودم و همگان هشدار دهم که جامعه منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، باشد؛ برنامه‌هایش صحیح‌تر باشد؛ صداوسیما و روزنامه و مجلات و مجالس و همایش‌ها و نمایش‌هایش باید در مسیر انتظار باشد. خط غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد. باید تمسک تام و تمام به هویت اسلامی افتخار، و گرایش به بیگانگان ننگ و عار باشد.

اگر شئون و شخصیت اسلامی و شعائر اسلام و احکام اسلام در جامعه کم‌رنگ شود و مورد اهانت قرار بگیرد، یقیناً کسی که از هرکس بیشتر نگران و آزرده‌خاطر می‌شود، شخص شخیص آن ولی اعظم خدا است.

### رضایت ولیّ عصر × در گرو تلاش برای رفع معایب و نواقص

عزیزان، برادران، خواهران، سروران خودم، نمی‌خواهم روی موارد انگشت بگذارم و گله‌ها و کاستی‌هایی را که هست مطرح کنم؛ اما می‌دانم و شما هم بیشتر می‌دانید که چه کارها و اعمال ما، قلب مبارک آن قلب عالم امکان را آزرده می‌سازد. اگر می‌خواهیم آن ولیّ خدا از ما راضی و خشنود باشند، باید در کاستی‌ها و کمبودها بیندیشیم و برای رفع معایب و نواقص کمر همت بندیم این‌همه اسراف و تبذیر، این‌همه افراط و تفریط، این‌همه اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی شایسته جامعه منتظر نیست. امید است همه و هرکس به سهم خود، برای متجلی شدن جلوه‌های جامعه منتظر، آنچه در توان دارند به کار گیرند؛ و باز هم تأکید می‌کنم همه، به‌خصوص جوانان عزیز، بر شخصیت و هویت اسلامی که در معرض هجوم دشمنان اسلام و هدف نقشه‌های سیاسی و حتی به‌ظاهر خیرخواهانه آنها است، تأکید داشته باشند؛ بر استقامت دینی و استقلال اسلامی خود ثابت قدم برقرار و پایدار باشند و به نصر خدا و پیروزی اسلام امیدوار باشند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

دوازدهم شعبان المعظم ۱۴۲۲

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به جامعه منتظر به مناسبت نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۲ هـ. ق.



### بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آیت الله آقای سید ابوالحسن مولانا و برادران عزیز و گرامی اعضای محترم ستاد بزرگداشت نیمه شعبان - زیدت توفیقاتهم الشریفه - با اعلام وصول نامه تبریک، عید سعید ولادت حضرت غوث زمان و کشف امان بقیة الله و ولیّه و حجته مولانا المهدی - ارواح العالمین له الفداء - را نخست به پیشگاه ارواح طیّبه طاهره انبیا و اولیا خصوصاً حضرت خاتم الانبیا و حضرات ائمه هدی<sup>ه</sup> مبشّران وجود و ظهور موفورالسرور آن حضرت و به فرشتگان مقرب الهی و ملاّ اعلی و سپس به عموم شیعیان و مسلمانان و همه انسانهای عدالت خواه و ستم ستیز تبریک عرض می کنم و به عزیزانی که در این ایام الله و گرامی داشت سالروز مبارک آن ذخیره یگانه الهی احساسات دینی و ولایی خود را اظهار و مجالس و برنامه های نیمه شعبان این شعار بزرگ و آموزنده و بیدارساز و آگاهی بخش را با شکوه و عظمت برپا می دارند و با ناحیه اقدس آقا و مولای خود تجدید عهد و میثاق می نمایند شادباش عرض می نمایم. حقیر از اعضای محترم ستاد بزرگزاری جشن های نیمه شعبان مسجد مرحوم آیت الله انگجی و هیئت ها و جمعیت های اسلامی و عموم اهالی محترم شهر مذهبی تبریز که با شعور و احساسات زنده همواره در تجلیل و تعظیم شعائر دینی و حفظ هویت اسلامی و پاسداری از احکام نورانی اسلامی، مساعی جمیله و جلیله دارند بسیار تقدیر و تشکر می نمایم و برای همگان توفیق کسب رضا و خشنودی آن

پیام‌های مهدوی / پیام دوازدهم.....۳۳۵

امام مبین را مسئلت نموده و امیدوارم از امتحانات و آزمایش‌هایی که در عصر غیبت پیش می‌آید همه سربلند و موفق بیرون بیایند و خدمات و زحمات آن عزیزان مقبول و مشکور باشد.

**وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**

سیزدهم شعبان المعظم ۱۴۲۲

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به ستاد بزرگداشت مراسم نیمه شعبان المعظم مسجد آیت‌الله انگجی تبریز، ۱۴۲۲ هـ.ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ

وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ).<sup>۱</sup>

برحسب آنچه از آیات قرآن کریم، و روایات شریفه استفاده می‌شود، استعلا، استضعاف و استکبار در جهت مخالف با اهداف خلقت انسان و از پدیده‌های غیراصولی و حاصل طغیان بشر و مخالفت با فطرت است. به مقتضای آیه کریمه (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...) بشر، امت واحد است؛ استعلا و استضعاف باعث تفرقه، اختلاف و خروج از حد اعتدال و مخالف خواست‌های حقیقی فطرت است. بعثت پیغامبران با نوید و هشیار و بشارت و انذار و نزول کتاب‌های آسمانی و قوانین الهی، برای حکم در اختلافات به منظور حفظ این وحدت و نهادینه کردن آن و محکوم کردن استضعاف و استعلا است.

پدیده استضعاف، انحرافی است و همواره در تاریخ انسانیت در کمون و ظهور بوده و عوامل خاص، آن را پدید می‌آورد؛ پدیده‌ای منفور و تحمیلی بر وجدان

---

۱. بقره، ۲۱۳. «مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادی در میان آنها وجود نداشت؛ به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد (در این حال) خداوند پیامبرانی برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می‌کرد بر آنها نازل نمود تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند داوری کند».



پیام‌های مهدوی / پیام سیزدهم.....۳۳۷

انسان و مانند پدیده‌های شوم دیگر عارضی؛ اما چون سیر آن خلاف مسیر جهان و حرکت دوران و زمان است، سرانجام از جلو رفتن و رسیدن به پیروزی نهایی ناتوان، و مقهور سیر سالم و اصلی ضد استضعاف می‌گردد:

(وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) ۱.

### سرانجام جهان

برحسب آیات قرآن مجید و روایات، سرانجام، امت واحدۀ جهانی و خالص از استضعاف برقرار می‌شود که در آن اگرچه تفاوت‌هایی که لازمه تمدن صحیح است و بدون آن تمدن و تعاون و تعامل، امکان‌پذیر نیست نقش سازنده دارد، استکبار و استغصاب، موضع و نقشی ندارد و منتهی‌الیه سیر جوامع انسانی (پس از تجربه‌های بسیار و گذشت از فرازونشیب‌های بی‌شمار و پشت سر گذاردن مکتب‌های گوناگون مادی) جامعه الهی خواهد بود.

### بشارت به دولت کریمه

این رویداد و این روز نو و این عصر عدل و این جامعه و امت واحدۀ و دولت کریمه و این دور انقراض استضعاف و زورمآبی‌ها را قرآن مجید در آیات متعدّد، نوید داده است و پیامبران از آن خبر داده و در کتاب‌های گذشته مثل تورات و انجیل و زبور این سنت الهی ثبت و مکتوب شده است.

روایات متواتر بر این حقیقت تأکید دارند، که با ظهور حضرت مهدی - ارواح العالمین له الفداء - آن امام مبین و خلف انبیای مرسلین و همنام و هم‌کنیه حضرت خاتم النبیین - صلوات الله علیهم اجمعین - حکومت عدل و جهانی برقرار و به قدرت خدا، و به دست آن عزیز خدا، مشارق و مغارب زمین مفتوح، و پرچم توحید و

---

۱. احزاب، ۶۲. «و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییری نخواهی یافت».

تکبیر به اهتزاز درآمده، علم و عدل و قسط در همه جا حاکم، و جهل و ظلم و جور و استضعاف، محکوم می‌گردد.

در بیان این معانی همان آیه کریمه:

(وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أَنْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛<sup>۱</sup>

و همان بیان معجز نظام و قاطع قرآن ناطق، امیرالمؤمنین × کافی است که فرمود:

«لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى

وُلْدِهَا. ثُمَّ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: (وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا

فِي الْأَرْضِ...)<sup>۲</sup>».

روزی که به	رایات فرازد، به
پیروزی و ظفر	فَرَقَانِ
روشن کند از نور	با رایت عدل آیت
خود، زمین	امان
انگشتی مصطفی به	شمشیر علی بسته
دست	بِر میمان
آید ز پی خدمتش	آن روز مسیحا ز
فرد	آسمان
خاصان خدایش ز	تازند به خدمت
شرق و غرب	یکان یکان

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوَّبَةٍ

سُلْطَانِهِ.

لطف الله صافی<sup>۳</sup>

۱. قصص، ۵. «و ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین، قرار دهیم».

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ (ج ۴، ص ۴۷). «دنیا پس از اعراضش به ما روی می‌آورد روی آوردن شتر به بچه‌اش»؛ آن‌گاه در عقب این مطلب، آیه مبارکه فوق را قرائت فرمودند.

۳. تاریخ این پیام، مضبوط نیست.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

**(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ).<sup>۱</sup>**

با تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان عزیز و موفق اجلاس یک‌روزه «مهدویت و آینده بشریت» ویژه اساتید محترم دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۳. امید است حاصل این اجلاس که - انشاءالله تعالی - با حضور نخبگان و اندیشمندان و شخصیت‌های علمی حوزه و دانشگاه و دیگر اقشار آگاه و مشتاق، برگزار می‌شود، موجب ارتباط بیشتر همگان با آستان فرشته‌دریان، آن ولی دوران و قطب عالم امکان - ارواح العالمین له الفداء - گردد. بدیهی است اختصاص یک روز و یک جلسه و یک سال و بیشتر پیرامون این موضوع بزرگ و کثیرالجوانب و مفصل‌الابعاد هرچه هم عمیق برگزار شود، حاصل آن اندکی از بسیار نخواهد بود:

**(قُلْ لَوْ كَانِ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ**

**كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا)<sup>۲</sup>**

در عصر حاضر، امام‌زمان، حضرت صاحب‌الامر × کلمة‌الله العظمی و اسم اعظم الهی است.

---

۱. توبه، ۱۰۵. «و بگو کارتان را بکنید، به‌زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگرست».  
۲. کهف، ۱۰۹. «بگو اگر دریاها برای نوشتن کلمات پروردگارم مرکب شود، دریاها پایان می‌گیرد پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هرچند همانند آن دریاها را کمک آن قرار دهیم».

### اصالت مهدویت

موضوع ظهور مصلح آخرالزمان از زمان‌های آسمانی بسیار دور و کهن، در زمان انبیا و حتی مکتب‌ها و مذاهب دیگر مطرح بوده است و کتاب‌های آسمانی مثل تورات و انجیل و زبور به آن بشارت داده‌اند و قرآن کریم، این یگانه سند باقی وحی و برهان حقایق همه پیغمبران خدا و حجت خاتمیت دین اسلام، نیز در آیات متعدّد، جامعۀ بشریت را به آن نوید داده و در انتظار آن آینده پاک و پر از نور، علم، آگاهی، بیداری و عدل و قسط قرار داده است و احادیث بسیار معتبر که قبل از ولادت حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - در تألیفات محدثین نامدار ثبت و روایت شده است آن موعود انبیا و آن مصلح بزرگ جهانی را به حسَب و نسب و نام و نشان معرفی نموده‌اند.

اجلاس یک‌روزه، اگرچه در برابر اقیانوس بیکران، قطره‌ای از دریا است، اما در ذات خود اگر یک دقیقه هم باشد ارزش و گران‌سنگی معنوی آن از کوه‌ها بزرگ‌تر است.

حقیر این روز و این حضور و این اقدام را بزرگ می‌شمارم و با تواضع کامل به همه شرکت‌کنندگان سلام و تبریک عرض می‌نمایم. خداوند متعال همگان را در راه شناخت معارف اسلام و عمل به احکام‌الله که یگانه درمان دردهای بشریت متحیر زمان است موفق فرماید.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلَانَا صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ وَاجْعَلْنَا مِنْ  
أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ. آمِينَ رَبَّ  
الْعَالَمِينَ.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۳۴۲ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به اجلاس مهدویت و آینده بشریت، اساتید دانشگاه آزاد اسلامی، منطقه ۳.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُّوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ).<sup>۱</sup>

### اثرات سوء ناامیدی

یأس و نومیدی یکی از عوامل مهم بازدارنده افراد از کار و تلاش و پی گیری و تعقیب مقاصد و مطالب است، بسیار و بلکه بیشتر اشخاصی که در زندگی و نیل به خواسته‌های خود شکست خورده‌اند، در اثر ناامیدی و قبول شکست بوده است.

### راز پیروزی

تأمل در تاریخ رجال موفق، نشان می‌دهد که رمز مهم پیشرفت آنان، ناامید نشدن و امیدواری به موفقیت بوده است؛ از آن روزی که اسلام تنها با شخص پیامبر و امیرالمؤمنین و خدیجه<sup>ه</sup> بود تا فتح مکه و سپس فتوحات دیگری که نصیب مسلمانان در شرق و غرب جهان شد، همواره در غزوات و جنگ‌ها، و در شدت‌ها و سختی‌ها، نویدها و وعده‌های حضرت رسول اکرم| که این دین به پیش می‌رود و صیت و صوت آن جهان‌گیر می‌شود، و به هر نقطه‌ای که شب یا روز به آنجا رسیده باشد، می‌رسد - نگه‌دار قلوب مسلمانان بود؛ چنانچه نوید به

---

۱. یوسف، ۸۷. «پسرانم بروید و از یوسف و برادرانش جستجو کنید و از رحمت خداوند، مأیوس نشوید که تنها گروه کافران از رحمت خداوند مأیوس می‌شوند».

۳۴۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

اینکه دین حقّ اسلام بر کلّ ادیان، ظاهر و غالب می‌شود و در تأکید بر وقوع این غلبه جهان‌گیر - که به دست حضرت ولیّ عصر صاحب‌الامر - ارواح العالمین له الفداء - صورت وقوع می‌یابد - فرمودند:

«اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند خدا آن روز را آنقدر طولانی می‌نماید تا آن شخصیتی که همانام پیغمبر و از فرزندان پیغمبر یعنی علی و زهرا است ظاهر فرماید و به وسیله او دنیا را پر از عدل و داد نماید چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد»<sup>۱</sup>.

### چشم‌انداز نشاط آفرین

این نوید، مسلمانان را در انتظار آینده و روز خلاص و نجات گذارده تا با ایمان به این حقیقت، در هر عصر و زمان و تحت هر شرایطی، دست از اسلام نکشند؛ به عقب باز نگردند؛ به چپ و راست متمایل نشوند و انتظار آن روز را از افضل اعمال بلکه افضل از جهاد بدانند؛ انتظار هم جهاد است و هم استقامت است؛ هم صبر و مقاومت است؛ هم عمل است و هم حرکت است و هم عبادت. مظاهر آن در اعتقادات، معرفت به خدا، معرفت نبوت و نبوت ختمیه و معرفت به امامت و مخصوصاً امام‌زمان و معرفت و ایمان به معاد و سایر عقاید حقه است.

این معارف و این عقاید همه امیدبخش و نشاط آفرین است؛ قلب را نورانی می‌نماید و عقب‌گرد و واپس‌گرایی و ناامیدی را از میان می‌برد. این نگاه به آینده، و امید به وعده‌های قرآنی و سنت غیر قابل‌تغییر الهی، مثل نصوص:

---

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰ - ۳۴۱؛ فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، ص ۲۶۱؛ سیوطی، الجامع‌الصغیر، ج ۲، ص ۴۳۸؛ ماحوزی، الاربعین، ص ۲۰۸. (با اندک تفاوتی در عبارت).



(لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ)؛<sup>۱</sup>  
(وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ)؛<sup>۲</sup>  
(يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ  
نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)؛<sup>۳</sup>  
(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ  
الْكَافِرُونَ)؛<sup>۴</sup>

و آیات متعدد دیگر همه نگه‌دارنده شیعیان در مواضع ولایی و ایمانی و استقامت و مقاومت در دوران‌های حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و ستمگران بی‌باک تاریخ بوده است.

#### **برکات عینی عقیده به مهدویت**

در همین یک‌صد سال اخیر، در دوران دیکتاتور خون‌خوار و بی‌سواد مثل رضاخان، آن‌همه شدت و اعمال زور، ارباب، حبس، شکنجه و کشتار برای نفی هویت اسلامی جامعه، صورت گرفت و سیاست‌های مزورانه‌ای به اسم روشنفکری و اصلاح‌طلبی و ترقی و آزادی‌خواهی و تقلید از غرب اجرا شد که حتی جشن‌ها و چراغانی‌های نیمه شعبان را تعطیل کردند اما آنچه بحمد الله هویت اسلامی و مذهبی این جامعه را نگاه داشت همان ایمان به ظهور حضرت مهدی<sup>×</sup> بود و این همه از برکات همین عقیده به مهدویت بود و اینکه آینده برای

---

۱. انفال، ۸. «تا حق را تثبیت کند و باطل را از میان بردارد هرچند مجرمان را خوش نیاید».  
۲. انفال، ۷. «خداوند می‌خواهد با کلمات خود، حق را تقویت و ریشه باطل را قطع کند».  
۳. توبه، ۳۲. «آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خویش خاموش کنند؛ ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند؛ هرچند کافران ناخشنود باشند».  
۴. صف، ۸. «آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خویش خاموش کنند ولی خداوند، نور خود را کامل می‌کند؛ هرچند کافران ناخشنود باشند».

۳۴۶ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

قرآن، اسلام و برای ظهور و حکومت و ولایت اهل بیت<sup>۱</sup> است.  
در حال حاضر نیز به فضل خدا با همین ایمان و عقیده به مهدویت در برابر دشمنانی که محو اسلام را وجهه نظر قرار داده‌اند در حفظ همه مواضع به شرط التزام به احکام اسلام و بیرون نرفتن از خط هدایت اهل بیت<sup>۱</sup> پیروز خواهیم بود.  
ان شاء الله تعالی.

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَقَرِّبْ زَمَانَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ  
أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ این پیام مضبوط نیست.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ

الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ).<sup>۱</sup>

با عرض سلام و صلوات به درگاه ملازمان آستان فرشته پاسبان ولیّ دوران و کشف امان، خلف انبیای مرسلین، خاتم خلفای مرضیین، مقصود از:

(فَمَنْ يَأْتِكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)<sup>۲</sup>؛

مصدق:

(وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ)<sup>۳</sup>؛

حصن الله الحصين و فاتح حصون مستكبرين، منجی محرومین و مستضعفین و نور قلوب مؤمنین، حجة الله الطاهرة و كلمته التامة و يدالله الباسطة و عينه الناظرة حضرت بقیة الله مولانا و مولی الخلائق اجمعین الامام الامین المؤمن الحجة بن الحسن العسکری - ارواح العالمین له الفداء -.

صمیمانه ترین سلام و تبریکات و خالصانه ترین شادباشها را به مناسبت

---

۱. صافات، ۱۷۱ - ۱۷۳. «وعدة قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش تعیین شده است که آنان یاری شدگان اند و لشکر ما پیروزند».

۲. ملک، ۳۰. «اگر آب در زمین فرو رود [و ناپدید گردد] چه کسی برای شما آب روان می آورد؟».

۳. یس، ۱۲. «و همه چیز را در کتابی روشنگر برشمرده ایم».

خجسته ایام مهدویه به حضور شریف و مبارک شیعیان و منتظران ظهور عدل جهانی و حکومت عالمی اسلامی، حکومت حَقّه الهیه، به‌ویژه عزیزانی که در این ایام فرخنده با شعار اظهار ولایت و برگزاری مراسم، عهد و میثاق خود را با آن حجت یگانه خدا تجدید و بر تعهد خود در عمل به احکام نورانی اسلام و پاسداری از هویت دینی تأکید می‌نمایند و حضور و استقامت خود را در سنگر یاری دین و امر به معروف و نهی از منکر و دفع بدع مبدعین، ابزار می‌دارند.

هُم أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَنْصَارُ رَسُولِهِ وَأَنْصَارُ وَلِيِّهِ، هُمُ الْمُؤْمِنُونَ  
 الْمُخْلِصُونَ، وَهُمْ حِزْبُ اللَّهِ الْفَائِزُونَ، وَأَوْلِيكَ عَلَى هُدَىٰ مِنْ رَبِّهِمْ  
 وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

### مسئولیت بی‌تفاوتی

پس از این عرض سلام و تبریک، موقع را برای توجه و رسیدگی به مسئولیت‌های زیاد و تکالیف بزرگی که اوضاع و احوال عمومی کل جهان و عامه مسلمانان و اوضاع خاص شیعیان و مردم این مملکت، بر دوش همه گذارده غنیمت دانسته، خودم و همگان را به التزام به اسلام و حفظ هویت اسلامی دعوت می‌نمایم و یقین دارم که مسئولیت بی‌تفاوت بودن نسبت به خطراتی که از جانب دشمنان خارج و داخل، احکام خدا و هویت ما را از زن و مرد تهدید می‌نماید و نیندیشیدن و چاره‌جویی و مدافعه نکردن، بسیار شدید است.

### نیمه شعبان، روز امید

عزیزان من، برنامه‌های تجلیل و تعظیم در عید بزرگ نیمه شعبان، هرچه باشکوه‌تر انجام شود، سزاوار و شایسته و بایسته است؛ نیمه شعبان، شعار الله، شعار دین و ولایت، روز خدا و روز امید بشر و نوید فتح، ظفر، خلاصی، نجات،

عدالت و رستگاری است.

### **ظاهر و باطن برنامه‌های روز میلاد**

اما این برنامه‌ها و شعارها مثل سایر مراسم و شعایر و پدیده‌های این عالم، مرکب از ظاهر و باطن، صورت و معنا، و جسم و روح است؛ ظاهر، صورت و جسم آنها همین چراغانی‌ها، جشن‌ها، مدیحه‌سرایی‌ها، مدیحه‌خوانی‌ها، اجتماعات و محافل و مجالس و فریادهای تکبیر و تهلیل و صلوات است که همه شورانگیز، روح‌بخش و حرکت‌آفرین است و باطن و معنای این مظاهر هم دعوت‌ها و پیام‌هایی است که خطاب به همگان دارند؛ پیام‌هایی سازنده، هدایت‌بخش، عزت‌آفرین؛ پیام‌هایی برگرفته از قرآن کریم و احادیث شریفه؛ این پیام‌ها را باید درضمن انجام این برنامه‌های ایام مهدویه دریافت کنیم و از این ظواهر به حقایق عالی و شعور و بیداری کامل برسیم.

پیام‌ها هم فردی و راجع به خود اشخاصی است که در این مراسم حضور و شرکت می‌یابند، و هم راجع به جامعه شیعه و مسلمانان جهان است و هم مخاطبش کل دنیا و همه مردم جهان و مخصوصاً مستکبران و زورگویان است.

همه اصناف و اقشار، علمای اعلام، زعما، حوزه‌های علمیه، و عاظ و طلاب، دانشگاهیان، استادان، دانشجویان، نویسندگان، صدا و سیما، ارباب قلم و روزنامه‌ها، نشریات و مجلات، بازرگان، کشاورز، صنعتگر، همه باید پیام‌های این عید سعید را در ارتباط با وظایف شخصی و اجتماعی و سیاسی خود دریافت دارند و به گوش دل ندای آقا و مولای خود را که سخت نگران احوال و اوضاع است، بشنویم.

### **دل‌نگرانی‌های امام‌زمان ×**

آن حضرت از شیوع مفاسد، از مراکز فساد و از فرهنگسراها و ارگان‌های هنری و موسیقی، از ابتدالی که بانوان را به آن دعوت می‌نمایند، از گرایش آنها به ترک چادر، از شرکت آنها در بعضی از مسابقات ورزشی و عواقب سویی که این امور دارد، از همه نگران می‌باشد.

### **پیام نیمه شعبان**

پیام این مراسم عزیز این است:

مسلمانان و شیعیان! همه هشیار باشید؛ مسئولیت‌ها را درک کنید، جریان‌ها، اوضاع و احوال را زیر نظر داشته باشید؛ از حرکت‌ها و توطئه‌های دشمنان؛ غافل نباشید، فریب تبلیغات مسموم را نخورید؛ به پیش بروید؛ در علوم و فضایل و صنعت، پیشگام باشید؛ در تحقیق، اکتشاف و ابتکار برای امت اسلام، عزت‌آفرین باشید. استقلال اسلامی و هویت دینی خود را حفظ کنید؛ به آن افتخار کنید، نگذارید بدخواهان و بدان‌دیشان آن را تغییر دهند یا کم‌رنگ کنند؛ هویت اسلامی شما قرآن است؛ اذان است؛ نماز است؛ نماز جماعت است، ماه رمضان، ماه محرم و صفر است؛ مکه، مدینه، کربلا، نجف و مشهد است. عید نیمه شعبان، عید فطر و اضحی، عید غدیر و عیدهای اسلامی است؛ حجاب است، حرمت شرب خمر و قمار است؛ حرمت موسیقی، خوانندگی و نوازندگی است. پیام این مراسم، علم، دانش، کمال، امامت و تقوا است. مواضع اسلامی را نگاه دارید. غرب‌گرایی، افتخار به دوران‌های جاهلیت، اختلاط زن و مرد، ملامتی و مناهی و موسیقی همه ضد ارزش و ضد هویت اسلامی است.

### حفظ هویت اسلامی

هویت اسلامی در نوع تجارت، صنعت، در نوع لباس و مسکن، در هنر، در معاشرت‌ها و ارتباطات و در همه شئون زندگی، مشخص است؛ بیگانگان هم مسلمانان را به آن می‌شناسند؛ این هویت همواره هدف دشمنان اسلام بوده است. مسلمان باید این هویت را در هر کجا باشد - اگرچه در قلب اروپا و آفریقا باشد - حفظ کند؛ بدان بنازد و به شخصیت خود ببالد و افتخار کند و عزت اسلامی خود را نشان بدهد.

پیام این عید بزرگ این است که مسلمانان بر جای خود بمانند. شعار تکبیر و صلوات را زنده نگاه دارید و نگذارید به سوت و کف زدن تبدیل شود.

### امت پیروز

برحسب روایات، حضرت رسول اکرم| امت خود را به مثل این جمله «هُمُ الْقَادِرُونَ وَهُمْ الْقَاهِرُونَ»<sup>۱</sup> توصیف می‌نماید؛ پس اگر امتی مقهور و مغلوب بیگانگان شد، اگرچه ادعای اسلام کند، در امت آن حضرت بودن به کمال نرسیده است.

خداوند متعال از برکات این عید سعید و به دعای صاحب بزرگ آن، مسلمانان را در همه مواضع و مقامات، پیروز فرماید:

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۲۳

---

۱. دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۴۱۱؛ فیض کاشانی، تفسیرالصافی، ج ۱، ص ۳۱۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۳؛ ج ۱۶، ص ۳۴۷؛ ج ۱۷، ص ۲۹۱؛ ج ۸۹، ص ۲۷۱.

٣٥٢ ..... امامت و مهدويت / ج ٤

لطف الله صافى<sup>١</sup>





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»<sup>۱</sup>.

## روزها و رازها

ایام الله و روزهایی که در دور سال به مناسبت‌هایی، عزیز و گرامی و مبارک می‌باشند، فرصت‌های خوبی هستند که اگر از آنها برای کسب برکات و نوسازی شعایر و تجدید حیات حقیقی و تقویت مبانی اصولی و رشد ایمانی و اخلاقی و شعور انسانی و تعمیم ملکات فاضله و همبستگی اجتماعی و برادری و اخوت دینی استفاده شود، ثمرات بزرگ آن در جهت ساختن یک جامعه نیرومند، مستقل، زنده و پویا در مسیر ترقی و کمال بیشتر چشمگیر خواهد بود.

ماه مبارک شعبان به واسطه اعیاد و زادروزهای مبارک، دارای تالو خاص و جلوه‌های ویژه می‌باشد. روز مقدس میلاد سرور احرار، «بِحَقِّ الْحُسَيْنِ الَّذِي بَدَّلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنْ حِيرَةِ الظَّلامِ وَالظَّلَالِ إِلَى الْهُدَى»<sup>۲</sup>، سیدالشهدا ×

۱. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۱۸۰؛ همو، المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۳۳۴؛ فخر رازی، التفسیر الكبير، ج ۱۷، ص ۱۱۶؛ ج ۳۰، ص ۱۷۴؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ص ۳۶۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۵۵۲؛ ج ۹، ص ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱؛ ج ۸۰، ص ۳۵۲؛ ج ۸۴، ص ۲۶۷؛ ج ۸۷، ص ۹۵. «نسیم‌های رحمتی از جانب پروردگارتان در ایام زندگی تان هست؛ آگاه باشید در برابر آن نسیم‌ها، قرار بگیرید».

۲. «کسی که خون دل خویش را در راه تو (خدا) تقدیم کرد تا بندگان را از سرگردانی تاریکی و گمراهی، نجات دهد».

۳۵۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

فرصت، مکتب و مدرسی است و درس‌هایی که از آن می‌توان آموخت همیشه و در طول تاریخ انسانیت مورد نیاز و کوبندهٔ ظلم، استعلا و استکبار است.

### گم‌گشته همه انسان‌ها

حضور پر نشاط و پر شور جوامع شیعه خصوصاً در این کشور اهل‌بیت<sup>۸</sup> کشور ایران اسلامی در مراسم بزرگداشت نیمهٔ شعبان و عید ولادت یگانه امید همگان و نجات‌بخش جهان و جهانیان و مصلح موعود آخرالزمان «الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۱</sup>، ظهور درخشان قوت ایمان، و میل فطری همگان به برقراری حکومت جهانی عدل و احسان و محکوم بودن ظلم و عدوان، و استضعاف و طغیان است.

### بهره‌گیری مناسب از جشن میلاد

از این برنامه‌ها که به‌عنوان جشن و مجالس چراغانی، شادباش، مدیحه‌سرایی، سخنرانی و همایش و توزیع نشریات سودمند برگزار می‌شود، باید در جهت اهداف عالی آن وجود مقدس و حجة‌الله یگانهٔ زمان، بهره‌برداری شود و پیرامون شخصیت منحصربه‌فرد آن ولی‌خدا و ابعاد و اطراف و خصایص مأموریت بزرگی که بر عهدهٔ آن حضرت است - و درحقیقت مکمل بعثت همهٔ انبیا و رسالات آسمانی است - تبلیغ شود که همهٔ این برنامه‌ها موجب خشنودی و رضایت خاطر آن حضرت است و نیز همگان را از کارها و اعمالی که باعث نگرانی و رنجش خاطر آن حضرت می‌شود، بر حذر دارد.

---

۱. خراز قمی، کفایة‌الانتر، ص ۱۶۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۰. «کسی که به‌وسیلهٔ او، خداوند زمین را پر از قسط و عدل می‌کند همان‌گونه که از ستم و ظلم پر شده است».

### **فرصتی برای رفع کاستی‌ها**

در این ایام پربرکت شعبانیه، باید کاستی‌ها و نقاط ضعفی را که در جامعه داریم، مطرح کنیم؛ برای ترمیم و برطرف کردن آنها تصمیم بگیریم؛ بکوشیم در این فرصتی که تعبیر به فرصت طلایی برای آن بسیار کم است، استفاده فراوان کنیم؛ در برابر مظاهر فساد که معنویات، اخلاق و انسانیت جهان را به سوی سقوط، سیر می‌دهد، در برابر مراکز فساد و ابتذال، اختلاط زن و مرد، رواج معاصی و گناه به اسم هنر و به اسم تقسیم موسیقی به سنتی و غیرسنتی، در برابر یک سلسله مسابقه‌های نامشروع و در یک کلمه ترویج فساد اخلاق که به وسیلهٔ مفسدین و نویسندگان غیرمتعهد، مطبوعات، نشریات، مجلات و جراید ضالّه انجام می‌گیرد عکس‌العمل نشان دهیم.

باید مسلمانان و شیعیان اهل‌بیت<sup>^</sup> با این حضورهای مخلصانه و تعظیم و تجلیل از این شعایر و استفاده صحیح و آگاهانه از این مراسم، هویت دینی خود و استقلال اسلامی را هرچه بیشتر آشکار کنند و نگذارند این همه احساسات خالصانه و این علاقه‌های پاک و بی‌شائبه به هدر رود.

### **نیمه شعبان، نمود تعهد دینی**

نیمه شعبان یعنی اظهار وجود اسلامی و ولایی؛ ابراز شخصیت و استقلال دینی؛ حمایت از اسلام و مکتب اهل‌بیت<sup>^</sup> نیمه شعبان یعنی مبارزه با فساد و بدحجابی و مظاهر گناه، محکوم کردن همه انحرافات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و موضع‌گیری، موضع‌داری و بی‌تفاوت نبودن در برابر جریان‌های انحرافی و اسلام‌زدایی؛ نیمه شعبان یعنی امر به معروف و نهی از منکر، اجرای احکام اسلام و مقاومت در مقابل استکبار و غرب‌گرایی، و درحقیقت، حرکت، ایمان، استقامت و تلاش برای اعلاّی کلمه‌الله و عزّت و عظمت اسلام و مسلمانان.

۳۵۶..... امامت و مهدویت / ج ۴

برگزاری این همایش که به‌عنوان مهدویت و جهان آینده است، بسیار قابل تقدیر است.

اینجانب به سهم خود از برگزارکنندگان عزیز این همایش که بحمدالله تعالی در مسیر توسعه فرهنگ انتظار و ولایت، خدمات سودمندی را به جامعه و به نسل جوان تقدیم می‌دارند، تشکر می‌کنم.

و نیز برای تمام اشخاصی که در برنامه‌های نیمه شعبان، احساسات پاک ولایی و ارادت خود را به پیشگاه ملازمان خاص حضرت بقیةالله × اظهار می‌نمایند، تأیید و تسدید مسئلت می‌نمایم. امید آنکه همگان مشمول دعوات و عنایات آن امام همام باشند.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

شعبان المعظم ۱۴۲۴

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش مهدویت و جهان آینده، نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۴ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ مَوْلَانَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ « فِي دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ يَذْكُرُ فِيهِ مَوْلَانَا  
الْمَهْدِيَّ « وَيَدْعُو لَهُ:

«رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَّيَّبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ  
خَزَنَةَ عِلْمِكَ... اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا  
لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ،... فَهُوَ عِصْمَةُ  
اللَّائِدِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ  
فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ،... وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ  
وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ،... اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ  
أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ،... الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ  
بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي  
طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ،...»<sup>۱</sup>

با سلام و درود خالصانه خدمت حضار محترم، ارادتمندان و چاکران آستان

۱. صحیفه سجادیه، ص ۲۱۶ - ۲۲۰ (دعای ۴۷، دعای روز عرفه). «بارخدايا! بر پاکیزگان اهل بیت پیامبر، آنان که برای امر خویش اختیارشان نمودی و خزانه دار علم خویش قرارشان دادی درود بفرست... بارخدايا! به راستی تو در هر دوران، دینت را تأیید نمودی و امامی را که نشانه ای برای بندگانت و مشعلی در بلاد توست برانگیختی پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود گره زدی... پس او پناه پناهندگان و امان مؤمنان و دستاویز محکم چنگ زندگان و جمال جهانیان است. بارخدايا! پس به ولی خود شکر نعمتی که به او عطا فرمودی الهام نما... و به وسیله او کتابت و دستورات و شرایعت و سنت های پیامبرت که درود خدا بر او و خاندانش باد را برپا کن... بارخدايا! بر دوستانت که به مقام آنان معترف اند درود فرست... آنها که به ولایت ایشان، چنگ زده اند و به امامشان اقتدا کرده اند؛ تسلیم امر ایشان اند و در فرمانبرداری از آنها کوشایند و روزگار ایشان را انتظار می کشند».

۳۵۸..... امامت و مهدویت / ج ۴

فرشته‌پاسبان صاحب ولایت کامله تامّه عبد یگانه خدا، حضرت بقیّة الله، امام مبین و خلف انبیای مرسلین، مولانا و سیدنا الامام المهدی - ارواح العالمین له الفداء - که در این همایش مقدّس، همایش احادیث انتظار، و این مجلس باشکوه و عظمت روحانی به شرف حضور نایل شده و خود را در معرض نسیم‌های برکات و رحمت‌هایی که در آن نازل می‌شود قرار داده‌اید.

و با عرض تبریک و تهنیت خجسته سالروز آغاز ولادت آن امام عالمیان و صاحب زمان و ولیّ دوران× فرازهایی بلند و مشحون به حقایق عالیّه ولایی از دعای عالیّه‌المضامین روز عرفه را که تلاوت شد و صدور آن از حضرت امام زین‌العابدین× ثابت و مسلم است به‌عنوان هدیهٔ ثمینه‌ای که ابواب معارف عالیّه را بر قلوب، مفتوح می‌نماید تقدیم می‌دارم.

### **از محکم‌ترین اسناد ولایت**

این دعا که از ادعیّه صحیفهٔ کاملهٔ زبور اهل‌بیت و انجیل آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - است یکی از محکم‌ترین اسناد ولایت اهل‌بیت ائمه طاهرین<sup>^</sup> است که برای اثبات ولایت و شئون، ابعاد و جهات مقدّس آن اگر فرضاً هیچ سند دیگر نبود همین دعا در اثبات آن کافی و وافی بود.

حضرت امام زین‌العابدین× در این دعا پیرامون مسائل مهمّ ولایی مانند اصطفا و خصایص اهل‌بیت<sup>^</sup> و اختصاص آنها به شئون خاصّه و مقامات عالیّه و علوم لدنیّه و اصل مسئلهٔ لزوم وجود حجّت و امام در هر عصر و زمان و انحصار راه نجات به پیروی از ائمه<sup>^</sup> و وجوب اطاعت و تمسک به ایشان، مطالب بسیار مهمّ و حسّاسی را در کمال صراحت، بیان فرموده است.

### **امام‌سجاد× و چشم‌انداز ظهور**

سیره و وظایف امامان و وظایف امت را نسبت به آن بزرگواران، همه را گوشزد نموده و مخصوصاً برای حضرت ولیّ عصر× دعا فرموده است و در طیّ آن به

پیام‌های مهدوی / پیام هجدهم..... ۳۵۹

کارهای بزرگی که به دست آن حضرت، انجام خواهد شد، به سیره و چگونگی برنامه‌های گسترده آن حضرت و اقامه عدل و داد و ازاله ظلم و جور و وظایف شیعیان و فضایل منتظران ظهور و امور مهم دیگر اشاره فرموده است؛ هرکدام از این فرازاها و این سند عزیز و بی‌همتا عنوان کتاب بزرگی در مسئله امامت و انتظار است.

### لزوم توجه به دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه

متأسفانه چنان‌که شایسته است این فرازهای ولایی و نورانی مورد شرح و تفسیر قرار نگرفته است. امید است علما و بزرگان اهل فن و تحقیق، این دعا و این هدایت‌های صددرصد صواب را مورد دقت و استفاده قرار داده و قلوب همگان را از لمعان انوار هدایت آن، منور و روشن سازند.

حقیر عرایض را به پایان جمله‌هایی از دعا و صلوات آن حضرت بر منتظران ظهور و متمسکین به ولایت و عاملین به تکالیف و وظایف، خاتمه می‌دهم و حسن مقطع را با حسن مطلع، مقرون می‌سازم.

«اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَانِهِمْ... الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، ... ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّأكِيَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَثَبِّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۱</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

بیست و چهارم صفرالمظفر ۱۴۲۴

---

۱. صحیفه سجادیه، ص ۲۲۰ (دعای ۴۷). «بارخدا یا بر دوستان اهل بیت درود فرست؛ همان منتظران دوران ایشان؛ درودهایی پربرکت، پاکیزه و فزاینده در هر صبح و شام و بر ایشان و روانشان درود فرست و کارشان را بر تقوا فراهم نما و امرشان را اصلاح فرما و توبه آنان را بپذیر؛ زیرا تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی و بهترین آمرزندگان و ما را به سبب رحمت و مهربانی‌ات در سرای سلامت (بهشت) با ایشان قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان».

۳۶۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش حدیث انتظار، دانشجویان علوم پزشکی سراسر کشور، آمل، فروردین ۱۳۸۲ هـ. ش.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).<sup>۱</sup>

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر همه شیفتگان عدالت؛ سلام بر منتظران حکومت و جامعه واحد جهانی؛ سلام بر دوران و عصر دادگستر موعود.

سلام خدا و سلام همه انبیا و اولیا و فرشتگان و سلام ما و سلام عزیزانی که در این همایش مبارک و شریف حضور دارند بر امام مبین حضرت مهدی بقیه الله - ارواح العالمین له الفداء و عجل الله تعالی له الفرج -.

با تجلیل و تقدیر فراوان از برگزارکنندگان محترم این اجتماع نورانی و پرفیض که با نام گذاری آن به نام «همایش دانشجویی عدالت و مهدویت» یکی از بزرگ‌ترین رویدادهایی را یادآور شده‌اند که سیر جهان و حرکت زمان به طور قطع و یقین باذن الله تعالی به آن منتهی می‌شود، اینجانب نیز به طور اختصار پیرامون اهمیت این موضوع چند کلمه‌ای را به عرض می‌رسانم:

---

۱. قصص، ۵. «و ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین، قرار دهیم».

### یک رویداد بزرگ

این رویداد بزرگ، حکومت عدل حقیقی و جهانی، دنیای علم و دانش و عدالت‌گستری و حق‌پروری و برادری است؛ رویداد برجیده شدن هر بساط ظلم، بیدادگری، جهل، نادانی و خودسری است.

### به‌سوی آینده‌ای درخشان

عالم و جامعه انسانیت چنین عصر درخشانی را پیش رو دارد و سنّه‌الله بر این قرار دارد که این عصر تحقق یابد؛ بر اساس این قاعده و سنت همه باید به آینده جهان، امیدوار باشند و با این نور امید، انتظار نشاطبخش و عامل حرکت، مقاومت و استقامت، پیشگام و به‌سوی آینده‌ای درخشان در حرکت باشند.

### بشارت آسمانی

آیات متعددی از قرآن مجید این آینده را به بشریت نوید داده و انبیای سلف و احادیث معتبر بسیار از طریق شیعه و سنی همگان را به آن وعده داده‌اند. خلاصه این بشارت آن است که در زمانی که جهان پر از ظلم و جور، جهل و خودسری، زورگویی، استکبار، استعلا و استضعاف شده باشد به امر خدا، صالح‌ترین بندگان خداوند، ظاهر می‌شود و عالم را پر از عدل و داد می‌فرماید.

### دادگستر جهان

در حدود یکصدوپنجاه حدیث علاوه بر آیات قرآن مجید بر این معنا دلالت دارند که عبارت بسیاری از این روایات همان جمله معروف در:  
«يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱</sup>.

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۸۸ «زمین را از قسط و عدل پر می‌کند همچنان که از ظلم و جور پر شده است».

می‌باشد و عبارت دیگر به این تعبیر است:

«يَمْلَأُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَعَدْلًا بَعْدَ

جَوْرِهَا وَعِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا»<sup>۱</sup>.

خداوند متعال به وسیله آن شخصیت یگانه بعد از اینکه زمین را ظلمت و تاریکی فرا می‌گیرد پر از نور می‌فرماید؛ پس از آنکه جور و ستم آن را فرا گرفته باشد پر از عدل می‌فرماید و بعد از اینکه جهل و نادانی آن را فرا گرفته باشد پر از علم و دانش می‌فرماید.

این شخصیت یگانه، ابرمرد الهی است که برحسب ۲۲۳ روایت ملقب به «المهدی» و برحسب ۳۶۱ حدیث ملقب به لقب «القائم» است و از القابش حجة الله و بقیة الله و صاحب الامر و صاحب الزمان و خاتم الائمه و منقذ الامم و غایة النور و مصدر الامور است.

او همان امام دوازدهم و ولی دوران و صاحب زمان حضرت حجة ابن الامام الحسن العسکری ابن الامام الهادی علی النقی ابن الامام الجواد محمد التقی ابن الامام الرضا علی بن موسی ابن الامام کاظم موسی ابن الامام جعفر الصادق ابن الامام محمد الباقر ابن الامام السجاد علی زین العابدین ابن الامام سیدالشهداء ریحانة الرسول ابی عبدالله الحسین ابن مولانا امیرالمؤمنین و یعسوب الدین و قائد الغر المحجلین علی بن ابی طالب<sup>۲</sup> است و هو المسمی باسم جدّه رسول الله و المکنی بکنیته - کحل الله ابصارنا بتراب مقدم خدامه و عجل فرجه -.

در خاتمه با تشکر از دانشجویان عزیز و حضرات اساتید محترم دانشگاه -

---

۱. صدوق، کمال الدین، ص ۲۶۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۸۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ص ۲۰۳. «خداوند به وسیله او زمین را پس از ظلمت و ستم و نادانی پر از نور و عدل و علم می‌کند».

۳۶۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

ایدهم الله تعالی - از خداوند متعال برای همگان تأیید و توفیق مسئلت می‌نمایم. امید است در شرایطی که هویت اسلامی جامعه مورد هجوم و حمله بیگانگان قرار گرفته است با استقامت، آگاهی و بیداری، مراکز علمی مخصوصاً دانشگاه‌ها بیش‌ازپیش، حفظ این هویت و استقلال اسلامی را نصب‌العین قرار داده و خاطر انور حضرت ولی عصر<sup>ع</sup> را مسرور و خشنود نمایند.

**وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**

بیستم ربیع‌المولود ۱۴۲۴

اول خرداد ۱۳۸۲

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش دانشجویی عدالت و مهدویت، ارومیه، خرداد ۱۳۸۲ هـ. ش.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ)<sup>۱</sup>

با استقبال از برقراری این همایش باشکوه و با تشکر فراوان از برگزارکنندگان آگاه و اندیشمند این همایش عزیز و با تقدیم عرض تبریک به حضور فرهیختگان و علاقه‌مندان به بحث و بررسی پیرامون ابعاد عقیده به مهدویت و ظهور منجی بزرگ بشریت در این همایش؛ امید است ثمرات علمی و عقیدتی و ایمانی و تربیتی این‌گونه همایش‌ها بر استقامت و ثبات بر هویت و استقلال اسلامی و روحیه انتظار، امید و حرکت به‌سوی آینده بهتر بیفزاید.

### آینده‌شناسی اسلامی

چنان‌که می‌دانیم بخش مهمی از تعلیمات و هدایت‌ها و عقاید اسلامی و قرآنی و شعبه بزرگی از دعوت این دین حنیف، نگاه به آینده و حوادث و وقایع آینده و اخبار از آینده و جهان آینده است؛ وقایعی که اگر اجمال آنها در دسترس درک عقل باشد دسترسی به تفصیل و اشخاص و افراد آنها جز از طریق وحی و دلالت انبیا میسر نیست. دعوت انبیای سلف همه متضمن این پیش‌گویی و اخبار از آینده و مغیبات است.

---

۱. ص، ۸۸. «و خبر آن را بعد از مدتی می‌شنوید».

### اخبار غیبی

یکی از معجزات بزرگ و صددرصد قطعی که برای هرکس که در تاریخ اسلام، مطالعه داشته باشد موجب یقین کامل می‌شود اخبار حضرت رسول اعظم اسلام و امیرالمؤمنین<sup>×</sup> از مغیبات و آینده است و همان‌گونه که وجود شخص این دو شخصیت عظیم، ثابت است خبرها و پیشگویی‌هایشان از وقایع غیبی که در مسیر تاریخ وقوع یافت نیز ثابت است و از دلایل بزرگ عالم غیب و حقایق ادیان الهی است.

### اخبار تحقق یافته

به‌طور کلی اخبارات انبیا و خصوصاً شخص شخیص حضرت خاتم انبیا و حضرات ائمه طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - بر دو قسم است: بخشی از آن خبرهای انبیای سلف و کتاب‌های آسمانی و به‌ویژه قرآن مجید و احادیث شریفه از وقایع بسیاری که همه طبق آنچه خبر داده‌اند وقوع یافته و از مسلمات تاریخ و غیرقابل انکار است. این بخش بسیار گسترده و مطالعه آن موجب قوت معرفت و بصیرت است. خبر از این بخش از اوّلین روز مبعث و دعوت حضرت رسول اکرم<sup>|</sup> و به توحید و گفتن کلمه توحید آغاز شد و به مناسبت‌های مختلف بر آن افزوده شد و مرور زمان و وقوع آن حوادث بر قوت ایمان مؤمنان می‌افزاید و معنای:

**(وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ) ۱.**

آشکار گردید.

بدیهی است ایمان مؤمنان صدر اوّل که هنوز این اخبار صورت وقوع نیافته بود متکی بر معجزات و شواهد دیگر بود ولی به تدریج هرچه بر تاریخ اسلام

۱. ص، ۸۸. «و خبر آن را بعد از مدتی می‌شنوید».

پیام‌های مهدوی / پیام بیستم.....۳۶۷

گذشت و به آینده‌هایی که اسلام از آن خبر داده می‌رسیدند ایمان مسلمانان بیشتر و اعتقادشان به سایر خبرها از آینده کامل‌تر می‌گردید.

باری! این یک قسم اخبار از آینده است که صفحات بسیاری از تاریخ اسلام را فرا گرفته است.

### اخبار محقق‌الوقوع

قسم دوم اخبار از ملاحم و وقایعی است که هنوز زمان وقوع آنها نرسیده است اما باتوجه‌به وقوع آن بخش نخست معجزات و دلایل دیگر در آینده، واقع می‌شود: مانند انفطار آسمان، انتشار کواکب، تکویر آفتاب، انکدار نجوم، خروج دابّة الارض، نزول عیسیؑ، خروج دجال و بالأخره معاد، قیامت و حساب و غیره، همه این اموری که یا در قرآن مجید و یا در احادیث معتبر از آن خبر داده شده، در آینده واقع خواهد شد.

یکی از این امور که اخبار از آن در ردیف ثابت‌ترین خبرها و بشارت‌هاست و در آینده جهان حتمی‌الوقوع است و انبیای عظام از آن خبر داده‌اند و قرآن مجید برحسب تفاسیر محکم و متقن وعده آن را داده است و روایات و احادیث بسیار که تواتر معنوی و اجمالی و بلکه لفظی و تفصیلی بعضی از آنها ثابت است، ظهور موفورالسّرور حضرت خاتم‌الائمه و منقذ‌الامه، خلف انبیای مرسلین، امام مبین و حصن حصین و غیاث مضطرّ مستکین، امام عصر و صاحب زمان، مولانا و مولی‌الثقلین حضرت حجة بن الحسن العسکری المهدی - ارواح العالمین له الفداء - است.

برحسب بشارت قرآن و روایات، جهان به‌سوی دوران ظهور آن حجّت الهی یزدان و حکومت عدل جهانی در حرکت و سیر است؛ حوادث و وقایعی که پیش می‌آید، ناکامی‌هایی که نصیب بشر می‌شود و ظلم و ستم‌ها و جنایت‌هایی که بروز می‌کند و جاهلیتی که به‌سوی فراگیری پیش می‌رود و به نظام‌ها و حکومت‌های فاسد بر بشر مسلط می‌شود همه آن روز را نوید می‌دهند؛ علایم، هر روز بیشتر و

بیشتر می شود و امیدها به نزدیک شدن زمان یا وقوع علایم آن زیادتر می شود و اگر این اشعار را زبان حال بدانیم و به فال نیک گرفته و به آن مترنم باشیم سزاوار است.

<p>وَهَذَا إِمَامُ الْعَصْرِ بِالنَّصْرِ قَائِمٌ وَمَا كَذَبْتَ وَاللَّهِ تِلْكَ الْمَلَا حِمٌ وَمِنْ خَلْفِهِ تَسْرِي الْعُلَى وَالْمَكَارِمُ بِهِ عَادَ حَيًّا بَحْرُهُ الْمُتَلَا طِمُ بِهِ بُنِيَتْ آسَاسُهُ وَالِدَعَانِمُ فَنَادَى حَاطِبًا بِاسْمِهِ وَهُوَ بِاسْمِ كَمَا قَدْ سَعَى فِي أَمْرِ مَوْلَاهُ خَادِمُ بِأَمْرِكَ فَاحْكُم بِالَّذِي أَنْتَ حَا كِمُ سَرَى حَيْثُ أَجَالَ الْعَدَى تَتَزَا حِمُ يُصَلِّي وَرَاهُ وَهُوَ بِالنَّاسِ قَانِمُ وَمِنْ حَوْلِهِ اصْطَفَتْ أُسُودٌ صَرَاعِمُ</p>	<p>لَقَدْ ظَهَرَتْ بَيْنَ الْأَتَامِ الْعَلَا ئِمُ لَقَدْ بَشَّرْتَنَا بِالسُّرُورِ مَلَا حِمُ كَأَنِّي بِهِ وَالسَّعْدُ يَمْشِي أَمَامَهُ كَأَنِّي بِهِ وَالْعِلْمُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ كَأَنِّي بِهِ وَالذِّينَ بَعْدَ انْهَدَامِهِ كَأَنِّي بِجِبْرَائِيلَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ كَأَنِّي بِمِيكَائِيلَ يَسْعَى بِأَمْرِهِ كَأَنِّي بِإِسْرَافِيلَ تَهْدِفُ أَنْبِي كَأَنِّي بِعِزْرَائِيلَ فِي إِثْرِ سَيْفِهِ كَأَنِّي بِرُوحِ اللَّهِ فِي الْبَيْتِ قَدْ عَدَا كَأَنِّي بِأَمْلَاكِ السَّمَاءِ تَحْفُهُ</p>
--	---

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۲۴

لطف الله صافی<sup>۲</sup>

۱. به تحقیق در میان مردم، علایمی ظاهر شد و این امام عصر است که با نصرت، می آید. اخبار غیبی با شادی ما را بشارت دادند و به خدا قسم آن اخبار، کذب نیست. سعادت را می بینم که پیشاپیش امام است و بزرگی و مکرماتها در عقب اوست. می بینم که پس از مرگ علم، دوباره بحر متلاطم آن زندگی یافته است. دین را می بینم که پس از ویرانیها، اکنون به وسیله او پایه هایش بنا می گردد. جبرائیل را می بینم که بر بالای سر اوست و اسم حضرتش را می آورد و امام متبسم است. میکائیل را می بینم که همچون خادمی در خدمت اوست. اسرافیل را می بینم که صدا می زند من تحت فرمان توام؛ پس حکم کن که تو حاکمی. عزرائیل را می بینم که به دنبال شمشیر او می رود به گونه ای که (از شدت قتال حضرت) اجل های دشمنان (که در حال به پایان رسیدن هستند) متراکم شده (و در شلوغی به وجود آمده از این بابت به هم فشار می آورند). و دشمنان را می بینی که اجل هایشان شلوغ شده است. عیسی را می بینم که همراه با مردم در بیت الله به او اقتدا کرده است. فرشتگان آسمان را می بینم که بر گرد اویند و در اطرافش شیران شجاع و یارانش هستند.

۲. پیام به مناسبت نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۴ هـ ق.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ»<sup>۱</sup>.

و (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ)<sup>۲</sup>

از دست و زبان      کز عهده شکرش به  
کوه برآید      در آیید

### نعمت بزرگ حجّت

اعظم نعمت‌های الهی در هر عصر و زمان، وجود حجة الله است که به تصریح حضرت امیرالمؤمنین \* زمین خالی از وجود او نخواهد بود که یا ظاهر و مشهور و یا غائب و مستور است. اوست که نگهدارنده حجّت‌ها و آیات و بینات الهی از زوال و بطلان و ضیاع است.<sup>۳</sup> این نعمت اگرچه در یک کلمه «حجّت» عنوان می‌شود، اما مشتمل بر نعمت‌های بسیار و منبع و مصدر مواهب و عطیّات بی‌شمار است.

۱. کفعمی، البلدالامین، ص ۲۸۶؛ همو، المصباح، ص ۴۹۸.

۲. اعراف، ۴۳.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ (ج ۴، ص ۳۷)؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰ - ۱۷۱؛ ثقفی

کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۱۵۳.

### شکر نعمت

از وظایف بسیار مهم هرکس، شکر این نعمت است که هرچه بیشتر و وسیع تر برگزار شود، موجب کسب برکات زیادتیر و قرب و معرفت افزون تر می شود.

### مسئولیت ما در برابر حجت خدا

یکی از مظاهر درخشان شکر این نعمت، به خصوص یاد حجت خدا در ایام متبرک و روزها و اوقات متناسب به آن حضرت و گرامیداشت این روزها و شبها به دعا و عبادت و پرستش خدا و اصلاح امور و شئون دینی و احیای امر آن حضرت و تجدید عهد و انابه و بازگشت به خدا و رسیدگی و محاسبه نفس و مخصوصاً دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت می باشد که افضل اعمال است.

منتظران و دلباختگان شیدای حضرتش همواره با وجد و شوق و علاقه وصف ناشدنی، احساسات تابناک ولایی و ایمانی خود را اظهار می دارند که راستی باید این همه اظهار ارادت و خلوص را به درگاه ملازمان آستان آن ولی دوران و امام زمان، از پدیده های بزرگ دانست و نشانه تصرفات غیبی در قلوب این مردم مشتاق شمرد.

باید قدر این نعمت را بدانیم و همواره سپاسگزار و شاکر باشیم و با پاسداری از شعایر دین و هویت اسلامی، هجوم های اسلام ستیز و غرب شعار را محکوم و بی اثر سازیم و با حفظ عزت و استقلال اسلامی و غیرت دینی، قلب مبارک آن یگانه عالم را از خود مسرور داریم و مخصوصاً در شب مبارک ولادت آن ولی خدا، علاوه بر این مراسم عزیز، با جشن ها و چراغانی ها و برنامه هایی که همه

پیام‌های مهدوی / پیام بیست و یکم..... ۳۷۱

اعلام موجودیت و شعور و حیات و ایستادگی در مواقف و مواضع است، دشمنان را مرعوب و مأیوس سازیم، مراسم احیا و استغاثه و دعا برای تعجیل در فرج آن حضرت را با شکوه و عظمت انجام دهیم و خود را در مسیر رحمت‌ها و برکاتی که نازل می‌شود قرار دهیم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

چهاردهم شعبان المعظم ۱۴۲۴

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۴ هـ.ق.



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدمت ارجمندان عزیز و گرامی دانشجو و دانشور اعضای محترم جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز - ایدهم الله تعالی - .

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

با اعلام وصول نامه آن جامعه علمی، بشارت همایش با عنوان «جامعه مهدوی» که - ان شاء الله تعالی - با حضور اساتید معظم و دیگر فرهیختگان و دوستان ارجمند تحقق جامعه جهانی عدالت گستر مهدوی و دولت کریمه برگزار خواهد شد موجب کمال مسرت و ابتهاج گردید.

حقیر این ایام خجسته و عید فرخنده ولادت منجی حقیقی جهان و مصلح بزرگ دوران - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را خدمت همه عزیزانی که به شرف حضور در آن همایش روحانی مشرف و زینت افزای آن می باشند تبریک و تهنیت عرض می نمایم. امیدوارم برگزاری این همایش ها بر درک و بینش و شعور مذهبی و رشد فکری همگان بیفزاید.

انتخاب عنوان «جامعه مهدوی» متضمن معانی عالی و پیام های سازنده و نشانه توجه به نواقص جوامع دیگر است که هرکدام در بوتۀ آزمایش، بشر را قانع نکرده و جوابگوی مطالبات او در برقراری یک جامعه و نظام سالم و صالح نمی باشند.

در حال حاضر نظام و جامعه ای که در دنیا بیشتر عنوان دموکراسی و مردم سالاری و مدنی را به خود می بندد و نمونه جوامع به اصطلاح مدنی می باشد

پیام‌های مهدوی / پیام بیست و دوم..... ۳۷۳

رژیم آمریکا است که علناً در دنیا اوّل پرچم‌دار استعلا و استکبار و استضعاف جوامع دیگر است و درعین حال خودش در استضعاف صهیونیسم و بدترین مکتب‌های نژادپرست قرار دارد تا حدّی که سرانش به جای آنکه خود مستقلّ باشند تسلیم نیات پلید صهیونیست‌ها هستند؛ همان گروه اندکی که خود را بشر مافوق و درجه اوّل و شش میلیارد انسان‌های دنیا را بشر درجه دوم می‌دانند اما تناقض‌های این نظام چه در داخل و چه در خارج آن بسیار است.

### اصول جامعه مهدوی

جامعه مهدوی جامعه‌ای است، بر اساس نفی تمایز نژادی و نفی تناقض‌های اجتماعی، بر اساس اصل و اعلان:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)؛<sup>۱</sup>

بر اساس نفی برتری جویی و نفی هرگونه استعلا، و هدایت به شعار این آیه:

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا)؛<sup>۲</sup>

بر اساس نفی طواغیت و قلدران زمین و قلدرمآبی و استبداد و بنا به اصل:

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)؛<sup>۳</sup>

بر اساس عدالت در همه امور و الهام از:

---

۱. حجرات، ۱۳. «ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و گروه‌ها و قبایلی قرار دادیم تا یکدیگر را

بشناسید؛ به راستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شما است.»

۲. قصص، ۸۳ «آن خانه آخرت است که برای کسانی که طلب برتری و فساد نداشتند قرار دادیم.»

۳. نحل، ۳۶. «و به تحقیق در هر امتی، فرستاده‌ای را برانگیختیم تا خداوند را عبادت کنند و از طاغوت بپرهیزند.»

(كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ)؛<sup>۱</sup>

و نیز:

(وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ

لِلنَّفَوَىٰ)؛<sup>۲</sup>

بر اساس اصول:

(قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا)؛<sup>۳</sup>

«وَأَحِبِّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ»؛<sup>۴</sup>

(ادْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)؛<sup>۵</sup>

و همچنین:

«وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»؛<sup>۶</sup>

و نیز اصول متعدّد دیگر که در همه، نفی ظلم و خیانت و سوءاستفاده از مقام و جاه‌طلبی و ریاست‌خواهی و افراط و تفریط و نفی تناقض‌های اجتماعی و مفاسد دیگر منظور است.

---

۱. نساء، ۱۳۵. «كاملاً قیام به عدالت کنید؛ برای خدا شهادت دهید اگرچه این گواهی به زیانتان باشد».

۲. مائده، ۸. «دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند؛ عدالت پیشه کنید که عدالت به پرهیزکاری نزدیک‌تر است».

۳. بقره، ۸۳. «با مردم به نیکی سخن بگویند».

۴. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱ (ج ۳، ص ۴۵)؛ ابن‌شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص ۷۴؛ ابن‌طاووس، کشف‌المحجّه، ص ۲۲۶؛ مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۷۲، ص ۲۹؛ ج ۷۴، ص ۲۰۳، ۲۲۲. «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند».

۵. فصلت، ۳۴. «بدی را با نیکی دفع کن».

۶. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱ (ج ۳، ص ۵۱)؛ ابن‌شعبه حرانی، تحف‌العقول، ص ۷۷؛ ورام بن ابی‌فراس، تنبیه‌الخواطر، ج ۱، ص ۷۲؛ ج ۲، ص ۱۰۵؛ دیلمی، اعلام‌الدین، ص ۲۸۶. «بنده غیر مباش؛ به‌راستی که خداوند تو را آزاد آفریده است».

### **تناقض در دنیای به اصطلاح متمدن**

در دنیای امروز که رژیم‌های لایبک بیشتر بر آن حاکم‌اند و قدرت مادی و سلاح‌های کشتار جمعی را در دست دارند تناقض‌هایی دیده می‌شود که برای هر انسانی که ذره‌ای از فطرت انسانیت را داشته قابل قبول نیست. این تناقض‌ها در خود جوامع و در مراکز تصمیم‌گیری در مثل شورای امنیت و به وسیله مستکبران قوی پنجه ظاهر است و تمدن کنونی را زیر سؤال می‌برد؛ تناقضاتی که بین جامعه‌های سیر و مرفه و جامعه‌های محروم است از این تناقض‌ها است؛ در حالی که میلیون‌ها بشر از کودک و سالمند و زن و مرد در آفریقا و جاهای دیگر محروم و گرسنه به سر می‌برند در جامعه‌های زورگو که ثروت دنیا را بلعیده و می‌بلعند گاه مخارج یک مجلس خوش‌گذرانی و عشرت و شهوت‌رانی به مبلغی می‌رسد که اگر به همان انسان‌های شرافتمند فقیر بدهند خرج سال هزاران نفر آنها را تأمین می‌نماید.

### **به سوی مدینه فاضله**

جامعه مهدوی یعنی نفی تمام این ضعف‌ها و فسادها، یعنی انتظار چنان جامعه واحد جهانی و مدینه فاضله حقیقی که همه ارکان و اعضا و نهادهایش همان‌گونه که طرح آن از طرف شخص رسول اعظم داده شده، مانند اعضای بدن انسان واحد، انجام وظیفه می‌نماید.

مسیر همه جوامع به سوی این جامعه است و رسیدن بشر به این جامعه، سنت الهی و قاعده تخلف‌ناپذیر است، هرکس که بخواهد مانع از تحقق این جامعه مهدوی شود معارضة و ممانعت وی در هم کوبیده می‌شود.

### **راه سعادت**

در اینجا تذکر این نکته مناسب است که تا دنیا به آن جامعه بزرگ مهدوی

۳۷۶ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

نرسیده است جامعه‌های کوچک اگر بخواهند در سعادت، آسایش، قدرت، قوت، عزت و عدالت، زندگی کنند باید همان اصول و مبانی جامعه مهدوی را اصل و مبنای حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود قرار دهند و آن را معیار بدانند و صلاح یا فساد خود را با آن بسنجند.

### نمونه‌ای از جامعه مهدوی

اکنون با این میزان از جوامع کوچک شهری و روستایی، می‌توان جامعه‌ای را که مهدوی است شناسایی کرد؛ در هر شهر و روستایی که حق رعایت می‌شود، از حق حمایت می‌کنند، به حق عمل می‌نمایند، اتحاد و برادری به چشم می‌خورد، تعلیم و تربیت صحیح و تقدیر از اخیار و دانشمندان در آنجا رایج است، در امانت، خیانت نمی‌کنند و خلاصه، حیات دینی و انسانی دارند؛ آن جامعه - اگرچه یک روستا باشد - جامعه مهدوی است.

من از خداوند منان می‌خواهم که فرج آن امام عزیز و مصلح جهانی را نزدیک نماید و همه ما را از یاوران و سربازان حقیقی ایشان قرار دهد و اسلام و اسلامیان را نصرت و قوت و شوکت عنایت فرماید.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۲۴

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به افتتاحیه همایش دانشجویی جامعه مهدوی، تبریز، ۲۸ و ۲۹ مهر ۱۳۸۲ هـ. ش.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ<sup>۱</sup>.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَسَلَامٌ عَلَى مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ  
صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُعَلِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَيَاسِطِ الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ، بِقِيَّةِ  
اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ - أَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ - وَالسَّلَامُ  
عَلَى شِيعَتِهِ الثَّابِتِينَ عَلَى وِلَايَتِهِ الْمُنْتَظَرِينَ لظُهُورِهِ.

با عرض تبریک و تهنیت به مناسبت ایام الهی و خجسته مهدویت، این سعادت بزرگ را که همه ساله جهت تعظیم و تکریم از عید سعید ولادت غوث امان و یگانه دوران و صاحب عصر و زمان، امام جهان و جهانیان و موعود همه ادیان و پیامبران، نعمه الله العامه و کلمته التامه، النور المبين و الكهف الحصين، حضرت مولانا المهدي الحجة بن الحسن العسكري - عليه وعلى آباءه الطاهرين افضل صلوات المصلين - برگزار می گردد و توفیق ابراز احساسات ولایی و مذهبی و اعلان و اعلام حیات و وجود اسلامی فراهم می شود گرامی می داریم.

---

۱. آل عمران، ۲۰۰. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و تقوای خدا را پیشه کنید تا رستگار شوید».

### برکات تعظیم مکتب مهدویت

تعظیم و تجلیل از فرهنگ و مکتب مهدویت و انتظار فرج از افضل و اعظم حسنات و اشرف قربات است؛ در ایام مهدویت، مکتب حیات بخش اسلام و قرآن کریم، مکتب آگاهی و بیداری، مکتب ایمان و حیات و رشد و شعور، مکتب گرایش به عدل و داد و انصاف و احسان و برادری، مکتب علم و معرفت و بصیرت، ترویج می شود و درس ها و پیام هایی از این مکتب به همگان ابلاغ می گردد که ناامیدی ها را به امید و توقف ها را به حرکت و افسردگی ها را به نشاط و شور و شوق، مبدل می سازد. در این ایام مبارک، باید به عمق برنامه ها و ابعاد مفید و معنوی آن، که از هر جهت، سازنده و فراگیر است توجه شود و نقاط ضعف و قوت جامعه مطرح گردد و منابر و مقالات و سخنرانی ها و نشریات، همه، اجتماع را به سوی فرهنگ مهدویت و انتظار، دعوت نمایند.

### عصر امتحان

فرهنگ انتظار و مهدویت که همان فرهنگ راستین اسلام و قرآن است در عصر ما که عصر ارتباطات است مورد هجوم سیاستمداران و ریاست طلبان و جهان خوارانی که اسلام را مانع بزرگ رسیدن به اهدافشان می دانند قرار گرفته است و از هر طرف به اسلام و جامعه مسلمانان، حمله می کنند و همان گونه که در احادیث شریفه از آن خبر داده شده است برای این امت و شیعیان اهل بیت<sup>ع</sup> امتحانات خطیری پیش خواهد آمد و آنان تخلیص و تمحیص می شوند تا حدی که جز آنان که ثبات قدم و استقامت می ورزند و مانند کوه بر جای خویش، استوار می مانند کسی بر جای نمی ماند و دیگران، هویت مذهبی و استقامت دینی خود را از دست می دهند.

### **مهم‌ترین وظیفه در عصر غیبت**

چنان‌که از احادیث شریف استفاده می‌شود مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر مسلمانی در عصر غیبت دارد حفظ هویت و شخصیت اسلامی است، همان چیزی که دنیای استکبار و کفر برای مخدوش کردن و کم‌رنگ کردن آن با همه عوامل تبلیغاتی و ایادی مزدور و سیاست‌های مزورانه در همه کشورهای اسلامی و هر کجا که مسلمانی باشد تلاش می‌کند.

### **دشمن و سیاست اسلام‌زدایی**

اگر کسی به همین تاریخ اسلام در یک‌صدسال پیش تاکنون رجوع نماید می‌فهمد که دشمنان اسلام برای اسلام‌زدایی و محو هویت مسلمانی و مهجور شدن شعارها و سنت‌های دینی چه نقشه‌هایی را پیاده کرده و چه دست‌هایی در کار بوده و هست که التزامات و تعهدات مسلمانان را به اسلام و قرآن، ضعیف نمایند و آنها را در اظهار وجود و استقلال اسلامی و اجرای قوانین اسلامی بی‌تعهد نمایند، هرکدام از دولت‌های استعمارگر در بخشی از جهان وسیع اسلام، این سیاست را دنبال کردند و تا آنجا پیش رفتند که در بعضی نقاط، مسلمانان را به تغییر اسم‌های اسلامی مجبور نمودند؛ در اینجا مجال شرح سیاست‌های به اصطلاح اسلام برانداز آنها و خیانت عوامل به اصطلاح روشنفکر و افرادی مثل رضاخان و مصطفی کمال و... و روزنامه‌ها و قلم به دست‌های مزدور، نیست؛ اجماًلاً مشروطه منهای مشروعه، کشف حجاب، ممنوع شدن شعایر دینی و مجالس تبلیغی و روضه و حتی همین برنامه‌های مهدویت و آزادی منکرات و اختلاط فیزیکی زن و مرد، همه‌وهمه برای نفی هویت اسلامی بود و اکنون هم ادامه دارد. مسئله منع حجاب مسلمانان در مدارس و دانشگاه‌های فرانسه و قرار

گرفتن آن در صدر مسائل و رویکردهای آن دولت، از شعب همین برنامه‌ها است؛ بدحجابی‌هایی که در خود جامعه ما نیز هست و حمایت‌هایی که از آن می‌نمایند و اصرار بر ترویج موسیقی و فیلم‌های مبتذل و تشویق خوانندگان و نوازندگان و برنامه‌هایی از این قبیل و هدایایی که به آنها از بیت‌المال داده می‌شود و مراکز و مطبوعاتی که هنر را ابزار ترویج ملامهی و مناهی و مطالب غیراسلامی کرده‌اند، همه را عمال سیاست‌های معارض با اسلام اجرا می‌نمایند و این اسلام و مسلمانان متعهد و فداکار و مخلص هستند که در برابر این اعمال مقاومت نموده و بر حساسیت اسلامی خود پایداری می‌نمایند و شعار الله اکبر را بلندتر و رساتر در قول و عمل، زنده نگاه می‌دارند.

### تأکید بر استقامت در عصر غیبت

در این عصر غیبت و امتحان، وظیفه همگان است که در حفظ شخصیت اسلامی خود و نفی این سیاست‌ها استقامت ورزند و اعلام وجود و حیثیت و شخصیت بنمایند. در اخبار و احادیث در مورد حفظ هویت اسلامی در عصر غیبت تأکید و سفارش بسیار شده است؛ این روایت را ملاحظه فرمایید: در کتاب شریف **کمال‌الدین**، شیخ اجل صدوق از امام زین‌العابدین<sup>ع</sup> روایت نموده است که فرمود:

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَىٰ مَوَالِنَا (وَلَايَتِنَا) فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ»؛<sup>۱</sup>

«هرکس در غیبت قائم ما بر موالات و ولایت ما ثابت بماند خداوند

متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید».

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۳۲۳؛ قطب راوندی، الدعوات، ص ۲۴۷؛ اربلی، کشف‌الغمه، ج ۳، ص ۳۲۹؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۴۲؛ حر عاملی، اثبات‌الهدایة، ج ۵، ص ۸۱؛ نگارنده، مستخب‌الاثرو، ج ۳، ص ۲۳۸.

### معنای ولایت‌مداری

این ثبات بر ولایت که آن‌همه ثواب دارد ثبات بر هویت و بر شخصیت دینی و استقامت بر تعهدات اسلامی است و بر همین حفظ هویت دینی و استقلال مذهبی و صبر و پایداری تأکید دارد. مسلمان صاحب‌الزمانی تحت‌تأثیر هیچ جوی تن به ذلت نمی‌دهد؛ با شجاعت، با قدرت و همت و با نیروی ایمان و علم، با شعارهای توحیدی الله اکبر و لا اله الا الله با اقتدار باید به پیش‌برود و بداند که جهان، به‌سوی اسلام، به‌سوی جامعه جهانی اسلام و به‌سوی مدنیت قرآنی و جامعه مهدوی است و این وعده الهی تخلف‌ناپذیر است.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان‌المعظم ۱۴۲۵

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت نیمه شعبان‌المعظم ۱۴۲۵ هـ.ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ  
بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عِلْمًا).<sup>۱</sup>

### توجه به صفت علم و قدرت الهی

یکی از عقاید اصلی که بر اساس آن عقاید مهم دیگر، مقبول و ثابت است عقیده به علم و قدرت نامحدود خداوند متعال - جلّت قدرته و حکمته - است. صفت علم و قدرت خداوند در تمام ماسوا، و مخلوقات و کائنات زمینی و آسمانی و اجزا و اعضای عالم ظهور دارد و حتّی آیاتی که در بخشی از وجودی واحد مثل یک درخت یا حیوان یا انسان وجود دارد غیر قابل احصا است و هرکدام، موضوع علم و فنّ خاصی است که دانشمندان در آن مطالعه و تحقیق می‌نمایند، همه این کائنات، آیات و کلمات الهیه هستند که بر آنها در آیاتی مثل:

(إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ

---

۱. طلاق، ۱۲. «خداوند کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمانش پیوسته در میان آنها فرود می‌آید تا بدانید خداوند بر هر چیز توانا است و اینکه علم خداوند بر هر چیز احاطه دارد».

لأُولِي الْأَلْبَابِ)؛<sup>۱</sup>

وَقَوْلُهُ تَعَالَى:

(وَكَايِنَ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ

عَنْهَا مُعْرِضُونَ)؛<sup>۲</sup>

وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ:

(وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامَ وَالْبَحْرِ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ

سَبْعَةَ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ)؛<sup>۳</sup>

وَقَوْلُهُ تَعَالَى:

(قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ

كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا)؛<sup>۴</sup>

وَقَوْلُهُ عَزَّ اسْمُهُ:

(وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ \* وَفِي أَنْفُسِكُمْ)؛<sup>۵</sup>

وَقَوْلُهُ تَعَالَى:

(سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ

---

۱. آل عمران، ۱۹۰. «به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز، نشانه‌هایی برای صاحبان بصیرت است».

۲. یوسف، ۱۰۵. «و چه بسیار نشانه خداوند در آسمان‌ها و زمین که آنان بر آن می‌گذرند در حالی که از آن روی گردانند».

۳. لقمان، ۲۷. «و اگر همه درختان زمین، قلم شوند و دریا بر آن مرکب شود و هفت دریاچه به آن افزوده شود کلمات خداوند پایان نمی‌پذیرد».

۴. کهف، ۱۰۹. «بگو، اگر دریا برای [نوشتن] کلمات پروردگارم، مرکب باشد، بی‌شک آن دریا، پیش از به پایان رسیدن کلمات پروردگارم، به پایان می‌رسد، ولو آنکه مددی همانند آن به میان آوریم».

۵. ذاریات، ۲۰ - ۲۱. «و در زمین و جان‌هایشان نشانه‌هایی برای جویندگان یقین است».

### الْحَقُّ؛<sup>۱</sup>

اشاره شده است که نه تنها در همه بلکه بسا در یک واحد آنها که با چشم غیرمسلح غیر قابل رؤیت‌اند آیات بسیار باشد، دلایل علم و حکمت و قدرت حق هستند و زبان و بیان از توصیف آن، عاجز است و همان‌گونه که با قدرت غیرمحدود خداوند، امکان وجود هزاران منظومه و حوزه‌های دیگر غیر از آنچه تا به حال کشف شده ثابت است، امکان و تحقق عالم غیب و بهشت و جهنم و عرش و کرسی و عالم برزخ و قیامت و ملائکه و معجزات انبیا مثل قلب عصا به اژدها یا خروج ناقه از سنگ و احیای موتی و معراج، همه بر اصل محکم (إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)<sup>۲</sup> ثابت است.

### غفلت از قدرت الهی

اگرچه آنچه در عالم وجود است به قدرت خدای قادر موجود است اما عادت انسان به مشاهده آنها موجب غفلت او از توجه به عظمت آنها شده است؛ به این جهت معجزات انبیا و برخی حالاتشان و توجه و عنایات خاصی که به آنها شده است و خبرهایی که آنان از برخی عوالم و وقایع آینده داده‌اند برای بعضی مورد استعجاب و استبعاد می‌شود بلکه بسا بعضی جهال آنها را انکار نمایند و قدرت قادری را که جهان خلقت و آسمان‌ها و زمین را آفریده است در مثل معجزات و آیاتی که به دست انبیا و اولیا، ظاهر شده غریب‌الوقوع بشمارند.

۱. فصلت، ۵۳. «به‌زودی نشانه‌هایمان را در اطراف جهان و در جان‌هایشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار گردد که او حق است».

۲. بقره، ۲۰. «به‌راستی که خداوند بر هر چیزی توانا است».



### نقش زیربنایی توحید

به هر حال، غرض از این مقدمه، بیان این نکته است که بخش‌های مهمی از مسائل اعتقادی زیاد بر پایه اعتقاد به قدرت الهیه، غیر قابل نفی و انکار است و با ثبوت اخبار پیغمبر ثابت‌النبوه و یا امام ثابت‌الامامه تحقق آن ثابت است؛ بنابراین همه مسائلی که در قرآن مجید و احادیث صحیحیه از عوالم غیبی و ملائکه و معجزات انبیا، بهشت و جهنم، عذاب و عقاب و ثواب، عالم برزخ و شفاعت و معراج و ظهور حضرت مهدی<sup>×</sup> و مطالب دیگر از آنها خبر داده شده همه ثابت و مسلم‌التحقق است و وجهی برای انکار یا استغراب آنها نیست چنان‌که در آیات پایانی سوره مبارکه «یس» در مورد معاد، خداوند متعال، استبعاد کفار را به همین عموم علم و قدرت، جواب فرموده است.

### عقیده به مهدویت

یکی از اعتقادات صحیحیه‌ای که بر اساس خرق عادات، مثل معجزات انبیا است و هر مسلمان اعم از شیعه و دیگران باید به آن اعتقاد داشته باشد عقیده به وجود حضرت مهدی، الحجة بن الحسن العسکری<sup>×</sup> است که تقریباً بیشتر جوانب وجودی ایشان از ولادت و غیبت و عمر طولانی و کیفیت ظهور و جهات دیگر به صورت خرق عادت و معجزه است؛ مثل بقای عیسی و نزول او در آخرالزمان و اقتدای او به حضرت مهدی<sup>×</sup>، علامات حتمیه ظهور مثل صیحه آسمانی و خسف بیداء، همه این امور، به طور اعجاز، واقع می‌شود؛ بنابراین توجیه و تفسیر این امور بر حسب قواعد عادیه، غیرلازم بلکه خارج از موضوع است و بسا که موجب اقناع بعضی نشود. مسئله اعجاز و تعلق قدرت الهی است مثل مسئله تکلم عیسی<sup>×</sup> در گهواره و بلکه خلقت عالم و زمین و آسمان است که برای آن نمی‌توان چیزی را مشابه آورد و با شواهد طبیعی آن را قیاس کرد؛ طول

عمر حضرت ولیّ عصر<sup>×</sup> و بعضی جهات دیگر مربوط به آن حضرت از معجزات و از آیات الهیه است و استشهاد برای آن به طول عمر طبیعی حضرت نوح<sup>×</sup> یا معمرین دیگر لازم نیست و اگر اصلاً نظیر هم نداشته باشد ثابت است چنانکه خلقت حضرت آدم و حوا و حضرت عیسی<sup>^</sup> هم به همان نحو بی سابقه، ثابت است؛ این امور، امر الهی است و هرکس به خدا و رسول، مؤمن باشد باید همان طور که به خدا و رسول و به عالم غیب معتقد است به امر حضرت مهدی<sup>×</sup> معتقد باشد. چنانکه مسلمانان صدر اسلام به اخبار غیبیه‌ای که از حضرت رسول<sup>|</sup> می شنیدند پیش از وقوع آنها ایمان داشتند و چنانکه در این زمان و در هر زمان دیگر هر مسلمان به خبرهای قرآن کریم از آینده‌هایی که هنوز نیامده و وقایع و حوادثی که اتفاق خواهد افتاد ایمان دارد جوهر و حقیقت ایمان به صدق انبیا از ایمان به مثل ظهور حضرت مهدی<sup>×</sup> و ظهور آن آیات و معجزات از آن حضرت و نزول حضرت عیسی مسیح<sup>×</sup> و اقتدایش به حضرت مهدی<sup>×</sup>، در نماز و پر شدن جهان از عدل و داد، غیر قابل انفکاک است.

(ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ).<sup>۱</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۲۵

لطف الله صافی<sup>۲</sup>

۱. انعام، ۹۶. «این اندازه‌گیری خدای عزیز و دانا است».

۲. پیامی دیگر به مناسبت نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۵ هـ ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ).<sup>۱</sup>

### حرکت جهان به سوی کمال

کتاب‌های آسمانی، انبیا و پیغمبران و کسانی که به واسطه تخصص علمی خود حتی از راه نجوم و علوم غریبه و فلسفه تاریخ و مطالعه در سیر جوامع و حوادث و حرکاتی که در کائنات وجود دارد و علی‌الدوام همه را در تغییر و حرکت می‌بینند و حرکت‌ها را از مبدأ تا منتهی و پایان مشاهده می‌نمایند، همه بر این اتفاق دارند که این قاعده حاکم بر اجزای جهان، کل عالم را نیز شامل می‌شود و همان‌گونه که یک دانه در اثر حرکت، شکافته می‌شود و بروز و ظهور و حرکت می‌کند و مراتب را یکی پس از دیگری طی می‌نماید تا به مرتبه کمال و ظهور می‌رسد مجتمع انسانی نیز در حرکتش همواره در تغییر است تا به تحوّل شگرف و فراگیر و جهان‌شمول خواهد رسید. جمعیتی را که پشت سر می‌گذارد هیچ‌کدام - اگرچه دارای نقاط قوتی نسبت به دیگران باشد - نقطه بلوغ و کمال مجتمع انسانی و اسلامی نیستند، و عدل و امنیت

---

۱. انبیاء، ۱۰۵. «و به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند».

فراگیر، و علم و معرفت گسترده ندارند؛ نقطه‌نهایی کمال و بلوغ مجتمع انسانی، آن جامعه‌ی یگانه جهانی است که همه این نعمت‌ها برای همه و در اختیار همه باشد و اعلان:

(إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ)<sup>۱</sup>

در آن تحقق عینی یابد.

### یک دوران استثنایی

برحسب تمام این مدارک و مبانی این عصری که جهان در پیش رو دارد در طول حضور بشر در روی زمین بی سابقه است و ویژگی‌های آن در عصر هیچ‌یک از انبیا و رجال، ظاهر نشده است، عصر همه پیغمبران به لحاظ نسبت به پیامبر هر عصر، شرافت و فضیلت داشته است و حادثه ظهور آن پیغمبر، جالب و برای مجتمع بشر حرکتی به سوی پیش بوده است اما هیچ‌کدام - به استثنای عصر حضرت خاتم‌الانبیا، محمد مصطفی| که به جهت اشمال آن بر عصر حضرت مهدی× ویژگی‌های عصر مهدوی را نیز دارا است اعظم‌العصار و اشرف‌الازمان است - پایان اعصار و نهایت حرکت مجتمع نبوده‌اند و همه پیغمبران این اعصار و حتی شخص حضرت خاتم‌الانبیا| بشریت را به این عصر بشارت داده و در انتظار این عصر گذارده‌اند.

### ویژگی‌های عصر موعود

عصری که در آن زمین پر از عدل و قسط گردد و همه جا امنیت و آرامش و اطمینان حاکم گردد و میلیاردها بشر در همه جا تحت حکومت واحد و قانون

---

۱. مؤمنون، ۵۲. «به راستی که این امت، امت واحد است و من پروردگار شمایم پس از مخالفت فرمان من بپرهیزید».

پیام‌های مهدوی / پیام بیست و پنجم..... ۳۸۹

واحد قرار بگیرند و برکات زمین و آسمان ظاهر گردد عصری نمونه است و کسی که به وسیله او و به دست او، دگرگونی جهان صورت تحقّق می‌یابد، باید او باشد و او بیاید و فقط او مرد این موقعیت است. امام عصر بلکه صاحب اعصار حضرت مهدی الحجة بن الحسن العسکری - علیه و علی آباءه الطّاهرين الصلاة والسلام - است که عصر ظهورش عصر اسلام، عصر عدل و انصاف، عصر برادری و رحم و اخلاق و احسان و عصر عقل و علم و روشنایی و بیداری و هوشیاری و معرفت و آگاهی است.

اگر سوگند خداوند متعال در سوره عصر:

(وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)؛<sup>۱</sup>

سوگند به این عصر باشد چنان‌که بعضی روایات بر آن دلالت دارند<sup>۲</sup> عظمت این عصر معلوم می‌شود و مثل سوگند به صافّات و زاجرات و تالیات و ذاریات و حاملات و شمس و قمر و شب و روز، اشاره و سوگند به مظاهر بزرگ قدرت الهی است.

### آزمونی خطیر

عصر غیبت امام × هم عصر امتحان و عصر تمحیص و تخلیص است؛ کسانی در این عصر در هویت اسلامی و مذهبی ثابت می‌مانند که در این امتحانات و نمونه‌گیری‌ها خود را نباخته و با استقامت و ثبات قدم، شخصیت اسلامی خویش را حفظ نمایند و با کمال استقلال بر سنت‌های اسلامی پایدار بمانند و از تشبّه به کفّار و غرب‌گرایی در سنت‌ها، لباس و عادات محفوظ بمانند. برحسب بعضی از

۱. عصر، ۱ - ۲. «قسم به عصر؛ به راستی که انسان در زیان است».

۲. صدوق، کمال‌الدین، ص ۶۵۶؛ فیض کاشانی، تفسیرالصافی، ج ۵، ص ۳۷۲؛ حر عاملی، اثبات‌الهداة، ج ۵، ص ۱۰۹؛ بحرانی، البرهان، ج ۵، ص ۷۵۲؛ حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۶.

۳۹۰..... امامت و مهدویت / ج ۴

اخبار امتحانات آن قدر شدید می شود که بسا شخص صبح کند در حال ایمان و شب کند در حالی که از اسلام خارج شده و کافر باشد؛<sup>۱</sup> مؤمنین باید بسیار مواظب خود باشند، مواظب گفتار و حرف هایی که می زنند و نوشته هایی که می نویسند و می خوانند و اظهار نظرهایی که می کنند. کتب و مطبوعات و مجلات و جراید ضلال و مراکز فساد به عنوان هنر و غیره زیاد شده است. خطراتی که مخصوصاً ایمان و اخلاق جوانان و عفت و حجاب و شخصیت بانوان را تهدید می نماید بسیار است. تشویقاتی که از ابتذال و از اختلاط زن و مرد و مناهمی و ملامتی به عنوان هنر و سینما و غیره می شود همه امتحان است و در اخبار آخر الزمان از شیوع این برنامه ها و به اصطلاح آزادی ها، خبر داده اند همان طور که در سوره عصر می فرماید:

«همه در خسارت و زیان اند مگر آنها که ایمان و عمل صالح دارند و

یکدیگر را به حق و صبر و شکیبایی سفارش می نمایند».<sup>۲</sup>

امید آنکه خداوند متعال با دعای حضرت بقیة الله × جامعه ما خصوصاً جوانان عزیز را از خطرات آخر الزمان حفظ فرماید.

**وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**

شعبان المعظم ۱۴۲۵

لطف الله صافی<sup>۳</sup>

---

۱. ابن حماد، الفتن، ص ۱۵، ۲۳، ۹۵؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۳۷۲، ص ۳۹۰ - ۳۹۱، ۵۲۳؛ ج ۳، ص ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۲۷۷، ۴۰۸، ۴۱۶؛ ترمذی، سنن، ج ۳، ص ۳۳۰ - ۳۳۱؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۳۸۰ - ۳۸۱؛ ج ۳، ص ۴۹، ۱۵۶؛ ج ۵، ص ۲۹؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۸۱، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۸ - ۳۰۹.

۲. عصر، ۲ - ۳.

۳. پیام به ششمین گفتمان مهدویت، قم، نیمه شعبان المعظم ۱۴۲۵ هـ ق.



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با عرض سلام و تبریک یوم‌الله نیمه شعبان، عید سعید ولادت حضرت منجی بشر، ولی‌الله منتظر، امام مبین و کشف حصین، مولانا المهدی، بقیة‌الله - ارواح العالمین له الفداء -؛ این چند کلمه را خدمت برگزارکنندگان پنجمین اجلاس بررسی ابعاد آن وجود مبارک، تقدیم می‌دارم.

### برنامه‌های مهدوی و معرفت‌افزایی

همایش‌ها و اجلاس‌ها و میزگردها و هر برنامه دیگر که به منظور تجدید یاد و عهد، و تحکیم ارتباط با حضرت مولی‌الوری، خلف انبیای مرسلین، مصداق:

(وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ)؛<sup>۱</sup>

و مقصود از:

(فَمَنْ يَأْتِكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)؛<sup>۲</sup>

باسط‌الامن و الامان، صاحب‌الزمان - عجل الله تعالی فرجه - برگزار می‌شود برای معرفت شئون عالیه و مقامات متعالیه آن حضرت، اوضاع جهان پیش از ظهور در عصر غیبت و بعد از ظهور و مطالب مهم دیگر بسیار لازم و مفید است و بر آگاهی همگان، به خصوص نسل جوان از آن آینده درخشان و وظایف و مسئولیت‌هایی که در این دوره غیبت بر عهده داریم می‌افزاید.

۱. یس، ۱۲. «و همه چیز را در کتابی روشنگر برشمرده‌ایم».

۲. ملک، ۳۰. «اگر آب در زمین فرو رود [و ناپدید گردد] چه کسی برای شما آب روان می‌آورد؟».

### معرفت حجت، نجات از مرگ جاهلی

اولین و مهم‌ترین فایده آن، نجات از مرگ جاهلیت است که برحسب حدیث شریف مسلم‌الصدور و متفق‌علیه بین الخاص و العام، هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت، مُرده است:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ (فَقَدْ) مَاتَ مِيتَةً

جَاهِلِيَّةً»<sup>۱</sup>.

ایوبی قندهاری از علمای اهل سنت در حاشیه شرح عقائد نسفیه که این حدیث را به طور ارسال مسلم نقل نموده است می‌گوید:

وَلَا يَخْفَى مَا فِيهِ مِنَ التَّشْدِيدِ الْعَظِيمِ؛

آنچه در این حدیث از تشدید بزرگ بر امر امامت است پوشیده نماند. بدیهی است چنین تشدید، تعظیم و تأکیدی بر زمامداران و حکامی که بدون لیاقت و صلاحیت و نصب شرعی، واجب‌الاطاعه شمرده شدند، قابل انطباق نیست؛ امثال حاکمان بنی‌امیه - مثل معاویه، یزید، مروان، ولید - و حاکمان بنی‌عبّاس - مانند هارون، منصور و سلاطین دیگر - را شامل نمی‌شود و این تعبیر و تشدید فقط مناسب کسانی است که برحسب احادیث متواتر ثقلین، عدل قرآن کریم هستند:

«وَلَنْ يَتَفَرَّقَا (وَلَنْ يَفْتَرِقَا) حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»<sup>۲</sup>.

عظما و نخبگانی که تقدّم بر آنها و تأخر از آنان موجب هلاکت است.

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة‌الانثر، ص ۲۹۶؛ ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۴۹۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۱۲. «هرکس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است».

۲. صفار، بصائرالدرجات، ص ۴۱۳ - ۴۱۴؛ ابن بابویه، الامامة والتبصرة، ص ۱۳۵؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵؛ نعمانی، الغیبه، ص ۷۸؛ صدوق، کمال‌الدین، ص ۲۳۵؛ خزاز قمی، کفایة‌الانثر، ص ۹۲؛ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۶؛ طبری امامی، المسترشد، ص ۵۵۹؛ فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، ص ۲۷۳. «و این دو از هم جدا نخواهند شد تا اینکه بر من در حوض کوثر وارد شوند».



پیام‌های مهدوی / پیام بیست و ششم..... ۳۹۳

این تهدید به موت جاهلیت، در مورد ترک معرفت کسانی است که برحسب احادیث شریفه امان،<sup>۱</sup> وجودشان برای اهل زمین امان است و برحسب احادیث سفینه،<sup>۲</sup> مانند کشتی نوح، وسیله نجاتند که هرکس بر آن سوار شد نجات می‌یابد و هرکس تخلف کند هلاک می‌گردد.

این تعظیم و تجلیل از امر امامت در مورد حجج و امامانی است که زمین از وجود آنها خالی نخواهد ماند و امیرالمؤمنین<sup>×</sup> برحسب روایت بسیار معتبری که علمای بزرگ شیعه و سنی از آن حضرت روایت کرده‌اند و سید رضی<sup>+</sup> نیز آن را در *نهج البلاغه* روایت کرده است در شأن آنها می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا  
مَشْهُورًا أَوْ خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَلَّا تَبْطَلْ حُجَجَ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ».<sup>۳</sup>

### یگانه راه رستگاری

این تأکید رسا در مورد امامت همان دوازده نفری است که فقط احادیث متواتر ائمه اثنی عشر<sup>^</sup> بر آنها انطباق دارد؛ احادیثی که تنها در *مسند احمد* از سی و چهار طریق<sup>۴</sup> و در *صحیح مسلم*<sup>۵</sup> از چند طریق و در *المعجم الکبیر طبرانی*<sup>۶</sup> از

۱. صدوق، الامالی، ص ۲۵۲ - ۲۵۳؛ همو، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۳؛ همو، کمال‌الدین، ص ۲۰۵، ۲۰۷؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۹؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۸؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۸۰.

۲. صدوق، الامالی، ص ۳۴۲؛ همو، کمال‌الدین، ص ۲۴۱؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۳۴۳؛

ج ۳، ص ۱۵۱؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۵، ص ۳۵۵؛ ج ۶، ص ۸۵؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ (ج ۴، ص ۳۷)؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰ - ۱۷۱. «بلی به خدا؛ زمین از قیام‌کننده برای خدا با حجتی که یا ظاهر و مشهور است و یا ترسان و پوشیده خالی نخواهد ماند تا حجت‌های خداوند و بیانات او از بین نرود».

۴. احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۸۵ - ۱۰۸.

۵. مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۶، ص ۳ - ۵.

۶. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۹۵ - ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۱۴، ۲۵۳، ۲۵۵.

۳۹۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

سی و هفت طریق و... در مجموع بیش از سیصد حدیث و نص قاطع بر امامت این دوازده نفر وارد شده است که اول آنها حضرت مولی الموحّدین و یعسوب الدّین امیر المؤمنین × است و خاتم و دوازدهمین آنها آقای است که امروز یگانه راه رستگاری و نجات از مرگ جاهلی، معرفت او و عمل در مسیر رضای اوست.

حضرت حجة بن الحسن العسکری، مهدی موعود × سرور و مولایی است که انبیای گذشته و صحف آسمانی و قرآن، ظهور موفور السّرورش را بشارت داده‌اند و حدود یک‌هزار حدیث در شأن و مقامات و ابعاد شخصیت او وارد شده است.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَارْزُقْنَا لِقَاءَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ  
أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا  
وَجَوْرًا.

غرّة شعبان المعظم ۱۴۲۶

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به پنجمین اجلاس ابعاد وجودی حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان ×، شعبان المعظم ۱۴۲۶ هـ ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الْمُنْتَظَرِ

سلام بر منتظران ظهور و مشتاقان فیض تشرّف به طور حضور، عزیزانی که با طلوع هلال نورانی و غرّه‌غرای ماه شعبان هر سال، برای اعلام وجود ولایی خود آماده خدمت و برای تعظیم یوم‌الله عظیم نیمه شعبان، روز فرخنده ولادت نورالله الاکبر و حجة‌الله الثانی عشر، بزرگداشت این روز عزیز را هرچه بیشتر و باشکوه‌تر از پیش، وجهه همت و تلاش و کوشش مضاعف قرار می‌دهند و با این برنامه‌های هشدارده و بیدارساز، جهانیان را به آینده‌ای روشن و پر از ارزش و اطمینان و احساس امنیّت و فارغ از ستم و استکبار و استضعاف، بشارت و نوید می‌دهند.

**انتظار، نور امید و حرکت**

آری! باید این روز را گرامی بداریم و با این نور الهی و انتظار، همواره دل‌ها روشن و امیدوار بماند، بشریّت در هیچ شرایط شدّت و سختی، در هجوم خطرات و مصائب و تسلّط حکومت‌های استعمارگر، مایوس و ناامید نماند؛ شعله نشاط و شوق و شور در او خاموش نگردد؛ به وعده‌های الهی و انبیای عظام و کتاب‌های آسمانی مخصوصاً قرآن کریم و بشارات قطعی و مؤکد حضرت ختمی مرتبت رسول اعظم و اوصیای طاهریں آن حضرت - صلوات الله علیهم اجمعین - ایمان استوار داشته باشد؛ همواره به‌سوی آینده گام برداشته و

۳۹۶..... امامت و مهدویت / ج ۴

پیشرو باشد؛ در مواضع درست و انسانی و اسلامی خود بایستد؛ سنگرهای ایمان، استقامت و مقاومت را حفظ نماید؛ از آن روزگار نجات و رهایی چشم بر ندارد و بداند که سنّت الهی تخلف‌ناپذیر است.

### **سحر، نزدیک است**

روز عدل حقیقی، روز برادری، روز همه، روز آزادی بشر، روز حکومت جهانی، روز قرآن و اسلام، روز امن و امان، روز منجی حقیقی جهان و در یک کلمه روز مهدی آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - در پیش است؛ همه به سوی آن روز به جلو می‌رویم و به هویت اسلامی خود افتخار می‌کنیم. اسلام، دین ما، قانون ما، ملیت و هویت ما، جامعه ما و اخلاق و آداب ما است و «الله اکبر» و «لا اله الا الله» شعار و اعلام مواضع ماست و نیمه شعبان روز ما است.

غرة شعبان المعظم ۱۴۲۶

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت شعبان المعظم ۱۴۲۶ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)<sup>۱</sup>.

حضرات فرهیختگان و ارباب توفیق و عزیزان مشرف به حضور در محفل ولایی و اجتماع نورانی همایش سراسری علمی تخصصی خورشید مغرب و هیئت جوانان و دانشجویان آل طه، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

حقیر با کمال اشتیاقی که به حضور در مثل آن مجمع روحانی و زیارت برادران ایمانی و دلباختگان مخلص به ولای آقا و مولایمان خلیفه الله فی عباده و بقیة الله فی ارضه الامام المبین والكهف الحصین خلف انبیاء المرسلین و خاتم الائمة الطیبین الطاهرین المعصومین - ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - داشته و دارم، متأسفانه از فیض حضور در آن همایش شریف که قرار داشتن در صف نعال آن را موجب افتخار می دانم معذور و محروم می باشم.

با عرض سلام خالصانه و تقدیم احترامات فائقه، مراتب سپاس و تشکر خود را از برگزاری آن همایش، ابراز می دارم؛ به امید آنکه به حکم «الرَّاضِي

---

۱. قصص، ۵. «و ما می خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین، قرار دهیم».

۳۹۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

**بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخْلِ فِيهِ مَعَهُمْ**<sup>۱</sup> از برکات کثیره و رحمت‌های واسعه الهیه که - انشاءالله تعالی - بر آن همایش، نازل خواهد شد بهره‌مند و در شمار آن سعادت‌مندان محسوب شوم.

### **توصیه به حفظ هویت دینی**

درضمن، خود و همگان را در این عصر غیبت کبری، عصر امتحان و تخلیص و تمحیص به تمسک به هدایت قرآن کریم و ولایت اهل بیت<sup>۲</sup> سفارش می‌کنم. حفظ استقلال، شخصیت دینی، افتخار به هویت مذهبی، ثبات و استقامت بر سنن اسلامی، اجتناب از وقوع در جاهلیت ثانیه و گرایش‌های انحرافی فکری و عملی باید وجهه همت همه مخصوصاً جوانان عزیز باشد؛ همه باید آیه کریمه **(وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)**<sup>۲</sup> را نصب‌العین قرار داده و عزت و غیرت ایمانی خود را گرامی بداریم و با آن همواره در علم و فرهنگ و تحصیل و قوت و قدرت، رو به جلو و تقدم، و در کسب مکارم و عزت، کوشاتر باشیم؛ مقهور هیچ قدرت مادی نباشیم و در هر میدان، هر جا و هر جامعه بین‌المللی با عزت اسلامی عرض وجود و اعلام موضع نماییم.

### **پوچی در دنیای کفر**

امروز دنیای غرب بسیاری از قبایح و مظالم را فخر و مدح دانسته و از معنویات و فضایل و ایمان به عالم غیب - این یگانه چیزی که به وجود انسان و تمام کائنات معنا می‌دهد و از آن، تفسیری درست و سودمند می‌نماید - کنار رفته و به بی‌معنایی و

---

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴ (ج ۴، ص ۴۰)؛ سید رضی، خصائص الائمه، ص ۱۰۷؛ لیثی واسطی، عبون‌الحکم و المواعظ، ص ۶۴؛ آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۳۳۱ - ۴۳۳؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۶۲. «کسی که به کار گروهی رضایت دهد مثل کسی است که در انجام کار همراه آنان بوده است».

۲. منافقون، ۸. «و عزت از آن خداوند و فرستاده او و مؤمنان است».

پیام‌های مهدوی / پیام بیست و هشتم ..... ۳۹۹

پوچی این جهان و ابتدال، گرایش دارد و به بهانه و اسم‌های به ظاهر خوب، فساد، فحشا و ملامتی و مناهی را ترویج می‌نماید.

این بیداری و هشیاری و آگاهی جوانان و دانشجویان عزیز و دانشگاہیان و این علائق خالصانه از سوی آنان به احیای امر ولایت حضرت ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - موجب امیدواری و نویدبخش آینده بهتر و درخشان‌تر و طلیعه جامعہ‌ای پویاتر و مقاوم‌تر است.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ۱.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۲۶

لطف‌الله صافی<sup>۲</sup>

---

۱. آل عمران، ۱۳۹. «و سست نشوید و محزون نباشید و شما برترینید اگر مؤمن باشید».

۲. پیام به همایش سراسری علمی و تخصصی خورشید مغرب و هیئت جوانان و دانشجویان آل طه، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، آبان ۱۳۸۴ هـ ش.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ،  
وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى سَيِّدِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا الْإِمَامِ الْمُبِينِ وَالْكَهْفِ الْحَصِينِ، بِقِيَّةِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ،  
الْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ - أَرْوَاحَ الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ - اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ  
مَخْرَجَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ.

وَبَعْدُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).<sup>۱</sup>

با عرض سلام و تبریک صمیمانه به حضرات فضلا و اساتید و بزرگواران  
شرکت کننده در اجلاس علمی دوسالانه حضرت مهدی× و با تشکر فراوان از  
برگزارکنندگان عزیز آن، امید است قلوب همگان به انوار ایمان به مهدویت  
بیش از پیش منور و همواره پرتالو، و تشعشع و لمعان آن در افزایش باشد.

#### عقیده به مهدویت شخصی

یکی از اسلامی ترین مقبولات و باورهای مسلمین که از عصر رسالت تاکنون  
مسلمانان به آن دل بسته و ایمان داشته و دارند ظهور شخصی الهی در

---

۱. قصص، ۵. «و ما می خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهمیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین، قرار دهیم».



پیام‌های مهدوی / پیام بیست و نهم..... ۴۰۱

آخرالزمان است؛ شخصی که جهان را پر از علم و قسط و عدل نماید چنان‌که از جهل و جور و ظلم پر شده باشد؛ شخصی که از برکت ظهورش توحید اسلام جهان‌گیر و خاور و باختر و هر قاره و کشور تحت حکومت و حاکمیت احکام قرآن و عدالت حقیقی قرار خواهد گرفت و امت واحده، حکومت واحده، قانون و نظام واحد در همه‌جا گسترش می‌یابد؛ شخصی همانم و هم‌کنیه رسول خدا و از فرزندان علی و فاطمه<sup>ه</sup> که امام دوازدهم از ائمه اثنی عشر<sup>ه</sup> است؛ از آنها که برحسب روایات متواتر بین‌الفریقین<sup>۱</sup> به وجود ایشان دین باقی، و اسلام، عزیز و منیع و پایدار خواهد بود.

شخصی که برای اقتدا به نماز او عیسی روح‌الله از جایگاه رفیع آسمانی خود به زمین نزول می‌نماید؛ شخصی که ظهورش با صیحه و صدای آسمانی به جهانیان اعلام می‌گردد.

هر مسلمان معتقد به رسالت حضرت رسول اکرم| او را با این خصایص و خصایص دیگری تفصیلاً یا حداقل به اجمال - به‌عنوان مهدی شخصی، یعنی شخص یگانه در عالم بشریت از آدم تا خاتم و از خاتم تا قیام ساعت - می‌شناسد و انتظار روز او و عصر و دور او را دارند.

اکنون که یک‌هزار و یک‌صد و هفتاد و دو سال از ولادت آن امام دوازدهم و ولی و خلیفه ثانی عشر می‌گذرد آن حضرت در عالم امکان و در این دنیا حضور دارند و خدا می‌داند که تا چه مدت زمان نزدیک و کوتاه و یا بسیار طولانی این حضور ادامه خواهد یافت و زمین به وجود آن حضرت برجا و برقرار خواهد ماند.

اجمالاً وجود و طول عمر و غیبت آن حضرت از آیات الهیه است. چنان‌که این

---

۱. این احادیث تنها در *مسند احمد* به سی و چهار طریق روایت شده است. ر.ک: احمد بن حنبل، *مسند*، ج ۵، ص ۸۵ - ۱۰۸.

۴۰۲ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

دنیا و زمین و آسمان و شمس و قمر و هزاران منظومه و کهکشان به اراده و قدرت الهی باقی است، بقای نظام جهان هم به امرالله تعالی وابسته به آن وجود اقدس است؛ و چنانکه نظام جهان و وابستگی‌های محیرالعقول در تمام کائنات، از ذرات لا یری و اتم و کوچک‌تر از اتم و پدیده‌های بزرگ و فوق تصور، همه آیات الهی هستند؛

**(وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ)؛<sup>۱</sup>**

اهل بینش و معرفت را به اعتراف وا می‌دارد، وجود امام، آن عزیز خدا نیز آیه خاص خدا است و پاسخ به همه آن سؤالات در یک جمله:

**(ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ)<sup>۲</sup>**

می‌باشد. در اینجا اشارات و نکات بسیار است که بیان آنها به فرصتی دیگر موکول است.

مجدداً به نویدها و بشارت قرآن و روایات پیامبران سلف و تورات، انجیل و زبور و اتفاق همه ملل بر ظهور مصلح عظیم‌الشان اشاره می‌کنیم؛ پیام همه این است که حرکت و سیر جهان به سوی کمال و خیر و صلاح همگان و عدل و داد، و امن و امان است؛ از این اتفاق و آینده‌نگری می‌توان استفاده نمود که مسئله مصلح جهانی و برچیده شدن بساط استبداد، استعباد، استضعاف و استعلاء، خواست فطرت بشر است و در نهاد انسان‌ها ریشه دارد؛ و:

**(فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)،<sup>۳</sup>**

در اینجا نیز جاری است؛ همه منتظرند و همه چشم به راه‌اند؛ همه زوال این

---

۱. مدثر، ۳۱. «و جز او کسی از جنود پروردگارت آگاه نیست».

۲. انعام، ۹۶. «این اندازه‌گیری خداوند توانای دانا است».

۳. روم، ۳۰. «این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است».

پیام‌های مهدوی / پیام بیست و نهم..... ۴۰۳

نابرابری‌ها، ستمگری‌ها و این رژیم‌های فاسد را بالفطره می‌خواهند و از این نظامات فاسد به ستوه آمده‌اند و امیدوارند که دست قدرت الهی از آستین یک انسان خدایی و خدا شعار، از پشت پرده غیبت ظاهر گردد تا جهان را با شعار الله اکبر و بر اساس ارزش‌های والایی که بشر همواره در طول تاریخ، آرزومند تحقق آنها بوده بسازد.

در خاتمه دو نکته را که باید ارادتمندان به ساحت مقدس حضرت بقیة الله الاعظم - ارواحنا فداه - به‌ویژه عالمان و فرهیختگان به آن توجه داشته باشند یادآور می‌شوم:

### **تحقیقات مهدوی، باید‌ها و نبایدها**

در زمینه تحقیقات مهدوی، پرهیز از عوام‌گرایی، اجتناب از کمیّت‌گرایی در پژوهش‌ها بدون توجه ویژه به کیفیت و دوری از انجام کارهای تکراری و غیرمفید همواره باید مدنظر باشد؛ ضمن آنکه رویکرد عمل‌گرایانه و ارتباط میان مقولات مهدوی و توجه به ساحت اخلاق و معنویت و تربیت جامعه و اهتمام به ارتقای فرهنگ تشیع اصیل و انتظارات آن یگانه دوران از شیعیان و ارادتمندانش در رأس کارهای پژوهشی قرار گیرد.

### **تبلیغات مهدوی، خوش‌صورت و پرمحتوا**

در زمینه تبلیغات مهدوی، شایسته است در جهت شناساندن آن محبوب دل‌ها و آرمان‌والایش از همه ظرفیت‌های موجود رسانه‌ای و تبلیغاتی استفاده کرد و چهره نورانی و تابناک حضرتش را با ابزارهای نوین و آن‌چنان که زینده آن امام بزرگوار است در داخل و خارج معرفی کرد. بدیهی است برای دست یافتن به توفیق در چنین امری، استفاده از متخصصان خوش‌فکر بلکه صحیح‌الفکر حوزه مهدویت یک ضرورت است تا امور تبلیغاتی همواره در مسیر صحیح و تقویت

ایمان و رشد تفکر ادامه داشته باشد.

### **توجه به رضایت حضرت در برنامه‌ها**

همچنین هرگونه حرکت تبلیغاتی در این زمینه، از برنامه‌های رسانه‌ای گرفته تا جشن‌ها و چراغانی‌ها، باید به نحوی باشد که موجبات رضایت خاطر آن ولیّ دوران را فراهم نماید و از ملامتی و مناهتی در آن جداً پرهیز گردد چه آنکه مجلسی که منسوب به امام زمان - ارواحنا فداه - است نباید به گناه و معصیت، آلوده گردد.

این جشن‌ها و همایش‌ها و چراغانی‌ها و ابراز احساسات همه اظهار علاقه به جامعه مهدوی است که تا حدّ امکان، جامعه خود را به آن جامعه نزدیک و شبیه سازیم و ارزش‌هایی را که در آن دوران مهدوی نمایان‌گر می‌شود در جامعه پیاده کنیم و انتظار حقیقی خویش را با التزام به تعالیم اسلام و امر به معروف و نهی از منکر نشان بدهیم.

**وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ**

یازدهم شعبان المعظم ۱۴۲۷

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به اجلاس دوسالانه حضرت مهدی<sup>ع</sup>، گرگان، ۱۵ شهریور ۱۳۸۵ هـ. ش.



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تبریک عید سعید ولادت امام المبین و حجة الله علی العالمین، فاتح قلاع  
مشرکین و کافرین، و وارث انبیا و مرسلین، حضرت حجة بن الحسن العسکری -  
ارواح العالمین له الفداء - به آستان فرشته پاسبان حضرت ثامن الائمة الطاهرین، مولانا  
ابوالحسن علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية والثناء -

در آستان رضا  
قدر نیمه  
شعبان

فزون تر است ز مهر و ماه و  
از کیوان  
فرشتگان همه  
تبریک و تهنیت  
گویند

ولادت شه دیب قطب  
عالم امکان  
شعار مرد و زن و پیر و  
نوجوان این است  
حیات بخش بود عید  
نیمه شعبان  
درود باد بر آن امتی  
که منتظر است  
ظهور دولت حق، عصر صالحان  
جهان

**پیرامون فلسفه جشن بزرگ نیمه شعبان**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ  
الْمَنْصُورُونَ \* وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ).<sup>۱</sup>

تاریخ، سرگذشت رودررویی و درگیری و جنگ و معارضه جنود الهی و رحمانی با جنود اهریمنی و ابلیسی، و پاسداران حق و علم و عقل، و عدالت‌طلبان خیرخواه با حامیان جهل و باطل و ستم و حق‌کشی و شرانگیزی است. حوادث مهم تلخ و شیرین تاریخ را این مقابله و این دو گروه به وجود آورده‌اند؛ با این تفاوت که فعالیت و موضع‌گیری گروه عدالت‌خواه و حق‌طلب عکس‌العمل مواضع طغیان و تجاوزات و حق‌کشی گروه ظلم و استضعاف‌گر بوده و هست، و موضع‌گیری صالحان در برابر مفسدان و رفع آنها تحمیل همان جنود شرّ بر جنود خیر است.

**نوید حکومت عدل جهانی توسط پیامبران و امامان<sup>^</sup>**

انبیا و پیروان راستین آنها؛ ابراهیم خلیل و موسی و عیسی و حضرت خاتم‌الانبیا - صلوات الله علیهم - و اوصیا و خلفای آن حضرت از حضرت علی × تا حضرت مهدی # این جبهه حق را رهبری کرده و پیشوای خیرخواهان بشریت و حمایت از حقوق ضعفا و اجرای برنامه‌های الهی می‌باشند.

در کتاب‌های آسمانی، به‌خصوص قرآن مجید و در سخنان و احادیث شریفه اهل‌بیت<sup>^</sup> و در سیره مرضیه حضرت رسول اکرم<sup>ؐ</sup> و امیرالمؤمنین و سائر ائمه<sup>^</sup> این برنامه متجلی و درخشان است، و همه به بشریت این مبارزه با ظلم و جهل و زور و استکبار را می‌آموزند و به فتح و پیروزی و غلبه نهایی اهل حق بر باطل و برقراری

---

۱. صافات، ۱۷۱ - ۱۷۲. «وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده‌شده ما از پیش مسلم شده است، که آنان یاری‌شدگانند و لشکریان ما پیروزند».

پیام‌های مهدوی / پیام سی‌ام..... ۴۰۷  
حکومت عدل جهانی اسلام نوید داده و وعده حتمی و قطعی داده‌اند. آیات قرآن کریم در این زمینه متعدّد است که از جمله همین آیات پایانی سوره «صافات» است.

### **اتفاق نظر مسلمانان در پیروزی حق بر باطل**

مسلمانان عموماً در وقوع این پیروزی جهانی حقّ بر باطل و آمدن روزگاری که حکومت جهانی صالحان و دین اسلام عالم‌گیر و دین واحد بشر گردد متفق‌الکلمه می‌باشند، و شیعیان اهل‌بیت<sup>^</sup> بالخصوص در انتظار آن روزگار الهی - که تعبیر از آن به عصر طلایی بسیار ناقص و کوتاه است - هستند، و همه ایام‌الله را منتهی به آن روز بزرگ خدایی روز حضرت مهدی<sup>×</sup> دانسته و بر این عقیده محکم پای فشرده، اظهار وجود می‌نمایند که برحسب نصوص قطعیه، این واقعه جهانی و رستاخیر و ظهور قدرت الهی به دست یداللهی باکفایت وارث علوم تمام انبیا و یگانه ذخیره حقّانی، فرزند حضرت امام حسن عسکری<sup>×</sup> به‌وقوع خواهد پیوست و عیسی مسیح<sup>×</sup> از جایگاه خود فرود آید و در نماز به او اقتدا نماید.

### **جشن میلاد و امیدبخشی به بشریت**

در زادروز آن حضرت، همه‌ساله و با شکوه هرچه بیشتر، مجلّل‌ترین برنامه‌های جشن‌های سالم و مجالس سخنرانی را برگزار می‌نمایند، و به بشریت مأیوس و ملت‌های افسرده امیدواری می‌دهند و با اینگونه برنامه‌ها استضعاف‌گران و سرکردگان استبدال و استحقار و ظلم و ستم را محکوم می‌کنند و درحقیقت بانگ نجات و بشارت نابودی حکومت ظالمان را سر می‌دهند و گرایش خود را به عدل و انصاف اعلام می‌کنند؛ هشدار می‌دهند که سیر جهان به‌سوی تکامل و آسایش و آرامش است.

### احیای نیمه شعبان، اعلام وفاداری به اسلام

در شب نیمه شعبان با مجالس احیا و عبادت و خودسازی، پایبندی و علاقه‌مندی خود را به این آرمان‌های اصل و اصیل نشان می‌دهند، عهد خود را و پیمان خود را با آن ولیّ خدا تازه و جدید می‌نمایند و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می‌کنند، و در کلّ این برنامه‌ها وفاداری خود را به مطالب و مقاصد آن حضرت که همانا اجرای احکام الهی و پرهیز از معاصی و ملامی و مناهی و غرب‌گرایی است، اعلام می‌نمایند، و برنامه‌های ضدّ عفاف و کرامت و ارزش بانوان و اختلاط آنها با مردان و ترویج غنا و موسیقی را محکوم می‌سازند و با احساس مسئولیت، اوضاع دینی و مذهبی جامعه را بررسی نموده و عمل به وظایف مهمّی که در این عصر غیبت و دوره امتحان دارند را وجهه همّت خود قرار می‌دهند؛ مسئولیت‌هایی که در ارتباط با ترویج اسلام و حفظ هویت اسلامی همگان؛ مخصوصاً جوانان و جلوگیری از مفسد به عهده دارند؛ و خلاصه در ضمن انجام این برنامه‌ها و جشن و چراغانی و این شور و شوق مقدّس، در جهت حیات دینی و مذهبی و نیل به قله‌های کمال و معرفت و رشد و ترقّی همواره سعی و جدیّت می‌نمایند، و این آیه شریفه را نصب‌العین قرار می‌دهند:

(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ).<sup>۱</sup>

وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطّٰهَرِيْنَ، سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللّٰهِ فِي

الْاَرْضِيْنَ. وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ.

شعبان‌المعظم ۱۴۲۹

لطف‌الله صافی<sup>۲</sup>

۱. توبه، ۱۰۵. «بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند».

۲. پیام به مناسبت فرا رسیدن میلاد مسعود حضرت صاحب‌العصر و الزمان، نیمه شعبان‌المعظم



پیام‌های مهدوی / پیام سی‌ام..... ۴۰۹



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»<sup>۱</sup>.

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ»<sup>۲</sup>.

#### ماه بابرکت شعبان فرصت تجدید عهد با اهل بیت<sup>^</sup>

تجدید عهد و تازه کردن پیمان و نو ساختن ایمان اگرچه همواره مطلوب و بازسازی حال و روحیه ولایی و شکرگذاری بر نعمت اسلام و مودت و محبت اهل بیت<sup>^</sup> همیشه و در هر زمان وظیفه و غنیمت است ولی در روزهای شریف و فرصت‌های مبارک، برکات ویژه و عنوان تعظیم شعائر و بزرگداشت و تجلیل از دوستان و تذلیل دشمنان دارد.

یکی از این فرصت‌های عظیم و بابرکت، ماه شعبان و عید ولادت حضرت سیدالشهدا<sup>×</sup> و مخصوصاً دهه مهدویت و نیمه شعبان و عید ولادت حضرت صاحب‌الأمر و الزمان بقیه‌الله فی ارضه و خلیفته فی عباده مولانا المهدی المنتظر<sup>#</sup>

۱. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۱۸۰؛ همو، المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۳۳۴؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۷، ص ۱۱۶؛ ج ۳۰، ص ۱۷۴؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ص ۳۶۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۵۵۲؛ ج ۹، ص ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱؛ ج ۸۰، ص ۳۵۲؛ ج ۸۴، ص ۲۶۷؛ ج ۸۷، ص ۹۵. «نسیم‌های رحمتی از جانب پروردگارتان در ایام زندگی تان هست؛ آگاه باشید در برابر آن نسیم‌ها، قرار بگیرید».

۲. کفعمی، البلد الامین، ص ۲۸۶؛ همو، المصباح، ص ۴۹۸. «سلام بر مهدی که خداوند امت‌ها را (به ظهور) او وعده داده است».

پیام‌های مهدوی / پیام سی و یکم..... ۴۱۱

است که اگرچه از اساس این روز الهی همواره روز جشن و سرور و اعلام وجود و حضور شیعیان و دوستان اهل بیت بوده و هست و بر جلوه جهانی و شکوه ملکوتی آن افزوده می‌شود. اینک چند سالی است که به‌عنوان دهه مهدویت وسعت زمانی و گستردگی برنامه‌های آن در داخل و خارج از کشور بیشتر و پربارتر شده و با نشاط و شور و رونق و اخلاص کامل‌تر برگزار می‌شود. در واقع این دهه، مدرسه همگانی و دانشگاه بزرگ ولایی می‌شود که شعب حیاتی فرهنگی و اخلاقی و تربیتی آن در جوامع شیعه بلکه سایر جوامع فراگیر شده و مرد و زن و پیر و جوان و عالم و جاهل همه از برکات معرفت و هدایت آن بهره‌مند می‌شوند و چه آفاق جدیدی که هر سال از آن ظاهر و ابواب علم و معرفت و بصیرت بیشتر که از آن به روی مردم گشوده می‌شود. همه اقشار و طبقات به‌ویژه جوانان مؤمن و پرشور در این میدان وسیع با اظهار وجود عزت و کرامت اسلام و قداست و معنویت و استعلای فرهنگ مهدوی را گرمی می‌دارند و فرَق ضالّه را مأیوس می‌سازند.

**هَنِيئاً لَهُمْ ذَلِكَ!** بر همه این اظهار ایمان مبارک و فرخنده و خجسته باد.

### **عصر غیبت، عصر امتحان و تخلص**

در خاتمه به همه منتظران و دل‌باختگان حضرت ولی‌الله الاعظم - ارواحنا فداه - یادآور می‌شوم که عصر غیبت امام، عصر امتحان و عصر تمحیص و تخلص است؛ کسانی در این عصر در هویت اسلامی و مذهبی ثابت می‌مانند که در این امتحانات و نمونه‌گیری‌ها خود را نباخته و با استقامت و ثبات قدم، شخصیت اسلامی خویش را حفظ نمایند.

عزیزان من! دنیا، سرای غرور و فریب است؛ به‌هوش باشید که جلوه‌های

۴۱۲ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

رنگارنگ این دنیای فانی شما را در گرداب گناه و معصیت و ظلم و عصیان که آخرت سوز است قرار ندهد.

برحسب بعضی اخبار امتحانات آن قدر شدید می شود که بسا شخص صبح کند در حال ایمان و شب کند در حالی که از اسلام خارج شده و کافر باشد؛<sup>۱</sup> مؤمنین باید بسیار مواظب خود باشند.

### امام عصر × ناظر اعمال ما

عزیزان من! بدانید تمامی اعمال شما و نیز حرف‌هایی که می‌زنید و نوشته‌هایی که می‌نویسید و می‌خوانید و اظهارنظرهایی که می‌کنید در مرآی و منظر آن حجّت بالغه الهی است؛ پس با عمل صالح و انجام وظایف شرعیّه و دوری از معاصی، موجبات سُورِ خاطر آن جان‌جانان و ولیّ دوران را فراهم نمایید.

این کلام الهی در سوره عصر را مکرر به یاد آورید که:

«همه در خسارت و زیان‌اند مگر آنها که ایمان و عمل صالح دارند و

یکدیگر را به حق و صبر و شکیبایی سفارش می‌نمایند».<sup>۲</sup>

امید آنکه خداوند متعال با دعای حضرت بقیةالله # جامعه ما خصوصاً جوانان عزیز را از خطرات آخرالزمان حفظ فرماید.

### توصیه‌های مهم به منتظران ظهور جهت حفظ هویت دینی

حقیر این بزرگ عید سعید را به عموم شیفتگان عدالت حقیقی و برادری جهانی اسلامی و نجات بشریت از شرّ استضعاف و استحقار مخصوصاً منتظران ظهور آن ولیّ دوران و قطب عالم امکان - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - تبریک عرض

۱. ابن‌حماد، الفتن، ص ۱۵، ۲۳، ۹۵؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۳۷۲، ۳۹۰-۳۹۱، ۵۲۳؛ ج ۳،

ص ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۲۷۷، ۴۰۸، ۴۱۶.

۲. عصر، ۲ - ۳.

پیام‌های مهدوی / پیام سی و یکم..... ۴۱۳

می‌نمایم و همگان را به ثبات و استقامت اسلامی و حفظ هویت دینی در برابر گرایش‌های الحادی و مادی و اتحاد و اتفاق و رعایت عدل و انصاف و قضای حوائج بندگان خدا و سایر موجبات خشنودی آن حضرت توصیه می‌نمایم و به چند نکته مهم اشاره می‌کنم:

۱. منتظران آن حضرت باید با بصیرت کامل و با حفظ هویت دینی در برابر گرایش‌های الحادی و مادی ثبات و استقامت داشته و با اتحاد و برادری دسیسه‌ها و ترفندهای دشمنان دین و مذهب را خنثی نموده و از آرمان‌های بلند دینی خود دفاع نمایند.

۲. منتظران آن حضرت باید در قضای حوائج بندگان و رفع مشکلات برادران و خواهران دینی خود کوشا باشند و نگذارند حتی یک نفر از دوستداران آن حضرت در سختی و مضیقه باشد، اگر کسی می‌خواهد آن وجود مقدس از آنان خشنود باشند باید شیعه آن حضرت را مسرور نماید.

۳. باید منتظران آن حضرت جشن بزرگ میلاد را در سراسر گیتی با شکوه و معنویت برگزار کنند و به دنیا اعلام دارند روز نیمه شعبان یعنی روز نجات بشر از ظلم و ستم و تاریکی‌ها، روز نور و علم و دانش، رفاه و آسایش همه مردم جهان و در یک کلمه روز طلوع خورشید عدالت و مهربانی، صفا و صمیمیت، سعادت و خوشبختی.

مسلمانان باید به هر وسیله که می‌توانند با چراغانی و تشکیل مجالس شادی و جشن و سرور و چاپ کتاب‌های دینی و مذهبی و اهدای جوایز به جوانان، خود را در این جشن بزرگ، سهمیم نمایند و از برکات آن استفاده نمایند و این مجالس نورانی را از آلوده شدن به مناهی و ملامهی منزّه و پاک نگه دارند.

۴۱۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

به امید آن روزی که حاکمیت اسلام و قرآن و مکتب نورانی اهل بیت<sup>ع</sup> در سراسر جهان برقرار شود.

(إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً \* وَنَرَاهُ قَرِيباً).<sup>۱</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سوم شعبان المعظم ۱۴۳۰

لطف الله صافی<sup>۲</sup>

---

۱. معارج، ۶ - ۷. «أنها آن روز را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم».

۲. پیام به مناسبت شعبان المعظم ۱۴۳۰ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ»<sup>۱</sup>.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «أَلَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ  
لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمُنَا فَيَمْلَأَهَا  
قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِنْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا»<sup>۲</sup>.

### تعظیم روز امامت و ولایت حضرت ولی عصر ×

یکی از ایام الله بزرگ و مقدس، روز شریف نهم ربیع المولود است. این روز فرخنده و پربرکت، آغاز ظهور ولایت حضرت ولی الله الاعظم امام مبین و حصن حصین بقية الله فی الارضین موعود انبیای مرسلین، مقصود از:

(فَمَنْ يَأْتِكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)<sup>۳</sup>؛

خاتم الاوصیاء المعصومین، مولانا المنتظر والعدل المشتهر والامام الثانی عشر الحجة بن الحسن المهدی - ارواح العالمین له الفداء - می باشد.

۱. ابراهیم، ۵.

۲. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۶۵؛ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۹۱. «اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند متعال آن روز را آن قدر طولانی می فرماید که حضرت مهدی آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - ظهور فرماید و جهان را پر از قسط و عدل نماید چنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

۳. ملک، ۳۰. «اگر آب در زمین فرو رود [و ناپدید گردد] چه کسی برای شما آب روان می آورد؟».

۴۱۶ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

منتظران روزگار رهایی و عصر نجات و خلاص بشر از ظلم و استکبار و استضعاف باید این روز را گرامی بدانند و تعظیم آن را برای خود افتخاری بزرگ بدانند.

رسید عید و ز دل	جهان پیر کهن،
غبار غم برگرفت	جوانی از سرگرفت
فرح زمان تا زمان	زمین کران تا کران
گره ز دلها گشود	رونق دیگر گرفت

درحقیقت باید گفت که از امروز و از درون تاریخ هجری، تاریخ نوین عصر مهدوی آغاز می‌شود.

### **اشاعه فرهنگ مهدوی مصداق بارز تعظیم شعائر الهی**

این همایشی که به نام همایش بیعت با امام موعود\* در آستان عزت و عصمت و عظمت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه<sup>+</sup> برگزار می‌شود، اقدام بسیار پسندیده و شایسته می‌باشد که با دعوت از شیعیان بر تولی و تبری و تجدید عهد ولایت و بیعت با آن قطب یگانه عالم و موعود خداوند متعال و انبیا و از آدم تا خاتم می‌باشد.

این همایش مصداق بارز تعظیم شعائر الهی و موجب اعلائی کلمه الله و ترویج معارف نورانی مکتب اهل بیت<sup>^</sup> و ابلاغ پیام‌های حیات‌بخش و تحرک آفرین آن به منتظران ظهور موفورالسرور آن حضرت است.

انشاءالله تعالی، اساتید بزرگواری که در این نشست علمی شرکت دارند با استعانت از آستان مقدس حضرت ولی الله الاعظم - ارواحنا فداه - بتوانند در گسترش فرهنگ مهدویت به بهترین وجه خدمت کنند و جوانان عزیزمان را با آن امام همام آشناتر نمایند.



پیام‌های مهدوی / پیام سی و دوم..... ۴۱۷

در پایان بر برگزارکنندگان مخلص این همایش و شرکت‌کنندگان آن و اساتید و فضیای محترم درود می‌فرستم و توفیق آنان را در اشاعه فرهنگ امیدبخش مهدوی از خداوند متعال مسئلت دارم.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَقَرِّبْ زَمَانَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ  
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

نهم ربیع‌المولود ۱۴۳۱

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش بیعت با امام موعود<sup>ع</sup>، ۹ ربیع‌المولود ۱۴۳۱ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ)؛<sup>۱</sup>

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا».<sup>۲</sup>

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْمُنتَظِرِينَ».

### شور و شوق جشن میلاد

خداوند متعال را سپاسگزاریم که هر ساله و همواره بر احیای امر حضرت صاحب‌الامر مولانا و سیدنا بقیة الله المهدی - ارواح العالمین له الفداء - می‌افزاید و شور و شوق، و اشتیاق قلوب را به آن ناحیه مقدسه بیش‌ازپیش متوجه می‌سازد، چنان‌که ناامیدان، امیدوار و امیدواران، امیدوارتر می‌شوند. خلأ معنویّت و رو آوردن به انحطاط حیوانیّت اگرچه بیشتر می‌شود، در مقابل ایمان به ظهور آن یگانه منجی الهی از اهل بیت<sup>۳</sup>، از فرزندان فاطمه<sup>۴</sup> و از نسل حسین<sup>۵</sup> × قلوب را روشن و دل‌ها را از گرایش به الحاد بیمه می‌نماید و قوّت و شمول و عمومیّت آن به خصوص در نسل جوان و تحصیل‌کرده،

۱. ابراهیم، ۵. «و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن».

۲. طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۱۸۰؛ همو، المعجم الكبير، ج ۱۹، ص ۳۳۴؛ فخر رازی، التفسیر الكبير، ج ۱۷، ص ۱۱۶؛ ج ۳۰، ص ۱۷۴؛ سیوطی، الجامع الصغير، ص ۳۶۷؛ فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۵۵۲؛ ج ۹، ص ۳۱۰ - ۳۱۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱؛ ج ۸۰، ص ۳۵۲؛ ج ۸۴، ص ۲۶۷؛ ج ۸۷، ص ۹۵.

پیام‌های مهدوی / پیام سی و سوم..... ۴۱۹

افکار دین‌ستیزانه را به عقب می‌راند و دژ محکم مهدویت همه حمله‌ها را شکست می‌دهد.

### **دهه مهدویت تجدید عهد با حضرت ولی عصر ×**

کمت‌ر موضوعی پیدا می‌شود که مانند موضوع مهدویت و سخن گفتن از آن ولی‌یگانه شنونده را به وجد و نشاط آورد و کمت‌ر نوشته‌ای مانند کتاب‌ها و مقالاتی که در ارتباط با معرفی آن حضرت نوشته شود خواننده دارد. در طول سال اگرچه دل‌های مؤمنان به یاد آن حضرت و حضور در مجالس و محافل ولایی مشغول است ولی همگان منتظر حلول ماه مبارک شعبان و در انتظار انجام مراسم دهه مبارکه مهدویت می‌باشند که عهد خود را با آن حضرت تجدید و ایمان و شعور دینی خود را تازه و نو نمایند.

دهه فرخنده مهدویت مکتب و مدرسه و دانشگاهی است که با آن کاستی‌هایی که به واسطه غفلت برخی در حیات دینی و سیاسی اسلامی و اخلاق اجتماعی پیش می‌آید تدارک می‌شود همگان به حفظ سنت‌های اسلامی و احترام از استقلال دینی ترغیب می‌شوند؛ این دهه، دهه امر به معروف و نهی از منکر، دهه مطالبه مقاصد اسلامی، دهه مقاومت در برابر غرب‌زدگی است، دهه سراسر نور مهدویت را گرامی بدارید.

### **دعا برای تعجیل در ظهور**

انتظار این است که در سال جاری برنامه‌ها باشکوه بیشتر و عظمت افزون‌تر برگزار گردد و با حفظ تمام شئون اسلامی، برکات بزرگ معنوی و تقرّب به درگاه الهی تأمین شود؛ و همه منتظران یکپارچه در شب میلاد مسعود آن پیشوای جهانیان، که شب احیا و نیایش به درگاه الهی می‌باشد تعجیل در فرج آن حضرت

۴۲۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

را از خداوند درخواست نمایند و این عرض نیاز و تضرع به درگاه حضرت  
احدیّت - عزّ اسمّه - به درجه استجابت برسد.

**بِحَقِّهِ وَبِحَقِّ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.**

شعبان المعظم ۱۴۳۱

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت فرارسیدن دهه فرخنده مهدویّت، نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۱ هـ ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طُوبَى لِلْمُنْتَظِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي مَحَبَّتِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

رسید عید و ز دل	جهان پیر کهن جوانی
غبار غم برگرفت	از سر گرفت
فرح، زمان تا زمان	زمین، کران تا کران
گره ز دلها گشود	رونق دیگر گرفت

با عرض تبریک و شادباش به مناسبت دهه مبارکه مهدویت و تقدیر و تشکر از خادمان آستان مقدس حضرت بقیةالله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - و برگزارکنندگان «کنفرانس گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در عصر انتظار»

### ویژگی‌ها و اوصاف شخص منتظر

عصر انتظار، عصر تمسک به شعائر دین و التزام به عمل به احکام شرع مبین و عصر امتحان و تخلیص است. از شخص منتظر باید جلوه‌های اخلاق قرآنی و آگاهی از معارف و حیانی درخشان و در لمعان باشد. تمدن اسلامی برخاسته و ساخته شده از هدایت‌های این دین حنیف است. شخص منتظر باید حفظ هویت و استقلال اسلامی را همیشه و در هر مناسبت، شعار و افتخار خود بداند.

### روابط زن و مرد در اسلام

یکی از مشخصات بارز این امت بزرگ و امت وسط،<sup>۱</sup> حجاب بانوان و عدم اختلاط و نظامات حافظ قداست و کرامت بانوان است که هم مردان را به وظایف خاصّ موظّف می‌نماید و هم زنان را ملزم به تکالیف ویژه می‌سازد. این نظامات برای همه مسلمانان فرهنگ است، اصل است، همه باید آن را رعایت نمایند. آیاتی مانند:

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى)؛<sup>۲</sup>

(وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ)؛<sup>۳</sup>

(وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ)؛<sup>۴</sup>

(فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ)؛<sup>۵</sup>

فرهنگ اسلام است و وحی است که باید در همه امور زن و مرد و در همه روابط، فرهنگ گردد که متأسفانه این فرهنگ به واسطه غرب‌گرایی و عدم آگاهی از فلسفه احکام و مقاصد الهی و قرآنی مورد هجوم قرار گرفته و مظاهر جامعه در کار و شغل از آن فاصله می‌گیرد.

### فرهنگ حجاب و کرامت زن

باید فرهنگ حجاب را در معنای گسترده آن بیاموزیم و به آن تعهد داشته

۱. ر.ک: بقره، ۱۴۳.

۲. احزاب، ۳۳. «و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».

۳. احزاب، ۵۳. «و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (به‌عنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید».

۴. نور، ۳۱. «و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود».

۵. احزاب، ۳۲. «به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند».

پیام‌های مهدوی / پیام سی و چهارم..... ۴۲۳

باشیم؛ باید بدانیم کرامتی که اسلام برای زن قرار داده است بزرگ‌ترین ارزش اوست؛ خانه‌داری زن، بیکاری نیست؛ خانه‌داری افتخار است؛ شریف‌ترین شغل‌ها و جهاد و سیر الی الله و از عبادات است. دوران‌هایی که زن با همسر دارد همه مشحون به ثواب است و حیات طیبه است و در ارزش‌های حقیقی این دو جنس مکمل یکدیگرند و برای هم مانند لباس و یک واحد کامل انسانی هستند. طیّ درجات علم و عمل و کسب معالی و مقامات برای هر دو پیش‌بینی شده است و هر دو در کنار هم قرار گرفته‌اند.

(إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً

يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ)؛<sup>۱</sup>

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ

وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ

وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ

وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً

وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً)؛<sup>۲</sup>

---

۱. حدید، ۱۸. «مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده و آنها که به خدا «قرض‌الحسنه» دهند (این

قرض‌الحسنه) برای آنان مضاعف می‌شود و پاداش پرارزشی دارند».

۲. احزاب، ۳۵. «به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باایمان و زنان باایمان و مردان مطیع

فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان صابر و شکیبا و زنان صابر

و شکیبا و مردان باخشوع و زنان باخشوع و مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده و مردان روزه‌دار و

زنان روزه‌دار و مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و مردانی که زیاد به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار

یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنها آمرزش و پاداش بزرگی فراهم ساخته است».

### ظهور انتظار واقعی در جامعه با التزام به احکام اسلامی

در انتظار حضرت بقیةالله - ارواح العالمین له الفداء - بودن، باید از جامعه منتظر، ظاهر و آشکار باشد؛ شکستن حریم‌های دینی و گرایش به فرهنگ غرب، ضد انتظار و عبور از خط‌قرمزهای قرآنی است. انتظار باید عینیت داشته باشد نه فقط حجاب، بلکه انتظار در همه‌جا باید ظاهر باشد؛ به‌خصوص در جراید، صداوسیما و در همایش‌ها و...

به‌طور مثال اگر کسی شخص عالی‌مقام را دعوت کرده باشد و منتظر مقدمش باشد برای پذیرایی او آنچه موجب خشنودی اوست فراهم می‌کند؛ جامعه منتظر هم باید اگر منتظر است، آماده پذیرایی باشد.

از آن یگانه‌مرد خدایی حضرت مهدی \* چگونه باید و چگونه می‌خواهیم پذیرایی کنیم و مدعی انتظار باشیم؟ یقیناً با صداقت، با امانت، با برادری، با مروّت و ایثار، با علم و معرفت، با تقوا و پرهیزکاری و با التزام به اسلام می‌توانیم منتظر باشیم.

انتظار از شخصی مثل ولیّ خدا، با گناه، با خیانت، با بی‌تعهدی‌های اخلاقی، با موسیقی و کنسرت و تشویق اهل ملامتی و مناهی هرگز محقق نخواهد شد و جامعه‌ای که این رفتارهای زشت را به اسم هنر و عناوین دیگر ترویج می‌نماید جامعه منتظر نیست.

امید است ما در ضمن برنامه‌های جشن میلاد و تعظیم دهه مهدویت به این حقایق برسیم و جلوه انتظار را در همه برنامه‌ها شایع و ظاهر سازیم. به امید حرکت بیشتر و جامعه‌ای صددرصد مهدوی.

(إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً \* وَنَرَاهُ قَرِيباً)۱

۱. معارج، ۶ - ۷. «آنها آن روز را دور می‌بینند و ما آن را نزدیک می‌بینیم».



پیام‌های مهدوی / پیام سی و چهارم.....۴۲۵

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

شعبان المعظم ۱۴۳۱

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت فرا رسیدن دهه فرخنده مهدویت و کنفرانس گسترش فرهنگ حجاب و عفاف در عصر انتظار، قم، نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۱ هـ.ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ

يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ)<sup>۱</sup>.

### هویت حقیقی انسان در احساس فقر و نیاز در برابر خالق

هویت حقیقی مخلوق و ممکن الوجود، فقر و نیاز به خالق و واجب الوجود - جلّت أسماءه و عظمت آلاؤه - می باشد و کمال انسان نیایش و احساس و التفات به این فقر و اظهار حاجت و اعتراف به این هویت است. انسان هرچه بیشتر در این وادی سیر نماید و در خودشناسی و خداشناسی مراتب بالاتری را کسب کند و این نیاز ذاتی خود را به خالق خویش و بی نیازی او - عزّاسمه - را در پرتو معرفت صفات جلالیه و جمالیّه او بیشتر درک نماید مقامش اعلی و ارفع می شود:

به پیش آنکه هر آن را معرفت  
بی‌پیوند و خویش بیش است پیش است  
است

---

۱. غافر، ۶۰. «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم. کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به‌زودی با ذلّت وارد دوزخ می‌شوند».

### دعا و تضرع به درگاه الهی رمز برتری پیامبران و امامان<sup>۱</sup>

شخص اول ممکنات، حضرت خاتم‌الانبیاء و اهل‌بیت آن حضرت - صلوات الله علیهم اجمعین - در این احساس فقر و نیاز به خدای بی‌نیاز بالاترین درجات را حائز بودند و رمز اشرفیت و برتری آنها بر همه حتی ملائکه مقرب همین درک و احساس است. الذّٰ لذائذ برای آن بزرگواران جلوس بر بساط عبودیت و اظهار فقر به درگاه الهی و عرض نیایش و نیاز و طلب حاجات و دعا است که حضوری برای انسان بالاتر از آن نیست بلکه حضور و لقا و اتصال به عالم غیب و غیب عالم، همه همین و در همین است و مقامات و درجات معنوی و اصطفا و اجتناب به این حاصل می‌شود. از آیه شریفه‌ای که تلاوت شد این معنای بالا و بلند استفاده می‌شود که دعا و درخواست و طلب حاجت عین عبادت و عبودیت و پرستش است و ترک دعا و نیایش، استکبار از پرستش و عبادت و هاویۀ سقوط است و چنان‌که در حدیث شریف است:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»<sup>۱</sup>

خواندن خدا و «یا الله» و «یا رزاق» و «یا شافی» و «یا غفار» و ... گفتن اصل نیایش و مغز پرستش است. این حال توجه به خدا چنان‌که در قرآن مجید به آن اشاره شده است در حال بروز حوادث و نزول بلیات و شدائد که انسان از همه وسایل نجات ناامید می‌شود و برای کسانی که غافل از این معانی هستند نیز حاصل می‌شود.

قَالَ اللهُ تَعَالَى:

(وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ

---

۱. راوندی، الدعوات، ص ۱۸؛ دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۴۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰. «دعا مغز عبادت است».

### الشَّرُّ فُذُو دُعَاءِ عَرِيضٍ؛<sup>۱</sup>

این معنا را برحسب روایت، حضرت کشاف حقائق، امام صادق \* در جواب شخصی که از آن حضرت درباره خدا سؤال نمود بیان فرمودند:

«هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ؟»

«آیا تاکنون سوار کشتی شده‌ای؟»

- سائل: بلی سوار شده‌ام .

- امام \* : «آیا اتفاق افتاده است که کشتی‌ای که بر آن سوار بودی

شکسته شده باشد و هیچ وسیله ظاهری برای نجات تو نباشد و در

معرض خطر قطعی گرفتار باشی؟».

- سائل: اتفاق افتاده است .

- امام \* : «آیا در این حال هولناک، خطرناک دل تو متوجه شده است

که کسی هست که قادر بر نجات از این خطر و هلاکت باشد؟».

- سائل: بلی همین‌گونه شده است.

امام \* : «آن‌کس، خداوند متعال است که توانا بر نجات دادن است

هنگامی که نجات‌دهنده‌ای نیست و فریادرس است هنگامی که

فریادرسی نیست».

وجود او نه محتاج	خداوندی که
دلیل است	بی‌قرین و عدیل
در اثباتش ز	است
برهان بی‌نیازی	اگر از شبهه دل
به‌جز او از که	را پاک‌سازی
می‌خواهی رهایی؟	اگر افتی به دام
چرا افتی پی دور	ابتلایی

۱. فصلت، ۵۱. «و هرگاه به انسان (غافل و بی‌خبر) نعمت دهیم، روی می‌گرداند و با حال تکبر از حق دور می‌شود؛ و هرگاه مختصر ناراحتی به او رسد، تقاضای فراوان و مستمر (برای برطرف شدن) آن دارد».

## ندارد چون خرد در و تسلسل و تسلسل؟ او تأمل

### فضیلت دعا

راجع به فضیلت دعا همین بس که در روایت است که از امام\* در مورد فضیلت قرائت قرآن و دعا سؤال شد به این صورت که دو نفر نماز خواندند، یکی در نماز، بیشتر قرآن تلاوت کرد و دیگری بیشتر دعا خواند؛ کدام افضل است؟ فرمود: «هر دو فضیلت دارند»، سائل بار دیگر از فضیلت سؤال کرد. امام\* از فضیلت نمازی که در آن دعا بیشتر خوانده شده بود خبر داد و فرمود:

«هِيَ وَاللَّهِ أَفْضَلُ هِيَ وَاللَّهِ الْعِبَادَةُ»<sup>۱</sup>

باتوجه به این دستور ولایی معلوم می‌شود که در ارتباط با عرض ادب و بندگی به پیشگاه اقدس حضرت بقیةالله مولانا المهدی - ارواحنا العالمین له الفداء - نیز، دعا برای آن حضرت و برای تعجیل در فرج و برآمدن حوائج آن حضرت، از نیایش‌ها و دعاهایی کثیر بالبرکات است و از اینکه شخص، حاجات خود را بخواهد به مراتب بالاتر و ثوابش بیشتر است.

### جامعیت کتاب نفیس مکیال المکارم

این همایش که برای تشویق همگان به دعا برای آن حضرت و نیایش و التماس و تضرع به درگاه الهی برای تعجیل در امر فرج آن یگانه دوران و صاحب زمان است همایش عظیم و دارای منزلتی جلیل است و به این مناسبت از یکی از بهترین و جامع‌ترین کتاب‌ها در این موضوع کتاب نفیس و شریف مکیال المکارم

---

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۴؛ ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۳۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۳۸. «نماز همراه دعای بسیار برترین عبادت است؛ به خدا سوگند این نماز عبادت است.»

۴۳۰..... امامت و مهدویت / ج ۴

**فی فوائد الدعاء للقائم** × تالیف شیعهٔ مخلص و چاکر درگاه حضرت بقیة الله الاعظم - ارواح العالمین له الفداء - حضرت آیت الله آقای حاج سید محمد تقی اصفهانی - اعلی الله مقامه - از کتاب و از مؤلف تجلیل و تقدیر به عمل می آید. الحق کتاب در نوع خود بی نظیر و نسخهٔ بهترین ارتباط با ناحیهٔ مقدسه و دعا برای آن حضرت است.

سزاوار است همه از آن استفاده نمایند و امام شناسی خود را به وسیلهٔ آن تکمیل کنند و با نیایش و دعا برای آن حضرت، همواره عهد خود را تجدید و شدت انتظار و اشتیاقشان را به آن ظهور موفور السرور و روز موعود و روز نجات و خلاصی بشر آشکار سازند.

**اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ**

شعبان المعظم ۱۴۳۱

لطف الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش نیایش و دعا برای تعجیل فرج و تجلیل از کتاب ارزنده و مهدوی **مکیال المکارم**، نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۱ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ).<sup>۱</sup>

سلام و درود بر برادران و خواهران عزیز شیعیان مسکو و سائر مناطق کشور

بزرگ روسیه

عید سعید ولادت حضرت موعود همه پیغمبران و سفرای آسمانی را به شما و

همه مسلمانان و دوستان علم، عدالت، و نجات از خیانت، استبداد و

استضعاف تبریک عرض می‌کنم.

### آینده جهان از نگاه منتظران ظهور

منتظران ظهور حضرت مهدی<sup>ع</sup>، همه آینده جهان را روشن و دور از جنگ و

بی‌رحمی و قساوت می‌دانند و عدل جهانی و برادری همگانی را به جهانیان

پیشنهاد می‌نمایند؛ آن جهانی که انتظار دارند، جهانی است که همه باهم در تفاهم

و تعامل کامل باشند، هرج و مرج‌ها، زورگویی‌ها، تروریسم و سلب امنیت در آن

---

۱. انبیاء، ۱۰۵. «و به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به

ارث می‌برند».

محکوم است؛ خیر برای همه، آسایش برای همه، رفاه و قانون برای همه.

### **پیام شیعیان در برگزاری مراسم جشن نیمه شعبان**

شیعیان در هر کجای دنیا باشد با مراسم شادمانی و جشن، این پیام را به دنیا ابلاغ می‌کنند که شیعه برای همه بنی‌نوع انسان خیر و سعادت و نظم و امنیت می‌خواهد و برنامه‌های خشن ضدانسانیت و تروریسم و مردم‌کشی‌های انتحاری را با روح دعوت اسلام و قرآن و مکتب انتظار حضرت صاحب‌الزّمان<sup>×</sup> در تعارض می‌داند. جوامع بشری باید بر اساس اسماء حسناى الهی «الرحمن» و «الرحیم» و «العادل» همزیستی داشته باشند و بر اساس تعاون ایمانی و قرآنی زندگی کنند که حقیقت انسانیت، معنویات و ایمان به خدا و اخلاق کریمه است.

### **وعده حتمی الهی به تحقق صلح و عدالت جهانی**

ما در هر سال، در سالروز ولادت منجی الهی بشر با آن یگانه امید احیاگر عدل و انصاف تجدید عهد می‌نماییم و روح و روان خود را از ناهنجاری‌ها و کینه‌توزی‌ها و عدالت‌ستیزی و بدخواهی پالایش داده و همه را به‌سوی نور و روشنایی و آفاق سراسر صلح و خیر و کمک به انسان‌ها دعوت می‌نماییم و چنین دنیایی را برای بشر پیش‌بینی نموده‌ایم و به آن ایمان داریم و یقین داشته‌ایم که تاریکی و تسلط اهریمنان، مغلوب صالحین عالم و خیرخواهان بنی‌آدم و مؤمنان راستین خواهد شد و همه را وعده حتمی الهی می‌دانیم که قرآن مجید در کمال تأکید، بشریت را به آن نوید داده است.

امید است برادران منتظر در مسکو و سایر نقاط روسیه با این برنامه‌های انتظار



پیام‌های مهدوی / پیام سی و ششم..... ۴۳۳

و تعلیمات قرآنی از درخشش خاصّ در اخلاق و رفتار و علاقه به خیر همگان  
نمونه باشند و این عید سعید بر همه مبارک باشد و همه در ارتباط با آن حضرت  
ولیّ اکبر و اعظم الهی و تجدید عهد و نیّت قلبی با آن امام بزرگوار و واسطه  
فیض پروردگار موفق باشند.

**السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**

به امید آن روز و آن دنیای روشن

شعبان المعظم ۱۴۳۱

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مسلمانان روسیه به مناسبت نیمه شعبان المعظم، ۱۴۳۱ هـ.ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا

اللَّهُ) ۱.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ.

«اللَّهُمَّ إِنَّ إبليسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعِينَ قَدْ عَشَّشَ وَكَثَّرَتْ جُنُودُهُ  
وَازْدَحَمَتْ جُيُوشَهُ وَانْتَشَرَتْ دُعَاتُهُ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ فَأَضَلُّوا عِبَادَكَ  
وَأَفْسَدُوا دِينَكَ وَحَرَّفُوا الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَجَعَلُوا عِبَادَكَ شَيْعَاءَ  
مُتَفَرِّقِينَ وَأَحْزَاباً مُتَمَرِّدِينَ وَقَدْ وَعَدْتَ نَقْضَ بُيُوتِهِ وَتَمْزِيقَ شَأْنِهِ  
فَأَهْلِكَ أَوْلَادَهُ وَجُيُوشَهُ وَطَهَّرَ بِلَادَكَ مِنْ اخْتِرَاعَاتِهِ وَاخْتِلَافَاتِهِ وَأَرَحَّ  
عِبَادَكَ مِنْ مَدَاهِبِهِ وَأَظْهَرَ دِينَكَ» ۲.

- 
۱. اعراف، ۴۳. «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت‌ها) رهنمون شد و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی‌یافتیم».
  ۲. رک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۷۰. «خداوندا! ابلیس سرکش ملعون لانه نهاده و لشکرش زیاد شده و سپاهش افزون گشته است و دعوت‌کنندگان به‌سوی او در اطراف زمین پراکنده شده‌اند، تا بندگان را گمراه سازند و دینت را تباه سازند و سخنان (حق) را از جایگاهش تحریف کنند و بندگان را به صورت گروه‌های پراکنده و احزاب طغیان‌گر درآوردند درحالی‌که وعده دادی که بنیانش را درهم شکنی و قدرت و مقام او را متلاشی کنی؛ پس ای خدا فرزندان و سربازانش را نابود کن و شهرهای را از بدعت‌ها و اختلافات او پاک گردان و بندگان را از مذاهب و عقائدش رها کن و دین

پیام‌های مهدوی / پیام سی و هفتم.....۴۳۵

وَعَجَلَ فَرَجَ وَلِيكَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَمِنَ الْعَامِلِينَ لِمَرْضَاتِهِ فِي

غَيْبَتِهِ ۱

(قسمتی از دعای بعد از زیارت حضرت امام حسن عسکری ×)

### تحقق عدالت در سایه ظهور حضرت ولی عصر ×

خداوند متعال را بر نعمت ولایت حضرت خاتم‌الاولصیا و شمس آسمان اصطفای، بقیةالله فی الارضین، الخلف الهادی المهدی مولانا الامام الثانی عشر - ارواح العالمین له الفداء - سپاسگزاریم.

دهه مبارکه مهدویّت و عید بزرگ الهی و جهانی ولادت باسعادت آن حضرت را به عموم مردم عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز، خصوصاً شیعیان و منتظران روز بزرگ و عصر ظهور آن حضرت تبریک عرض می‌نماییم؛ ظهوری که هرچه بشر، دوران‌ها را پشت سر بگذارد و عصرهای بسیار بر جهان بگذرد، عالم سپری نخواهد گشت تا آن ظهور تحقق یابد.

همه مسلمانان؛ از سنّی و شیعه، بر این اتفاق دارند که برحسب حدیث قطعی‌الصدور از حضرت رسول اعظم؟:

«اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند متعال آن روز را آنقدر

طولانی می‌فرماید که حضرت مهدی آل محمد - صلوات الله علیهم

اجمعین - ظهور فرماید و عالم را پر از قسط و عدل نماید، چنان‌که پر از

---

خودت را آشکار ساز، و دینت را آشکار کن». و در فرج ولّیت تعجیل کن و ما را از یاران و از

عمل‌کنندگانی که خشنودی او را در عصر غیبتش فراهم می‌کنند قرار ده.

۱. و در فرج ولّیت تعجیل کن و ما را از یاران و از عمل‌کنندگانی که خشنودی او را در عصر غیبتش

فراهم می‌کنند قرار ده.

ظلم و جور شده باشد»<sup>۱</sup>.

آری! شکی نیست که دنیا چنین دوره و عصر و زمانی را در پیش دارد، و سیر شب و روز و حرکت ماه و خورشید، به سوی آن روز است. و اگرچه مثل قیامت دور باشد، به مضمون:

**(اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ)؛<sup>۲</sup>**

در حساب‌های الهی نزدیک است، و اگر هرچه به تأخیر افتد و عصر غیبت طولانی شود جز مؤمنان قوی‌الاعتقاد و ثابت‌الایمان - که خدا دل آنها را به ایمان، امتحان فرموده است - کسی به ایمان به امامت آن حضرت باقی نماند؛ و اگرچه در عصر غیبت، دشواری‌ها پیش می‌آید و افراد ریاست‌خواه، دعاوی باطله می‌نمایند و خود یا اوضاع و احوال را به شرایط خاصّ ظهور آن حضرت جلوه می‌دهند و گمراهی‌ها زیاد می‌شود و تصرفات و تحریفات در احکام صورت می‌گیرد و به‌طور کلی، حلال خدا حرام و حرام خدا حلال، و اختلاط زن و مرد و ملاهی و مناهی و لهو و لعب رایج می‌شود و منکر، معروف و معروف، منکر می‌گردد؛ اما در عین حال، سیر حقیقی به سوی آن روز کمال و عدل جهان‌گیر است. عکس‌العمل جهالت‌ها و ضلالت‌ها و ظلم و ستم‌ها، چنان دوران عزیز است.

### **عصر غیبت، عصر امتحان**

عصر غیبت، عصر تمحیص و تخلص است. همه امتحان می‌شوند؛ زمامداران و حکومت‌ها یکی پس از دیگری آن‌قدر امتحان می‌شوند که اکثریت ناامید می‌گردند و با یک صدای الهی و صیحه آسمانی بیدار و هشیار می‌شوند. این ظهور، بشارت انبیای گذشته و کتب آسمانی قبل از اسلام و

۱. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۶۵؛ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. قمر، ۱. «قیامت نزدیک شد».

پیام‌های مهدوی / پیام سی و هفتم.....۴۳۷  
بشارت قرآن مجید است.

### برگزاری جشن میلاد

شایسته است میلاد آن عزیزی که قهرمان این ظهور و به امر خدا سازنده جهان نوین و عصر طلایی اسلام است را، همه جشن بگیرند و به هم تبریک بگویند و از خداوند، تعجیل ظهور آن حضرت را مسئلت نمایند.  
این ظهور، روز پایان استضعاف و روز حکومت صالحان است؛ نظامی که امیرالمؤمنین × با کمال تأکید، آن را بشارت داده است.

### مسائل مهم مورد توجه در ایام میلاد

مطالب و مسائل مهمی که باید در این ایام فرخنده و مجالس جشن و سخنرانی عنوان شود زیاد است که در این مقاله، مجال عرض و بیان آن نیست. تنها به مواردی از آن اشاره می‌کنم:

۱. برحسب حدیث مشهور و مسلم بین‌الفریقین:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛<sup>۱</sup>

معرفت امام، اعتبار و اهمیّت بسیار بالایی دارد که اگر کسی بمیرد - در هر عصر و زمانی - و امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

۲. تأکیدی از این بالاتر نیست. پیام‌های این اعلام، آموزنده و معرفت‌بخش است. همه باید امام زمان × را بشناسند و به او معرفت داشته باشند تا به مردن

---

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة‌الانثر، ص ۲۹۶؛ ابن‌حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۴۹۵؛ ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ج ۳، ص ۱۸؛ محدث نوری، کشف‌الاستار، ص ۷۸ - ۷۹. «کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است».

۴۳۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

جاهلیّت نمیرند و به مثل آنچه در السنه و افواه بین عوامّ و افراد بی معرفت مطرح می شود، از قربِ ظهور و تطبیق بعضی روایات بر اشخاص، اعتنا نکنند و این زمزمه واهی در جامعه ولایی و صاحب معرفت مطرود و محکوم گردد. ۳. بنابراین باید در حوزه امام شناسی، همه وارد شوند و مقالات و سخنرانی ها بسیار باشد. کتاب های مستند تألیف گردد که دیگر مثل این صحنه اخیر تجدید نشود و اسم ظهور و قرب ظهور، وسیله نیل به مقاصد شخصی و ریاست طلبی نگردد.

۴. این ایام مبارک و جشن و عید نیمه شعبان را همه مخصوصاً نسل جوان، باید غنیمت بدانیم و آن را فرصتی برای تجدید عهد با آن حضرت و بررسی حال و وضع خود، جامعه و زن و مردمان و مسئولان بدانیم؛ آیا به آن حضرت نزدیک تر شده و انتظارات ایشان را از خودمان و از نظام برآورده کرده ایم؟ در امر به معروف و نهی از منکر و حفظ سنت های الهی و هویت اسلامی، قضای حوائج عبادالله، خصوصاً طبقه محروم و احیای دین و استقلال و قطع نیاز از بیگانگان چه پیشرفت هایی داشته ایم؟ به امور و ارزش های اخلاقی و حقیقی اهمیت می دهیم یا مطالب بی ارزش را ترویج می کنیم؟! در مبارزه با تهاجم فرهنگی و غرب گرایی - که به زبان می گوئیم - در عمل چگونه ایم؟

۵. شب نیمه شعبان، مثل شب های قدر یکی از شب های مقدّسه سال است که باید غنیمت شمرد؛ شب دعا و توجّه به خداوند متعال و توبه و استغفار و اعمال خیر و احسان است، و شب پاک سازی دل ها از غلّ و غشّ و کینه توزی و افکار و نیّات پلید می باشد. در این شب، همه با نیّت پاک، دست انابه و تضرّع به درگاه خداوند متعال برداشته و فرج موفورالسّرور حضرت مهدی موعود# را از خداوند

پیام‌های مهدوی / پیام سی و هفتم.....۴۳۹

متعال مسئلت می‌نماییم. مبدا این جشن‌ها و شادی‌ها که از شعائر دین و اعلام وجود و افتخار به ولایت ائمه طاهرین<sup>ه</sup> است، به گناه و لهو و لعب و غنا و طرب آلوده گردد.

در پایان از خداوند برای همه عزیزان؛ برادران و خواهران، توفیق الهی و دعا و عنایات حضرت ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - را مسئلت می‌نمایم.

**السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**

شعبان المعظم ۱۴۳۲

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت دهه فرخنده مهدویت و نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۲ هـ ق، در تقبیح و محکوم نمودن استفاده ابزاری از ظهور و نام مقدس امام‌زمان<sup>خ</sup>.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ

الْحُسَيْنِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِنَتْ ظُلْمًا»<sup>۱</sup>.

با عرض ادب و احترام و تجلیل و تکریم شایان از بزرگواران فرهیخته و مهدی‌پژوهان و الامقام، نمایندگان انجمن‌ها و مجامع عالی علمی حوزه که به تأسیس انجمن مهدویّت همّت گماشته‌اند؛ این فکر عالی و هدف متعالی را می‌ستایم.

### اصالت موضوع مهدویت

موضوع مهدویّت اگرچه از عصر اول در کنار سایر دعوت‌های رسالت و اخبار از ملاحم و مغیبات و آینده زمان و جهان مطرح بوده و اصالت آن در همه اعصار مورد اتفاق همه محدّثین اسلام است و کتب حدیث و جوامع و مسانید و صحاح نیز در مرور اعصار این اصالت را حفظ کرده، که هر مؤمن به کتاب و سنّت انتظار آن جهان آینده و دوره درخشان و طلایی و آن روز بزرگ الهی را دارد؛ اما وابستگی شیعه امامیه اثنی‌عشریه، به آن هویت و شخصیت است؛ اگر سایرین به اجمال به آن معتقدند شیعه به تفصیل آن اعتقاد دارد؛ اگر

---

۱. نگارنده، منتخب‌الاثار، ج ۲، ص ۷۴، ح ۳۸۲. «دنیا به پایان نمی‌رسد تا اینکه در امت من مردی از فرزندان حسین ظهور کند که زمین را پر از عدل کند، همان‌طور که از ظلم پر شده باشد».



پیام‌های مهدوی / پیام سی و هشتم..... ۴۴۱  
دیگران آن را شناسایی نکرده و مهمل گذارده‌اند شیعه حسب‌الوظیفه امام‌شناسی  
و به حکم محکم:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»<sup>۱</sup>

ایشان را به حسب و نسب و علائم و صفات خاصه شناخته و امام عصر خود  
می‌دانند و ولایت او را کشتی نجات و وجود مبارک او را امان و بقیه‌الله و واسطه  
بقای جهان و زمین و زمان می‌دانند.

### مهدویت هویت اسلام و ایمان

این عقیده از عقاید حقه‌ای است که از ایمان به خدا و توحید آغاز و پایه و  
اساس می‌گیرد و به عقیده به امامت حضرت حجة بن الحسن مهدی موعود#  
کامل می‌گردد و چنان‌که عرض شد این عقیده، هویت است، اسلام تمام و ایمان  
کامل است و اگر کسی در سیر امم و ملل و تطورات مختلف که در مرور اعصار  
بسیار روی داده و همواره در تحوّل و گردش است تعمق کند می‌فهمد که این  
سیرهای بسیار و تغییرات بی‌شمار هدفمند و به‌سوی یک تمرکز عالی جریان دارد  
که رضایت بشریت در آن تأمین می‌شود و آن همان عصر ظهور و عصر نجات و  
عصر عدالت و عصر قرآنی:

(وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ)<sup>۲</sup>

است، باید با تشکیل انجمن‌ها و کنگره‌ها در تعمیق و تحقیق این  
هویت و الزام و تعهد به آن و مخصوصاً آشنایی بیشتر نسل جوان با

---

۱. صدوق، کمال‌الدین، ص ۴۰۹؛ خزاز قمی، کفایة‌الانثر، ص ۲۹۶؛ ابن‌حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب،  
ص ۴۹۵؛ ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ج ۳، ص ۱۸؛ محدث نوری، کشف‌الاستار،  
ص ۷۸ - ۷۹. «کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است».  
۲. قصص، ۵. «و ما می‌خواستیم بر مستضعفان روی زمین منت نهمیم».

مبادی و مبانی و فوائد و نتایج آن، سیر جامعه به سوی کمال و مطالب و مقاصد آن فراهم شود.

### عقیده مهدویت در شیعه

این افتخار ایمان به امام زنده غایب در بین همه فرق اسلامی تاج افتخاری است که شیعه به آن مفتخر است، حتی دیگران از اهل تحقیق و ادیان‌شناسی که در فرق و ادیان بررسی می‌نمایند آثار و برکات این عقیده را برای شیعه جهانی و منحصر به فرد می‌دانند، یکی از آنان می‌گوید:

شیعه پرندۀ ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ما است، پرندۀ ای که دو بال دارد، یک بال سبز و یک بال سرخ؛ بال سبز این پرندۀ همان مهدویت و عدالت‌خواهی اوست؛ چون شیعه در انتظار عدالت به سر می‌برد، امیدوار است و انسان امیدوار شکست‌ناپذیر است، نمی‌توانید کسی را تسخیر کنید که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد.

بر اساس نظریه این شخص که (فوکویاما) نام دارد بال سبز شیعه همان فلسفه انتظار و عدالت‌خواهی و ایمان به مهدی<sup>×</sup> است. او می‌گوید: بال سرخ شیعه شهادت‌طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی به آن نمی‌رسد.

این ایمان حافظ جامعه شیعه است چون ایمان به بقا و انتظار است؛ ایمان به آینده عدالت‌مند و صالح است؛ عقب‌گرد و ارتجاع در این ایمان که اسلام آن را عنوان کرده و قرآن بر آن تصریح دارد:

(أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)؛<sup>۱</sup>

۱. انبیاء، ۱۰۵. «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

پیام‌های مهدوی / پیام سی و هشتم..... ۴۴۳

وجود ندارد و اندیشه‌های آن در عمق ایمان هر مسلمان از هر فرقه و گروه وجود دارد ولی به‌طور مستقل و حساب‌شده به آن التفات ندارند و لذا ایمان آنها در ابهام و اجمال باقی مانده است، ولی شیعه همواره و در هر عصر به آن التفات داشته و دارد، این التفات و این شناخت کامل و صحیح حافظ هویت شیعه به‌عنوان مسلمان و به‌عنوان شیعه است، معنایش این است که شیعه و تشیع نمی‌میرد و منقرض نمی‌شود، آیه شریفه:

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ

الْكَافِرُونَ)؛<sup>۱</sup>

همیشه برابر چشم شیعه است، تابلو است چنین بینش و معرفت و اعتقاد را باید گرامی داشت، باید به‌عنوان مهدویت انجمن‌ها و مؤسّسات و کتابخانه‌ها تأسیس شود. استقلال شیعه استضعاف‌ستیزی و استعمارزدایی همه نهفته در همین انتظار است آن پیغمبر بزرگی که جهان بشریت مانند او را ندیده و مهندس الهی عوالم سیر و حرکت انسان و این امت بزرگ اسلام است می‌فرماید:

«إِنْتَظَرِ الْفَرَجَ مِنْ أَفْضَلِ الْعَمَلِ».<sup>۲</sup>

در خاتمه امید آنکه این تشکّل مقدّس و این انجمن که در آن فضایی حوزه شرکت دارند موجب رشد بیشتر و التفات همگان به مفهوم وسیع جهانی و وحیانی مهدویت گردد، توفیقات بیشتر آقایان محترم را در خدمت به فرهنگ بانشاط و نورانی مهدویت و زدودن خرافات و پیرایه‌ها و

---

۱. صف، ۸. «آنان می‌خواهند دین خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هرچند کافران خوش نداشته باشند».

۲. بحرانی، مدینه معجز الائمة الاثنی عشر، ج ۴، ص ۳۲۰؛ نگارنده، منتخب‌الاثر، ج ۲، ص ۲۱۶-۲۱۸. «انتظار فرج از برترین کارها است».

۴۴۴ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

اندیشه‌های غیردینی و پاسخ دادن به شبهات ارائه‌ی مکتب واقعی انتظار از خداوند متعال مسئلت دارم.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پنجم ذی‌الحجه ۱۴۳۲

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به مناسبت مراسم افتتاحیه اولین مجمع عمومی صاحب‌نظران حوزه مهدویت، ۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۲ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).<sup>۱</sup>

یأس و نومیدی در نظام‌های معاصر

در جهان معاصر، جهان ترقی فنون و صنایع، جهان ارتباطات، جهان آگاهی‌هایی از کوچک‌ترین ذرات تا بزرگ‌ترین کرات، جهانی که قلم بشر از توصیف واقعی آن ناتوان است، به‌جای اینکه باین‌همه پیشرفت، اسباب آرامش و آسایش بیشتر شود، و سکون خاطر و آرامش قلب و اطمینان به آینده و علاقه به ادامه زندگی و بقا و حیات در او افزون‌تر گردد، این علائق و احساسات عالی در انسان‌ها ضعیف‌تر گشته، و چنین جلوه می‌کند که رو به زوال و فنا است.

تفسیرهای نومیدکننده از حیات بشر توسط مکتب‌های مادی، زندگی بشر را پوچ و پوک جلوه می‌دهد، و جامعه انسانیت را با خطر بی‌قیدی و بی‌میلی به زندگانی مواجه ساخته است، و بشر را از این نظاماتی که بر معنویات اتکا ندارند، مأیوس نموده است.

---

۱. قصص، ۵. «ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!».

### امید به آینده از امتیازات ادیان الهی و مکتب اسلام

در مقابل، یکی از امتیازات بزرگ ادیان الهی، اطمینان و آرامشی است که در دل‌ها ایجاد می‌کند، و همه را به آینده بهتر و کمال بیشتر امیدوار می‌سازند، و خصوصاً دین اسلام، این خصیصه را در حدّ اعلیٰ تبلیغ کرده و بشر را به آینده امیدوار نموده، و عوامل یأس و نومیدی را از بین برده است، و برای حیات و مصیبات و زحماتی که بشر با آن دست به گریبان است، تفسیری درست ارائه نموده، و همه را در مسیر تعالی و ترقّی و کمال او معرفی می‌نماید.

صدای روح‌بخش و دلنواز:

(لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ)؛<sup>۱</sup>

(وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ)<sup>۲</sup>

قرآن کریم، هر شخص مؤمن به خدایی را بانشاط، امیدوار، آینده‌نگر و مقاوم می‌سازد؛ و به انسان چنان روحیه‌ای می‌دهد که در مواقع بسیار خطرناک، پویا و پیشتاز جلو می‌رود.

### بشارت ادیان الهی به حکومت واحد الهی

از جمله این بشارت‌های نشاط‌بخش، بشارت و مژده به دوره استقرار عدل جهانی و حکومت واحد همگانی است که همه ادیان الهی و بلکه سایر ادیان هم بر آن اتفاق دارند.

حکومت واحد الهی، یعنی حکومت جهانی مسئولان و مدیران شایسته و صالح، حکومت عبادالله، حکومتی که رهبر آن پاک‌ترین فرد انسانی،

۱. زمر، ۵۳. «از رحمت خداوند نومید نشوید».

۲. یوسف، ۸۷. «و از رحمت خدا مأیوس نشوید».

پیام‌های مهدوی / پیام سی و نهم..... ۴۴۷  
صالح‌ترین عبادالله و مؤید من عندالله و بقیةالله و خلف و وارث برگزیده  
انبیاءالله و اولیاءالله است.

دوره و عصری که برکات و نعمت‌های ظاهریّه و باطنیّه همه را شامل باشد،  
و فقر و زبردستی در آن نباشد، و خلاصه حکومت حضرت مهدی، قائم آل  
محمد - صلوات الله علیهم اجمعین -، حکومت صاحب‌الامر و صاحب‌الزمان - علیه  
آلاف التحية و الثناء -.

### لزوم تبلیغ آموزه‌های مکتب امیدبخش اسلام

باید در این جهان رو به یأس، این مکتب امیدبخش و نشاط‌افزا به همه بشر از  
زن و مرد تبلیغ شود، و همه را امیدوار نمود تا ریشه یأس و ناامیدی و خودکشی  
و بی‌تفاوتی و سیر قهقرائی و سستی و گرفتاری به موادّ مخدرّ و ملامی و مناهمی  
خشکاننده شود.

امروز جامعه اسلامی و جوانان امت اسلام، به آشنایی به این مکتب و به دیدن  
این مدرسه الهی محتاجند. همه مسلمانان باید از دانشگاه بزرگ مهدویت، درس  
بیاموزند و پس از آن، آموزه‌های والای این مکتب نجات‌بخش را به گوش تمام  
جهانیان برسانند.

«اللَّهُمَّ إِنَّ ابْلِيسَ الْمُتَمَرِّدَ اللَّعِينَ قَدْ عَشَّشَ وَكَثُرَتْ جُنُودُهُ  
وَأَزْدَحَمَتْ جَبُوشُهُ، وَأَنْتَشَرْتَ دُعَاتُهُ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ  
طَهِّرْ بِلَادَكَ مِنْهُمْ وَابْسُطْ عَدْلَكَ، وَأَظْهِرْ دِينَكَ، وَقَوِّ أَوْلِيَاءَكَ،  
وَأَوْرِثْ دِيَارَ ابْلِيسَ وَدِيَارَ أَوْلِيَانِهِ أَوْلِيَاءَكَ»<sup>۱</sup>.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۷۰. «خداوندا! ابلیس سرکش ملعون لانه نهاده و لشکرش زیاد شده و سپاهش افزون گشته است و دعوت‌کنندگان به سوی او در اطراف زمین پراکنده شده‌اند، خداوندا شهرهای خود را از وجود آنان پاکسازی کن و عدل و داد خود را بگستران، و دین خودت را آشکار ساز، و دوستان خودت را نیرومند فرما، و دیار ابلیس و دیار اولیانش را برای دوستانت به ارث بگذار».

۴۴۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَنْصُرْهُ  
نَصْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَأَخْرُ دَعْوَانَا  
أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>.

رجب المرجب ۱۴۳۳

لطف الله صافی<sup>۲</sup>

---

۱. خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج پیروزی ولی خودت عجله کن و او را به خوبی یاری فرما و ما را از یاران او قرار ده. تو قبول کننده و شنونده دعا هستی و آخرین خواسته ما شکر و ستایش پروردگار عالم است.

۲. پیام به مجله اصلاح به مناسبت نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۳ هـ. ق.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ).<sup>۱</sup>

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا سَيِّمًا عَلَيَّ وَلِيكَ الْمُحْيِي  
سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ؛ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ  
وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَارْزُقْنَا لِقَائَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ.  
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

با عرض تبریک و تهنیت، حلول ماه مبارک شعبان، ماه نزول برکات، ماه اعیاد شریفه، ماه تجلی انوار الهیه را گرامی می‌داریم.

#### ماه شعبان فرصت احیای امر اهل بیت<sup>^</sup>

این ماه شریف، فرصتی بسیار مناسب و عزیز و شکوه‌مند برای دعا و طلب فرج آل محمد<sup>^</sup> و درخواست تعجیل در ظهور و تحقق وعده الهی به انبیای عظام و همه ملل و امم، مخصوصاً مستضعفان و مشتاقان روزگار آن عدل جهانی و حکومت توحیدی اسلامی و تعظیم شعائر و احیای امر اهل بیت<sup>^</sup> و اعلام حیات ولایی و برنامه‌های وسیع دعایی است.

---

۱. غافر، ۶۰. «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم».

۴۵۰ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

سزاوار است در سراسر این ماه، یاد و ذکر فضایل اهل بیت<sup>ع</sup> و معالی مقامات و درجات عالیات ایشان از زبان‌ها نیفتد و مجالس و محافل و سخنرانی‌ها همه را به سوی عوالم قرب و کمال معنوی سوق دهند. مخصوصاً در دعا برای تعجیل فرج حضرت بقیةالله مولانا المهدی<sup>ع</sup> در تمام این ماه، همگان؛ به طور فردی و همگانی، در خلوت و جلوت، اصرار و اهتمام ویژه داشته باشند.

دعا برای آن حضرت و برای تعجیل در ظهور، دعا برای همه بشریت، برای همه طوائف و قبایل و اقویا و ضعفا، عالم و جاهل، و فقیر و غنی است. ظهور آن حضرت و تعجیل در امر فرج آن یگانه خلیفه الهی و خلف یکتای همه انبیای مرسلین و ائمه طاهرین، نجات همگان از جهالت و ضلالت و گمراهی از ظلم و جور است.

### توصیه به دعا کردن در اسلام

بخش مهمی از تعلیمات اسلام و هدایت‌های اولیای دین، توصیه به دعا و نیایش و خواندن خدا و مناجات با خدا است تا آنجا که فرمودند:

«الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ»<sup>۱</sup>؛

«مغز عبادت و پرستش، دعا است.»

آیات قرآن و احادیث و روایات همه با تأکیدات مؤکد توصیه به دعا و خواندن خدا به اسماء الحسنی نموده‌اند:

(وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا)<sup>۲</sup>.

۱. راوندی، الدعوات، ص ۱۸؛ دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۴۸؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۲. اعراف، ۱۸۰. «و برای خدا نام‌های نیک است؛ خدا را با آن (نام‌ها) بخوانید.»

### **آثار و فوائد دعا**

دعا به هر کدام از اسماء‌الحسنی، آثار خاص و پیام‌های بزرگ معرفت‌بخشی دارد. دعا، قلب را روشن و نورانی می‌نماید، ظلمت‌ها را از بین می‌برد، بنده را بالا می‌برد، و سبب عروج او می‌شود. این دعا اگر برای حوائج عامّه و خیر و سعادت همگان باشد، اجرش بیشتر، و فضیلتش زیادتر است، و اگر برای ولیّ امر و حجّت خدا دعا شود، درک اجر و فضلش برای ما قابل تصوّر نیست. دعا برای آن حضرت، دعا برای هر موجودی از جنّ و انس و ملائکه است. فرج آن حضرت، فرج همه انبیا و اولیا و شیفتگان عدالت، علم، آگاهی، بیداری، امنیت و آسایش است.

در این فرصت، فوائد بزرگ و آثار عظیمه آن به‌شمار در نمی‌آید، و نمی‌توان از معانی و مطالب و هدایت‌هایی که بعضی ادعیه مرویه برای آن حضرت، مشتمل بر آن است سخن گفت. دعا مکتب است، دعا درس و دانشگاه الهی و همگانی است، درس شناخت خدا و پیغمبر و امام است.

### **دعا برای حضرت صاحب‌الأمر × برنامه‌ای همگانی**

سزاوار است برنامه‌های دعا برای حضرت صاحب‌الأمر × گسترده و فراگیر و همگانی، مخصوصاً در این ماه شریف برگزار شود، و همه از برکات ماه شعبان و عید نیمه شعبان مستفیض گردند، به‌ویژه در شب نیمه ماه مبارک، شب باعظمت و پرخیر و برکت میلاد آن یگانه موعود انبیا و اولیا که از شب‌های بسیار بافضیلت و هم‌تراز با شب‌های قدر بلکه یکی از لیالی قدر است. امید است در اثر دعا‌های مؤمنین و اصرار آنها بر دعا برای تعجیل فرج، اسباب فرج آن حضرت فراهم گردد.

٤٥٢ ..... امامت و مهدویت / ج ٤

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ  
الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ.  
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

خجسته بر همگان ماه فرخ شعبان

اول شعبان المعظم ١٤٣٣

لطف الله صافی<sup>١</sup>

---

١. پیام به مناسبت حلول ماه شعبان المعظم ١٤٣٣ هـ ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ  
بِالْغَيْبِ).<sup>۱</sup>

اعتقاد به عالم غیب در به وجود آمدن ادیان الهی و ایمان به انبیا، و تحقق هویت  
خدا باوری، اصل و اساسی است که بدون آن هر اندیشه و باوری کفر و الحاد است.

### مصادیق ایمان به غیب

ایمان به جهان غیب و عالم غیر محسوس به حواس ظاهره، مثل بهشت و جهنم  
و حور و غلمان و ملائکه، و ایمان به عرش و کرسی، و برای ما ایمان به انبیای  
گذشته، و ایمان به ائمه طاهرين<sup>۱</sup> که فعلاً در این جهان حضور جسمانی ندارند -  
و ایمان به اخبار قرآن و حضرت رسول و ائمه طاهرين<sup>۲</sup> از مغیبات و وقایع  
آینده، و ایمان به حضرت ولی عصر<sup>۳</sup> که اگرچه در همین عالم حضور جسمانی  
دارند و مردم از ایشان غایب نیستند ولی تا یوم ظهور از مردم عموماً مگر برخی  
خواص غایب می‌باشند - همه در تحت جمله شریفه (يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)<sup>۲</sup> قرار

۱. بقره، ۲-۳. «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.

پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند».

۲. بقره، ۳.

دارند، و ایمان به آنها، ایمان به غیب است.

### فضیلت ایمان به انبیای گذشته و امامان<sup>^</sup>

از جمله روایاتی که بر فضیلت ایمان به انبیای گذشته و معجزات آنها، و ایمان به پیغمبر اکرم<sup>ؐ</sup>، و ائمه طاهرین تا امام یازدهم<sup>^</sup> دلالت دارد، روایت ذیل است که از طرق اهل سنت و در تفاسیر ایشان از سنن دارمی روایت شده است:

روایت این است که حرث بن قیس که از تابعین است و به دیدار حضرت رسول خدا<sup>ؐ</sup> تشریف نیافته بود، به عبدالله بن مسعود که از اصحاب است گفت:

**عِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ مَا سَبَقْتُمُونَا إِلَيْهِ مِنْ رُؤْيَا رَسُولِ اللَّهِ؛**

ما از خداوند محرومیت از این فضیلتی را که بر ما به آن پیشی گرفتید، و

به دیدار رسول خدا<sup>ؐ</sup> مشرف شدید طلب اجر و جبران داریم.

ابن مسعود گفت:

**عِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ إِيْمَانَكُمْ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ تَرَوْهُ .  
 إِنَّ أَمْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ بَيْتًا لِمَنْ رَأَاهُ،  
 وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَفْضَلُ مِنْ إِيْمَانٍ بِغَيْبٍ؛**

یعنی ما هم از خدا طلب اجر و جبران می‌کنیم از جهت محرومیت از

فیض ایمان به غیب، یعنی ایمان به پیغمبر<sup>ؐ</sup> که شما بر آن هستید و آن

حضرت را ندیده‌اید. سوگند به خدایی که غیر از او خدایی نیست احدی

فاضل‌تر از آن که ایمان به غیب دارد نیست.

برحسب این روایت، در حال حاضر ایمان به انبیای گذشته و حضرت خاتم‌الانبیاء<sup>ؐ</sup>، و امیرالمؤمنین و ائمه<sup>^</sup> تا حضرت امام حسن عسکری<sup>ؑ</sup> ایمان به غیب است، چنان که ایمان به حضرت ولی<sup>ؑ</sup> عصر<sup>#</sup> نیز ایمان به غیب است، و از

پیام‌های مهدوی / پیام چهل و یکم..... ۴۵۵

ثواب همه این ایمان‌ها بهره‌مندیم که در رأس آنها ایمان به خداوند متعال است که اگرچه عالم و ماسوا و همه کائنات، آیات جمال و جلال الهی هستند و به ذکرش هرچه بینی در خروش است و چیزی و ذره‌ای از او غایب نیست، اما او به ذات و حقیقت صفات از همه حتی انبیا غایب است.

(لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ)؛<sup>۱</sup>

و «لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيْنِ وَلَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقِيقَةِ

الْإِيمَانِ»؛<sup>۲</sup>

به صفات سلبیه بیشتر معروف است تا به صفات ثبوتیه که:

(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)؛<sup>۳</sup>

بنابراین مصداق اتم و اکمل ایمان به غیب، ایمان به خداوند متعال است.

### ویژگی‌های مؤمن به وجود امام عصر × و عصر غیبت

ایمان به وجود حضرت بقیة الله # و عصر غیبت، ویژگی‌ها و فضائل خاصی دارد، و مؤمن به غیب در این عصر، هم ایمانش به انبیا و ائمه گذشته ایمان به غیب است، و هم ایمانش به امام حی صاحب زمان ایمان به غیب است. ایمان گذشتگان از این امت هم از زمانی که پیغمبر اکرم بشارت به ظهور مهدی از اولاد فاطمه می‌داد ایمان به غیب است که از غیر شیعه به اجمال و از شیعه به تفصیل است. همه ایمان به غیب است، ایمان به نادیده است، و همه داخل در ایمان به غیب و ایمان به خدا و صدق حضرت رسول است.

۱. انعام، ۱۰۳. «چشم‌ها او را نمی‌بینند ولی او همه چشم‌ها را می‌بیند».

۲. آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۱۱۵.

۳. شوری، ۱۱. «هیچ چیز همانند او نیست».

۴۵۶ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

باید مؤمنین قدر این مرتبه را بدانند که مثل ابن مسعود آن صحابی معروف آرزومند آن بوده و محرومیت از آن را فقدان می‌داند که اجر آن را از خدا می‌خواهد، و بر خود ببالد که خدا در بیان اوصاف متقین پیش از همه اوصاف جلیله متقین، ایمان به غیب را بیان می‌فرماید.

### فرق ایمان به غیب در عصر غیبت با اعصار دیگر

فرق ایمان به غیب در عصر غیبت با اعصار دیگر این است که مؤمنین تخلص و تمحیص می‌شوند؛ امتحانات شدید برایشان جلو می‌آید که بسیاری در این امتحانات ساقط می‌شوند. زن‌ها، مردها، جوان‌ها و حکام و مسئولین حتی علما همه امتحانات خاص دارند.

از جهت ظهور بدعت‌ها، از جهت اصرار بر ملامتی و مناهی و ترویج منکرات و ترک امر به معروف، و نفی سنت‌ها مسائلی پیش می‌آید که فتنه و فساد و اعراض از حق ظاهر و بلکه مورد افتخار و اعطای جوایز می‌شود؛ اموری که بعضی مظاهر آنها در معرض دید همگان است، و جز کسانی که «إِمْتَحَنَ اللَّهُ تَعَالَى قُلُوبَهُمْ بِالْإِيمَانِ» کسی باقی نمی‌ماند.

لقمه و مال حلال اگر نایاب نباشد کمیاب می‌شود. قوانین و سنت‌های اسلامی حتی به اسم اسلام متروک می‌گردد، و خلاصه برطبق این روایت که از حضرت امیرالمؤمنین × است:

«أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ

الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ»؛<sup>۱</sup>

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳ (ج ۱، ص ۱۹۸)؛ دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۳۵. «ای مردم زمانی برای شما فرا خواهد رسید که اسلام واژگون می‌شود همان‌گونه که ظرف به آنچه در آن است واژگون می‌شود».



پیام‌های مهدوی / پیام چهل و یکم..... ۴۵۷  
اسلام دگرگون می‌شود، یعنی واژگون می‌گردد چنان‌که ظرف به آنچه در آن  
است واژگون می‌شود.

### وظایف مؤمنان در عصر غیبت

در این شرایط و وظایف دشوار و مسئولیت‌های سنگین، افراد شجاع و دلسوز  
و باایمان باید به یاری اسلام بشتابند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند. برنامه‌ها  
و روش‌های غیراسلامی را محکوم و به مردم معرفی نمایند، و بر حفظ هویت  
اسلامی پافشاری کنند و فداکاری نمایند.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ)؛<sup>۱</sup>

وَقَالَ سُبْحَانَهُ:

(وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)؛<sup>۲</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

شعبان المعظم ۱۴۳۳

لطف‌الله صافی<sup>۳</sup>

---

۱. محمد، ۷. «اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».  
۲. توبه، ۱۰۵. «بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند».  
۳. نوشتاری از حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی به مناسبت شعبان المعظم ۱۴۳۳ هـ ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ بَقِيَّةُ اللَّهِ - أَرْوَاحُ  
الْعَالَمِينَ لَهُ الْفِدَاءُ - وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى شَيْعَتِهِ  
الْمُتَمَسِّكِينَ بِأَمْرِهِ، وَالْفَائِزِينَ بِوِلَايَتِهِ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ وَرَحْمَةً  
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

با سلام و تبریک صمیمانه و خالصانه خدمت حضار محترم، ارادت‌مندان و چاکران آستان فرشته‌پاسبان صاحب ولایت کامله تامه عبد یگانه خدا حضرت بقیة الله مولانا الامام المهدي - ارواح العالمين له الفداء - که در این جشن باشکوه به شرف حضور نایل شده، و خود را در معرض نسایم برکات و رحمت‌هایی که در آن نازل می‌شود قرار داده‌اند، مراتب سپاس و تشکر خود را از برگزاری این مجلس قدسی ابراز می‌دارم؛ به امید آنکه به حکم:

«الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخْلِ فِيهِ مَعَهُمْ»<sup>۱</sup>

برکات کثیره و رحمت‌های واسعه الهیه که - ان شاء الله تعالی - بر این جلسه و امثال آن نازل خواهد شد بهره‌مند، و در شمار آن سعادت‌مندان محسوب شوم.

---

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴ (ج ۴، ص ۴۰)؛ سید رضی، خصائص الاثمه، ص ۱۰۷؛ لیشی واسطی، عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۶۴؛ آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۳۳۱؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۶۲. «کسی که به کار گروهی رضایت دهد مثل کسی است که در انجام کار همراه آنان بوده است».

### **اهمیت موضوع مهدویت**

کمر موضوعی پیدا می‌شود که مانند موضوع مهدویت و سخن گفتن از آن ولی یگانه، شنونده را به وجد و نشاط آورد، و کمتر نوشته‌ای مانند کتاب‌ها و مقالاتی که در ارتباط با معرفی آن حضرت نوشته شود خواننده دارد.

در طول سال، اگرچه دل‌های مؤمنان به یاد آن حضرت و حضور در مجالس و محافل ولایی مشغول است ولی همگان منتظر ایام بابرکت شعبان‌المعظم و در انتظار انجام مراسم دهه مبارکه مهدویت می‌باشند که عهد خود را با آن حضرت تجدید، و ایمان و شعور دینی خود را تازه و نو نمایند.

### **دهه مهدویت فرصت تدارک کاستی‌ها**

دهه فرخنده مهدویت، مکتب و دانشگاهی است که با آن کاستی‌هایی که به واسطه غفلت برخی در حیات دینی و سیاسی اسلامی و اخلاق اجتماعی پیش می‌آید تدارک می‌شود، و همگان به حفظ سنت‌های اسلامی و احترام از استقلال دینی ترغیب می‌شوند.

امروز دنیای به اصطلاح متمدن، بسیاری از قبایح و مظالم را فخر و مدح دانسته و از معنویات و فضایل و ایمان به عالم غیب کنار رفته و به بی‌معنایی و پوچی این جهان و ابتدال، گرایش دارد و به بهانه و اسم‌های به ظاهر خوب، فساد، فحشا و ملامتی و مناهی را ترویج می‌نماید.

### **حفظ عزت در گرو احیای امر ولایت**

در این اوضاع، حفظ استقلال، شخصیت دینی، افتخار به هویت مذهبی، ثبات و استقامت بر سنن اسلامی، اجتناب از وقوع در جاهلیت ثانیه و گرایش‌های انحرافی فکری و عملی باید وجهه همّت همه مخصوصاً جوانان عزیز باشد، و همگان با نصب‌العین قرار دادن آیه کریمه:

**(وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)<sup>۱</sup>**

عزّت و غیرت ایمانی خود را گرامی بدارند، و باتوجه به آن همواره در علم و تحصیل و قدرت و فرهنگ، رو به جلو و تقدّم، و در کسب مکارم و عزّت، کوشاتر باشند.

امثال این برنامه‌ها همه نشان از بیداری و هشیاری و آگاهی جوانان دارد، و این علائق خالصانه از سوی آنان که باعث احیای امر ولایت حضرت ولیّ عصر - ارواح العالمین له الفداء - می‌باشد، همه موجب امیدواری و نویدبخش آینده بهتر و درخشان‌تر و طلیعه جامعه‌ای پویاتر و مقاوم‌تر است.

در پایان، دست نیاز به درگاه خداوند متعال برداشته، و با حالت انابه و تضرّع عرض می‌کنیم:

خداوندا فرج موفورالسرور آن امام عزیز و مهربان را نزدیک فرما، و جهان را از عدالت واقعی و سعادت حقیقی در ظلّ عنایات آن حضرت برخوردار فرما، و پرچم اسلام راستین - که همان تشیع و ولایت اهل‌بیت<sup>۸</sup> است - را در سراسر دنیا در اهتزاز درآور.

**اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَمِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.**

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

**(وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)<sup>۲</sup>.**

**وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**

دهم شعبان المعظم ۱۴۳۳

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

۱. منافقون، ۸. «عزّت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است».

۲. آل‌عمران، ۱۳۹. «و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید».

پیام‌های مهدوی / پیام چهل و دوم..... ۴۶۱

---

۱. پیام به هشتمین جشنواره فرهنگی دهه مبارکه مهدویت، ۱۰ شعبان‌المعظم ۱۴۳۳ هـ. ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عِلْمًا وَقِسْطًا  
وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَهْلًا وَظُلْمًا وَجَوْرًا.

سلام بر دانشجویان عزیز، برگزارکنندگان همایش سراسری دانشجویی مهدویّت که با طرح معارف مهدوی، حرکت دانشجویان را به کسب علم، معرفت و فتح قلّه‌های بلند دانش و بینش شتاب می‌دهند، و قلب آقا و مولایشان را از دانشگاهیان پاک‌اعتقاد و دانشجویان نیک‌نهاد و مؤمنان مخلص به آن حضرت، شاد می‌نمایند.

### مشکلات دنیای معاصر

حضار محترم، فرهیختگان، دانشوران و اساتید بزرگوار!  
دنیای معاصر باهمه جلوه‌ها و ظواهر - که پیشرفت بشر را در صنایع و تکنولوژی همواره رو به جلو نشان می‌دهد و زندگی مادی را توسعه می‌دهد - در معنویّت و فضائل رو به عقب می‌رود؛ تنگناهای روحی و فشارهای باطنی، او را سخت نگران نموده است.

اطمینان قلبی، ارزش روحی و امید به آینده و بلکه حال خود را ندارد. تفسیر درستی از حیات ندارد و معنایی برای این تمدن مادی نمی‌یابد؛ و چنان جلوه می‌کند که جاهلیت دوّم در حال ظهور می‌باشد.

اکثریّت بزرگ بشر نسبت به امور انسانی و ممیّزات انسان از حیوان بی‌تفاوت

پیام‌های مهدوی / پیام چهل و سوم..... ۴۶۳

هستند. سرگرمی‌های به اصطلاح سالم و مسابقات آنها - که به آن افتخار می‌نمایند و مدال و جایزه می‌گیرند - در میدان افتخارات و ارزش‌های اصیل هرگز روح او را قانع نمی‌سازد و به‌طور موقت او را از نواقص و انحطاطی که در آن سقوط کرده غافل می‌نماید و این زندگی بی‌معنا، او را ناامید می‌کند.

چیزی که باعث امیدواری می‌باشد و بشر را به عالم غیب و شناخت صحیح از زندگی و نجات از سقوط کنونی و انحطاط حیوانی نوید می‌دهد، گرایش‌های مذهبی و وعده‌های خلاص و مژده‌های نجات است.

### **نقش گرایش به مهدویت در رفع مشکلات**

گرایش مهدویت، گرایش به عصر عدالت، عقلانیت و فضیلت است. تفسیری که با ایمان به مهدویت و ظهور منجی از عالم می‌شود، نگرانی‌ها را برطرف، و تحیرها را زایل می‌سازد.

خلقت عالم بیهوده نیست و حیات انسان و دیدن این همه برنامه‌ها، کسب معلومات و کشف اسرار کائنات، همه سیر، ترقی و صعود است.

هبوط‌ها و سقوط‌ها همه محکوم است. آینده بشر مثل آینده جنین در رحم مادر است که در پی آن محیط تنگ و تاریک، جهان وسیع؛ زمین، آسمان، منظومه‌ها، ماه، مهرها، اقیانوس‌ها، دریاها، کوه‌ها، زیبایی‌ها، باغ‌ها، گل‌ها، شکوفه‌ها و میلیاردها انسان و ... است.

### **بشارت‌های مهدوی در قرآن و روایات**

مهدویت، پیش‌بینی پیروزی عدل بر ظلم، علم بر جهل و روشنایی بر تاریکی است. این معنایی است که بشر را راضی می‌کند و به او نشاط و نیرو می‌دهد. این بشارت‌های قرآنی:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ)؛<sup>۱</sup>

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛<sup>۲</sup>

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)؛<sup>۳</sup>

و صدها بشارات قرآنی و روایی همه امیدبخش و نشاط آفرین است.  
و همچنین حضرت رسول اکرم<sup>۴</sup> در مثل این پیام و اعلامی که به اُمت و  
جهانیان داده است:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ

الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمًا فَيَمْلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَ

ظُلْمًا»؛<sup>۴</sup>

بقای دین، بقای اصول انسانیّت، عدالت و حکومت حضرت مهدی<sup>۵</sup> را بشارات  
و به آن تأکید بلیغ فرموده است.

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی<sup>۶</sup> در آخرالزمان همه خمودها، بی حرکتی‌ها،  
بی تفاوتی‌ها و غفلت‌ها را از بین می‌برد. این دعوت به اصلاح، دعوت به نظام  
استوار، صلح و خیر است و این مکتب را باید گرامی بداریم.

---

۱. انبیاء، ۱۰۵. «و به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند».

۲. قصص، ۵. «ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین مَتّ نهم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

۳. نور، ۵۵. «خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است».

۴. خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۱۶۵؛ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۱۷۰؛ نگارنده، منتخب الاثر، ج ۱، ص ۱۹۱. «اگر از دنیا حتی یک روز هم باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن‌چنان طولانی می‌کند تا مردی از اُمت من و اهل بیتم برخیزد، او که نامش، همانم من است و به وسیله او زمین، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده، از عدل و داد پر خواهد شد».



پیام‌های مهدوی / پیام چهل و سوم.....۴۶۵

در پرتو آن، همه ضعف‌ها را برطرف می‌سازیم، کشور را آباد می‌کنیم، با فسادها مبارزه می‌نماییم، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنیم و با این همایش‌ها، فراگیری مفهوم مهدویت را که جهان‌شمول است تبلیغ می‌کنیم.

این حرکتی که در جامعه ما در ارتباط با درک معانی مهدویت و التزام منتظران ظهور به اعلامی کلمه اسلام است غنیمت دانسته و مخصوصاً نسل جوان را به وسیله این مکتب ولایی و معرفت‌بخش از خطرات اعتقادی و اخلاقی بیمه می‌نماییم.

اینجانب در خاتمه با تشکر وافر از دانشجویان عزیز و حضرات اساتید محترم دانشگاه - ایدهم الله تعالی - که در این همایش و اجتماع نورانی شرکت کرده‌اند، از خداوند متعال برای همه تأیید و توفیق مسئلت می‌نمایم.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَاجْعَلْنَا مِنْ

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به همایش سراسری دانشجویی مهدویت با عنوان «رهپویان فرج»، کاشان، ۱۴۳۳ هـ. ق، مهرماه ۱۳۹۱ هـ. ش.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَدَّ كِرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ).<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ».<sup>۲</sup>

### بزرگداشت آغاز عصر مهدوی

یوم الله بزرگ نهم ربیع المولود، سالروز آغاز ظهور موفورالسرور ولایت و امامت حضرت ولی الله الأعظم امام مبین و حصن حصین، بقیة الله فی الأرضین موعود انبیاء مرسلین و مقصود از (فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)<sup>۳</sup> الامام الثانی عشر الحجة ابن الحسن المهدی - ارواح العالمین له الفداء - می باشد.

این روز مقدس را به ساحت مبارک آن ولی دوران و به عموم منتظران روزگار رهایی و عصر نجات و خلاص بشر از ظلم و بی عدالتی و استکبار، تبریک و تهنیت عرض می کنم. درحقیقت باید گفت از امروز و از درون تاریخ هجری، تاریخ پربرکت و نوین عصر مهدوی آغاز می شود.

۱. ابراهیم، ۵. «و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن».

۲. کفعمی، البلدالامین، ص ۲۸۶؛ همو، المصباح، ص ۴۹۸. «سلام بر مهدی که خداوند امتها را (به ظهور) او وعده فرموده است».

۳. ملک، ۳۰. «چه کسی برای شما آب روان می آورد؟».

پیام‌های مهدوی / پیام چهل و چهارم..... ۴۶۷

ملت شریف ایران و تمام شیعیان جهان افتخار دارند که چنین روز بزرگی را جشن گرفته و آن را عزیز و گرامی دارند.

### **وجود حجّت خدا بزرگ‌ترین نعمت هر عصر**

بزرگ‌ترین نعمت الهی در هر عصر و زمان، وجود ذی‌جود حجة‌الله است که به تصریح حضرت امیرالمؤمنین<sup>×</sup> زمین، خالی از وجود او نخواهد بود که یا ظاهر و مشهور و یا غایب و مستور است و اوست که آیات و بیّنات الهی را از زوال و بطلان نگه می‌دارد.<sup>۱</sup>

### **وظایف شیعیان در عصر غیبت**

از وظایف بسیار مهم شیعیان در عصر غیبت، شکر این نعمت بزرگ است که هرچه بیشتر و گسترده‌تر بروز داشته باشد آثار مفید و برکات آن موجب قُرب الهی و نشان از حیات و زنده بودن جامعه مهدوی دارد.

از مظاهر درخشان شکر این نعمت بالخصوص یاد حجّت خدا در ایّام متبرک و روزها و زمان‌های منسوب به آن حضرت و گرامیداشت این روزها و شب‌ها، به دعا و عبادت، اصلاح امور و شئون دینی، احیای امر آن امام عزیز و تجدید عهد و بازگشت به خدا و محاسبه نفس و مخصوصاً دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت است که افضل اعمال می‌باشد.

ما امروز وظیفه داریم که خصوصیات و امتیازات جامعه مهدوی و دولت کریمه الهی را به جهان معرفی نماییم که جهان تشنه عدل و مواسات و جهان خسته از ظلم و جنایات و قتل و خونریزی خود را برای روز رهایی و روز

---

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ (ج ۴، ص ۳۷)؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰ - ۱۷۱.

۴۶۸ ..... امامت و مهدویت / ج ۴

زیبای مهربانی آماده کند و امیدوار و منتظر وعده الهی برای برپایی حکومت  
واحد عدالت باشد که:

(إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً \* وَنَرَاهُ قَرِيباً)۱.

نهم ربیع المولود ۱۴۳۴

لطف الله صافی<sup>۲</sup>

---

۱. معارج، ۶-۷. «آنها آن روز را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم».  
۲. پیام به مناسبت نهم ربیع المولود ۱۴۳۴ هـ.ق، سالروز آغاز امامت حضرت#.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

أَنْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ).<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ».<sup>۲</sup>

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

با تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان عزیز و موفق کنگره ملی مهدویّت

دارالمؤمنین شوشتر

امید است حاصل این مجلس باعظمت که با حضور نخبگان و اندیشمندان و شخصیت‌های علمی حوزه و دانشگاه و دیگر اقشار آگاه و مشتاق برگزار می‌شود، موجب ارتباط بیشتر همگان با آستان آن ولیّ دوران و قطب عالم امکان - ارواح العالمین له الفداء - گردد.

### باور به مهدویّت عقیده‌ای اسلامی

یکی از اسلامی‌ترین مقبولات و باورهای مسلمین که از عصر رسالت تاکنون

۱. قصص، ۵. «و ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین، قرار دهیم».

۲. کفعمی، البلدالامین، ص ۲۸۶؛ همو، المصباح، ص ۴۹۸. «سلام بر مهدی که خداوند امت‌ها را (به

ظهور) او وعده داده است».

۴۷۰..... امامت و مهدویت / ج ۴

مسلمانان به آن دل بسته و ایمان داشته و دارند ظهور شخصی الهی در آخرالزمان است؛ شخصی که جهان را پر از علم و قسط و عدل نماید چنانکه از جهل و جور و ظلم پر شده باشد؛ شخصی که از برکت ظهورش، توحید اسلام جهانگیر و خاور و باختر و هر قاره و کشور تحت حکومت و حاکمیت احکام قرآن و عدالت حقیقی قرار خواهد گرفت.

### **ویژگی‌های عصر ظهور**

این عصری که جهان در پیش رو دارد در طول حضور بشر در روی زمین بی‌سابقه است و ویژگی‌های آن در عصر هیچ‌یک از انبیا و رجال، ظاهر نشده است؛ عصری که در آن زمین پر از عدل و قسط گردد و همه‌جا امنیت و آرامش و اطمینان حاکم گردد و میلیاردها بشر در همه‌جا تحت حکومت واحد و قانون واحد قرار بگیرند و برکات زمین و آسمان ظاهر گردد عصری نمونه است.

عصر مهدوی، یعنی نفی تمام ضعف‌ها و فسادها، یعنی انتظار چنان جامعه واحد جهانی و مدینه فاضله حقیقی که همه ارکان و اعضا و نهادهایش همان‌گونه که طرح آن از طرف شخص رسول اعظم<sup>۱</sup> داده شده، مانند اعضای بدن انسان واحد، انجام وظیفه می‌نماید.

مسیر همه جوامع به سوی این جامعه است و رسیدن بشر به این جامعه، سنت الهی و قاعده تخلف‌ناپذیر است، هرکس که بخواهد مانع از تحقق این جامعه مهدوی شود معارضة و ممانعت وی در هم کوبیده می‌شود.

### **سعادت بشر در عمل به اصول و مبانی جامعه مهدوی**

در اینجا تذکر این نکته مناسب است که تا دنیا به آن عصر و جامعه بزرگ مهدوی نرسیده است جامعه‌های فعلی اگر بخواهند در سعادت، آسایش، قدرت، قوت، عزت و عدالت، زندگی کنند باید همان اصول و مبانی جامعه مهدوی را

پیام‌های مهدوی / پیام چهل و پنجم..... ۴۷۱

اصل و مبنای حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود قرار دهند و آن را معیار بدانند و صلاح یا فساد خود را با آن بسنجند.

اکنون با این میزان از جوامع کوچک شهری و روستایی، می‌توان جامعه‌ای را که مهدوی است شناسایی کرد؛ در هر شهر و روستایی که حق رعایت می‌شود، از حق حمایت می‌کنند، به حق عمل می‌نمایند، اتحاد و برادری به چشم می‌خورد، تعلیم و تربیت صحیح و تقدیر از اخیار و دانشمندان در آنجا رایج است، در امانت، خیانت نمی‌کنند و خلاصه، حیات دینی و انسانی دارند؛ آن جامعه - اگرچه کوچک هم باشد - جامعه مهدوی است.

در جامعه مهدوی و مملکت امام‌زمان× اگر بخواهند انسان‌هایی را تشویق کنند و به آنها جایزه بدهند انسان‌های پاک، صادق، وارسته و دانشمندان هستند؛ انسان‌هایی که به فرهنگ اسلامی و اخلاق و سنت‌های الهی خدمت کنند نه به آنهایی که در جامعه، فساد و بی‌بندوباری و یاوه‌گویی و دروغ و قانون‌شکنی را ترویج کنند.

به آنهایی جایزه باید داد که رفتار و گفتارشان یکی باشد و جامعه را برای حکومت جهانی حضرت مهدی# آماده نمایند.

به امید روزی که همه احساس مسئولیت کنند و در رفع مشکلات و نابسامانی‌های مردم قدم بردارند.

در پایان، اینجانب به سهم خود از برگزارکنندگان عزیز این جلسه نورانی تشکر می‌کنم و از خداوند متعال تأیید و تسدید برای همگان مسئلت می‌نمایم.

**اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ**

بیستم جمادی‌الثانیه ۱۴۳۴

لطف‌الله صافی<sup>۱</sup>

---

۱. پیام به کنگره ملی مهدویت، شوشتر، ۲۰ جمادی‌الثانیه ۱۴۳۴ هـ.ق.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ».

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

با عرض ادب و احترام خدمت مسئولان و اعضای محترم مهدیه‌های سراسر کشور که به دعوت مجتمع عالی مهدیه اصفهان این همایش را برگزار می‌کنند. این گردهمایی را که موجب افتخار، اعلام وجود ولایی، تعظیم امر ولایت، ترویج و تعظیم مکتب انتظار و متضمن برکات است با تحسین و تقدیر وافر تبریک عرض می‌کنم؛ امید است در آینده نیز این همایش و تبادل نظرها و همکاری‌ها بین مهدیه‌ها ادامه یافته و تصمیمات این همایش جهت ترویج و نشر معارف ولایی و اعلام هدایت‌های مکتب اهل بیت<sup>ع</sup> و رساندن پیام‌های آن به جهان معاصر همواره شکوفا و مفید باشد.

### معرفی شخصیت ولی عصر<sup>ع</sup> بر اساس آیات و روایات

در شرایط کنونی که به عنایات غیبی، اقبال و استقبال مردم از جلوه‌های ولایی و اظهار شوق به یاد و تکریم آن حضرت و حضور در جلسات و سخنرانی‌ها پیرامون معرفت امام عصر<sup>ع</sup> روزافزون است و حرکتی معنوی را به سوی جلو و خودسازی تحت لوای اظهار اخلاص به آستان اقدس آن ولی خدا<sup>ع</sup> به وجود آورده است، چنان‌که از کتاب‌هایی که بیشتر خواننده و خریدار دارد و مجالس و



پیام‌های مهدوی / پیام چهل و ششم..... ۴۷۳

سخنرانی‌هایی که بیشتر به آن اظهار رغبت و حضور می‌شود و خصوص نسل جوان را به سوی این معارف بسیج نموده، معلوم است، اگر مؤسسات مهدیه سراسر کشور، این مراکز را تحت برنامه‌های برگرفته از آیات و روایات پیرامون معرفتی شخص و شخصیت آن یگانه ذخیره الهی و وظایف و تکلیف همگان در عصر غیبت - که عصر بزرگ امتحان و تمحیص الهی است - با مشورت از علما و محققان فعال نمایند، خدمتی است که همه شعب زندگی جامعه را می‌توان با آن اسلامی و موجب ترقی فکری، معنوی، اخلاق، سیاست، اقتصاد و فرهنگ قرار داد و نقاط ضعف را برطرف نمود، و از سیر جامعه به سوی فساد، ملامتی، مناهی و غرب‌گرایی جلوگیری نمود.

این عنوان، عنوانی است که با گستردگی تمام، همه شئون جامعه را زیر پوشش قرار می‌دهد و مصالح دین و دنیا را تأمین می‌نماید که اگر در این همایش‌ها عالمانه و آگاهانه، مسائل و مطالب مکتب انتظار و امید بشر به آینده جهان مطرح شود، همه مشکلات با آن برطرف می‌شود و برادری اسلامی و احکام اسلام احیا می‌گردد.

### **نقش مهدیه‌ها در تحقق جامعه مهدوی**

به عقیده اینجانب این بزرگ‌ترین وسیله‌ای است که جامعه شیعه و منتظران ظهور در اختیار دارند و باید آن را غنیمت شمرد که تحقق جامعه تمام مهدوی در مطبوعات، رسانه‌های اسلامی، اشخاص، نهادها، مجالس، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها باشد و این فاصله‌هایی که بین ما و نیل به این مقاصد در حال حاضر وجود دارد از میان برود.

### لقب «المهدی» در روایات

در پایان به مناسبت قداست اسم مهدیّه تذکر می‌دهم که یکی از القاب شریفه آقا حضرت ولیّ عصر - ارواح العالمین له الفداء - که مشهور و معروف است و از عصر پیغمبر اکرم<sup>۱</sup> و از زبان خود آن حضرت جاری شده و تا امروز همه مسلمانان آن موعود عزیز را به این لقب می‌خوانند، لقب «المهدی» است که تنها در کتاب *منتخب الاثر* بیش از دویست و هفتاد حدیث درباره این لقب عنوان شده است که از جمله خطبه اعجاز‌آمیز امیرالمؤمنین<sup>۲</sup> است که یکی از مشاهیر بزرگ و معروف در علم تاریخ جهان مخصوصاً تاریخ اسلام، مسعودی مقدمه کتاب و اثر مهم خود *مروج الذهب* را به آن مزین نموده است اشاره می‌نمایم.

این خطبه مشتمل بر مسائل و مطالب ژرف، عالی، خواندنی و دانستنی است که سزاوار است محققان بزرگ درک مطالب آن را وجهه همت قرار دهند. روایت این خطبه با این مطالب در مقدمه کتابی مثل *مروج الذهب*، دلیل اعتماد مسعودی بر آن و ایمان او به مضامین آن است. از جمله بخش‌های نورانی این خطبه در ارتباط با حضرت مهدی<sup>۳</sup> این فرازهای عالی است که اینجانب آن را به این همایش و حضار عزیز و بزرگوار هدیه می‌نمایم:

امام<sup>۴</sup> سخن را ادامه می‌دهد تا آنجا که می‌فرماید:

«فَكَانَ حَظُّ آدَمَ مِنَ الْخَيْرِ مَا أَرَاهُ مِنْ مُسْتَوْدَعِ نُورِنَا وَ لَمْ يَزَلِ

اللَّهُ تَعَالَى يَخْبَأُ النُّورَ تَحْتَ الزَّمَانِ إِلَى أَنْ فَصَلَ مُحَمَّدًا.»

إِلَى أَنْ قَالَ: «ثُمَّ انْتَقَلَ النُّورُ إِلَى غَرَائِزِنَا وَلَمَعَ مَعَ أُنْمَتِنَا فَنَحْنُ

أَنْوَارُ السَّمَاءِ وَأَنْوَارُ الْأَرْضِ فِينَا النَّجَاةُ وَمِنَّا مَكْنُونُ الْعِلْمِ وَإِنِّيْنَا

مَصِيرُ الْأُمُورِ وَبِمَهْدِيْنَا تَقَطُّعُ الْحُجُبِ وَخَاتِمَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَمُنْقِذُ الْأُمَّةِ

پیام‌های مهدوی / پیام چهل و ششم..... ۴۷۵

وَعَايَةُ النُّورِ وَمَصْدَرُ الْأُمُورِ فَحَنُّ أَفْضَلِ الْمَخْلُوقِينَ وَأَشْرَفُ  
الْمُوحَّدِينَ وَحَجَجُ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلْيُهَنَّأْ بِالنِّعْمَةِ مَنْ تَمَسَّكَ بِوَلَايَتِنَا  
وَقَبِضَ عَلَى عُرْوَتِنَا»<sup>۱</sup>.  
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَاجْعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ شَائِعَتِهِمْ  
الْمُخْلِصِينَ وَمِنْ أَنْصَارِ دِينِهِمْ وَالْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِ وَلَايَتِهِمْ أَجْمَعِينَ  
وَمِنَ الْمُسَارِعِينَ لِإِعْلَاءِ كَلِمَتِهِمْ وَالِدَّعْوَةِ إِلَى هُدَاهُمْ إِنَّهُ سَمِيعُ  
الدُّعَاءِ.

لطف‌الله صافی<sup>۲</sup>

---

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۲ - ۴۴؛ نگارنده، منتخب‌الاثر، ج ۲، ص ۹۳ - ۹۵. «بهره آدم از خیر، به همان مقداری بود که خداوند از نور به ودیعت سپرده شده ما در او فرود آورده بود و بر همین منوال خداوند تعالی پیوسته آن نور را در گذران زمان‌ها پنهان می‌داشت تا اینکه محمد را - که درود و سلام خدا بر او و اهل‌بیتش باد - برتری و فضیلت داد. سپس آن نور در طبیعت‌های ما منتقل شد و در امامان ما درخشید. پس ما نورهای آسمان و زمین هستیم، و به‌وسیله ما نجات و رستگاری خواهد بود و علم پنهان‌داشته نزد ما است و بازگشت امور به‌سوی ما است و با قیام مهدی ما حجّت‌ها خاتمه خواهد یافت. اوست خاتم پیشوایان و نجات‌دهنده امت و غایت نور و محل صدور امور. پس ما برترین آفریدگان و شریف‌ترین یکتاپرستان و حجّت‌های الهی هستیم. پس گوارا باد به نعمت الهیه کسی که به ولایت ما تمسک جوید و دستاویز ولایت ما را به دست گیرد».

۲. پیام به همایش سراسری مهدیه‌های سراسر کشور.



## كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغة، الامام على بن ابي طالب ×، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٣. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، حر عاملي، محمد بن حسن (م. ١١٠٤ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٢٥ق.
٤. اثبات الوصية للامام على بن ابي طالب ×، مسعودي، على بن حسين (م. ٣٤٥ق.)، قم، انتشارات انصاريان، ١٤٢٣ق.
٥. الاحتجاج، طبرسي، احمد بن على (م. ٥٦٠ق.)، النجف الاشرف، دار النعمان، ١٣٨٦ق.
٦. الاربعين، ماحوزي، سليمان بن عبدالله (م. ١١٢١ق.)، قم، مطبعة امير، ١٤١٧ق.
٧. الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، مفيد، محمد بن محمد (م. ٤١٣ق.)، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.
٨. ارشاد القلوب، ديلمى، حسن بن محمد (م. ٨٤١ق.)، قم، الشريف الرضى، ١٤١٢ق.
٩. اعلام الدين، ديلمى، حسن بن محمد (م. ٨٤١ق.)، قم، مؤسسة آل البيت<sup>١</sup> لاحياء التراث، ١٤٠٨ق.
١٠. اعلام الورى بأعلام الهدى، طبرسي، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق.)، قم، مؤسسة آل البيت<sup>١</sup> لاحياء التراث، ١٤١٧ق.

- ٤٧٨ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
١١. *اقبال الاعمال*، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى (م. ٦٦٤ق.)، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤١٤ق.
١٢. *الامالي*، صدوق، محمد بن على (م. ٣٨١ق.)، قم، مؤسسة البعثة، ١٤١٧ق.
١٣. *الامامة و التبصرة من الحيرة*، ابن بابويه، على بن حسين (م. ٣٢٩ق.)، قم، مدرسه امام مهدي، ١٤٠٤ق.
١٤. *امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع*، مقريزي، احمد بن على (م. ٨٤٥ق.)، تحقيق محمد نميسي، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
١٥. *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، مجلسي، محمدباقر (م. ١١١١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
١٦. *البرهان في تفسير القرآن*، بحراني، سيدهاشم حسيني (م. ١١٠٧ق.)، تهران، بنياد بعثت، ١٤١٦ق.
١٧. *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد*، صفار، محمد بن حسن (م. ٢٩٠ق.)، تهران، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٤ق.
١٨. *البلد الامين و الدرع الحصين*، كفعمي، ابراهيم بن على (م. ٩٠٥ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤١٨ق.
١٩. *تحف العقول عن آل الرسول*، ابن شعبه حراني، حسن بن على (م. قرن ٤)، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٤ق.
٢٠. *تصنيف غرر الحكم و درر الكلم*، آمدى، عبدالواحد بن محمد (م. ٥١٠ق.)، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٣٦٦ش.
٢١. *تفسير نور الثقلين*، حويزي، عبدعلى بن جمعه (م. ١١١٢ق.)، قم، انتشارات اسماعيليان، ١٤١٥ق.

- پیام‌های مهدوی / کتاب‌نامه..... ۴۷۹
۲۲. *تفسیر الصافی*، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. ۱۰۹۱ق.)، تهران، انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۲۳. *تفسیر الکبیر*، فخر رازی، محمد بن عمر (م. ۶۰۶ق.)، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۴. *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)*، ورام بن ابی فراس، مسعود بن ورام (م. ۶۰۵ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۸ش.
۲۵. *تهذیب الاحکام*، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۴ش.
۲۶. *الثاقب فی المناقب*، ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. ۵۶۰ق.)، قم، انتشارات انصاریان، ۱۴۱۲ق.
۲۷. *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، سیوطی، جلال‌الدین (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
۲۸. *الخصال*، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۲۹. *خصائص الائمة*، سید رضی، محمد بن حسین (م. ۴۰۶ق.)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
۳۰. *الدعوات*، قطب راوندی، سعید بن هبة‌الله (م. ۵۷۳ق.)، قم، مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۷ق.
۳۱. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، آلوسی، سید محمود (م. ۱۲۷۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین*، فتال نیشابوری، محمد بن حسن (م. ۵۰۸ق.)، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۵ش.

- ٤٨٠ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
٣٣. *زاد المعاد*، مجلسي، محمداقبر (م. ١١١١ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٢٣ق.
٣٤. *سنن الترمذي*، ترمذي، محمد بن عيسى (م. ٢٧٩ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق.
٣٥. *شرح نهج البلاغة*، ابن ابي الحديد، عزالدين (م. ٦٥٦ق.)، دار احياء الكتب العربية، ١٣٧٨ق.
٣٦. *صحيح مسلم*، مسلم نيشابوري، مسلم بن حجاج (م. ٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر.
٣٧. *الصحيفة السجادية*، الامام على بن الحسين (م. ٩٤ق.)، قم، نشر الهادي، ١٣٧٦ش.
٣٨. *عدة الداعي و نجاح الساعي*، ابن فهد حلي، احمد بن محمد (م. ٨٤١ق.)، قم، مكتبة وجداني.
٣٩. *علل الشرائع*، صدوق، محمد بن على (م. ٣٨١ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق.
٤٠. *عوامل العلوم و المعارف و الاحوال (الامام على بن ابي طالب\*)*، بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن ١٢)، قم، مؤسسه امام مهدي\*، ١٣٨٢ش.
٤١. *عيون الحكم و المواعظ*، ليثي واسطي، على بن محمد (م. قرن ٦)، قم، انتشارات دار الحديث، ١٣٧٦ش.
٤٢. *الغارات*، ثقفى كوفى، ابراهيم بن محمد (م. ٢٨٣ق.)، چاپخانه بهمن.
٤٣. *الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب*، امينى، عبدالحسين (م. ١٣٩٢ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٣٩٧ق.
٤٤. *الغيبة*، نعماني، محمد بن ابراهيم (م. ٣٦٠ق.)، قم، انتشارات انوارالهدى، ١٤٢٢ق.



- پیام‌های مهدوی / کتاب‌نامه..... ۴۸۱
۴۵. *الفتن*، ابن حماد، نعیم بن حماد مروزی (م. ۲۲۹ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۴۶. *الفصول المهمة فی معرفة الائمة*، ابن صباغ مالکی، علی بن محمد (م. ۸۵۵ق.)، قم، دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
۴۷. *الکافی*، کلینی، محمد بن یعقوب (م. ۳۲۹ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.
۴۸. *کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار*، محدث نوری، میرزا حسین (م. ۱۳۲۰ق.)، المطبعة الجديدة.
۴۹. *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، اربلی، علی بن عیسی (م. ۶۹۳ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
۵۰. *کشف المحجة لثمره المهجة*، ابن طاووس، سیدعلی بن موسی (م. ۶۶۴ق.)، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ق.
۵۱. *کفاية الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، خزاز قمی، علی بن محمد (م. ۴۰۰ق.)، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۵۲. *کمال الدین و تمام النعمة*، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۵۳. *کنز الفوائد*، کراجکی، محمد بن علی (م. ۴۴۹ق.)، قم، مکتبة المصطفوی، ۱۳۶۹ش.
۵۴. *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، هیثمی، علی بن ابی بکر (م. ۸۰۷ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
۵۵. *مدینة معاجز الائمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر*، بحرانی، سید هاشم حسینی (م. ۱۱۰۷ق.)، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.

- ٤٨٢ ..... امامت و مهدويت / ج ٤
٥٦. *مروج الذهب و معادن الجواهر*، مسعودي، علي بن حسين (م. ٣٤٥ق.)، قم، دار الهجرة، ١٤٠٩ق.
٥٧. *المسائل الخمسون في اصول الدين*، فخر رازي، محمد بن عمر (م. ٦٠٦ق.)، القاهرة، المكتبة الثقافية، ١٩٨٩م.
٥٨. *المستدرک على الصحيحين*، حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله (م. ٤٠٥ق.)، بيروت، دار المعرفة.
٥٩. *المسترشد في امامة امير المؤمنين علي بن ابي طالب*، طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن ٥)، مؤسسه فرهنگ اسلامي كوشانپور، ١٤١٥ق.
٦٠. *مسند ابي يعلى الموصلي*، ابويعلى موصلي، اسماعيل بن محمد (م. ٣٠٧ق.)، دمشق، دار المأمون للتراث.
٦١. *مسند احمد بن حنبل*، احمد بن حنبل، شيباني (م. ٢٤١ق.)، بيروت، دار صادر.
٦٢. *المصباح*، كفعمي، ابراهيم بن علي (م. ٩٠٥ق.)، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٣ق.
٦٣. *مصباح المنجد*، طوسي، محمد بن حسن (م. ٤٦٠ق.)، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.
٦٤. *المعجم الاوسط*، طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، دار الحرمين، ١٤١٥ق.
٦٥. *المعجم الكبير*، طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٤ق.
٦٦. *معدن الجواهر و رياضة الخواطر*، كراچكي، محمد بن علي (م. ٤٤٩ق.)، تهران، المكتبة المرتضوية، ١٣٥٣ش.
٦٧. *مناقب آل ابي طالب*، ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. ٥٨٨ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.

پیام‌های مهدوی / کتاب‌نامه..... ۴۸۳

۶۸. *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، صافی گلپایگانی، لطف‌الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی، ۱۴۳۰ق.

۶۹. *نزہة الناظر و تنبیہ الخواطر*، حلوانی، حسین بن محمد (م. قرن ۵)، قم، مدرسة الامام المهدی، ۱۴۰۸ق.

۷۰. *الوافی*، فیض کاشانی، محسن بن مرتضی (م. ۱۰۹۱ق.)، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی، ۱۴۰۶ق.

۷۱. *وسائل الشیعة*، حر عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، مؤسسة آل البيت<sup>ا</sup> لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.

۷۲. *ینایع المودة لذوی القربی*، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (م. ۱۲۹۴ق.)، دار الاسوة، ۱۴۱۶ق.



**آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف**  
**در یک نگاه**

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
<b>قرآن و تفسیر</b>			
۱	تفسیر آیه فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیه التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیه الانذار	عربی	—
۵	پیامهای قرآنی	فارسی	—
<b>حدیث</b>			
۶	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر <sup>×</sup> در ۳ جلد	عربی	اردو / انگلیسی
۷	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر <sup>×</sup> در ۶ جلد	فارسی	—

—	عربی	فضائل العترة الطاهرة <sup>۸</sup>	۸
—	عربی	غیبة المنتظر	۹
—	عربی	قبس من مناقب امیر المؤمنین × (مئة وعشر حدیث من کتب عامه)	۱۰
—	فارسی	پرتوی از فضائل امیر المؤمنین × در حدیث	۱۱
—	عربی	احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها	۱۲
—	عربی	احادیث الفضائل	۱۳
<b>فقه</b>			
—	فارسی	توضیح المسائل	۱۴
—	فارسی	منتخب الاحکام	۱۵
انگلیسی	فارسی	احکام نوجوانان	۱۶
—	فارسی	جامع الاحکام در ۲ جلد	۱۷
—	فارسی	آیین قضاوت در اسلام (استفتائات قضایی)	۱۸
—	فارسی	استفتائات پزشکی	۱۹
عربی	فارسی	مناسک حج	۲۰

عربی	فارسی	مناسک عمره مفرده	۲۱
—	فارسی	هزار سؤال پیرامون حج	۲۲
—	آذری	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	۲۳
—	فارسی	پاسخ کوتاه به ۵۷۰ پرسش از احکام	۲۴
—	فارسی	احکام خمس	۲۵
—	فارسی	اعتبار قصد قربت در وقف	۲۶
—	فارسی	رساله در احکام ثانویه	۲۷
—	عربی	فقه الحج در ۴ جلد	۲۸
—	عربی	هدایة العباد در ۲ جلد	۲۹
—	عربی	هدایة السائل	۳۰
—	عربی	حواشی علی العروة الوثقی	۳۱
—	عربی	القول الفاخر فی صلاة المسافر	۳۲
—	عربی	فقه الخمس	۳۳
—	عربی	أوقات الصلاة	۳۴
—	عربی	التعزیر (احکامه وملحقاته)	۳۵

فارسی	عربی	ضرورة وجود الحكومة	٣٦
—	عربی	رسالة فى معاملات المستحدثة	٣٧
—	عربی	التداعى فى مال من دون بينة و لا يد	٣٨
—	عربی	رسالة فى المال المعين المشتبه ملكيته	٣٩
—	عربی	حكم نكول المدعى عليه عن اليمين	٤٠
—	عربی	ارث الزوجة	٤١
—	عربی	مع الشيخ جاد الحق فى ارث العصبه	٤٢
—	عربی	حول ديات ظريف ابن ناصح	٤٣
—	عربی	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)	٤٤
—	عربی	الرسائل الخمس	٤٥
—	عربی	الشعائر الحسينية	٤٦
آذرى	—	آنچه هر مسلمان بايد بداند	٤٧
—	عربی	الرسائل الفقهية من فقه الامامية	٤٨
—	عربی	الاتقان فى احكام الخلل والنقصان	٤٩



اصول فقه			
—	عربی	بیان الاصول در ۳ جلد	۵۰
—	عربی	رسالة فی الشهرة	۵۱
—	عربی	رسالة فی حکم الاقل والاكثر فی الشبهة الحکمیة	۵۲
—	عربی	رسالة فی الشروط	۵۳
عقاید و کلام			
—	فارسی	عرض دین	۵۴
—	فارسی	به سوی آفریدگار	۵۵
—	فارسی	الهیات در نهج البلاغه	۵۶
—	فارسی	معارف دین در ۳ جلد	۵۷
—	فارسی	پیرامون روز تاریخی غدیر	۵۸
—	فارسی	ندای اسلام از اروپا	۵۹
—	فارسی	صبح صادق	۶۰
—	فارسی	نگرشی بر فلسفه و عرفان	۶۱

—	فارسی	نیایش در عرفات	۶۲
—	فارسی	سفرنامه حج	۶۳
—	فارسی	شهید آگاه	۶۴
—	فارسی	امامت و مهدویت (۴ جلد)	۶۵
—	فارسی	نوید امن و امان	۶۶
عربی	فارسی	فروغ ولایت در دعای ندبه	۶۷
—	فارسی	ولایت تکوینی و ولایت تشریحی	۶۸
—	فارسی	معرفت حجّت خدا	۶۹
—	فارسی	عقیده نجات بخش	۷۰
—	فارسی	نظام امامت و رهبری	۷۱
عربی	فارسی	اصالت مهدویت	۷۲
—	فارسی	پیرامون معرفت امام	۷۳
آذری	فارسی	پاسخ به ده پرسش	۷۴
—	فارسی	انتظار، عامل مقاومت و حرکت	۷۵

—	فارسی	وابستگی جهان به امام زمان	۷۶
—	فارسی	تجلی توحید در نظام امامت	۷۷
—	فارسی	باورداشت مهدویت	۷۸
انگلیسی	فارسی	به سوی دولت کریمه	۷۹
عربی	فارسی	گفتمان مهدویت	۸۰
—	فارسی	پیام‌های مهدوی	۸۱
انگلیسی	فارسی	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه	۸۲
—	فارسی	گفتمان عاشورایی	۸۳
—	فارسی	مقالات کلامی	۸۴
—	فارسی	صراط مستقیم	۸۵
—	عربی	الی هدی کتاب الله	۸۶
—	عربی	ایران تسمع فتجیب	۸۷
—	عربی	رسالة حول عصمة الانبياء والائمة	۸۸
—	عربی	تعليقات على رسالة الجبر والقدر	۸۹

—	عربى	لمحات فى الكتاب والحديث والمذهب	٩٠
—	عربى	صوت الحق ودعوة الصدق	٩١
—	عربى	رد اكدوبة خطبة الامام على X. على الزهراء ÷	٩٢
اردو/ فرانسى	عربى	مع الخطيب فى خطوطه العريضة	٩٣
—	عربى	رسالة فى البداء	٩٤
—	عربى	جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثنى عشر ^	٩٥
—	عربى	حديث افتراق المسلمين على ثلاث وسبعين فرقة	٩٦
—	عربى	من لهذا العالم؟	٩٧
—	عربى	بين العلمين، الشيخ الصدوق والشيخ المفيد	٩٨
—	فارسى	داورى ميان شيخ صدوق و شيخ مفيد	٩٩
—	عربى	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمان»	١٠٠
—	عربى	امان الامة من الضلال والاختلاف	١٠١

—	عربی	البكاء على الامام الحسين ×	۱۰۲
—	عربی	النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة	۱۰۳
—	فارسی	پیام غدیر	۱۰۴
<b>تربیتی</b>			
—	فارسی	عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان	۱۰۵
—	فارسی	بهار بندگی	۱۰۶
—	فارسی	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	۱۰۷
—	فارسی	با جوانان	۱۰۸
<b>تاریخ</b>			
—	فارسی	سیرحوزه های علمی شیعه	۱۰۹
—	فارسی	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	۱۱۰
<b>سیره</b>			
—	فارسی	پرتوی از عظمت امام حسین ×	۱۱۱
—	فارسی	آینه جمال	۱۱۲

—	فارسی	از نگاه آفتاب	۱۱۳
—	فارسی	اشک و عبرت	۱۱۴
<b>تراجم</b>			
—	فارسی	زندگانی آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی	۱۱۵
—	فارسی	زندگانی جابر بن حیان	۱۱۶
—	فارسی	زندگانی بوداسف	۱۱۷
—	فارسی	فخر دوران	۱۱۸
<b>شعر</b>			
—	فارسی	دیوان اشعار	۱۱۹
—	فارسی	بزم حضور	۱۲۰
—	فارسی	آفتاب مشرقین	۱۲۱
—	فارسی	صحيفة المؤمن	۱۲۲
—	فارسی	سبط المصطفی	۱۲۳
—	فارسی	در آرزوی وصال	۱۲۴

مقاله‌ها و خطابه‌ها			
—	فارسی	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	۱۲۵
—	فارسی	حدیث خوبان	۱۲۶
—	فارسی	دیدارها و رهنمودها	۱۲۷
—	فارسی	شب‌پرگان و آفتاب	۱۲۸
—	فارسی	شب عاشورا	۱۲۹
—	فارسی	صبح عاشورا	۱۳۰
—	فارسی	با عاشوراییان	۱۳۱
—	فارسی	رسالت عاشورایی	۱۳۲

